جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
یک‌شنبه ۱۱ دی ۱۴۰۱ - ۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴
سال بیست‌وچهارم - شماره ۶۶۶۳ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

اجتماعی

قرار بود با تأثیر دادن نمره امتحانات نهایی در کنکور، شاخ این غول را بشکنند اما تلاش گسترده برای تقلب در امتحانات نهایی این غول بی‌شاخ و دم را دوباره از چراغ جادو بیرون کشیده است

غول کنکور در هیبت امتحانات نهایی بازگشت!

معاون اجتماعی پلیس فتا در گفت و گو با «جوان»: در موضوع فروش سؤالات امتحانات نهایی کانال‌های بسیاری را شناسایی کرده‌ایم و ۹ پرونده به مرجع قضایی معرفی شده‌است و چندین نفر دستگیر شده‌اند | صفحه۳

سیاسی

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار خانواده آیت‌الله مصباح یزدی

فکر آیت‌الله مصباح را در ذهن مخاطب بنشانید

■ در مورد حفظ آثار، نکته‌ای که وجود دارد، این است که نگذاریم این آثار کهنگی پیدا کند. یعنی آن روزی که ایشان این مؤسسه امام خمینی را راه انداختند، یک کار تازه‌ای بود؛ آیا امروز هم اگر به همان شکلی که اول راه افتاده، اداره بشود، باز هم تازه است؟ این، جای سؤال است | صفحه ۲

بین‌الملل

شهادت سردار سلیمانی ترجمان موج پنجم تروریسم است

■ رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در جریان نشستی با حضور سخنگوی وزارت خارجه و رئیس کمیته ویژه پیگیری حقوقی و بین‌المللی پرونده ترور شهید سلیمانی، ترور فرمانده فقید نیروی قدس را عامل تبیین کننده موج پنجم تروریسم دانست که بسیار با تروریسمی که ماه‌های اخیر در کشور رخ داده است، شباهت دارد | صفحه ۱۵

بین‌الملل

طومار اعتراض خیابانی علیه نتانیاهو

■ تندروترین کابینه رژیم صهیونیستی سومین روز خود را با موجی گسترده از مخالفت‌ها در داخل پشت سر گذاشت. روشنفکران، نویسندگان، اساتید دانشگاه، نمایشنامه‌نویسان، کارگردانان و بازیگران عریضه‌ای امضا کرده‌اند که خواستار حضور در خیابان‌ها علیه کابینه بنیامین نتانیاهو هستند. وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی، با ابراز نگرانی نسبت به افزایش تنش‌ها در سرزمین‌های اشغالی با روی کار آمدن کابینه جدید گفت که «بنیامین نتانیاهو» برای امنیت داخلی این رژیم خطرناک است | صفحه ۱۵

اقتصادی

برگریزان دلار، طلا، سکه، بورس و خودرو

■ نرخ دلار در بازار آزاد از محدوده ۴۴هزار تومان به کمتر از ۴۰هزار تومان نزول کرد و به دنبال آن بازار طلا و سکه، خودرو و بازار بورس اوراق بهادار تهران نیز با افت مواجه شد. به‌نظر می‌رسد فرمان عقبگرد فعلاً جواب داده است. مردم فروشنده دلار و سکه شدند | صفحه ۴

گفت‌وگو با یکی از اقوام شهید یوسف داورپناه که پس از شکنجه‌های ضدانقلاب به شهادت رسید

چادر مشکی مادر برای تکه‌های پیکر یوسف کفن شد

■ این روزها نمی‌شود روایت زندگی یوسف را از زبان مادرش شنید. نام یوسف و یادآوری آن روزهای اسارت و شکنجه و پیکر چاک‌چاک و تدفینش در تنهایی، مادر را بی‌تاب می‌کند؛ مادری که این سال‌ها با هر بار یادآوری یوسف دلش خون می‌شود و اشک می‌ریزد و دردهایش را ناگفته و حرف‌هایش را سر به مهر نگه می‌دارد؛ حرف‌هایی که شاید هر کسی توان شنیدنش را نداشته باشد. او شنیده بود که یکی از آن خدا بی‌خبرها بعد از شهادت یوسف تکه‌ای از جگرش را برداشته و به عروس خانه‌اش که باردار بوده و ویار داشت می‌دهد! سخت‌ترین لحظه اسارت و شهادت یوسف داورپناه برای مادر همین خاطره تلخ و عجیب است که هیچ‌گاه نمی‌خواهد آن را به زبان بیاورد | صفحه ۸

منافقین، مرصاد، شکست تاریخی و افسردگی جمعی!

منافقین در مرصاد اسیر نمی‌گرفتند فقط می‌کشتند

■ منافقین و آنان که خواسته یا ناخواسته فریب آنان را در جنگ هیبریدی اخیر خورده‌اند، حالی شبیه تجربه شکست در فردای عملیات مرصاد دارند! تزریق بیش از حد امید متوهانه و رسیدن به پایانی پوچ، بسیاری از نیروها و سمپات‌های این گروه را سرخورده ساخت و در نهایت، یکی از سخت‌ترین ضربات را به این گروه وارد آورد. خوانشی از آغاز و انجام این رویداد تاریخی، تجربه‌ای مهم را درباره امیدآفرینی‌های پوچ در تاریخ معاصر در اختیار ما قرار می‌دهد | صفحه ۹

گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید احمد وکیلی ناطق

ضد انقلاب پس از شهادت احمد گوشت تنش را خوردند!

■ «سعید(احمد) ۷۵ روز زیر شکنجه بود. ابتدا به هر پایش نعل کوبیدند و به همین ترتیب او را برای آوردن چوب و سنگ به بیگاری بردند. پس از دادگاهی شدن به شکنجه و مرگ محکوم شد. دستش را از بازو بریدند و پس از یک معالجه سطحی با دستگاه‌های برقی تمام صورتش را سوزاندند...» متن فوق بخشی از لحظاتی است که شهید احمد وکیلی در اسارت گذراند. روایتی که حتی به ما جرئت همکلامی با مادر و پدر شهید را نداد. بنابراین برای آشنایی با زندگی شهید احمد وکیلی که نام دیگرش سعید است، سراغ برادرش رفتیم | صفحه ۷

نویسنده و کارگردان کرمانی «لوپتو» در گفت‌وگو با «جوان»:

سریال لوپتو را هم می‌سازیم

■ عباس عسگری: ساخت لوپتو حدود دو سال و نیم طول کشید که مشابه زمانی است که در هالیوود شرکت‌هایی مانند پیکسار برای ساخت یک فیلم سینمایی انیمیشنی وقت می‌گذارند. فقط تفاوت ما این است که در آنجا حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ انیماتور برای هر فیلم سینمایی کار و زمان بیشتری برای پیش تولید صرف می‌کنند | صفحه ۱۶

یادداشت سیاسی

علی حسن حیدری

نقش سردار سلیمانی در شکست راهبردهای منطقه‌ای امریکا

شهید سلیمانی به عنوان مغزمتفکر مقاومت، نقشی بنیادین در شکست راهبردهای امریکا در منطقه غرب آسیا داشت. ایشان به عنوان فرمانده استراتژیست هم در سطح تاکتیک، هم در سطح راهبردی و هم در سطح کلان به عنوان سیاستمدار در میدان ایفای نقش می‌کرد. محور مقاومت به فرماندهی شهید توانست فتنه بزرگی را که در حال شکل گیری بود خنثی کند و وضعیت را به مرحله ثبات فعلی برساند. سرداردل‌ها در ابعاد مختلفی در شکست راهبردهای امریکا برای شکل دادن به معادلات سیاسی و امنیتی جدید در منطقه تأثیر گذار بود | صفحه ۲

ویژه جوان

روحانی خوب از نگاه رادیو فردا روحانی مخالف حاکمیت است

یک پژوهشگر حوزه رسانه با جست‌وجوی دو کلیدواژه «آخوند» و «مولوی» در سایت رادیوفردا، در توئیتی نوشته که «رسانه کاخ سفید ۲۹۲۰ دفعه از آخوند برای روحانیون شیعه و ۱۴۹۰۰ مرتبه از مولوی برای بزرگان اهل سنت استفاده کرده است. از دید رادیو فردا تنها وقتی یک آخوند به روحانی یا حجت‌الاسلام ارتقامی یابد که روبه‌روی حاکمیت بایستد. سیاست اختلاف افکنی عموسام، هم داخل شیعه و هم با اهل تسنن تشدید شده است.» محمد لسانی در این توئیت به خبر دستگیری یک روحانی ضدانقلاب در رادیو فردا ـ مربوط به خرداد ماه ـ با تیتر «روحانی معترض در مرز بازرگان دستگیر شد» اشاره کرده است | صفحه ۲

یادداشت میهمان

ضیغم آخوندزاده

کارنامه سه‌ماهه اصلاح‌طلبان در آشوب

اصلاح‌طلبان که همواره خود را مدعی خط امام و بازوی نظام جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند، در سه‌ماهه التهاب کشور چگونه عمل کردند؟ اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم چه باید بگوییم؟ بدون تردید اصلاح‌طلبان درون کشور دنبال اغتشاش نبودند و از اغتشاش استقبال نکردند اما همه آنچه انجام دادند بدتر از کار منافقان مدینه در صدر اسلام بود. البته بخشی در این سه ماه سکوت کردند و بخشی در رسانه رسمی و غیررسمی فعال بودند که اینجا می‌پردازیم. ابتدا آتش تهیه مهسا امینی را ریختند | صفحه ۲

یادداشت ورزشی

دنیا حیدری

عادتی که در فوتبال به وقاحت تبدیل شده | صفحه ۱۳

یادداشت اجتماعی

مصطفی غفاری

بنیانگذاری دانش در دانش‌بنیان‌ها

چطور می‌توان به بهبود جایگاه و عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان کشور کمک کرد؟ آیا می‌توان با تدوین سلسله برنامه‌هایی مدون و با مدنظر قرار دادن و کمک گرفتن از زیرساخت‌های موجود کشور، همچون مراکز علمی و پارک‌های علمی و فناوری، به ارتقای شرکت‌های دانش‌بنیان کمک و در پی آن، کشور را در حل مسائل و مشکلات یاری کرد؟ | صفحه ۳

یادداشت اجتماعی

شهراد شاهرخی طهرانی

معضل فمینیسم و تبعیض

متأسفانه جریانی به راه افتاده‌است که اساس خانواده و بنیان نظام اجتماعی را هدف قرار داده‌است و باعث بر هم زدن نظام خانواده و مهم‌تر از آن باعث از بین رفتن اصول اخلاقی در جامعه می‌شود. فمینیسم امروزه به «دفاع از حقوق اساسی زنان براساس آرمان برابری‌طلبی» اطلاق می‌شود | صفحه ۳

وهابیت مدرن فوتبالیست!

■ غلامرضا صادقیان | سردبیر

هر تفسیر و تحلیلی از فوتبال بدون درنظر گرفتن آن به عنوان یک صنعت، غلط از آب درمی‌آید. چه، تحلیل چرایی قهرمانی یک تیم در جام‌جهانی و چه، رفتن کریستیانو رونالدو به تیمی عربی در ریاض پایتخت سعودی!

قضیه آن‌قدر عجیب بود که در یک‌ماهه اخیر حتی نزدیکان رونالدو و بسیاری از فوتبال‌نویسان دنیا آن را محال می‌دانستند. اما سعودی‌ها آن‌قدر قیمت را بالا بردند، تا رونالدو تسلیم شد. ۲۰۰میلیون‌یورو در سال به اضافه یک قصر شاهانه و چیزهای دیگری که در عقل نمی‌گنجد. اینکه چرا رونالدو که قبلاً دیگران را به‌خاطر بازی در قطر(ژاوی) یا حتی بازی در امریکا تمسخر می‌کرد، و می‌گفت خودش فقط در اوج (بازی در چمپیونزلیگ) بازنشسته خواهد شد، حالا به تیمی رفته که حتی در لیگ قهرمانان آسیا هم نیست، تحلیل دشواری ندارد. اما آن روی قضیه یعنی چرا سعودی‌ها چنین هدفی را دنبال کردند، تحلیل خاصی دارد.

رونالدو حتی اگر بازی در عربستان زهرمارش شود، آن را با چیز دیگری شیرین کرده است. اما شیرینی سعودی‌ها در چیست؟! رونالدو خوب می‌داند که محتمل است در سال آینده به‌خاطر همگروه‌شدن با تیم‌هایی از عراق و ایران مجبور شود فی‌المثل در ورزشگاه‌های ایران به دیدار گل‌گهر سیرجان یا نساجی مازندران برود یا در بحرین و عراق به‌دیدار تیم‌هایی که حتی اسمی از آنان در جهان فوتبال نیست، اما این را پذیرفته است و حتی گویا قرار است در ادامه سفیر سعودی برای تبلیغ میزبانی جام‌جهانی ۲۰۳۰ شود، اما صرفه و هدف اصلی سعودی‌ها از این استخدام فراتر از یک بازیکن و یک سفیر در چیست؟

سعودی‌ها برنامه بلندی برای جهش به دنیای مدرن و جهانی‌شدن و فاصله‌گرفتن از سنت‌ها دارند و برای این هدف نیازمند بازیگران و قهرمانان جهانی هستند. تاریخ سعودی دو قرن است نه ۱۴قرن، یعنی از زمان تسلط محمدبن‌عبدالوهاب، نه از زمان ظهور اسلام. مدرن‌شدن و فاصله گرفتن از سنت دینی به‌معنای کنار گذاشتن وهابیت نیست. وهابیت همچنان که در ظهور و بروز، ریشه‌های استعماری دارد، باقی خواهد ماند و چه‌بسا شتاب سعودی به سوی دنیای مدرن، با وهابیت آسان‌تر از مذهب واقعی اسلامی باشد. درواقع وهابیت سنتی در سعودی رنگ باخته و جای خود را به نسخه مدرن از وهابیت داده است تا جاه‌طلبی‌های بن‌سلمان و نقشه غربی و صهیونیستی عرفی‌سازی سرزمین وحی در آن قابل اجرا باشد.

پروژه عظیم شهر «نئوم» با هزینه ۵۰۰میلیارددلاری فقط یکی از برنامه‌های سعودی برای جهش به دنیای مدرن است. انتقال پرسروصدای رونالدو به النصر، ذره‌ای و بخش کوچکی از این مدرن‌سازی به‌حساب می‌آید. خادم حرمین‌شریفین پیش از این‌ها مدرن‌سازی را با محو تاریخ اسلام از حرمین شریفین آغاز کرده بود. فقط همان برج ساعت که چون بختکی روی کعبه سایه انداخته است، با تخریب بخشی از خالص‌ترین نمادهای اسلامی، بنا شد و به جز طبقات بالای این آسمانخراش که به سران سعودی اختصاص دارد، در بقیه طبقات پیتزا و لباس‌زنانه ایتالیایی و چینی و محصولات فرانسوی و امریکایی فروخته می‌شود و یک ضدنماد واقعی است که هر نمازگزاری در کعبه سر از سجده برمی‌دارد، باید آن را مقابل چشم خود ببیند.

رونالدو در این مدرن‌سازی و عبور از فرهنگ دینی که بدون بحث فرهنگ تقبیح تکاثر و دنیاپرستی است، قرار است به‌عنوان یکی از صدها شخصیت مستخدم سعودی، جایگزین قهرمانان دینی شود که با آن قهرمانان نمی‌توان کارناوال مدرن‌سازی را پیش برد. اینکه خود رونالدو به این امر واقف است یا نه، اهمیتی ندارد و البته خود او غافل و فارغ از این ماجراست. همان‌طور که وقتی اردوغان نیمکت‌نشینی رونالدو را در دو بازی آخر پرتغال در جام‌جهانی، پروژه‌ای صهیونیستی و به خاطر حمایت رونالدو از فلسطین نامید، شاید خود رونالدو به آن ناباور بود. رونالدو البته بارها از فلسطینی‌ها حمایت کرده است(برخلاف مسی)، اما اردوغان که تا گردن در دیگ عادی‌سازی صهیونیست‌ها فرورفته است، از رونالدو صرفاً برای یک اظهارلحیه مقابل صهیونیست‌ها بهره می‌برد، نه بیشتر.

سعودی‌ها قهرمان دین و قهرمان حرمین شریفی که نام خادمی آن را به‌دنبال می‌کشند، نیستند. در سال‌های آتی برای طرح‌های مدرن‌سازی خود دلارهای توقف‌ناپذیری را صرف قهرمانان بازنشسته و روبه‌افول دنیای مدرن خواهند کرد تا در یک برنامه جهانی‌شدن، با ایمنی بیشتری به جلو بروند. در آیین وهابیت ساختن قبور برای درگذشتگان قدیس و معصوم و توسل به آنان حرام و ساختن قصر و توسل به ناقدیسان که در قید حیات دنیایی‌اند، مباح است. پیروزی نهایی اما با «النصر» و سعودی نیست که خدا به صالحان وعده نصر و پیروزی نهایی داده است.

یادداشت

نقش سردار سلیمانی در شکست راهبردهای منطقه‌ای امریکا

علی‌حسن حیدری
کارشناس مسائل بین‌الملل

شهید سلیمانی به عنوان مغزمتفکر مقاومت، نقشی بنیادین در شکست راهبردهای امریکا در منطقه غرب آسیا داشت. ایشان به عنوان فرمانده استراتژیست هم در سطح تاکتیک، هم در سطح راهبردی و هم در سطح کلان به عنوان سیاستمدار در میدان ایفای نقش می‌کرد.

محور مقاومت به فرماندهی شهید توانست فتنه بزرگی را که در حال شکل‌گیری بود خنثی کند و وضعیت را به مرحله ثبات فعلی برساند. سردار دل‌ها در ابعاد مختلفی در شکست راهبردهای امریکا برای شکل دادن به معادلات سیاسی و امنیتی جدید در منطقه تأثیر گذار بود. شهید موفق شد با تحمیل شکست تاریخی به امریکا در پیاده‌سازی طرح خاورمیانه جدید، نقش تاریخی خود را در شکل دهی به راهبردهای سیاسی و نظامی قرن بیست و یکم به منصه حضور برساند.

با شناخت نقش سردار سلیمانی در شکست راهبردهای امریکا در منطقه می‌توان به فلسفه کینه و دشمنی امریکا نسبت به سردار دل‌ها پی برد،امریکایی‌ها چهار سیاست اصلی برای بازسازی چهره و پیشبرد اهداف راهبرد درمنطقه تعقیب می‌کردند: ۱. تلاش برای بازسازی قدرت خود درمنطقه خاورمیانه؛ ۲. تثبیت رژیم صهیونیستی؛ ۳. تضعیف و مهار جمهوری اسلامی ایران و ۴. قرار دادن قدرت‌های محورمقاومت در وضعیت اضمحلال و بحران مستمر. اما امریکا در هر چهارسیاست با ناکامی مواجه شد. دلیل این ناکامی را نیز باید در شکست فرماندهان و استراتژیست‌های امریکا در نبرد راهبردی با مغزمتفکر جبهه مقاومت جست وجو کرد. برهمین اساس بود که امریکا سپهبدسلیمانی را دشمن درجه یک خود می‌دانست.

به نوشته مارکوس تنوریو، مورخ و متخصص روابط بین الملل در میدل ایست مانیتور تفکر، تصمیمات و اقدامات راهبردی شهید اثری ماندگار در تثبیت جریان مقاومت و شکست راهبردی امریکا داشت. از این رو مهم‌ترین دلایل ترور سردار سلیمانی، به نقش مؤثر و تعیین‌کننده وی در پیروزی مقاومت در برابرامریکا و تضعیف موقعیت آن به عنوان بازیگرمؤثر در منطقه، قطع جریان صادرات تسلیحات امریکا به داعش و گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، شکست هسته‌های تروریستی دست ساز امریکا، تثبیت محور مقاومت به عنوان یک جریان ضد سلطه در منطقه و نقش کلیدی در پیروزی مقاومت در منطقه و توفیق او در شکل دادن به بسیج مردمی در کشورهای محورمقاومت به‌ویژه در کشورهای عراق، سوریه، یمن و لبنان دانست.

به گفته تنوریو، امریکا تصمیم به ترور ژنرالی گرفت که نماد مقاومت در برابر گروهک‌های تروریستی بود. و در سال‌های نبرد با امریکا ائتلاف طرفدار آن توانسته بود با درایت تهدیدها را به فرصت تبدیل کند؛ امنیت پیرامونی جمهوری اسلامی ایران را افزایش دهد، و نفوذ و نقش ایران درمنطقه را ارتقا ببخشد؛ همچنین تثبیت حکومت کشورهای ضد امریکایی و صهیونیستی در منطقه را به وجود بیاورد و درناپایدارسازی امنیت رژیم صهیونیستی موفق عمل کند.

راهبرد اتخاذشده از سوی سلیمانی برای شکست دادن توطئه‌های جنگی امریکا و اسرائیل، حملات و تبلیغات بین‌المللی، مجموعه‌ای از ارتباطات تاکتیکی و اثرگذاری نظامی و دیپلماتیک بوده است.

سردار سلیمانی درمقابل راهبرد ائتلاف‌سازی امریکا، با تکیه به ملاحظات ملی (مربوط به سرزمین ایران) و فراملی (عمدتاً مربوط به جهان اسلام) راهبرد سیاسی، رسانه‌ای و نظامی خود را طراحی و تنظیم می‌کرد و متناسب با گوناگونی تهدیدات موجود و به ویژه تهدیدات نامتقارن، نوعی استراتژی ترکیبی از اعتقادی، عملگرایی و عقلانیت را بر بنیاد سه اصل عزت، حکمت و مصلحت دردستور کارقرار داده بود. این راهبرد ترکیبی با تکیه بر اصول جنگ ترکیبی توانست، درنبرد راهبردها میان ایران و متحدانش درمقابل امریکا و متحدانش پیروز میدان شود و تولید شکلی از بازدارندگی پایدار و امنیت پایدار را درسایه توازن قدرت و توازن تهدید راهبرد ائتلاف‌سازی دشمن درمنطقه علیه نظام اسلامی را با شکست مواجه سازد. نفوذ و اقتدار امروز ایران درحوزه دیپلماسی و میدان مرهون تجارب و اقدامات موفقیت آموز سردار دل‌ها درحوزه دیپلماسی و میدان است. درسایه ایثار و فداکاری‌های شهید مقاومت و مدافعان حرم امروز ایران درکنار دستاوردهای ذکر شده نه تنها به عنوان یک کشور ضد تروریسم در جهان معروف است بلکه به عنوان بازیگری که راهکار اصلی و واقعی برای متوقف کردن داعش و دیگر جریان‌های تروریستی به اجرا گذاشته مورد توجه متفکران، استراتژیست‌ها و تئوریسین‌های نظامی و امنیتی جهان است و ازآن برای مقابله با این جریان سرطانی همواره مشورت گرفته می‌شود.

نکته پایانی اینکه راهبرد اتخاذشده از سوی شهید سلیمانی برای شکست دادن راهبردهای توطئه محور امریکا و اسرائیل، حملات و تبلیغات بین‌المللی، اتخاذ روش تهاجمی با تکیه به مجموعه‌ای از روش‌های دیپلماسی عمومی، دیپلماسی دفاعی و امنیت، دیپلماسی رسانه‌ای درکنار تاکتیک‌ها و روش‌های نظامی و امنیتی بود. درواقع شهید نماد و مبتکر جنگ هیبریدی جدید در تاریخ معاصر بود که موفق شد دیپلماسی و میدان را به هم درآمیزد و به شکل ترکیبی همزمان به اجرا بگذارد. او دشمن را به خوبی شناخته بود و از ظرفیت‌های خودی به نحو احسن در برابر دشمن بهره گرفت، این رمز موفقیت او در نبرد راهبردی و جنگ اراده‌ها در برابر جبهه ائتلافی جهانی بود.

امروز هم درغیاب آن شهید عزیز باید دشمن را به خوبی شناخت، روش‌های دشمن را درک کرد تا با اقدامی به موقع توطئه‌های دشمن را خنثی کنیم. این وظیفه هر روزه را بر عهده داریم از این رو لازم است که آگاهانه در صحنه حضور یافته و به موقع عمل کنیم و به نصرت الهی باور داشته باشیم.

خبر آخر

روابط عمومی کل سپاه:

اظهارات سردار اباذری برداشت و تحلیل شخصی است

روابط عمومی کل سپاه در اطلاعیه‌ای اظهارات تقطیع شده سردار اباذری درباره مواضع متفاوت برخی فرماندهان دوران دفاع مقدس پیرامون حوادث و جریانات داخلی را برداشت و تحلیل شخصی وی دانست و تأکید کرد سردار اباذری مشاور فرمانده کل سپاه نیست.

به گزارش سپاه نیوز، در پی انتشار ویدئویی از سخنان تقطیع شده سردار حمید اباذری در مراسم گرامیداشت شهدای یکی از مناطق استان مازندران و انتساب عنوان مشاور فرمانده کل سپاه به وی که مدعی مواضع متفاوت برخی سرداران و فرماندهان دوران دفاع مقدس پیرامون رخدادها ،حوادث و جریانات داخلی شده است، روابط عمومی کل سپاه در اطلاعیه‌ای ضمن تکذیب عنوان مشاور فرمانده کل سپاه برای وی، اعلام کرد: آنچه در ویدئوی منتشر شده آمده است برداشت، تحلیل و نظر شخصی سردار اباذری است که با واقعیات موجود انطباق ندارد.

خبر اول

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار خانواده آیت‌الله مصباح یزدی:

فکر آیت‌الله مصباح را در ذهن مخاطب بنشانید

دومین کنگره بین المللی بزرگداشت آیت‌الله مصباح یزدی با عنوان «استاد فکر» روز گذشته با حضور تعدادی از اندیشمندان داخلی و خارجی، علما و فضلای دین و اندیشه و شخصیت‌های لشکری و کشوری در محل سالن اجلاس سران برگزار شد. در این کنگره بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار خانواده آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی (رضوان‌الله‌علیه) که ۵ دی‌ماه ۱۴۰۱ برگزار شده بود، منتشر شد.

متن بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار خانواده آیت‌الله مصباح یزدی که به مناسبت دومین سالگرد درگذشت این عالم ربانی برگزار شد، به شرح زیر است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاه و السّلام علی سیّدنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و آله الطّیّبین الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید. بعد از مدت‌ها آقایان را و بعضی از خانم‌ها را زیارت کردیم. بزرگداشت جناب آقای مصباح یکی از واجبات کارهای حوزه و روحانیت و ماها و همه است و بزرگداشت ایشان به معنای زنده نگه داشتن جهت‌گیری ایشان و راه ایشان است.

■ مصباح جامع خصوصیات و رفتارهای شایسته

مرحوم آقای مصباح (رضوان الله علیه) یک خصوصیات منحصربه‌فردی داشتند که من در مجموعه فضلای برجسته قم که از قدیم می‌شناختیم، وحالا هم بحمدالله برکات بعضی‌شان ادامه دارد، نگاه می‌کنم، جامع این خصوصیات را کسی مثل مرحوم آقای مصباح مشاهده نمی‌کنم؛ علم فراوان، فکر خوب و نوآور، بیان رسا و واضح، انگیزه تمام‌نشدنی و بی‌نظیر، خلقیات و رفتارهای شایسته و برجسته، سلوک و معرفت و توجه معنوی و مانند اینها؛ مجموع این‌ها را واقعاً انسان نمی‌تواند پیدا کند. این‌ها در آقای مصباح جمع بود.

بالاخره رفتن برای همه هست: اِنَّکَ مَیِّتٌ وَ اِنَّهُم مَیِّتُون؛ اگر چه خسارت است اما بالاخره چاره‌ای نیست، ناگزیریم؛ علاج این است که آن راه ادامه پیدا کند؛ آن ابتکار و آن کارهایی که ایشان کرده‌اند: همین «طرح ولایت» یکی از ابتکارات ایشان است؛ همین تشکیلات عظیم مرکز تحقیقات امام خمینی یکی از همان ابتکارات است؛ کتاب‌هایی که ایشان نوشته‌اند، چه کتاب‌های علمی، چه آنچه مربوط به اخلاقیات و معنویات و [برای] استفاده عموم و مانند این‌ها است، یکی از آن کارها است؛ این‌ها را نباید گذاشت تعطیل بشود. الحمدلله آثار ایشان از همه جهت خوب است؛ آثار صوتی ایشان خیلی آثار خوبی است. سخنرانی‌های ایشان را یک مدّتی که در آن حسینیه سخنرانی داشتند، در عصرهای ماه رمضان تلویزیون پخش می‌کرد؛ من می‌نشستم پای تلویزیون گوش می‌کردم؛ نمی‌دانم کی بود. حالا من عصری می‌نشستم گوش می‌کردم؛ عصر ماه رمضان بود. به ایشان گفتم؛ گفتم این‌ها خیلی برجسته است، واقعاً خیلی خوب است؛ آدم می‌نشیند گوش می‌کند، واقعاً استفاده می‌کند. خب این‌ها نبایستی متوقّف بشود؛ نباید مسکوت بماند، فراموش بشود. ایشان آثار صوتی دارند، آثار مکتوب دارند، آثار مؤسسه و بنیان‌های مؤسساتی، مثل آنهایی که اسم آوردیم ــ یا شاید هم غیر آنها که من خبر ندارم ــ دارند، الحمدلله فرزندان خوبی دارند، آقازاده‌های خوبی دارند؛ وَبَثَّ مِنهُما رِجالاً کَثیراً وَنِساء؛ الحمدلله؛ برکات نسلی‌شان هم برکات خوبی است.

■ نگذارید آثار آقای مصباح دچار کهنگی شود

در مورد حفظ آثار، نکته‌ای که وجود دارد، این است که نگذاریم این آثار کهنگی پیدا کند. یعنی آن روزی که ایشان این مؤسسه امام خمینی را راه انداختند، یک کار تازه‌ای بود؛ آیا امروز هم اگر به همان شکلی که اول راه افتاده، اداره بشود، باز هم تازه است؟ این، جای سؤال است؛ این به عهده شماها است. آقای رجبی و شما آقایان ببینید چه کار باید کرد که آن تازگی و طراوت حفظ بشود. آن اولی که ایشان این کار را شروع کردند، خب یک کار خیلی نو جدیدی بود؛ توجه‌هایی را به خودش جلب کرد؛ حالا هم باید همان جور باشد.

یا مثلاً کتاب‌های ایشان. خب حالا بعضی از کتاب‌ها، کتاب‌های علمی است، کتاب درسی است، مثلاً فرض کنید فلسفه؛ خب حفظش به این است که در حوزه در جاهایی که مقتضی است تدریس بشود؛ امّا برخی از آثار مکتوب ایشان آثاری است که باید در ذهن‌ها جایگزین بشود؛ بحث علم و فن و مانند این‌ها نیست؛ فکر است؛ باید در ذهن مخاطب بنشیند. چه جوری می‌شود نشاند؟ امروز با صِرف اینکه حالا تعداد نسخه‌هایی که از یک کتاب چاپ می‌شود، بالا باشد یا پایین باشد، مسئله تمام نمی‌شود؛ یعنی این جور کتاب‌های فکری [این جوری حفظ نمی‌شود]. چرا، بعضی از کتاب‌ها هست که وقتی تعداد و تیراژ بالا برود، این یک موفقیت است؛ فرض کنید کتاب‌هایی که در شرح حال شهدا می‌نویسند؛ خب هر چه افراد بیشتر بخوانند، بیشتر بهره‌مند می‌شوند. کتاب‌های فکری این جوری نیست؛ کتاب‌های فکری لازم است در فکر رسوخ کند؛ و این، صرفاً با نشر کتاب حاصل نمی‌شود. شما نگاه کنید غربی‌ها در این کارها خوب واردند، خوب بلدند؛ ببینید مثلاً فرض کنید فلان متفکّر، حالا مثلاً هگل مگر چند کتاب نوشته؟ افکارش را از داخل این کتاب‌ها استخراج می‌کنند و درمی‌آورند، تخلیص می‌کنند، خلاصه می‌کنند، آن فکر را با بیان‌های مختلف، با زبان‌های مختلف، با شیوه‌های مختلف پخش می‌کنند، منتشر می‌کنند. این کار [در مورد ایشان هم] باید انجام بگیرد.

■ تمرکز فکری مصباح را در ذهن‌ها بنشانید

من البته گمان می‌کنم قبل‌ها به خود مرحوم آقای مصباح رضوان الله علیه یا شاید به بعضی از شاگردهای ایشان راجع به ملاصدرا این حرف را زدم که کتاب ملاصدرا تدریس می‌شود، اما لب حرف‌های ملاصدرا چیست؟ ملاصدرا چند مسئله اساسی دارد؛ این‌ها را پیدا کنید، بکشید بیرون، روی این‌ها بحث بشود، کار بشود، کتاب نوشته بشود، مباحثه بشود؛ این لازم است. در مورد خود آقای مصباح همین جور است و باید این جوری بشود. نگاه کنید، ببینید آن جهت‌گیری فکری ایشان، آن نقطه تمرکز فکری ایشان چیست، چه در مسائل فلسفی، چه در مسائل اجتماعی، چه در مسائل اعتقادی و فکری، در فضای مجازی و از این قبیل پخش می‌شود - یک تکه حرف را پخش کنید، این منتشر بشود، در ذهن‌ها بماند، به زبان‌ها بیاید، تکرار بشود؛ و مثل مَثَل سائر که در زبان‌ها تکرار می‌شود و می‌مانَد، این فکر بماند، معلوم بشود این، فکر آقای مصباح است؛ تا افراد اسم آقای مصباح را می‌آورند، هر کسی که دیده این تکه‌ها را، این نوشته‌ها را، ذهنش به یکی از این‌ها متوجه بشود، یادش بیاید. مثلاً یکی از راه‌های پخش فکر یک آدم متفکر برجسته عمیقی مثل آقای مصباح این است.

صوت هم خیلی خوب است. حالا شاید لازم نباشد از اوّل تا آخر یک سخنرانی را پخش کنیم - آن [کار] شاید یک مقداری تأثیر را هم کم کند - امّا بالاخره می‌توان از یک صوتِ یک ساعته یا مثلاً سه ربع ساعته‌ای که مستمع را کاملاً جذب می‌کرده، مثلاً یک ربع ساعت مطلب درآورد.

یکی از چیزهایی که در این جلساتِ داخل حسینیّه ایشان نظر من را خیلی جلب می‌کند، این است که وقتی [فیلم آن را] پخش می‌کنند، آدم می‌بیند اولاً مستمعین که متراکم نشسته‌اند، همه جوانند، یعنی مثلاً یک آدم مسن بالای چهل سال شاید در این‌ها دیده نمی‌شود؛ همه جوانند. و [ثانیاً] همه همین طور محوند! این خیلی مهم است. من چون خودم سخنرانم، دهها سال [سخنرانی کرده‌ام]، به این نکات توجه دارم. چه زمانی هست که سخنران احساس می‌کند موفق است؟ این نگاه‌ها و برخوردها و به‌اصطلاح آن نمایش‌هایی که از رفتار مستمع وجود دارد، نشان‌دهنده یک حقیقتی است؛ این را شما در سخنرانی‌های ایشان مشاهده می‌کنید، یعنی این من را خیلی جلب می‌کند. ایشان چه دارد می‌گوید که این جور همه دل‌ها را، چشم‌ها را مجذوب کرده، مبهوت کرده؟ این تکه‌های خاص را پیدا کنید، مکرر پخش کنید.

خوشبختانه صدا و سیما نسبت به این قضیّه روی خوش نشان داده. حالا گاهی اوقات هست مسئولانِ رسانه‌ها و مانند این‌ها روی خوش به یک چیزی نشان نمی‌دهند، [ولی] نسبت به کارهای ایشان الحمدلله صدا و سیما گرایش خوبی دارد و در ساعات مختلف [پخش می‌کند]. من گاهی عبور می‌کنم، [وقتی] نگاه می‌کنم می‌بینم، یا گاهی نشسته‌ام می‌بینم که از ایشان چیزهای زیادی را پخش می‌کنند؛ حیات آقای مصباح این است، زنده بودن آقای مصباح این است.

خب جسم ایشان رفت، حیف هم بود، خیلی حیف بود، یعنی وجود ایشان واقعاً مایه برکت بود، آدم از دیدن ایشان استفاده می‌کرد؛ یکی از این کسانی [بود] که ما در طول عمر دیدیم از دوره جوانی‌شان، نه حالا؛ آن وقت که ایشان شاید هنوز ازدواج هم نکرده بود ــ من قبل از اینکه بیایم قم، در مشهد با ایشان آشنا شدم؛ گمان می‌کنم مثلاً سال ۳۶، ۳۷ بود ــ از آن وقت آدم می‌فهمید ایشان یک مرد متدیّن، اهل دین و اهل تقوا بودند. از جمله آن کسانی بود که «مَن یُذَکِّرُکُمُ الله رُؤیَتُه» بود؛ رؤیت ایشان هم آدم را کمک می‌کرد، پیش می‌بُرد، به یاد خدا می‌انداخت. خب هر چه از آن جوانی گذشت، ایشان بهتر هم شد؛ اگرچه هر چه هست، مال همان دوره جوانی است. شما جوان‌ها قدر این دوره را بدانید؛ آنچه آن آخر کار به درد آدم می‌خورد و گیر آدم می‌آید و برای آدم می‌ماند، همین [چیزی] است که حالا شماها کسب کرده‌اید و دارید کسب می‌کنید. جوان‌ها قدر جوانی‌شان را بدانند. خدا ان‌شاءالله درجاتشان را عالی کند. بله، دو سال از درگذشتشان گذشت؛ دوازدهم دی بود. خداوند ان‌شاءالله درجات ایشان را عالی کند و ایشان را مشمول مغفرت و رحمت خودش قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته

■ رئیسی: آیت‌الله مصباح فقیهی برجسته و اثرگذار بود

رئیس‌جمهور هم روز گذشته در این کنگره با بیان اینکه جامعه امروز ما می‌تواند با شناخت شخصیت آیت‌الله مصباح به علم و عمل برسد و با نگاهی به سلوک وی الگوی خوبی پیش روی خود داشته باشد، اظهار داشت: حقیقت این است ما علامه مصباح را هم در حوزه عقاید حقه صاحب نظر می‌دانیم. وی با تأکید بر اینکه آیت‌الله مصباح هم در حوزه اخلاق یکی از استادان برجسته و اثرگذار بود و هم در حوزه عمل و احکام یک فقیه برجسته بود، ادامه داد: فقیه کسی است که باورهای الهی و اخلاق کریمه در جان او نشسته باشد و گرنه دانستن الگوهای علمی کسی را فقیه نمی‌کند.

رئیس‌جمهور با یادآوری اینکه اگر کسی همه گفتار، کردار و تفکرش جلوه فقه بود، یک فقیه کامل است، افزود: گفتار چنین فردی ما را به یاد خدا می‌اندازد و کردارش هم از جلوه‌های فقه است.

رئیس‌جمهور به پیش‌خطبه‌های نماز جمعه مصباح یزدی در دوره‌ای، اشاره کرد و گفت: مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی هم انحرافات را خوب می‌شناخت و هم خوب با آن مبارزه می‌کرد و به همین دلیل او را عمار انقلاب نامیدند. او در حوزه جهاد تبیین بسیار عالی بود و در دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی چهره‌ای برجسته بود. او نیروها را برای ایستادگی مقابل فتنه و توطئه‌گران بسیج می‌کرد و شناخت زمان و اعلام موضع و سمت‌گیری را به درستی انجام می‌داد. رئیسی ادامه داد: او با اندیشه‌های انحرافی و با فتنه‌گرانی که می‌خواستند منطقه را به آشوب بکشند مقابله می‌کرد و در کنار سردار شهید قاسم سلیمانی از الگوهای این مقابله و ایستادگی بود.

> **نگاه کنید، ببینید آن جهت‌گیری فکری ایشان، آن نقطه تمرکز فکری ایشان چیست، چه در مسائل فلسفی، چه در مسائل اجتماعی، چه در مسائل اعتقادی و فکری، در فضای مجازی و از این قبیل پخش می‌شود - یک تکه حرف را پخش کنید، این منتشر بشود، در ذهن‌ها بماند، به زبان‌ها بیاید، تکرار بشود؛ و مثل مَثَل سائر که در زبان‌ها تکرار می‌شود و می‌مانَد، این فکر بماند، معلوم بشود این، فکر آقای مصباح است**

ویژه

روحانی خوب از نگاه رادیو فردا روحانی مخالف حاکمیت است

یک پژوهشگر حوزه رسانه با جست‌وجوی دو کلیدواژه «آخوند» و «مولوی» در سایت رادیوفردا، در توئیتی نوشته که «رسانه کاخ سفید ۲۹۲۰ دفعه از آخوند برای روحانیون شیعه و ۱۴۹۰۰ مرتبه از مولوی برای بزرگان اهل سنت استفاده کرده است. از دید رادیو فردا تنها وقتی یک آخوند به روحانی یا حجت الاسلام ارتقا می‌یابد که روبه‌روی حاکمیت بایستد. سیاست اختلاف افکنی عموسام، هم داخل شیعه و هم با اهل تسنن تشدید شده است.»

محمد لسانی در این توئیت به خبر دستگیری یک روحانی ضدانقلاب در رادیو فردا –مربوط به خرداد ماه- با تیتر «روحانی معترض در مرز بازرگان دستگیر شد» اشاره کرده است.

رویکرد رادیو فردا، رسانه دولتی امریکا روحانی نامیدن، افراد معمم مخالف نظام و آخوند نامیدن سایر روحانیون، خصوصاً روحانیون حامی جمهوری اسلامی است. چهار آخوند در قم به دست افراد ناشناس مجروح شدند، یک آخوند در قم هدف گلوله قرار گرفت و... از تیترهای این رسانه در خصوص اخبار مربوط به اعمال خشونت علیه ملبسین به لباس روحانیت توسط برادران است. اما در مورد افراد معمم مخالف نظام، محترمانه از واژه روحانی بهره می‌برد.

رادیوفردا در خصوص پوشش خبری اخبار عبدالحمید اسماعیل‌زهی، امام جمعه اهل سنت زاهدان تأکید دارد که حتماً از لفظ مولوی در ابتدای اسم او استفاده کند و این عنوان محترمانه را در مورد این روحانی اهل سنت به کار ببرد: «تهدید مولوی عبدالحمید توسط حکومت ایران، اعتراض مولوی عبدالحمید به اعدام محسن شکاری و...» از تیترهای رسانه دولتی امریکا در مورد اخبار مربوط به این فرد است.

چنانکه روشن است، این رسانه فارسی زبان غربی تلاش می‌کند اولاً بین روحانیون شیعه دوقطبی موافق و مخالف جمهوری اسلامی را به رسمیت بشناسد و بر آن بدمد و اینگونه روحانی خوب و روحانی بد بسازد. از سویی دوقطبی شیعه و سنی را ایجاد و پررنگ کند.

در عین حال، کسانی همچون مولوی عبدالحمید هم صرفاً ادعای لیدری احقاق حق اهل سنت را دارند، وگرنه در عمل فقط از آن بخش از اهل سنت دفاع می‌کنند که منافع سیاسی‌شان را تأمین می‌کند. به همین دلیل است که وقتی برادران سرهنگ اهل سنت ناجا را در کردستان شکنجه و برهنه می‌کنند، یا تروریست‌های جنوب شرق، یک مولوی اهل سنت را به جرم همراهی با جمهوری اسلامی ربوده و به شهادت می‌رسانند یا در یک درگیری تروریستی، سرباز بلوچ اهل سنت به شهادت می‌رسد، دیگر خبری از ادعاهای امثال مولوی عبدالحمید برای لیدری اهل سنت نیست و جز سکوت و رد شدن از موضوع، چیزی از او شنیده نمی‌شود.

گزیده خبر

فرمانده کل سپاه:

امنیت و آرامش ایران اسلامی ثمره خون شهدا است

فرمانده کل سپاه، امنیت و آرامش ایران اسلامی را ثمره خون شهدا توصیف کرد و گفت: اگر جانفشانی و ایثار شهدای عزیز ما نبود، بدون شک با توطئه دشمنان و کینه‌ای که آنان از نظام و ملت ایران دارند کشور ما همچون سوریه و افغانستان می‌شد.

به گزارش سپاه نیوز، سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی به همراه سردار احمد ذوالقدر فرمانده سپاه سیدالشهدا(ع) استان تهران و سردار شریفی مسئول امور ایثارگران سپاه با خانواده شهدای مدافع امنیت استان تهران، «امیر کمندی» و «حسین تقی‌پور» دیدار و از آنان تجلیل کردند.

سلامی در این دیدارها با تجلیل از مقام شامخ شهدا، آنان را زنده و ناظر بر اعمال و رفتار انسان‌ها توصیف و تصریح کرد: شهدا با نثار جان خود به جایگاه ابدی رسیدند؛ ما نیز باید ادامه‌دهنده راه شهدا باشیم تا در مقابل شهدا و پیشگاه پروردگار سرافکنده نباشیم.

فرمانده کل سپاه همچنین در این دیدارها امنیت و آرامش ایران اسلامی را ثمره خون شهدا توصیف و تأکید کرد: اگر جانفشانی و ایثار شهدای عزیز ما نبود، بدون شک با توطئه دشمنان و کینه‌ای که آنان از نظام و ملت ایران دارند کشور ما همچون سوریه و افغانستان می‌شد.

پدر شهید کمندی در دیدار با سرلشکر سلامی اظهار داشت: من نه تنها پسرم را تقدیم انقلاب کردم بلکه در دوران دفاع مقدس نیز برادرم به شهادت رسید و جان خود را تقدیم نظام و اسلام کرده است و بقیه فرزندانم را نیز در راه دفاع از اسلام تقدیم انقلاب می‌کنم. همسر شهید تقی‌پور نیز در دیدار با فرمانده کل سپاه به بیان ویژگی‌ها و فضایل اخلاقی این شهید والامقام پرداخت و بر زنده نگه داشتن و ادامه راه شهدا تأکید کرد. سرهنگ دوم پاسدار شهید امیر کمندی متولد سال ۱۳۷۰ و دارای دو فرزند (یک پسر یک ساله و یک دختر سه ساله) است که در دفاع از جان و مال و ناموس مردم جمهوری اسلامی ایران جان خود را فدای انقلاب کرد.

یادداشتی مهمان

ضیغم آخوندزاده

کارنامه سه‌ماهه اصلاح‌طلبان در آشوب

اصلاح‌طلبان که همواره خود را مدعی خط امام و بازوی نظام جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند، در سه‌ماهه التهاب کشور چگونه عمل کردند؟ اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم چه باید بگوییم؟ بدون تردید اصلاح‌طلبان درون کشور دنبال اغتشاش نبودند و از اغتشاش استقبال نکردند اما همه آنچه انجام دادند بدتر از کار منافقان مدینه در صدر اسلام بود. البته بخشی در این سه ماه سکوت کردند و بخشی در رسانه رسمی و غیررسمی فعال بودند که اینجا می‌پردازیم.

ابتدا آتش تهیه مهسا امینی را ریختند. این کار در رسانه رسمی و غیررسمی انجام شد. آن‌قدر در این موضوع دمیدند که بزرگانشان همچون محقق داماد و خاتمی نیز بازی خوردند و بیانیه خون‌خواهی صادر کردند و تا زدوخوردها در خیابان شروع شد، گفتند ما با خشونت مخالفیم اما صرفاً نظام را به خشونت و سرکوب متهم کردند و دیگر هیچ؟ تابلوداران اصلاح هیچ دشمنی را به رسمیت نشناختند، هیچ تجزیه‌طلبی را ندیدند، هیچ قطعنامه‌ای را محکوم نکردند، هیچ سرویس امنیتی خارجی را ندیدند، هیچ سلاحی را دست اغتشاشگران ندیدند، هیچ شهیدی را هشتگ نکردند. در مراسم هیچ شهیدی شرکت نکردند، در رسانه رسمی تیترهای تحریک‌کننده می‌زدند و همزمان در توئیتر از نبود آزادی مطبوعات سخن می‌گفتند، برخی خبرنگارانشان برای اینترنشنال تولید محتوا و از علی کریمی حمایت کردند.

فاجعه شاهچراغ شیراز را گردن نظام انداختند (سعید شریعتی و...) شهادت کودک ده‌ساله ایذه‌ای را گردن نظام انداختند (محمود صادقی، پروانه سلحشوری، زیباکلام و...) آمارهای بی‌مبنا از کشته‌ها درست می‌کردند (زیباکلام، صادقی و...) شهدای مظلوم را کسانی معرفی کردند رفته‌اند پرچم و قرآن بسوزانند اما تصادفاً مورد اصابت قرار گرفته‌اند و کشته‌اند و حالا صداوسیما به آنان شهید می‌گوید (شکوری‌راد سخنگوی اصلاحات) به‌اندازه سر سوزن با نظام همراهی نکردند. برخی در این میانه راه‌حل را حذف نظارت استصوابی اعلام کردند. به‌جز بحث خشونت از جهت مطالبات و جهت‌گیری با رسانه‌های سعودی فرقی نداشتند. یک‌بار حاضر نشدند بگویند نیکا شاه‌کرمی، سارینا اسماعیل‌زاده (کرج) و دختر اردبیلی ربطی به اغتشاشات ندارد. منافقین مشغول قتل بسیجیان و پلیس بدون سلاح در خیابان بودند (۸۱ شهید)، محمود صادقی می‌گفت این‌همه می‌کشید که بگویید مهسا امینی را نکشتیم؟ فهمیده بودند که نه برانداز آنها را به رسمیت می‌شناسند نه نظام.

امانهایتاً خاتمی بیانیه‌ای –با روح محافظه‌کاری کمتر- صادر کرد و شعار پ ک ک مبتنی‌بر زن، زندگی و آزادی را ستود. درحالی که می‌دانست که این شعار پس زمینه اینترنشنال، تجمع برلین و کاناداست و زیر آن هیچ حرفی از حقوق زن به‌جز جنبه‌های ارتباطی با جنس دیگر نیست؟ اصلاح‌طلبان هیچ شعار رکیک جنسی در شریف و... را ندیدند و محکوم نکردند. در درون دانشگاه با اعتصاب دانشجویان همراهی می‌کردند و برخی علنی در تجمعات دانشجویی شرکت می‌کردند. درعین‌حال پشت پرده به دیدار رئیسی و شمخانی و اژه‌ای می‌رفتند شاید کلاهی از این حوادث دوخته شود. هنوز نفهمیده‌اند که نظام جز در مقابل صداقت و خداگونگی کوتاه نمی‌آید. بیانیه میرحسین بخشی دیگر از عملکرد این جریان بود که تندتر از مواضع مریم رجوی بود.

۴۷ سرویس اطلاعاتی پشت داستان بودند. در کردستان و سیستان و بلوچستان جنگ مسلحانه بود اما اصلاح‌طلبان فقط نظام را به سرکوب متهم کردند و حتی حاضر نشدند طرف مقابل را هم محکوم کنند. در وسط معرکه جنگ شهری و زمانی که خسارات میلیاردی به اماکن پرچمدار وارد شد، مطالبه آنان چه بود؟ بدون تردید اصلاح‌طلبان یا فعالان آنان تنها اختلافشان با پهلوی و رجوی و اصلاح‌طلبان خارج اختلاف بر سر روش براندازی جمهوری اسلامی است. یعنی روش خشن را مفید نمی‌دانند اما از هر روشی که بدون خونریزی پایان جمهوری اسلامی را اعلام کند، استقبال می‌کنند.

بدون تردید جهت‌گیری‌های فرهنگی این سه ماه در حوزه دین، امربه‌معروف و زنان و فرهنگ به بار نشستن میوه مبارزه ۲۵ ساله اصلاح‌طلبان با جمهوری اسلامی بود اما کی بود! کی بود! ما نبودیم آنان بلند است. هیچ شایعه‌ای را محکوم نکردند، هیچ دروغی را نفی نکردند، به هیچ دروغگویی (علی دایی و علی کریمی و...) اعتراض نکردند، از قاتلان شهیدان حمایت کردند و علیه قصاص به میدان آمدند. گویی در قبال ۸۱ شهید حتی یک نفر نباید قصاص شود و شتر دیدی چاپایش را هم ندیدی. به‌نظر می‌رسد میدان دادن به این جریان سکولار-دموکراسی خواه جنایت به امام و شهیدان است جمهوری اسلامی اگر نجیبی در این جبهه می‌بیند گلچین کند و پایان عبدالله ابن ابی‌ها را اعلام کند.

یادداشت

مصطفی غفاری

بنیانگذاری دانش در دانش‌بنیان‌ها

چطور می‌توان به بهبود جایگاه و عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان کشور کمک کرد؟ آیا می‌توان با تدوین سلسله برنامه‌هایی مدون و با مدنظر قرار دادن و کمک گرفتن از زیرساخت‌های موجود کشور، همچون مراکز علمی و پارک‌های علمی و فناوری، به ارتقای شرکت‌های دانش‌بنیان کمک و در پی آن، کشور را در حل مسائل و مشکلات یاری کرد؟ در ادامه به اختصار به برخی از عوامل کمک‌کننده و حیاتی برای دستیابی به این اهداف اشاره شده‌است.

گاهی امکان دارد محور کارها، صرفاً کسب سود باشد؛ پس ممکن است در یک رشته و یک زمینه خاص سودآور، شرکت‌های متعددی ایجاد گردد و در سایر زمینه‌هایی که کمتر سودآور هستند و احتمالاً نیاز کشور نیز هستند، شرکت‌های کمتری ایجاد شود. به عنوان مثال حوزه دانشی فناوری اطلاعات بسیار پرسود و مورد تقاضا بوده، پس متعاقباً شرکت‌های دانش‌بنیان زیادی (بیش از هزارو۷۴۷ شرکت) در این بخش شکل گرفته‌است. البته این موضوع نمی‌تواند به عنوان یک اشکال در نظر داشته شود. ایراد آنجایی خواهد بود که در حوزه‌های دانشی دیگر مثل کشاورزی یا صنایع غذایی، شاهد ایجاد و گسترش بسیار کمتر این شرکت‌ها (چیزی کمتر از ۳۵۱ شرکت) هستیم. درصورتی که این حوزه‌های دانشی بدون تردید مورد نیاز قطعی امروز و آینده کشور هستند.

طبق آخرین آمارها حدود ۸ هزار شرکت دانش‌بنیان در کشور ثبت شده و فعال است که بیشترین تراکم این شرکت‌ها در دو حوزه «برق و الکترونیک» و سپس «فناوری اطلاعات و ارتباطات» است. بررسی‌های تطبیقی هم مبین این است که جهت‌گیری کلی در دنیا نیز تقریباً در همین راستا است. به‌عنوان نمونه در کشور چین، به عنوان یک کشور پیشرو در حوزه علم و فناوری، مجموعاً ۱۲ هزارو۹۶۶ پارک عملی و فناوری وجود دارد. یکی از بزرگ‌ترین آنها پارک جونگ‌گوان‌سون (زی پارک) بوده که به «سیلیکون ولی چینی» معروف شده‌است. در این پارک مجموعاً از ۲۹ هزارو۶۴۹ شرکت، ۶۵ درصد آنها در حوزه «الکترونیک و فناوری اطلاعات» هستند. این موضوع شاید در نگاه اول به نظر مطلوب باشد، اما مشکل (یا شاید بتوان آن را دغدغه نامید) آنجا پیدا می‌شود که زاویه دید، به یک نگاه کلان و ملی ارتقا پیدا کند. در یک نگاه کلان و آینده‌نگرانه، زمانی صعود ۶۰ پله‌ای کشور در شاخص جهانی نوآوری (Global Innovation Index) جذاب‌تر خواهد بود که این صعود علمی، در عمل نیز باری از دوش کشور بردارد. اگر نگاه، از دید فردمحور به دید کلان‌نگر تغییر کند، آن وقت است که علاوه بر ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، به اهداف کلان نیز توجه می‌کنیم. در این نگرش، عامل ایجاد توسعه و گسترش شرکت‌های دانش‌بنیان دیگر صرفاً رشد عددی نخواهد بود. در این نگاه، علاوه بر توسعه کمی شرکت‌های دانش‌بنیان (توسعه افقی)، به ایجاد توسعه کیفی شرکت‌ها (توسعه عمودی) هم نیاز پیدا خواهیم کرد.

در واقع ایجاد، توسعه و حمایت از شرکت‌های بنیان‌پایه مبتنی بر «نیاز کشور» عامل بسیار مهمی است که در این سال‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است. برای انجام این مهم، باید همزمان متوجه چند چیز باشیم؛ توجه به اسناد کلان بالادستی مانند سیاست‌های کلان ابلاغی رهبر معظم انقلاب و برنامه‌های توسعه، توجه به اوضاع منطقه و جهان و جهت حرکت علمی دنیا و داشتن یک نگاه بلندمدت و آینده‌نگرانه به رشد علمی و فناوری کشور.

بنابراین با در نظر گرفتن جمیع جهات، می‌توانیم در جهت تأمین نیازهای کشور، شکستن سد تحریم و بی‌اثرکردن آن و در جهت قوی کردن کشور گام برداریم. در ادامه تلاش شده چند محور کلان برای جهت‌دهی به حرکت علمی و فناوری کشور و کمک گرفتن از زیرساخت‌های موجود بیان شود:

۱) هدفمند کردن و جهت‌دهی به شرکت‌های دانش‌بنیان؛ لازم است تا در نهادهای بالادستی مسئول تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز، خط‌مشی حوزه‌های شرکت‌های دانش‌پایه و کم و کیف آنان مشخص گردد تا مسیر و افق کلان ایجاد این شرکت‌ها در جهت پوشش دادن به همه نیازهای حال و آینده کشور بوده و در همه حوزه‌های دانشی به صورت متوازن و متعادل ایجاد شوند. نوع حمایت از شرکت‌ها و قوانین این بخش می‌تواند ابزار سیاستگذار در این بخش باشد.

۲) تلاش برای نفوذ در فناوری‌های نوظهور و اقتدارآفرین و حرکت در لبه علم؛ دنیای امروز، دنیای پیشگامی و تأثیرگذاری علومی است که شاید حتی بعضی از آنها تا ۱۰ سال قبل هم به شکل امروزی وجود نداشته‌اند. کلان‌داده، هوش مصنوعی، فناوری‌های همگرا، بلاک‌چین و اینترنت اشیا تعدادی از این علوم است که باید با برنامه‌های مدون و دقیق، در جهت کسب، بومی‌سازی و ترویج آنها تلاش کنیم.

۳) ایجاد زنجیره ارزش در شرکت‌های دانش‌بنیان: می‌توان با برقراری ارتباط میان شرکت‌های دانش‌بنیان، یک ساختار پیوسته ایجاد کرد. به این معنی که این شرکت‌ها از ورودی و خروجی یکدیگر استفاده کنند. مثلاً خروجی یک شرکت دانش‌بنیان به عنوان ورودی شرکت دیگر قرار گیرد. نتیجه این کار جلوگیری از واردات و خروج ارز خواهد بود، اثرات تحریم بر صنایع با فناوری بالا کاهش پیدا خواهد کرد، می‌توان در جهت خودکفایی کشور گام برداشت و نهایتاً اینکه حاشیه سود شرکت‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. در اینجا شناخت نیازهای گلوگاهی صنایع حساس و مادر، شناخت نیازهای کلان‌پروژه‌های ملی، شناخت ظرفیت‌های نرم (دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها و پژوهشکده‌ها) و سخت (پارک‌ها و مراکز علمی و فناوری) کشور و کمک گرفتن از آنها و اتصال آنها به هم اهمیت راهبردی می‌یابد.

خبر کوتاه

■ دبیر ستاد توسعه زیست فناوری اظهار کرد: ما ۸۰۰ شرکت دانش‌بنیان در حوزه بیوتکنولوژی داریم و بر اساس گزارش سازمان ملل در منطقه از لحاظ فناوری و محصولات زیستی، رتبه نخست هستیم.

■ مدیر کل منابع انسانی وزارت بهداشت با اشاره به اضافه شدن حدود ۱۱ هزار تخت بیمارستانی جدید به ظرفیت تخت‌های بیمارستانی کشور تا پایان سال، از کمبود ۶۰ هزار نیرو در وزارت بهداشت خبر داد.

■ با رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، واریز به حساب‌های بانکی از طریق ابزار پرداخت‌های بانکی از جمله دستگاه‌های کارتخوان بانکی تجاری نبوده و اثبات غیردرآمدی بودن آن با مأمور مالیاتی است.

■ دبیر انجمن متخصصان عفونی کشور گفت: انتظار می‌رود در ماه آینده با یکی از سویه‌های (BQ1. 1) کرونا که در حال حاضر در جهان نیز در گردش است، پیک جدیدی داشته باشیم.

■ سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا گفت: تزریق واکسیناسیون مجدد برای افراد بالای ۱۸ سال که بیش از شش ماه از آخرین نوبت تزریق واکسن گذشته باشد، ضروری است.

■ عضو شورای عالی سازمان نهضت سوادآموزی گفت: یکی از برنامه‌های این سازمان، ایجاد مراکز یادگیری محلی است که مهارت‌های مختلف زندگی، حرفه‌ای و فنی، سواد بهداشتی، سواد رایانه‌ای و مهارت‌های مورد نیاز هر شهروند در آن آموزش داده می‌شود.

■ معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان بهزیستی کشور از وجود ۴۱۹ هزار خانوار پشت نوبتی برای دریافت مستمری خبر داد.

■ رئیس پژوهشگاه ابن سینا با بیان اینکه زمانی موضوع اعزام بیمار به خارج از کشور برای درمان ناباروری مطرح بود، اما اکنون با پیشرفت دانش، این روند معکوس شده‌است، گفت: امروزه افرادی از خارج از کشور برای درمان ناباروری به ما مراجعه می‌کنند.

قرار بود با تأثیر دادن نمره امتحانات نهایی در کنکور، شاخ این غول را بشکنند
اما تلاش گسترده برای تقلب در امتحانات نهایی این غول بی‌شاخ و دم را دوباره از چراغ جادو بیرون کشیده است

غول کنکور در هیبت امتحانات نهایی بازگشت!

معاون اجتماعی پلیس فتا در گفت و گو با «جوان»: در موضوع فروش سؤالات امتحانات نهایی کانال‌های بسیاری را شناسایی کرده‌ایم و ۹ پرونده به مرجع قضایی معرفی شده‌است و چندین نفر دستگیر شده‌اند

گزارش یک

مهسا گربندی

کیوان فیروزه‌ای | تسنیم

چند سال است که سؤالات امتحانات نهایی در فضای مجازی پیش از برگزاری آزمون یا همزمان با آن منتشر می‌شود؛ مسئله‌ای که امنیت امتحانات را با چالشی جدی مواجه کرده و دانش‌آموزان و خانواده‌ها را از لحاظ روانی تحت تأثیر قرار داده‌است. امسال نیز همانند سال‌های گذشته انتشار سؤالات امتحان نهایی در فضای مجازی مطرح شده و از آنجایی که طبق مصوبه جدید کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی، نمرات امتحانات نهایی پایه دوازدهم در کنکور تأثیر ۴۰ درصدی دارد، لو رفتن سؤالات برای دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان اهمیت بیشتری پیدا کرده‌است.

امتحانات نهایی از سوم دی ماه آغاز شده و بسیاری از داوطلبان کنکور که سابقه تحصیلی نداشته یا خواهان ترمیم نمرات خود هستند، داوطلب شرکت در این امتحانات شده‌اند. این در حالی است که از همان روز اول برگزاری امتحانات نهایی، سؤالات در فضای مجازی منتشر شده‌است.

■ ماجرا چیست؟

برای مثال هنوز دقایقی از شروع آزمون نگذشته بود که در برخی کانال‌های درسی سؤالات درس ریاضی رشته تجربی را منتشر کردند و پس از چند دقیقه پاسخ‌های این سؤالات نیز روی کانال قرار گرفت. البته محسن زارعی، رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش گفت: «انتشار سؤالات حین برگزاری آزمون به معنای لو رفتن نیست و به هیچ عنوان امکان دسترسی به سؤالات قبل از برگزاری آزمون وجود ندارد.»

وی در گفت‌وگو با شبکه خبر، نسبت به خبر لو رفتن سؤالات امتحانات نهایی واکنش نشان داد و اظهار داشت: «زمان شروع امتحانات ساعت ۱۰ صبح بوده‌است. ما در برنامه اعلامی شروع فرآیند را از ساعت ۹/۵ صبح اعلام کردیم یعنی از نیم ساعت قبل داوطلبان باید در محل حوزه‌ها حضور داشته‌باشند که مراحل آماده‌سازی برای آزمون را پشت سر بگذارند که چنین اشتباهی صورت گرفت و در برخی مراکز ساعت ۹/۵ به عنوان زمان شروع آزمون در نظر گرفته شده‌بود.»

زارعی افزود: «افرادی سودجو با کانال‌هایی که به دنبال انتشار سؤال بودند، ادعا کردند که به سؤالات دسترسی داشتیم و پاسخ‌هایی را انتشار دادند که این پاسخ‌ها مربوط به سؤالات اصلی نبود و پاسخ‌های غیرواقعی بود و مستندات آن هم موجود است.»

او گفت: «در زمان برگزاری آزمون در ساعت ۱۰:۱۲ یکی از داوطلبان از امتحانات ریاضی علوم تجربی عکس گرفت و این عکس از طریق کانال‌ها و در شبکه‌های اجتماعی تحت عنوان اینکه به سؤالات دسترسی پیدا شده‌است، منتشر شد؛ در حالی که انتشار این برگه‌ها بعد از پخش سؤالات و برگزاری امتحانات صورت گرفته‌است. ساعت برگزاری آزمون ساعت ۱۰ بوده‌است، اما ساعت ۱۰:۱۲ سؤالات منتشر شده‌است و این به معنی لو رفتن سؤالات نیست؛ لو رفتن به معنی دسترسی به سؤالات قبل از امتحان است.»

■ مسئول لو رفتن سؤالات در مدرسه آموزش و پرورش است

به دلیل اهمیت نتایج امتحانات نهایی در کنکور ۱۴۰۲، مسئولان آموزش و پرورش از پلیس فتا برای تأمین امنیت این امتحانات کمک خواسته‌اند. در این رابطه سرهنگ رامین پاشایی، معاون اجتماعی پلیس فتا به خبرنگار «جوان» می‌گوید: «برای پیگیری موضوع فروش سؤالات امتحانات نهایی و تبلیغات مرتبط با آن در فضای مجازی، کانال‌های بسیاری را شناسایی کرده‌ایم و ۹ پرونده به مرجع قضایی معرفی شده‌است که در این خصوص چندین نفر دستگیر شده‌اند.»

او ادامه می‌دهد: «افراد دستگیر شده اصلاً سؤالات امتحان نهایی را نداشتند و به دروغ در کانال‌ها نوشتند که به سؤالات دسترسی دارند.»

پاشایی با اشاره به اینکه مسئولیت جلوگیری از لو رفتن سؤالات امتحانات نهایی در داخل مدرسه با آموزش و پرورش است، اظهار می‌دارد: «پلیس فتا تا پشت در حوزه‌های امتحان در خدمت آموزش‌وپرورش است، اما سؤالات در فضای مدرسه لو می‌رود که مسئولیت آن برعهده آموزش و پرورش است.»

معاون اجتماعی پلیس فتا به مواردی که افراد سودجو موفق به انتشار سؤالات امتحان نهایی شده‌اند نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «برخی افراد با بردن وسایل هوشمند به داخل جلسه موفق شده‌اند از سؤالات عکس بگیرند و آن را در فضای مجازی منتشر کنند. چنین اقداماتی سیستم آموزشی کشور را بی‌اعتبار می‌کند و مسئولان آموزش و پرورش باید از ورود هرگونه وسیله هوشمند به داخل جلسه آزمون جلوگیری کند.»

او با بیان اینکه فرآیند برگزاری آزمون‌ها در سیستم آموزشی متناسب با رشد تکنولوژی نبوده‌است، ادامه می‌دهد: «انواع ساعت، انگشتر و وسایل نوشت‌افزار وجود دارد که اگر از ورود این اقلام در جلسه امتحان جلوگیری شود و تجهیزات هوشمند تمام افراد حاضر در جلسه امتحان اعم از دانش‌آموزان و مراقبان از آنها گرفته شود، امکان لو رفتن سؤالات به صفر می‌رسد.»

■ جای خالی شیوه‌های نوین برگزاری امتحان

در این رابطه نرگس ملک‌زاده، کارشناس آموزش به خبرنگار «جوان» می‌گوید: «دو سال است که شیوه انتشار سؤالات تغییر کرده و حدود یک ربع قبل از شروع امتحان رمز سؤالات در اختیار مدارس گذاشته می‌شود تا آنها برگه‌های امتحانی را تکثیر کنند. در این فاصله ممکن است سؤالات لو برود و این نشان می‌دهد که این شیوه برای انتشار سؤالات نیز از ایمنی کافی برخوردار نبوده است و باید برای آن فکری شود.»

او ادامه می‌دهد: «ساعت انتشار سؤالات در فضای مجازی نشان می‌دهد پس از اینکه سؤالات تکثیر شده یا به دست دانش‌آموزان رسیده‌است، در اختیار برخی از کانال‌ها قرار گرفته‌است، اما همین اتفاق نیز از جنبه روانی دانش‌آموزان را تحت‌تأثیر قرار داده‌است و آنها احساس می‌کنند که حق‌شان ضایع شده‌است.»

ملک‌زاده اظهار می‌دارد: «برای جلوگیری از لو رفتن سؤالات امتحانات نسبت به گذشته اقدامات خوبی انجام شده‌است، اما برای اینکه تا قبل از اتمام آزمون، سؤالات لو نرود باید شیوه‌های نوین برگزاری امتحانات در دستور کار قرار بگیرد. مثلاً اینکه از آزمون‌های برخط استفاده شود که به صورت رندوم سؤالات تغییر کند و در اختیار دانش‌آموزان قرار بگیرد.»

■ لزوم حساسیت بیشتر مسئولان

از آنجایی که طراحان مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی بر اجرای مصوبه تأثیر ۴۰ درصدی امتحانات نهایی بر کنکور ۱۴۰۲ از همین امسال تأکید کردند، باید درباره وضعیت به وجود آمده و اینکه چه تضمینی وجود دارد این وضعیت در امتحانات نهایی خردادماه آن هم با جمعیت بیشتر دانش‌آموزان شرکت کننده، تکرار نشود، توضیح بدهند، چراکه انتشار سؤالات در شبکه اجتماعی موجب‌شده تا صحت و سلامت برگزاری امتحانات زیر سؤال برود و بسیاری از دانش‌آموزان از اتفاق پیش‌آمده گلایه کنند.

متأسفانه تعداد کانال‌هایی که سؤالات امتحانات و پاسخ‌های آن را منتشر می‌کنند، کم نیست و با توجه به اینکه بردن موبایل به داخل حوزه‌های امتحانات نهایی اتفاقی است که رخ می‌دهد، اگر داوطلبی بتواند به پاسخ‌ها دسترسی پیدا کند، حق سایر داوطلبان ضایع خواهد شد. به همین دلیل مسئولان آموزش و پرورش باید دقت بیشتری داشته باشند و نسبت به عدم انتشار سؤالات از محل آزمون، حساسیت بیشتری از خود نشان دهند.

■ از مصوبه اشتباه عقب‌نشینی کنید

مصوبه جدید کنکوری انتقادات فراوانی را به همراه داشت. عدالت آموزشی در کشور ما با کنکور دچار چالش‌های جدی‌ای شده‌است. فلسفه وضع مصوبه جدید کنکوری، حرکت در مسیر عدالت آموزشی است. اتفاقات اخیر در امتحانات نهایی نه تنها مصوبه جدید کنکوری را بی‌خاصیت می‌کند، بلکه باعث می‌شود عدالت آموزشی از دسترس دورتر شود. از همان ابتدا هم واضح بود وقتی امکان تأمین امنیت کنکور که سالی یک‌بار و به صورت متمرکز در حوزه‌های مشخص برگزار می‌شود، به‌طور کامل فراهم نیست، طبیعتاً تأمین امنیت امتحانات نهایی هم که در همه مدارس برگزار می‌شود، نمی‌تواند به‌طور کامل صورت پذیرد.

تصمیمات شتابزده و توجه نکردن به انتقادات دلسوزان و کارشناسان، عواقبی دارد که نتایج آن بارها محرز شده‌است. ای کاش مسئولان آموزشی و به‌طور خاص شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت آموزش و پرورش تا دیرتر نشده نسبت به اصلاح مصوبه معیوب کنکور اقدام کنند. البته تجربه نشان داده که عقب‌نشینی از اقدامات غلط برای مسئولان ما سنگین است، ولی دوراندیشی و وجدان کاری اجازه نمی‌دهد روند معیوب و چرخه آسیب‌زای بی‌عدالتی در آموزش استمرار داشته باشد و به فاصله طبقاتی دامن زده و شکاف بین برخوردار و کمتر برخوردار را بیش از پیش عمیق کند.

معضل فمینیسم و تبعیض

نگاه

شهراد شاهرخی طهرانی

متأسفانه جریانی به راه افتاده‌است که اساس خانواده و بنیان نظام اجتماعی را هدف قرار داده‌است و باعث بر هم زدن نظام خانواده و مهم‌تر از آن باعث از بین رفتن اصول اخلاقی در جامعه می‌شود. فمینیسم امروزه به «دفاع از حقوق اساسی زنان براساس آرمان برابری‌طلبی» اطلاق می‌شود. جنبش‌های دفاع از حقوق زنان در آغاز برای اعتراض به برخی نابرابری‌های اجتماعی شکل گرفتند، اما با گذشت زمان به جریانی فرهنگی و سیاسی تبدیل شدند. برخی اندیشمندان می‌گویند که بهتر است به جای واژه فمینیسم از واژه فمینیسم‌ها استفاده شود، چون گرایش‌های فمینیستی به قدری مختلفند که نمی‌شود آنها را در یک مفهوم واحد جمع کرد.

«فمینیسم» نه با هدف برابری حقوق زنان بلکه با هدف برتری‌جویی در جامعه گام نهاده‌است و با اهداف مردستیزانه فطرت جامعه را به سمت آنارشی و از هم پاشیدن بنیان خانواده می‌کشاند و تنظیم خانواده و اجتماع را بر هم می‌زند. آنچه در توده‌های فکری و جنبش‌های فمینیستی آموزش داده می‌شود، این است که زنان باید مستقل باشند، تنها از جنسیت خود تبعیت کنند و جنسیت خود را برتر بدانند. این جریان انحرافی باعث ترویج خشونت علیه مردان می‌شود و در نهایت «مردستیزی» را به دنبال دارد؛ نگرش‌های فمینیستی با تبلیغات وسیع، ایده‌هایی را با رنگ و لعابی دلفریب بر جهانیان عرضه کرده‌اند که یکی از این ایده‌ها، پدیده شوم همجنس‌گرایی است؛ بنابراین این گروه و جریان فکری، جامعه را به سمت فساد و بی‌بند و باری اخلاقی و نابودی نسل و از بین رفتن اصول اخلاقی هم می‌کشاند و موجب نابودی کرامت انسانی و بی‌ارزش شدن امر ازدواج و کاهش آن در جامعه می‌شود.

معضل «مجرد زیستی» یکی از آسیب‌های ناشی از فمینیسم است که با تفکری که در جامعه از خود به جای گذاشته است، سبب شده‌است جوانان، چه دختر و چه پسر همچنان مجرد بمانند و از امر ازدواج دور شوند. البته نباید مشکلات اقتصادی را فراموش کرد، چراکه مشکلات اقتصادی و معیشت جوانان هم در امر ازدواجشان بی‌تأثیر نیست.

فمینیسم از جهت مفهومی، به معنای تقابل بین زن و مرد است؛ همچنان که معنای لغوی فمینیسم، طرفداری از جنس مؤنث به عنوان راهکاری جهت مقابله با موقعیت مرد است. با این نگاه، فمینیسم ستیز ابدی بین دو جنس خواهد بود. بنابراین عنوانی که در مقام تقابل بین مرد و زن است، نمی‌تواند پشتوانه فلسفی و جامعه‌شناختی داشته باشد. فمینیسم اگرچه ماهیت ضد تبعیضی دارد، اما خود یک نگاه تبعیض‌آمیز است. فمینیسم‌ها معتقدند که بافت جوامع و نهادهای اجتماعی و حتی تفکرات دینی بر اساس حفظ منافع جنس مذکر شکل گرفته‌است. این تفکر در جهت دین‌گریزی و برتری‌جویی گرایشات فکری فمینیسم شکل گرفته‌است.

در ادبیات دینی ما، همه انسان‌ها با برابری آفریده شده‌اند و انسان، تعالی یافته آفریدگاری است که از نفخه روح مقدس خویش در وجود انسان نهاد تا بشر طریق رستگاری پیش گیرد. جامعه زمانی رستگار و به سمت و سوی پیشرفت کشیده می‌شود که زنان و مردان با همیاری و همفکری یکدیگر برای به دست آوردن آینده‌ای روشن تلاش کنند.

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۷۵۹

«من هر روز با دو هدف با فرزندانم شیرین و سهراب که خارج از کشور مشغول تحصیل هستند، سخن می‌گویم.
نخست آنکه از شنیدن صدای پرامیدشان انرژی بگیرم و دیگر آنکه تشویقشان کنم خدای نکرده هوس ماندن در آنجا به ذهنشان خطور نکند!»
دکتر علیمردان شیبانی، دانشمند صنعتگر و عضو هیئت مدیره اتاق بازرگانی ایران و انگلیس مشتاقانه از عشق به ایران سخن می‌گوید:
«مطمئنم وقتی شیرین‌ها و سهراب‌ها به ایران برگردند، اطلاعات علمی خویش را با تجربه ما که از نسلی دگریم، درهم آمیخته، به گنجی جاودان دست خواهند یافت!»
...او آنگاه با خواندن قطعه شعر ریشه در خاک، سروده فریدون مشیری سر تعظیم به خاک وطن می‌ساید:
من اینجا ریشه در خاکم / من اینجا عاشق این خاک، اگر آلوده یا پاکم / من اینجا تا نفس باقی است می‌مانم / من از اینجا چه می‌خواهم، نمی‌دانم!

ویژه

ایجاد ۲۷۷ هزار فرصت شغلی برای مددجویان تا پایان آذر

رئیس کمیته امداد امام خمینی (ره) از ایجاد ۲۷۷ هزار فرصت شغلی برای جامعه هدف از ابتدای امسال تا پایان آذر خبر داد.

سیدمرتضی بختیاری، رئیس کمیته امداد اظهار کرد: کمیته امداد از ابتدای سال تا اواخر آذر ماه ۲۷۷ هزار شغل برای مددجویان و دهک‌های اول تا پنجم جامعه ایجاد کرده‌است.

وی همچنین با بیان اینکه امسال ۵۰ درصد اعتبارات تسهیلات اشتغال به غیرمددجویان متقاضی اشتغال تخصیص یافته‌است، افزود: این تعداد شغل از طریق اعطای ۱۷ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان تسهیلات قرض‌الحسنه محقق شده‌است.

رئیس کمیته امداد با اشاره به اینکه مسکن رکن دوم توانمندسازی است، گفت: تا پایان سال جاری ۱۰ هزار واحد مسکن در قالب تفاهمنامه با بنیاد مستضعفان تحویل مددجویان می‌شود.

بختیاری تأکید کرد: ۴۰ هزار واحد نیز با همکاری قرارگاه امام حسن مجتبی (ع)، بنیاد مستضعفان، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و کمیته امداد امام خمینی تا پایان سال ۱۴۰۲ در سطح روستاها تکمیل شده و پرونده مسکن مددجویان در برخی استان‌ها بسته خواهد شد.

از شهر

صرفه‌جویی ۲ میلیارد لیتری بنزین با اصلاح تقاطع‌های پایتخت

معاون فنی و عمرانی شهرداری تهران گفت: اگر در یک بازه ۱۰ ساله تقاطع‌های غیرهمسطح اصلاح شود، بالغ بر ۲ میلیارد لیتر بنزین صرفه‌جویی می‌شود.

عباس شعبانی، معاون فنی و عمرانی شهرداری تهران در آیین آغاز عملیات احداث و تکمیل ۲۳ تقاطع غیرهمسطح همزمان با نوزدهمین شنبه امید و افتخار اظهار کرد: تاکنون ۹ شنبه امید و افتخار سهم معاونت فنی و عمرانی بوده‌است.

معاون فنی و عمرانی شهرداری تهران با اشاره به آلودگی هوا گفت: در حوزه فنی و عمرانی به اندازه سهم خود اقدام کرده‌ایم؛ در حال حاضر بیش از ۷۰۰ کیلومتر مسیر تهرانی‌ها به اسراف بنزین منجر می‌شود که این ۷۰۰ کیلومتر منجر به صرف ۶۰۰ هزار لیتر بنزین اضافه و همین موضوع منجر به تبعات زیست‌محیطی و اجتماعی می‌شود.

وی ادامه داد: اگر در یک‌بازه ۱۰ ساله این تقاطع‌ها اصلاح شود، بالغ بر ۲ میلیارد لیتر بنزین صرفه‌جویی می‌شود.

شعبانی با بیان اینکه هفت تقاطع احداث شده‌است، گفت: هشت تقاطع دیگر در دستور کار است که ۶ کیلومتر آن امسال افتتاح و عملیات اجرایی ۲۳ تقاطع نیز روز گذشته انجام شد.

وی همچنین تصریح کرد: ۱۴ منطقه درگیر این ۲۳ پروژه خواهند شد و انتفاع آن برای تمام مردم تهران خواهد بود.

پیام جوان

سلام بر شما مخاطبان همیشگی «جوان». این ستون متعلق به شماست. دلگویه‌های شما عزیزان را از طریق شبکه‌های اجتماعی یا شماره ۰۹۱۹۰۹۶۸۵۳۰ یا تلفن: ۸۸۴۹۸۴۴۸ پذیرا و شنوا هستیم. در نظر داشته باشید این ستون را مسئولان و مدیران با حساسیت ویژه می‌خوانند.

اسکن کنید

■ **شهروند - خوزستان:** اقتصاد کشور در هشت سال دوره روحانی نابود شد و جای هیچ دفاعی باقی نگذاشته‌است، اما این دلیل نمی‌شود که مسئولان دولتی دلیل همه مشکلات در این دولت را کم‌کاری دولت قبل اعلام کنند و این موضوع را بهانه‌ای برای حل‌نشدن مشکلات قرار دهند. مردم به شما اعتماد کردند که وضعیت بهتر شود. اگر قرار بود که این مشکلات و مصائب حل نشود برای چه به میدان آمدید و اعلام کردید تمام این مشکلات راه‌حل دارد؟! در تازه‌ترین جهش تورمی، قیمت یکی از اقلام پرمصرف مردم «سیب‌زمینی و پیاز» سر به فلک کشیده‌است. مسئولان دولتی و رؤسای اتحادیه‌ها علت این گرانی را صادرات عنوان می‌کنند. گوشت گران شده‌است و باز هم دلیل آن را صادرات و قاچاق اعلام می‌کنند. این چه رویه‌ای است که باب شده‌است؟! چه کسی باید برای این موضوعات تصمیم بگیرد که هم صادرکننده سود کند و هم مصرف‌کننده داخلی متضرر نشود؟ این تصمیمات از حوزه اختیارات مردم خارج است. به طور مثال در تلویزیون اعلام می‌کنند که شانه تخم‌مرغ نباید بیشتر از ۸۰ هزار تومان به مصرف‌کننده در میادین فروخته شود، اما در همین میادین تخم‌مرغ شانه‌ای ۹۰ هزار تومان فروخته می‌شود. چرا یک شانه تخم‌مرغ باید به این قیمت فروخته شود؟ در فروشگاه‌های سطح شهر که کمتر از ۱۰۰ هزار تومان پیدا نمی‌شود. وزیر جهاد که از مجلس به وزارت رسیده‌است، به دلیل روابطی که در مجلس دارد نه سؤال می‌شود نه استیضاح؛ انگار به تعطیلات زمستانی رفته است. اعضای دولت هم که مشغله‌های فکری دیگری دارند. ما بازنشستگان حقوق‌مان به صورت ریالی است، ولی خرج کرد ما را به صورت دلاری برایمان محاسبه می‌کنند. فرقی نمی‌کند چه بازنشسته باشی چه شاغل و مشغول به کار؛ همه مردم در مضیقه هستند. جناب آقای رئیسی، به مشکلات مردم رسیدگی کنید، تعارفات را کنار بگذارید و با وزرای کم‌کار برخورد کنید و عذرشان را بخواهید. نگذارید این افراد کم‌کار و کم‌توان در مدیریت و اقتصاد دولت شما را بدنام کنند.

برگریزان دلار، طلا ، سکه، بورس و خودرو

نرخ دلار در بازار آزاد از محدوده ۴۴هزار تومان به کمتر از ۴۰هزار تومان نزول کرد و به دنبال آنِ بازار طلا و سکه خودرو و بازار بورس اوراق بهادار تهران نیز با افت مواجه شد و به نظر می‌رسد فرمان عقبگرد فعلاً جواب داده است و مردم فروشنده دلار و سکه شده‌اند

گزارش یک
هادی غلامحسینی

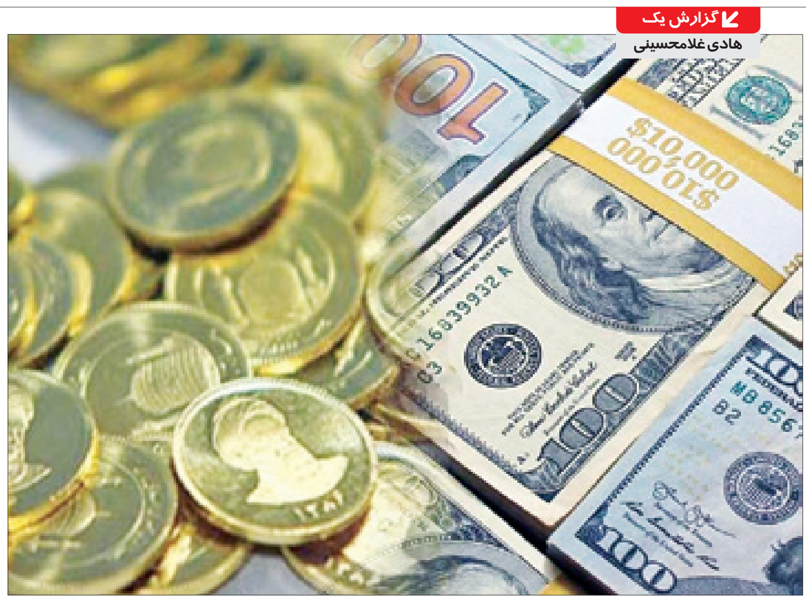

نرخ دلار در بازار آزاد پیش از کناره‌گیری علی صالح‌آبادی از کرسی مدیریت بانک مرکزی در حالی به محدوده ۴۴هزار تومان رسیده بود که بعد از قرار گرفتن سکان هدایت بانک مرکزی در اختیار محمدرضا فرزین شاهد نزول نرخ ارز به کمتر از ۴۰هزار تومان بودیم، به دنبال همین رویداد نرخ طلا و سکه طلا نیز اندکی تعدیل شد، در بازار سرمایه نیز از آنجا که گفته می‌شد تورم و همچنین رشد نرخ ارز در بازار ارز موتور محرک بازار به شمار می‌آمد، با افت نرخ ارز و همچنین مصوبه چندی پیش دولت و اظهارات رئیس کل بانک مرکزی جدید مبنی بر عرضه ارز ناشی از صادرات پتروشیمی در بازار نیمایی و با نرخ ۲۸هزارو۵۰۰ تومان شاهد افت شاخص‌های بورس اوراق بهادار تهران نیز بودیم، در همین راستا نیز بازار خودرو با افت نرخ‌ها مواجه شد.

همانطور که می‌دانیم اقتصاد ایران بیش از یک دهه می‌شود با تحریم‌های ظالمانه امریکا در حوزه صادرات نفت و سوئیفت مواجه است. با توجه به اینکه پیش از این یا در شرایط نرمال یکی از مؤلفه‌های اثرگذاری در بازار ارز صادرات نفت به شمار می‌آمد، طبیعتاً می‌توان انتظار داشت مدیریت بازار ارز عموماً با ارز ناشی از صادرات غیرنفتی انجام گیرد.

■ ریش و قیچی بازار ارز دست ارزهای غیرنفتی است

با نگاهی به سخنان عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی در دولت دوازدهم طی هفته‌های اخیر می‌توان متوجه شد تحریم‌های ظالمانه امریکا تا چه حد شرایط را چه در بعد صادرات نفت و چه در بعد نقل و انتقال ارز پیچیده کرده است، در این بین هر چند ادعا می‌شد جو بایدن برای نشان دادن تمایل به گفت‌وگو و مذاکرات هسته‌ای، اندکی از دوز تحریم‌های ظالمانه را کاهش داده است اما حداقل شرایط چند ماه اخیر نشان می‌دهد وی می‌تواند حتی بدتر از ترامپ در بعد تحریم‌ها ظاهر شود، با این ویژگی که قدرت اجماع‌سازی وی نیز قابل توجه است. به هر روی این مقدمه عنوان شد تا بگوییم مدیریت بازار ارز مستلزم مدیریت صحیح ارزهای ناشی از صادرات غیرنفتی و واردات و سایر مصارف است.

طبیعتاً وقتی به صادرکننده‌های غیرنفتی گفته شود می‌توانند ارزهای خود را در بازار توافقی یا آزاد به فروش برسانند شرایطی رقم می‌خورد که نرخ با رشد مواجه شود تا ارزها با بالاترین نرخ به فروش رسد، در این میان باید به این نکته توجه داشت که واردات در اقتصاد ایران چه در بعد تولید و چه در بعد تأمین مستقیم بازارها اثر قابل توجهی دارد، از این رو باید سیاست‌هایی در طرف عرضه و تقاضای ارز اعمال شود تا نرخ تعادل مناسبی داشته باشد، اما از زمان دولت روحانی یک دوقطبی در بازار ارز بنیانگذاری شد، یعنی بخشی از تقاضای ارز با نرخ پایین‌تر از بازار تأمین و بازار آزاد نیز به شکل شناور و متناسب با مؤلفه‌های اثرگذار بر این بازار مدیریت شد، به همین جهت رفته‌رفته با گذر زمان بین نرخ ارز کنترلی با بازار آزاد شکاف قیمتی عمیق شکل گرفت، به طوری که در پایان هر سال باید نرخ کنترلی با رشد مواجه شود.

همزمان با کناره‌گیری علی صالح‌آبادی از ریاست بانک مرکزی و تکیه زدن محمدرضا فرزین بر کرسی ریاست بانک مرکزی نرخ ارز از محدوده ۴۴هزار تومان به کمتر از ۴۰هزار تومان رسید و به دنبال این اتفاق شاهد افت نرخ طلا، سکه طلا، خودرو و شاخص‌ها در بازار سرمایه نیز بودیم.

برخی تحلیلگران بر این باور بودند که رشد نرخ ارز و تورم به مثابه موتور محرک بازار سرمایه ظاهر شده است، از این رو در طول هفته گذشته بازار سرمایه همگام با رشد نرخ ارز با افزایش شاخص‌ها روبه‌رو شد اما همین که خبر جابه‌جایی ریاست بانک مرکزی منتشر شد، نرخ ارز تعدیل و بازار سرمایه نیز در اولین روز از هفته جاری با افت شاخص مواجه شد اما کاهش نرخ ارز تنها دلیل افت بازار سرمایه نبود، از آنجا که طبق مصوبه دولت و همچنین اظهارات رئیس کل جدید بانک مرکزی شرکت‌های پتروشیمی باید ارز خود را در بازار نیمایی با نرخ ۲۸هزارو۵۰۰ تومان به فروش برسانند، همین اتفاق یکی دیگر از دلایل افت بورس عنوان شد.

هر چند عده‌ای از تحلیلگران بر این باورند نرخ ارز به دلیل تعطیلات پنج‌شنبه و جمعه در ایران و شنبه و یک‌شنبه در خارج چندان قابل اتکا نیست و دقیقاً در همین بازه زمانی، ابتدا شاهد فراز و سپس فرود نرخ‌ها بودیم، بسیاری از فعالان اقتصادی در انتظارند ببینند دوشنبه دقیقاً چه سرنوشتی برای نرخ ارز رقم می‌خورد، به ویژه اینکه معمولاً با تغییر و تحولات مدیریتی در حوزه بازارهای مالی نیز انتظار می‌رود بازارها نیز دچار تغییراتی شوند. فی‌الحال عده‌ای می‌گویند تصمیمات و سیاست‌های ساختمان میرداماد (بانک مرکزی) موجب زلزله در سعادت‌آباد (ساختمان بورس اوراق بهادار تهران) شده است که به افت شاخص‌های بورس اشاره دارد، زیرا بورسی‌ها می‌گویند صنایع پتروشیمی سهامدار دارند و چرا باید بهای پوشش نرخ نیمایی ۲۸هزارو۵۰۰ دلار عموماً از جیب ارز شرکت‌های پتروشیمی تأمین شود و سیاستگذاران هم در پاسخ می‌گویند این صنایع از انرژی و خوراک ارزان‌قیمت و یارانه‌ای برخوردارند، از این رو باید در تأمین واردات کالاها و نیازهای ضروری ارز مشارکت داشته باشند.

در این میان هر چند ابتدا بازار ارز از خود پالس مثبتی برای رئیس کل جدید بانک مرکزی نشان داد اما کار وی در حوزه پول و بانک و ارز و تأمین مالی و مباحث مربوط به تغییر ترکیب نقدینگی و همچنین احتمالات سکته ارزآوری صنایع صادرات‌محور به دلیل مباحث مربوط به تأمین گاز و دارایی‌های سمی بانک‌ها و ترازنامه‌های ناتراز بانک‌ها و تسهیلات تکلیفی و مطالبات معوق بانکی و همچنین بنگاهداری بانک‌ها و کنشگری سیاسی و اقتصادی برخی از بانک‌های خصوصی قطعاً ساده نیست، با این حال امید است وی بتواند عملکرد و کارنامه قابل قبولی از خود به نمایش بگذارد.

■ نرخ ارز کشور ۴۴هزار تومان نیست

در همین راستا محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به اینکه نرخ ارز ۲۸هزارو۵۰۰ تومانی برای یک دوره یک‌ساله است، گفت: نرخ ارز در کشور ۴۴هزار تومان نیست و ما نمی‌پذیریم، این نرخ تحریفی است که علامت‌دهی غلط به بازار کالا می‌دهد، البته در بازار آزاد دخالت می‌کنیم و حتماً نرخ آن کاهشی خواهد شد.

وی ادامه داد: بازار آزاد وجود دارد و بسیاری از نیازها در این بازار تقاضا می‌شود اما تلاش می‌کنیم نیازهای موجود در بازار آزاد به جز قاچاق را در بازار مبادله ارزی تأمین کنیم. ما به دوگانه رفاه و تولید توجه خواهیم داشت و نرخی را نخواهیم گذاشت که تولیدکننده قادر به فروش آن نباشد.

■ مراقب کارشکنی و بهانه‌جویی صادرکننده‌ها باشید

لازم به ذکر است از اوایل سال جاری شاهد تقویت بازار توافقی ارز از سوی بانک مرکزی بودیم. این سیاست ابتدا توانست صف‌های ارزی بازار آزاد را کنترل کند و سبب کنترل نرخ در این بازار شود اما در بلندمدت این سیاست با چالش مواجه شد، علت این بود که سیاست افزایش عرضه در بازار توافقی که برای صادرکنندگان جذاب بود، سبب شد عرضه ارز باکیفیت در نیما کاهش پیدا کند، به این ترتیب شاهد تنش در بازار ارز بودیم، در نتیجه می‌توان گفت هر چند سیاست بانک مرکزی ابتدا نتایج مثبتی داشت اما در نهایت سبب شد پالس منفی به بازار ارز بدهد که یکی از عوامل اصلی رشد نرخ ارز در هفته‌های اخیر بود.

رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد که هم‌اکنون در سامانه نیما ارز با میانگین ۲۹هزار تومان معامله می‌شود، از فردا با ۲۸هزارو۵۰۰ عرضه انجام می‌شود. وی همچنین گفت: حتماً در هفته آینده عرضه ارز در نیما افزایش خواهد یافت و تلاش می‌کنیم تمامی نیازها را تأمین کنیم، ولی چون عدم‌هماهنگی در نقشه ارزی داریم نتوانستیم عرضه مناسب در تمام بخش‌های تجاری داشته باشیم.

■ احتمال رشد عدم‌بازگشت ارز به کشور با اصلاح سیاست ارزی دولت

در این بین اما یکی از بحث‌های جدی که در خصوص این سیاست مطرح می‌شود، احتمال عدم‌بازگشت ارز حاصل از صادرات به کشور است. با توجه به آمارهای موجود از مجموع ۴۲میلیارد دلار صادرات کشور ۱۲میلیارد دلار مربوط به صادرات خرد و ۳۰میلیارد دلار مربوط به صادرات عمده است.

صادرات عمده عموماً توسط شرکت‌های دولتی یا خصولتی انجام می‌شود که بازگشت ارز آن به کشور انجام می‌شود، اما پیش‌بینی‌هایی در کمیسیون اقتصادی مجلس وجود دارد که در صورت تثبیت نرخ ارز در نیما و تمرکز دولت برای فروش ارز حاصل از صادرات در این سامانه، ممکن است شاهد عدم بازگشت ۶میلیارد دلار از ارزهای صادراتی باشیم.

■ همه فروشنده‌اند

مشاهدات میدانی خبرنگار تسنیم از بازار ارز روز گذشته نشان داد تعداد فروشندگان در بازار افزایشی چشمگیر داشته است؛ دلال‌ها به مردم می‌گویند «اگر دلار دارید سریع بفروشید.» یکی از دلال‌هایی که در چهارراه استانبول ایستاده می‌گوید تا شنبه آتی دلار ۲۸هزار تومان می‌شود! قیمت خرید دلار از مردم در خیابان فردوسی ۳۹هزار تومان و فروش دلار ۴۰هزار تومان اعلام شده است.

صراف‌های خیابان فردوسی خرید دلار ندارند و در توضیح چرایی عدم‌خرید ارز و سکه می‌گویند: قیمت‌ها ریزشی شده است به همین دلیل فعلاً خرید نداریم.

■ کاهش قیمت دلار سرعت گرفت

به گزارش فارس، بازار ارز در ادامه معاملات دیروز با کاهش قیمت مواجه شده است. از ابتدای معاملات روز شنبه در بازار توافقی قیمت ارز از کانال ۳۹هزار تومانی به کانال ۳۷هزار تومان وارد شده و در محدوده ۳۷هزار و ۳۰۰ تومان معامله شد.

در کانال‌های معاملات فردایی ارز نیز کاهش ۳هزار تومانی از صبح شنبه رخ داد، بنابراین گزارش، کارشناسان بازار ارز معتقدند افت در نرخ دلار در بازار به دلیل اعلام سیاست‌های جدید بانک مرکزی بوده و در روزهای آینده بازهم شاهد کاهش نرخ ارز خواهیم بود.

■ افت ۱۵ تا ۱۶۰میلیون تومانی قیمت انواع خودرو

از سوی دیگر کاهش نرخ ارز نه تنها ترمز رشد نرخ خودرو را کشید بلکه دنده عقب قیمت خودرو را نیز با قوت هر چه تمام جا زد، از همین رو شاهد افت ۱۵ تا ۱۶۰میلیون تومانی نرخ انواع خودرو بودیم که خبرگزاری ایرنا آن را گزارش کرده است.

به گزارش ایرنا، روز شنبه در مقایسه با آخرین روز کاری هفته گذشته شاهد ریزش سنگین قیمت انواع خودرو در بازار بودیم. قیمت‌هایی که در یک هفته گذشته همپای افزایش نرخ ارز به‌اصطلاح ترمز بریده و بالا رفته بود، روز گذشته کاهشی چشمگیر داشت.

روز گذشته هر دستگاه پژو ۲۰۶ تیپ ۲ مدل ۱۴۰۱ با کاهش ۵۳میلیون تومانی نسبت به پنج‌شنبه به ۴۵۵میلیون تومان، پژو۲۰۷ فول با افت ۷۵میلیون تومانی به ۵۷۰میلیون تومان، پژو۲۰۷ سقف شیشه‌ای با کاهش ۹۲میلیون تومانی به ۶۰۳میلیون تومان، پژو پارس با موتور TU5 با افت ۷۲میلیون تومانی به ۵۱۶میلیون تومان و پژو پارس سال سفارشی با کاهش ۷۳میلیون تومانی ۴۶۵میلیون تومان قیمت خورد.

گزیده خبر

حذف ارز ۴۲۰۰تومانی مصرف بی‌رویه سموم کشاورزی را قطع کرد

حذف ارز ۴هزارو۲۰۰تومانی نهاده‌های کشاورزی مصرف بی‌رویه سموم کشاورزی در کشور را کاهش داده است، به طوری که با توجه به حذف یارانه آن کشاورزان به اندازه و حتی در برخی موارد کمتر مصرف می‌کنند.

به گزارش تسنیم، مسعود گیل‌آبادی، رئیس انجمن تولیدکنندگان سموم کشور اظهار داشت: بعد از حذف ارز ۴هزارو۲۰۰تومانی، واردات نهاده‌های دامی تولید داخلی سموم کشاورزی در داخل کشور افزایش و میزان واردات کاهش یافته است.

وی افزود: در این شرایط واحدهای بیشتری به سمت تولید سموم کشاورزی در کشور رفته و تولید این محصول قابلیت خود را در رقابت با محصولات خارجی به دست آورده است.

رئیس انجمن تولیدکنندگان سموم کشور ادامه داد: حذف ارز ۴هزارو۲۰۰تومانی نهاده‌های کشاورزی همچنین مصرف بی‌رویه سموم کشاورزی در کشور را کاهش داده است، به طوری که با توجه حذف یارانه آن کشاورزان به اندازه و حتی در برخی موارد کمتر مصرف می‌کنند. وی تصریح کرد: در صورتی که از تولیدکننده داخلی حمایت شود، این ظرفیت و قابلیت در کشور وجود دارد که حتی ماده اصلی سموم کشاورزی و تکنیکال را در داخل کشور تولید کنیم اما واردات باعث شد تولیدکنندگانی که به سمت تولید این ماده تکنیکال سموم رفتند، مجبور شدند تولید خود را تعطیل کنند.

گیل‌آبادی گفت: حتی یکی از صنایع که می‌تواند ۱۱نوع ماده اولیه سموم کشاورزی را در کشور تولید کند به دلیل واردات تولید آنها تعطیل شده است.

وی اظهار داشت: بیشتر کشورهای دنیا به دلیل قیمت پایین ماده اولیه سموم کشاورزی در چین و هند آن را وارد می‌کنند و آن را در داخل کشور خود فرموله می‌کنند که در ایران نیز به همین صورت است.

رئیس انجمن تولیدکنندگان سموم کشور در ادامه گفت: حذف ارز ۴هزارو۲۰۰تومانی واردات نهاده‌های کشاورزی و تعداد زیاد تولیدکنندگان سموم کشاورزی باعث شده است بازار این محصول در کشور به شدت رقابتی باشد و حتی نیازی به قیمت‌گذاری دستوری نباشد، به طوری که با وجود تورم موجود در اقتصاد کشور از فروردین ماه سال جاری شاهد تغییر قیمتی در این بازار نبوده‌ایم.

وی در ارتباط با وضعیت صادرات سموم کشاورزی در کشور اظهار داشت: بیش از ۱۰سال است صادرات سموم کشاورزی ایرانی به کشورهای مختلف وجود دارد اما به وجود آمدن ارز ۴هزارو۲۰۰تومانی و اختلاف این ارز با بازار آزاد (زیرا ماده اولیه سموم کشاورزی وارداتی بود) باعث شد صادرات متوقف شود.

بیشترین قبض آب مشترکان بدمصرف تهرانی ۸۰۰هزار تومان

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب تهران گفت: امسال اولین سالی است که به صورت پلکانی برای مشترکان محاسبه قبض صورت می‌گیرد و اکنون بیشترین قبضی که برای مشترکان بدمصرف داده شده بیش از ۸۰۰هزار تومان نبوده است.

به گزارش ایسنا، محمدرضا بختیاری در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه چه تمهیداتی را برای برخورد با مشترکان پرمصرف و بدمصرف در نظر گرفته‌اید؟ گفت: در راستای برخورد با مشترکان بدمصرف سه مرحله اخطار به آنها داده می‌شود که تا ۴۸ساعت نیز آب آنها را قطع می‌کنیم و تا حدود سه برابر مورد جریمه در صورت عدم‌رعایت اخطارها قرار می‌گیرند.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران با بیان اینکه امسال بر اساس پلکان افزایش تعرفه اعمال شده است، با این حال در تهران هنوز قبضی بالای ۸۰۰هزار تومان صادر نشده است. بختیاری با بیان اینکه متوسط قیمت هر مترمکعب آب در شهر تهران ۲هزارو۷۰۰تومان است، اظهار کرد: قیمت تمام شده در سال ۱۴۰۰ بیش از ۵هزار تومان بود که یعنی مشترکان حدود ۵۰درصد قیمت تمام‌شده را پرداخت می‌کنند، البته این رقم برای مشترکان پرمصرف تا ۱۲هزار تومان نیز پیش می‌رود. وی گفت: ۴۵درصد مشترکان در تهران زیر الگو مصرف می‌کنند که قبض آنها نیز زیر ۲۰هزار تومان است.

بختیاری با اشاره به برنامه جدی دولت برای برخورد با مشترکان پرمصرف گفت: در حوزه آب و اقتصاد جای کار زیادی وجود دارد اما دولت و نظام به دلیل رعایت حال مردم صلاح دیدند قیمت آب افزایش چندانی پیدا نکند. در حال حاضر یک مترمکعب آب معدنی ۸میلیون تومان رقم می‌خورد اما متوسط آب در تهران ۲هزارو۷۵۰تومان است که اختلاف فاحشی بین آنها وجود دارد. در این بین اما برخورد جدی با مشترکان پرمصرف خواهیم داشت که امسال نیز استارت این نوع برخوردها زده شده است.

مدیرعامل آبفا تهران با بیان اینکه با ۱۰درصد صرفه‌جویی در تهران معادل ۳۰۰هزار مترمکعب در شبانه‌روز رقم می‌خورد که به اندازه ظرفیت سد امیرکبیر است، گفت: اکنون وضعیت آب تهران مناسب نیست و سومین پاییز خشک را پشت سر می‌گذاریم. تا این لحظه میزان بارش‌ها به رغم اینکه در بسیاری از نقاط کشور مطلوب بوده اما در تهران، البرز و قزوین شرایط مناسبی را نداریم.

کسب درآمد ۵۴هزار میلیارد تومانی با کاهش ۵درصدی مصرف بنزین

آمارها نشان می‌دهد اگر فقط ۵درصد از مصرف بنزین در کشور کاسته شود، ۵۴هزارو۷۵۰میلیارد تومان به درآمدهای ارزی کشور اضافه خواهد شد.

به گزارش ایرنا، مهم‌ترین و راهبردی‌ترین فرآورده‌های نفتی، بنزین و نفت‌گاز است. اکنون روزانه ۱۰۵میلیون لیتر بنزین و ۱۱۰میلیون لیتر نفت‌گاز در کشور تولید می‌شود که مطابق استانداردهای روز جهان از طریق جایگاه‌های سوخت به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد.

همچنین روزانه در مجموع ۲۵۰میلیون لیتر انواع فرآورده‌های نفتی مانند بنزین، گازوئیل، سوخت کم سولفور کشتی‌ها، سوخت هواپیماها و صنایع در پالایشگاه‌های ایران تولید و در سراسر کشور توزیع و به راحتی استفاده می‌شود. اگر میزان مصرف گاز طبیعی را با دیگر سوخت‌ها معادل‌سازی کنیم در مجموع روزانه بیش از یک میلیارد لیتر سوخت در کشور تولید و به مبادی مصرف عرضه می‌شود و بخش زیادی از فرآورده‌های نفتی در ایران بر اساس بالاترین استاندارد روز جهان در ۱۰پالایشگاه ایران تولید می‌شود.

با این حال و با وجود فواید استفاده فراوان از سوخت مانند استمرار تولید برق و انرژی در کشور، آلایندگی حاصل از سوخت فسیلی جزء لاینفک در نفت‌خام و فرآورده‌های نفتی به حساب می‌آید و بخشی از بودجه عمومی کشور موجب هزینه‌های اجتماعی حاصل از آلودگی انسانی، محیطی و نگهداری از تأسیسات نفتی برای جبران آن می‌شود.

اگر صرفه‌جویی در استفاده از فرآورده‌های نفتی مانند بنزین و نفت‌گاز در کشور نهادینه و رعایت شود، هم از حجم مستمر آلودگی‌ها کم می‌شود و هم بخش زیادی از درآمدهای ارزی برای توسعه زیرساخت‌های اقتصادی کشور تأمین خواهد شد، به طور مثال اگر مصرف بنزین روزانه با ۵میلیون لیتر صرفه‌جویی از ۱۰۵ به ۱۰۰میلیون لیتر کاهش پیدا کند، برای هزارو۸۲۵میلیون لیتر بنزین امکان صادرات فراهم می‌شود. با در نظر گرفتن قیمت ۳۰هزار تومانی بنزین در بازارهای جهانی، درآمد ایران از این محل ۵۴هزار و ۷۵۰میلیارد تومان خواهد بود.

گزارش ۲

بهناز قاسمی

ساخت ۱۳۰۰واحد مسکونی در سازمان اقتصادی کوثر از ماه آینده

مدیر عامل معین کوثر: در ماه‌های گذشته عرضه تنها ۷۰واحد در منطقه۵ تهران توانست قیمت را در این منطقه ۱۰ تا ۱۵درصد کاهش دهد و اگر این امر در سطح کشور اتفاق بیفتد، قیمت مسکن افت خواهد کرد

ساخت هزارو۳۰۰ واحد مسکونی از ماه آینده در قالب پنج پروژه، در چهار استان تهران، گیلان، مازندران و خراسان‌رضوی از سوی سازمان اقتصادی کوثر شروع می‌شود و قرار است تا آخر سال مسکن ایثارگران برای جامعه هدف کلنگ‌زنی شود.

در راستای وعده دولت سیزدهم برای ساخت مسکن ملی، گروه صنعتی معین کوثر (از شرکت‌های تابعه سازمان اقتصادی کوثر) در راستای حمایت از دولت ساخت هزارو۳۰۰واحد مسکونی را در دستور کار خود قرار داده است. مدیر عامل گروه معین کوثر در نشست خبری خود با رسانه‌ها از احیای واحدهای صنعتی، فروش املاک مازاد و ساخت واحدهای مسکونی در راستای مسکن ملی خبر داد و از ماجرای بهره‌برداری سیاسی از یک پروژه نیمه‌تمام در خرم‌آباد و یاسوج پرده برداشت. حسین زاهدی با اشاره به مولدسازی املاک خاک‌خورده سازمان گفت: مولدسازی املاکی که سالیان سال بلااستفاده مانده، یکی از کارهایی است که می‌تواند به ایجاد ارزش افزوده کمک کند. در یک سال اخیر حدود هزارمیلیارد تومان بنیاد شهید در حوزه املاک ارزش افزوده ایجاد کرده است.

زاهدی تأکید کرد: تلاش می‌کنیم بر اساس قولی که دولت برای ساخت ۴میلیون مسکن در کشور قول داده است، ما هم سهمی داشته باشیم و به این دلیل روی ساخت مسکن و نیز مولدسازی املاک کار می‌کنیم.

مدیر عامل گروه معین کوثر تصریح کرد: برنامه ساخت هزارو۳۰۰واحد مسکونی را از ماه آینده در قالب پنج پروژه و در چهار استان کشور تهران، گیلان، مازندران و خراسان رضوی شروع می‌کنیم و قرار است تا آخر سال کلنگ‌زنی مسکن ایثارگران را برای جامعه هدف داشته باشیم.

وی در ادامه به سود ۲۰۰درصدی سازمان اقتصادی کوثر در یک سال گذشته از زمان روی کار آمدن تیم جدید خبر داد و گفت: این در حالی است که دوره قبلی این سازمان ۱۰میلیارد تومان ضرر داشت و الان سود ۳۳۷میلیارد تومان ثبت شده است.

■ ماجرای پروژه خرم‌آباد و یاسوج

وی یکی از چالش‌های عمده شرکت معین کوثر را مشکلات دو پروژه خرم‌آباد و یاسوج اعلام کرد و گفت: متأسفانه در سال‌های ۹۳ و ۹۴ با نگاه منطقه‌ای این دو پروژه تصویب شده که از هر لحاظ کار اشتباهی بوده و برآورد کارشناسان ما نشان می‌دهد این پروژه‌ها اصلاً صرفه اقتصادی نداشته است. وی اضافه کرد: در سال‌های ۹۳ و ۹۴ توسط مسئولان وقت تصمیم گرفته می‌شود در منطقه خرم‌آباد پروژه ۳۰طبقه‌ای در قالب دو برج دوقلو با ۱۵۰هزار متر زیربنا احداث شود. این پروژه با دلار ۳۲هزار تومان آن موقع هزارو۶۰۰میلیارد تومان سرمایه نیاز داشت و قرار بود ۳۲آسانسور در آن احداث شود، حتی در این پروژه بنا بود سه سینما احداث شود، این در حالی است که خرم‌آباد سینمای فعال ندارد.

وی افزود: این پروژه اصلاً پیوست اجتماعی و فرهنگی هم نداشت و به دلیل نفوذ و فشارهای سیاسیون این پروژه تعریف شده بود. در این پروژه ۳۰۴واحد تجاری پیش‌بینی شده بود که برای هر ۲۵نفر خرم‌آبادی یک واحد تجاری می‌رسید. چندصد واحد مسکونی هم پیش‌بینی شده بود و این بنا کلاً با فرهنگ منطقه سازگاری نداشت.

زاهدی با بیان اینکه این پروژه ۳۱درصد پیشرفت فیزیکی داشته است، گفت: در حال حاضر این بنا متوقف شده و ساخت آن ادامه نمی‌یابد، علت آن هم این است که اولاً آنها به قول خودشان عمل نکرده‌اند، یعنی قرار بود یک دانگ از این پروژه را به نام گروه معین کوثر بزنند اما این کار را نکردند، علاوه بر آن کارشناسان ما از نظر اقتصادی آن را به‌صرفه نمی‌دانند. وی اضافه کرد: این پروژه در منطقه خرم‌آباد که اکثر بناهای آنها تک‌واحدی و دو واحدی هستند، هیچ سازگاری‌ای ندارد و دو برج ۳۰طبقه‌ای با بافت آن منطقه سازگار نیست.

زاهدی گفت: متأسفانه در سال‌های گذشته این پروژه نیمه‌تعطیل محل بهره‌برداری سیاسیون شده است. شوراهای شهر و نمایندگان مجلس با قول تکمیل این بنا بارها رأی آورده‌اند اما این بار این فرصت را به آنها نخواهیم داد. مدیرعامل گروه معین کوثر تأکید کرد: شکوائیه‌ای به دادگاه تنظیم شده و در حکم اولیه آنها به نفع ما رأی دادند اما در دادگاه تجدیدنظر با استناد به صورتجلسه زمان وقوع سیل حکم نهایی به نفع آنها صادر شده است. وی تأکید کرد: تاکنون ۳۰۰ تا ۴۰۰میلیارد تومان سازمان اقتصادی کوثر برای این پروژه هزینه کرده است. زمین این پروژه را شهرداری تأمین کرده و هزینه هم از سازمان اقتصادی کوثر بوده و من تأیید می‌کنم این کار اشتباهی بوده است و از مردم از این بابت عذرخواهی می‌کنیم.

وی در ادامه گفت: با همه مسئولان آن شهر صحبت کردیم و هرگونه پیشنهاد را داده‌ایم اما به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌ایم، اولاً ادامه ساخت این پروژه به صلاح نیست، زیرا این شهر توان تأمین برق این پروژه را ندارد، علاوه بر آن بنا به دلایلی از نظر نقایص پیوست فرهنگی و اجتماعی که گفته شد ادامه این پروژه به صلاح نیست. پیشنهادهایی دادیم که پول ما زنده شود اما تاکنون پاسخی از آنها دریافت نکرده‌ایم.

زاهدی در ادامه به پروژه یاسوج هم اشاره کرد و گفت: این پروژه مجتمع تجاری، خدماتی و مسکونی است و در مرحله گودبرداری است و در زمینه ادامه این پروژه هم مشکلاتی داریم.

وی در ادامه تأکید کرد: تلاش ما این است زمین‌های بلااستفاده را فرآوری کنیم و برای آنها کاربری مسکونی بگیریم، معتقد هستیم هر چه عرضه مسکن بیشتر شود، روی کاهش قیمت تأثیر می‌گذارد.

■ چگونه می‌توان قیمت مسکن را شکست

وی به تجربه‌ای در این باره اشاره کرد و گفت: عرضه تنها ۷۰واحد در منطقه۵ تهران توانست قیمت را در این منطقه ۱۰ تا ۱۵درصد کاهش دهد و اگر این در سطح کشور اتفاق بیفتد، قیمت مسکن افت خواهد کرد. وی درباره کمک سازمان اقتصادی کوثر به نهضت ملی مسکن گفت: ما به صورت خصوصی وارد این موضوع می‌شویم و با استفاده از زمین‌های بلااستفاده و ایجاد کاربری مسکونی برای آنها و ساخت‌وساز بیشتر دولت را در این نهضت کمک خواهیم کرد.

خبر

تعداد معاملات مسکن تهران همچنان بی‌جان

بانک مرکزی از رشد ۲۷درصدی معاملات مسکن شهر تهران طی آذرماه در مقایسه با ماه پیش از آن خبر داد. در سومین ماه پاییز متوسط قیمت مسکن ۲/۹درصد افزایش یافته است.

به گزارش تسنیم، بر اساس آمار بانک مرکزی تعداد آپارتمان‌های مسکونی معامله شده در شهر تهران در آذر ماه سال ۱۴۰۱ به ۱۰/۲هزار واحد مسکونی رسید که نسبت به ماه قبل ۲۷/۲ و ماه مشابه سال قبل ۴/۷درصد افزایش نشان می‌دهد. در ماه مورد گزارش، متوسط قیمت خرید و فروش یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی معامله شده از طریق بنگاه‌های معاملات ملکی شهر تهران ۴۸۰/۷میلیون ریال بود که حاکی از افزایش ۲/۹درصدی نسبت به ماه قبل است.

بررسی توزیع واحدهای مسکونی معامله شده در شهر تهران به تفکیک عمر بنا در ماه گذشته نشان می‌دهد از مجموع ۱۰هزارو۱۸۴ واحد مسکونی، واحدهای تا پنج سال ساخت با سهم ۲۹درصدی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. با وجود این سهم مذکور در مقایسه با آذرماه سال قبل ۴/۲درصد کاهش یافته و در مقابل به سهم واحدهای با عمر بالا در گروه‌های ۱۱ تا ۱۵سال و بیش از ۲۰سال ساخت افزوده شده است.

توزیع تعداد معاملات انجام‌شده در آذرماه امسال حاکی از آن است که در بین مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران منطقه۵ با سهم ۱۵درصدی از کل معاملات بیشترین قراردادهای مبایعه‌نامه را به خود اختصاص داده است. مناطق ۱۰ و ۲ نیز به ترتیب با سهم ۹/۴ و ۹/۳درصد از کل معاملات انجام شده در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند.

نوبت دوم
فراخوان مناقصه عمومی شماره ۳۰۵-۰۱-K "خرید لوله ۶"
شرکت گاز استان فارس
از کلیه تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان واجد شرایط که دارای استانداردهای مورد تأیید مربوط می‌باشند، به منظور شرکت در این مناقصه دعوت به عمل می‌آید.
شماره تلفن واحد مناقصات: ۰۷۱۳۸۱۱۴۰۴۵ – ۰۷۱۳۸۱۱۴۰۳۵
شماره نمابر: ۰۷۱۳۸۲۴۴۸۳۳
شماره دفتر امور کالا (تأییدیه نمابر): ۰۷۱۳۸۱۱۴۰۱۴
■ مناقصه‌گزار: شرکت گاز استان فارس
■ موضوع مناقصه: خرید لوله ۶"
■ نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:
کلیه شرکت‌های متقاضی برای شرکت در مناقصه باید ضمانت‌نامه معتبر بانکی و یا یک یا ترکیبی از تضمین‌های موضوع بندهای (الف)،(ب)،(پ)،(ج)،(چ)، (ح) و (خ) ماده ۴ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲ مصوب هیأت وزیران مورخ ۹۴/۹/۲۲ و اصلاحیه‌های بعدی آن، به مبلغ ۱۰،۸۸۶،۵۳۰،۷۴۰ ریال و قابل تمدید به مدت ۳ ماه را به عنوان ضمانت‌نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار ارائه نمایند.
■ نحوه شرکت در مناقصه، مهلت و محل ارسال مدارک:
شماره فراخوان مناقصه در سامانه ستاد، ۲۰۰۱۰۹۲۵۸۶۰۰۰۱۹۰ می باشد. متقاضیان برای شرکت در مناقصه می‌بایست:
الف: نامه اعلام آمادگی خود را به این شرکت نمابر نمایند.
ب: برای دریافت اسناد مناقصه، از طریق نشانی اینترنتی https://setadiran.ir (کد فراخوان ۲۰۰۱۰۹۲۵۸۶۰۰۰۱۹۰) به مدت ۷ روز از تاریخ درج آگهی نوبت اول اقدام نموده و اسناد لازم به منظور ارزیابی کیفی، ارزیابی شکلی، پیشنهاد فنی و پیشنهاد مالی را به مدت ۱۴ روز پس از دریافت اسناد و حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۱ در سامانه مذکور بارگذاری نموده و در همین بازه نسبت به ارسال ضمانت‌نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار و سایر مدارک لازم به نشانی شیراز، بلوار استقلال، تقاطع باغ‌حوض، ساختمان مرکزی شرکت گاز استان فارس، دبیرخانه حراست، کد پستی: ۷۱۷۵۹-۵۷۱۱۱ اقدام نمایند. مناقصه‌گران می‌بایست تا پایان فرآیند مناقصه، به منظور آگاهی از هرگونه تغییر در اسناد مناقصه، زمان گشایش پاکت‌ها و... سامانه فوق را زیر نظر بگیرند.
■ ذکر شماره تلفن، شماره نمابر و آدرس یک پست الکترونیک فعال در نامه اعلام آمادگی ضروری است.
■ در ضمن در صورت وجود هر گونه شکایت نسبت به اجرای قانون برگزاری مناقصات، هیئت استانی رسیدگی به شکایات قانون برگزاری مناقصات (مستقر در استانداری فارس)، آماده دریافت شکایات می‌باشد.
تاریخ چاپ نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ چاپ نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱
شناسه آگهی: ۱۴۳۱۵۱۳
روابط عمومی شرکت گاز استان فارس

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آینه نفس

انسان در بین نقدها رشد می‌کند

آیت‌الله جوادی آملی (حفظه‌الله):
هرگز انسان در بین دوستانش رشد نمی‌کند، در بین دشمنان رشد می‌کند. یک کسی که با شاگردان «به به گو» روبه‌روست، ترقی نمی‌کند. حرف‌های او را که دیگران نقد کردند، اشکال کردند؛ او قهراً ترقی می‌کند. رشد انسان به قول آن بزرگان در سوخت‌وسوز اوست. این عود تا نسوزد که بو پیدا نمی‌کند! این باید بسوزد تا بویش در بیاید. یک طلبه تا نسوزد که معطر نمی‌شود! انسان وقتی در جبهه تکه‌تکه می‌شود، شهید می‌شود؛ «طبتم وطابت الارض الّتی فیها دفنتم» (بحار الانوار / جلد ۹۸ / صفحه ۲۰۱) خواهد شد.
شما اگر عود را که سبز است نگه بدارید، بی‌بو است؛ بچینید، در اتاقتان دسته کنید، بی‌بو است؛ وقتی سوختید، بویش درمی‌آید تا یک انسان نسوزد، بویش درنمی‌آید که جهانی را معطر بکند و بویی که از دیگری گرفت، به دیگری پس می‌دهد؛ بوی خود او نیست.
انسان وقتی معطر می‌شود که طبق زیارت وارث و مانند آن (طبتم و طابت الارض الّتی فیها دفنتم) که سوخت‌وسوز تحمل کند. غرض آن است انسان در بین نقدها رشد می‌کند.
منبع: کانال تلگرامی «آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی (مدظله‌العالی)» به استناد جلسه تفسیر موضوعی قرآن کریم در مدرسه علمیه امام صادق(ع) شهرستان دماوند مورخ ۱۳۷۶/۰۴/۲۳

مارادونا به استقبال پله خواهد رفت؟

کاربران بسیاری توئیت پله در سال ۲۰۲۰ را پس از درگذشت دیگو آرماندو مارادونا بازخوانی کردند. پله در این توئیت خطاب به مارادونا نوشته بود: «یک روز، امیدوارم ما بتوانیم با هم در بهشت فوتبال بازی کنیم.»

بزرگ‌ترین پروژه تولید برق از زباله در کشور

المیرا شریفی در توئیتی نوشت: اطلاع دارید از گاز متان تولید شده در محل دفن پسماندهای شهری می‌توان برق تولید کرد؟ شهرداری مشهد، عملیات اجرایی بزرگ‌ترین نیروگاه تولید برق از زباله را در کشور آغاز کرد.
#انرژی_تجدیدپذیر

اختراع اولین عینک آفتابی برای قضات چینی

کاربری با نام «علیرضا» در پلتفرم «clickbax» نوشت: تاریخ ساخت عینک آفتابی جالبه. عینک آفتابی الان به عنوان یک وسیله پیشگیری از آسیب دیدن چشم به خاطر نور آفتاب و یک وسیله برای مد و پوشاک به حساب میاد، ولی اصلاً برای این کار ساخته نشده! در قرن دوازدهم در چین مرسوم بود که کوارتز دودی (یک نوع شیشه دودی رنگ) رو در قالب عینک برش می‌دادن و برای قضات عینک درست می‌کردن. با گذاشتن این عینک هم تشخیص چهره قاضی سخت می‌شد، هم قاضی بهتر می‌تونست احساسات خودش رو پشت عینک مخفی کنه!

روش عجیب ژاپنی‌ها برای برداشت چوب

لیلا نوری در توئیتی نوشت: ژاپنی‌ها یه تکنیک باغبانی دارن به اسم دایسوگی که در اون جوری تنه اصلی درخت سرو رو هرس می‌کنن که گیاه رو مجبور می‌کنن این شکلی تعداد زیادی تنه‌های نازک و خیلی صاف به سمت بالا در بیاره. با این کار می‌تونن از سطح زمین محدود بیشترین برداشت چوب و اونم چوب بسیار صاف رو داشته باشن.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به فوت پله، اسطوره برزیلی فوتبال

غیرقابل مقایسه تا ابد در دنیای فوتبال

ادسون آرانتس دو ناسیمنتو، ملقب به پله اسطوره دوست داشتنی فوتبال برزیل که به الماس سیاه فوتبال شهره بود، در سن ۸۲ سالگی درگذشت. پله مدت‌ها بود که با سرطان مبارزه می‌کرد و در نهایت درگذشت. کاربران فارسی زبان توئیتر در پیام‌هایی به فوت این اسطوره فوتبال واکنش نشان دادند. آنها از خاطرات و شنیده‌های خود درباره پله و تکنیک‌های افسانه‌ای‌اش نوشتند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

■ **آزاده مختاری:**
پله درگذشت. قهرمان سه دوره جام‌جهانی و اسطوره فوتبال جهان، در ۸۲ سالگی درگذشت. ادسون آرانتس دو ناسیمنتو که با نام پله شناخته می‌شد.

■ **کاربری با نام «حدیث»:**
اسطوره‌ها دوباره به هم رسیدند. دنیای بدون پله و مارادونا برای قدیمی‌ترها مثل دنیای بدون مسی و رونالدو برای جدیدهاست.

■ **علی رجب‌پور:**
شاید ندانید در سال ۱۹۶۹، دو جناح درگیر در جنگ داخلی نیجریه با یک آتش بس ۴۸ ساعته موافقت کردند تا بتوانند بازی «پله» را در لاگوس تماشا کنند. سانتوس در نهایت با تساوی ۲- ۲ مقابل لاگوس استیشنری استورز بازی کرد و پله گل‌های تیمش را به ثمر رساند. جنگ داخلی بعد از این بازی یک‌سال دیگر ادامه داشت.

■ **وحید حلاج:**
پله مرد. ما هیچ خاطره‌ای از او نداشتیم. قدیمی‌تر از آن بود که جلوی تلویزیون بنشینیم، تخمه بشکنیم و برای گل‌هایش هورا بکشیم. با این همه چهره ماندگار پله برای من در فیلم «فرار به سوی آزادی» بود. سیلوستر استالونه، پله و آن برگردان به یاد ماندنی.

■ **میثم ایرانی:**
برزیل کشور پیشرفته و ثروتمندی نیست. آشوب و چالش سیاسی اجتماعی هم کم نداشته، ولی پله اونقدری شرف داشت پی گرین کارت کشورهای پیشرفته‌تر کاسه لیسی اونها رو نکنه. همیشه یک فوتبالیست ماندوادای رهبر اجتماعی در نیاورد، بالاخره در ۸۲ سالگی در برزیل از دنیا رفت؛ خدایش بیامرزد.

■ **رضا یزدان‌پرست:**
هر بازیکنی را که بهترین فوتبالیست تاریخ می‌دانید، نباید فراموش کنید که او هم شاگرد «پله» بوده!

■ **حمید حاجی:**
نسل جدید فوتبالدوست لیونل مسی و نسل ما دیه‌گو مارادونا را بهترین فوتبالیست تاریخ می‌دانند. پله متعلق به دوران گذشته بود و جذابیت زیادی برای جوانان امروزی ندارد، اما بسیاری از کارشناسان معتقدند او بهترین فوتبالیست تاریخ است، زیرا مجموعه تکنیک‌های فردی بازیکنان شاخص فوتبال را اجرا می‌کرد.

■ **کاربری با نام «محمد صالح»:**
پله برای فوتبال چیزی فراتر از اسطوره بود، پله نماد فوتبال بود، حالا دیگه فوتبال نماد نداره.

■ **مهرداد صادقی:**
پله تنها بازیکن تاریخ فوتبال است که با هیچ بازیکن دیگری قابل مقایسه نیست. اسطوره برزیلی از همین رو به درستی «پادشاه» لقب گرفت، لقبی که تا ابد در دنیای فوتبال تنها مختص او خواهد بود.

■ **مازیار بالائی:**
ادسون آرانتس دو ناسیمنتو ملقب به پله. این عبارت احتمالاً پرتکرارترین جمله به زبان فارسی در وصف پله افسانه‌ای باشد. افسانه‌ای بی‌بدیل و غیرقابل تکرار که خبر درگذشتش احتمالاً بخش زیادی از اهالی کره زمین را در سوگ و ماتم فرو برد. رسیدن به این درجه از محبوبیت دشوار است؛ روحش شاد.

■ **کاربری با نام «امیر»:**
ادسون آرانتس دو ناسیمنتو معروف به پله، اسطوره فوتبال جهان در سن ۸۲ سالگی درگذشت. تنها فوتبالیستی که سه بار در ترکیب تیم ملی قهرمان جهان شد. در سال ۱۹۶۱ میراث ملی برزیل شناخته شد و فیفا او را بهترین بازیکن قرن بیستم شناخت.

واکنش چهره‌های جهانی به فوت اسطوره فوتبال، پله

او فوتبال را به هنر تبدیل کرد

در پی فوت پله چهره‌های برجسته ورزشی و سیاسی جهان طی پیام‌هایی در صفحات شخصی خود در شبکه‌های اجتماعی به فوت این ستاره برزیلی فوتبال واکنش نشان دادند و از خاطرات او نوشتند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های آنان آمده است.

■ **دونا لیندو، رئیس جمهور برزیل:**
من امتیازی داشتم که برزیلی‌های جوان از آن برخوردار نبودند، من بازی پله را به صورت زنده دیدم. بازی که نه نمایش! چون وقتی توپ می‌گرفت همیشه کارهای خاصی انجام می‌داد که اغلب به گل ختم می‌شد.

■ **امباپه:**
سلطان فوتبال ما را ترک کرد، اما میراث او هرگز فراموش نخواهد شد.

■ **کریستیانو رونالدو:**
همدردی عمیقم با تمامی برزیلی‌ها، خصوصاً خانواده ادسون آرانتس دو ناسیمنتو را ابراز می‌کنم. وداع صرف با پله، سلطان ابدی، هرگز برای اینکه بگوییم این دردی که تمام دنیای فوتبال در حال حاضر احساس می‌کند تا چه حد زیاد است، کافی نخواهد بود. او الهام بخش میلیون‌ها نفر، مرجعی برای دیروز، امروز و همیشه بود. عشقی که همیشه به من نشان دادی در هر لحظه‌ای که حتی از راه دور با هم به اشتراک می‌گذاشتیم قابل لمس بود. او هرگز فراموش نخواهد شد و خاطراتش تا همیشه در تمامی ما فوتبال‌دوستان زنده خواهد بود. روحت در آرامش، پله.

■ **جک ویلشر، هافبک سابق آرسنال:**
یک مرد با شخصیت به معنای واقعی! خیلی خوش شانس بودم که او را ملاقات کردم. ما پیراهن‌مان را عوض کردیم و صحبت کوتاهی در مورد بازی محبوب‌مان داشتیم. حرف‌هایت را هرگز فراموش نخواهم کرد! روحت شاد پله. این روزها خیلی راحت از واژه «اسطوره» استفاده می‌کنند، ولی این مرد یک «اسطوره واقعی» است!

■ **لیونل مسی:**
در آرامش بخوابی پله.

■ **نیمار:**
قبل از پله، «۱۰» فقط یک عدد بود. من می‌گویم قبل از پله، فوتبال فقط یک ورزش بود. پله همه چیز را تغییر داده است. او فوتبال را به هنر تبدیل کرد، به سرگرمی برای فقرا و سیاه‌پوستان. فوتبال و برزیل به لطف «پادشاه» جایگاه خود را بالا برده‌اند! او رفته است، اما جادویش باقی است. پله برای همیشه هست!

■ **گری لینه‌کر:**
در این پیام آمده است: یک فوتبالیست بزرگ. او سه بار با آن پیراهن زیبای زرد، طلایی‌ترین جام را بالای سر برد. او ممکن است ما را ترک کرده باشد، اما همیشه جاودانه خواهد بود.

■ **ریو فردیناند:**
اسطوره‌ای که در بین تمام اسطوره‌ها از همه سرتر بود... او همیشه برای همه وقت داشت! من افتخار بازی برای او (در بازی دوستانه) و مصاحبه با او را داشتم که ارزش هر دو به یک اندازه بود. این بازیکن، این مرد، این نماد.

■ **سر جف هرست:**
من خاطرات زیادی از پله دارم، بدون شک بهترین فوتبالیستی که در مقابلش بازی کردم. برای من پله بهترین بازیکن تمام دوران است و به حضور در زمین با او افتخار می‌کردم. در آرامش بخواب پله.

■ **صفحه توئیتری باشگاه بارسلونا:**
بارسا مراتب ناراحتی‌اش را از درگذشت پله ابراز می‌دارد. او یکی از بزرگ‌ترین بازیکنان تاریخ فوتبال بود. او باعث شد که فوتبال بزرگ‌تر از هر زمان دیگری شود. امیدواریم که روحش در آرامش باشد.

■ **مسوت اوزیل:**
طلب آمرزش برای یکی از بزرگ‌ترین اسطوره‌های فوتبال. میراث تو تا همیشه زنده خواهد بود. من مطمئنم که «باشگاه بهشت» با مارادونا و پله در کنار هم تا همیشه شکست‌ناپذیر خواهد بود.

■ **سرخیو راموس:**
صحبت درباره یک اسطوره یا یک شخصیت تاریخی کافی نیست. ما سلطان را از دست دادیم. فوتبال تا همیشه تو را به یاد خواهد داشت. در آرامش باشی، پله.

شرکت‌های توانمند ایرانی در حوزه کشتیرانی

احسان موحدیان در توئیتی نوشت: از زمانی که ایران برای تأمین ساده‌ترین نیازهای فنی- مهندسی محتاج بیگانه بود، چندان دور نشدیم، اما امروزه قدرت‌هایی مثل روسیه برای تعمیر و به روزرسانی پیچیده‌ترین شناورهای خود از ظرفیت شرکت‌های توانمند ایرانی همچون صدرا استفاده می‌کنند. نبض کشتیرانی در کاسپین باید دست ما باشد نه باکو!

چوب جادویی امپراطوری دروغ!

باران وکیلی توئیت کرد: انگلیس در هفته با ۱۵ مورد، یکی از مراکز اصلی اسیدپاشی دنیاست. امریکا با سالی حدود هزار و ۲۰۰ قربانی شهروند به دست پلیس و رده اول آمار زندانیان در جهان جزو ناامن‌ترین هاست، ولی با امپراطوری رسانه، ایران رو مرکز بدبختی و خودشون رو مهد حقوق بشر و خوشبختی معرفی می‌کنن!

۲ قدم تا انتخاب همسر مناسب

کانال تلگرامی «حامین مدیا» نوشت: در دو مرحله باید برای فردی که گزینه ازدواج شماست یا با او آشنا شده‌اید، فیلتر بگذارید. فیلتر اول، بلوغ‌های او در زمینه ازدواج را بررسی می‌کند و فیلتر دوم، سبک زندگی او را. کسی که به بلوغ ازدواج نرسیده باشد، نمی‌تواند به فیلتر دوم برسد و همان اول، باید او را از گزینه‌های ازدواج حذف کرد.
خوان اول | بلوغ ازدواج: فرد در خانواده دوره‌های مختلفی را پشت‌سر می‌گذارد که به آن دوره زندگی می‌گویند. این دوره از ابتدای تشکیل خانواده آغاز می‌شود و سپس اعضای خانواده‌ها به‌تدریج از خانواده جدا می‌شوند، اما شرط جداشدن از خانواده، فقط این نیست که با ازدواج فضای فیزیکی و خانه‌تان را از پدر و مادر جدا کنید، حتی در آن صورت هم ممکن است شما هنوز وابسته به خانواده باشید. برای آنکه بتوانید ازدواج کنید و مستقل شوید، باید بند نافتان را از خانواده جدا کنید. چطور ممکن است؟ با بلوغ‌های ازدواج. در واقع کسی که تصمیم به ازدواج دارد، باید به یک حداقل‌هایی در زندگی دست‌یافته باشد که به آنها بلوغ‌های ازدواج می‌گویند.
خوان دوم | سبک زندگی: سبک زندگی، سبک فکر کردن و شیوه مدیریت زندگی، ویژگی‌های فردی، رشد اجتماعی، تناسب‌های میان شما دو نفر و... همه باید در فاز دوم چک شوند. اهمیت این موارد هم کمتر از بلوغ‌های ازدواج نیست. فردی که به بلوغ رسیده اساساً آمادگی ازدواج را دارد، چه با شما و چه با فردی دیگر و فردی که در مرحله سبک زندگی و شباهت‌ها و تفاوت‌های دو نفره رد می‌شود، یعنی مناسب ازدواج با شما نیست و ازدواج شما دو نفر با هم ممکن است آینده خوبی نداشته باشد. برخی مواردی که باید در این حوزه بررسی کنید:
فلسفه ازدواج: چک کنید که تصویر شما از ازدواج خوب چیست؟ دیدگاه ایشان در این خصوص چیست؟
نحوه ایمان و دینداری: شباهت دختر خانم و آقا پسر در نحوه دینداری و مسائل مذهبی تا چه حد است؟ آیا شبیه‌اید؟ آیا چالش دارید؟ آیا می‌توانید به عقاید هم احترام بگذارید یا اصرار دارید یکدیگر را شبیه خود کنید؟
تناسبات خانوادگی: مسائلی مانند تناسب فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی، آداب و رسوم و فلسفه زندگی در این زمینه جای می‌گیرد.

۵ رکورد پله که شاید ابدی باشد

«طرفداری» نوشت: ادسون آرانتس دوناسیمنتو ملقب به پله از نظر خیلی‌ها بهترین بازیکن تاریخ فوتبال است. در روزهایی که مسی و رونالدو هر روز یک رکورد تازه خلق می‌کنند، پله رکوردهایی دارد که شاید تا ابد شکسته نشود. پله رکوردار تعداد گل ملی برزیل است وی در ۹۱ بازی ۷۷ گل به ثمر رسانده است، اما به نظر می‌رسد نیمار بتواند در آینده این رکورد پله را بشکند. نیمار در ۲۴ بازی ملی ۴۶ گل به ثمر رسانده است. به نقل از Sport Keeda، به پنج رکورد پله می‌پردازیم که شاید ابدی باشند.
۱- برنده بیشترین مدال طلا جام‌جهانی به‌صورت فردی: در کل ۲۱ بازیکن بیش از یک‌بار قهرمان جام‌جهانی شده‌اند و در میان آنها نام ۱۶ برزیلی، چهار ایتالیایی و یک آرژانتینی دیده می‌شود که پله در صدر آنها قرار دارد. برزیل پنج بار قهرمان جهان شده که پله در سه بار آن حضور داشته است در سال‌های ۱۹۵۸، ۱۹۶۲ و ۱۹۷۰.
۲- بیشترین تعداد گل در تاریخ فوتبال: پله در هزار و ۳۶۳ بازی موفق شده هزار و ۲۸۳ گل به ثمر برساند و این رکورد به‌علاوه رکورد قبلی در کتاب گینس ثبت شده است. این تعداد گل شامل تمام بازی‌های وی از جمله بازی‌های آماتوری و رده‌های پایه است. مسی و رونالدو به ترتیب ۵۲۶ و ۴۹۴ گل به ثمر رسانده‌اند و شانس کمی برای شکستن رکورد پله دارند.
۳- بیشترین تعداد هتریک در تاریخ فوتبال: ۲۱/۵ درصد از گل‌های پله هتریک بوده‌اند. وی موفق شده است، ۹۲ هتریک انجام بدهد. این در حالی است مسی و رونالدو تعداد هتریک‌هایشان حدود ۴۰ عدد است.
۴- جوان‌ترین بازیکن هتریک کننده در جام‌جهانی: پله در زمانی که ۱۷ سال ۲۴۴ روز داشت در نیمه‌نهایی جام‌جهانی ۱۹۵۸ در مقابل فرانسه هتریک کرد. این اتفاق پنج روز پس از آن افتاد که وی به جوان‌ترین گلزن تاریخ جام‌جهانی تبدیل شده بود. وولکات زمانی که ۱۶ سال داشت به همراه انگلستان به جام‌جهانی ۲۰۰۶ رفت، اما نتوانست هیچ‌کدام از این دو رکورد را بشکند. این رکورد ۵۸ سال است که جاودانه است.
۵- جوان‌ترین گلزن تاریخ فینال‌های جام‌های جهانی: پله در فینال جام‌جهانی ۱۹۵۸ در مقابل سوئد دو گل به ثمر رساند و با ۱۷ سال ۲۴۹ روز به جوان‌ترین گلزن تاریخ فینال‌های جام‌جهانی تبدیل شد.

یک توئیت و چند مغالطه!

صفحه توئیتری «تفکر نقاد» در واکنش به توئیت علی کریمی که نوشته است: «در قرن ۲۱ که با DNA بلال حبشی و هند جگرخوار هم قابل شناسایی هستند، جمهوری اسلامی هر سال هزاران شهید گمنام وارد کشور می‌کند» به ایرادات وارد به این توئیت پرداخت. بخش‌هایی از این رشته توئیت در ادامه آمده است: در توئیت علی کریمی راجع به شهدای گمنام چند مغالطه کلامی وجود دارد:
مغالطه طرد شُوق: موضوع شهدای گمنام دو بخش دارد: ۱- وجود شهدا. ۲- گمنام بودن شهدا. جنگ تحمیلی ۱۹۶ هزار و ۸۳۷ هزار شهید دارد. اصل این است دفاع از ایران «شهید» داده. اصل را نادیده می‌گیرد و گمنام یا با نام بودن زوم می‌کند. نگفته جمهوری اسلامی از شهدا استفاده می‌کند در «وجود شهید» تردید است.
مغالطه مرد پوشالی (پهلوان پنبه): ترسیم یک مدعای ضعیف و نقد آن به جای نقد مدعای اصلی. مدعای اصلی: ۱۹۶ هزار و ۸۳۷ هزار شهید وجود دارد. مدعای پوشالی: شهید گمنام وجود دارد یا ندارد؟! هدف: تردید در وجود شهدا.
انحراف معیار: در ارزش شهدا برای مردم: معیار فدای جان در راه تمامیت ارضی و حفظ جان و مال و حیثیت مردم ایران. معیار انحرافی: شهدا ابزار فریب مردم توسط حکومت هستند. بر فرض صحت معیار انحرافی خود این توئیت هم از شهدا استفاده ابزاری کرده و معیار اصلی هم برای مردم تغییر نکرده است.
سر چشمه مسموم: ادعای اولیه (سر چشمه): چون تست DNA ممکن است وجود شهید گمنام ممکن نیست؛ نقض ادعا: ۱- شهدای تفحص شده همه گمنام نیستند. ۲- غالباً شهید زمانی گمنام است در حین شهادت متلاشی یا به صورت دسته جمعی دفن یا مدفون شده باشد در این دو حالت پاسخ تست DNA ممکن است دقیق نباشد.
کژتابی (ایهام ساختاری): عبارت «شهید وارد می‌کند» ایهام ساختاری دارد، شهید کالا نیست که از کشورهای دیگر وارد شود، شهدا هم از مردم ایرانند نه کشورهای دیگر. عبارت «وارد می‌کند» یک کژتابی با این هدف است که بگوید اینها شهدای اسلامند ربط به ایران ندارند.
مغالطه توریه: بیان سخنی که معنای آن به‌ظاهر، درست است، ولی آنچه مخاطب از آن درک می‌کند، نادرست و دروغ است. ادعا: در قرن ۲۱ که با DNA بلال حبشی و هند جگرخوار هم قابل شناسایی هستند، البته من متخصص پزشکی نیستم، اما در صحت این ادعا تردید جدی دارم.
اغراق: جمهوری اسلامی هر سال هزاران شهید گمنام وارد کشور می‌کند. در طول ۲۶ سال تعداد شهدای گمنام حدود ۱۰ هزار نفر است. من ریاضیاتم ضعیفه، اما نه آنقدر ۱۰ هزار شهید را تقسیم بر ۲۶ سال بکنم، پاسخ حدود ۴۰۰ شهید برای هر سال نباشد. حالا این «هر سال هزاران شهید» از کجا آمد؟

تصویر منتخب

غذا دادن به قوها در برف در کراکوف، لهستان
| از صفحه کاربری با نام «هادی» در توئیتر

گزارش

فائضه غفارحدادی

روایتی از دیدار ۱۰۰دقیقه‌ای خانواده شهدای شاهچراغ با رهبر معظم انقلاب

مادر خواب دیده بود روی سر آرتین دست می‌کشید!

شما هم از خانواده شهدای شاهچراغید؟
چه سؤالی است آخر؟ با آن همه هشتگی که در دو ماه گذشته با عنوان «من مادر آرتین هستم» زده شده، تقریباً همه مردم ایران جزو خانواده شهدای شاهچراغند! اما متأسفم باید بگویم نه.
پس کی هستید؟
واقعه‌نگاری بیش نیستم که باید گوشه‌ای پرت از مجلس بنشینم و واقعه‌ای مهم را ننویسم، بلکه به خاطر بسپارم! چون نگذاشتند کاغذ و خودکارم را بیاورم!
خانمی که لیست خانواده‌ها را دارد و جلوی اسم‌ها تیک می‌زند، با لبخند می‌گوید: «داخل کاغذ و خودکار هست!» و به سمت میز پذیرایی هدایتم می‌کند که همان دم در ورودی است. یک شیر پاکتی و یک کیک برمی‌دارم و البته گزینه دیگری هم نیست، وگرنه ترجیح می‌دادم چای بنوشم با شیرینی. هوا حسابی سرد است. باد ۲۹ آذر سال ۱۴۰۱ سربه‌راه نیست، به در بزرگ که می‌رسد، می‌چرخد و وارد حسینیه امام خمینی(ره) می‌شود.
آدم‌ها هم همین کار را می‌کنند، اما آنها شبیه نسیمند. چرخش‌شان مثل موهای فرخورده آرتین، به دل می‌نشیند. اسم‌ها یک‌به‌یک تیک می‌خورند. محافظ‌ها همه را با اسم شهدای‌شان صدا می‌زنند: «مادر علی‌اصغر... خوش آمدید... بفرمایید شیر و کیک...»، مادر خم می‌شود و کفش‌های اهورا، برادر سه‌ساله شهید هشت‌ساله‌اش را درمی‌آورد.
برمی‌گردم سر میز مفصل پذیرایی! آرتین و خواهر و مادربزرگش هم آمده‌اند. آرتین یکی‌یکی شیرها را برمی‌دارد، نگاه می‌کند و می‌گذارد سر جایش. به شیر توی دست من هم نگاه می‌کند و می‌گوید: «شیر کاکائوهاشو تو خوردی؟» می‌گویم: «شیر کاکائو نداشت پسرم. خیالت راحت!» خواهر آرتین ماسکی را می‌زند روی صورت آرتین و بندهایش را جایی لای فر موهایش، به پشت گوش‌ها وصل می‌کند. آرتین مقاومت می‌کند. خواهرش می‌گوید: «باید بزنی مامان جان.» یعنی حتی خواهر آرتین هم مادر آرتین است؟! مثل همه مردم ایران؟ از جراحت دست آرتین می‌پرسم. می‌گوید: «الحمدلله بازش کرده‌اند. خوبه.» یک شیر و کیک می‌دهم دست آرتین و می‌پرسم: «کی میری مدرسه مرد بزرگ؟» خودش می‌خندد و خواهرش می‌گوید: «سال دیگه، ولی امسال هم هر روز با شوهرم میره مدرسه‌ش. شوهرم معلمه.» همراه خواهر و مادربزرگ آرتین وارد حسینیه می‌شویم. عکاس‌ها برای گرفتن عکس از آرتین، چیک‌چیک می‌کنند و فلاش می‌زنند.
با پارتیشن قسمت کوچکی از جلوی سن حسینیه را جدا کرده‌اند که به اندازه جمعیت دیدار صمیمانه امروز باشد. دورتادور، پتوهای سفید انداخته‌اند و پشت پتوها یک ردیف صندلی گذاشته‌اند. یک صندلی شبیه همه صندلی‌های دیگر هم هست که در نزدیک‌ترین حالت به جمعیت و رو به آنها گذاشته شده است. دنبال کاغذ و خودکار معهود می‌گردم. راهنمایی می‌شوم به سمت ورودی آقایان و از روی میزی، ابزار نگارشم را برمی‌دارم.
با اینکه ورودی‌ها جداست، اما بعد از ورود همه خانواده کنار هم می‌نشینند. آقای رضوانی بدون تعارف دارد مصاحبه می‌گیرد. جلوی هر خانواده زانو می‌زند، حرف‌شان اگر طولانی شد، دوزانو می‌نشیند. کار من اما راحت‌تر است. می‌روم و چهارزانو پیش هر خانواده می‌نشینم و سر صحبت را با آنها باز می‌کنم.
زلال‌تر از آنند که برای شروع مکالمه بخواهم به دلیل خاصی چنگ بزنم. از همان اسم شهیدشان که شروع می‌کنم، باقی حرف‌ها خودش می‌آید. دو جا هم کارم به گریه کشید. اولی کنار مادر شهید محمدرضا کشاورز که اتفاقاً خیلی باهم حرف هم نمی‌زنیم. همین که می‌گوید پسرم ۱۶سال داشت. می‌گویم من هم یک پسر ۱۶ساله دارم و بعد دوتایی می‌زنیم زیر گریه! و نمی‌گویم برایش که شاید تا حالا ۲۰باری آن قسمت فیلم حمله شاهچراغ را که پسر او می‌افتد، عقب‌جلو کرده‌ام و هر بار از شباهت قدوقواره و سبیل تازه سبزشده پشت لب و حتی رنگ پیراهن پسرش و پسرم اشک ریخته‌ام! و بار دوم هم کنار همسر شهید احسان مرادی که پیرزنی بود با عصا. بعد از شنیدن این حرف‌هایش که: «۹ساله سکته کرده‌ام. یه دست و یه پام از کار افتاده‌اند. حاجی ۹سال مثل پروانه دورم چرخید و همه کارهامو کرد. اون روز هم، خودش منو برده بود حرم. من قسمت خانوما بودم که تیراندازی شد. همه ترسیدند. فرار کردند. من پای فرار نداشتم. گفتم باید حاجی خودش بیاد منو ببره، اما هرچی منتظر شدم نیومد. مردم به زور منو بردند بیرون. تا چند روز هم بهم نمی‌گفتند شهید شده. می‌گفتند زخمی شده. بعد که فهمیدم خیلی سوختم. نباید تنها شهید می‌شد. منم باید باهاش شهید می‌شدم.»
کم‌کم بوی آمادگی برای آمدن آقا می‌آید. کسی میکروفون را می‌گیرد و می‌گوید: «خواهشاً ماسک‌های‌تان روی صورت‌تان باشد و کسی از پتوها جلوتر نیاید و صبر کنید تا نوبت‌تان شود برای صحبت و نامه‌ای اگر دارید به آقای مقدم بدهید!» بی‌آنکه آقای مقدم را نشان بدهد. طاها پسری ۱۰ساله از خانواده شهید معصومی نامه‌ای نوشته و بلند می‌شود برود دنبال آقای مقدم بگردد. می‌نشینم کنارشان. می‌پرسم: «همسر شهید کدومتونید؟» می‌گویند: «تیومده. خودش و محدثه‌سادات مریض بودند. تب داشتند.» اگر مستند شهید را ندیده بودم نمی‌فهمیدم محدثه‌سادات کیست، اما به لطف آن می‌دانم که محدثه‌سادات دختر خردسال شهید است که عقیده دارد بابا به سفری خیلی طولانی رفته. سیدمهدیار را اما حتی قبل از آن مستند می‌شناختم، از فیلمی چنددقیقه‌ای که بعد از تشییع شهید پخش شد. مهدیار کلاس چهارمی، آنجا بالای سر پیکر پدرش با صوت خوشی قرآن خوانده بود و بعدش شبیه نوجوان‌های اول انقلاب و زمان جنگ که یک‌شبه اندازه ۱۰سال بزرگ می‌شدند، سلیس و روان گفته بود برای پدرش خوشحال است که او را خبیث‌ترین افراد روی کره زمین در یک مکان مقدس شهید کرده‌اند.
هر چه زودتر باید یک جای ثابت آن پشت‌ها انتخاب کنم و بنشینم، اما حیفم می‌آید از دقایق آخر فرصتم استفاده نکنم. می‌نشینم کنار دختر شهید محمدولی کیاسی. اسمش زهراست. در شیراز گفتاردرمانی می‌خواند. می‌گوید: «بابا و خواهرام اومده بودند شیراز، منو برگردونن مرودشت. از جلوی خوابگاه حرکت کردیم. دم اذان شد. گفتیم یه زیارتی هم بکنیم و نماز بخونیم. تو حیاط، خواهرام رفتن وضو بگیرن. چند تا از بابام تو صحن شاهچراغ عکس گرفتم. بعد رفت زیارت. منم می‌خواستم برم سمت مصلی که یهو صدای تیراندازی بلند شد. رد قرمز تیرها رو توی آسمون می‌دیدیم. خیلی ترسیدیم. خیلی.»
با زهرا گرم صحبت شده‌ام که یکهو آقا بدون هیچ اعلان و تشریفات و سروصدایی می‌آیند و همگی بی‌درنگ بلند می‌شویم. خودمان را گم کرده‌ایم. زبان‌های‌مان قفل شده و فقط چشم‌های‌مان حرف می‌زنند. اشک‌های زهرا در همان چند لحظه، بالای ماسکش را خیس کرده‌اند.

> آقا اسم شهید سیدفریدالدین معصومی را با عنوان نخبه و دانشمند می‌خوانند. تهرانی هستند. اول پدرش حرف می‌زند و از انتخاب راه دین از طرف پسرش می‌گوید و اینکه خودش خواسته برود طلبه بشود و بعدش تصمیم گرفته درس را هم ادامه بدهد و برای دکترا رفته خارج و می‌خواسته که حتماً برگردد و بعد هم که برگشته، خودش را در خدمت پیشرفت مملکت قرار داده

یک نفر زودتر از بقیه خودش را پیدا می‌کند و بلند می‌گوید: «صلّ علی محمد، یار خمینی آمد.» بقیه با او تکرار می‌کنند. کس دیگری می‌گوید: «صلّ علی محمد، یاور مهدی آمد.» مردم او را هم تأیید می‌کنند. آقا ماسک ندارند. قبایی نیلی پوشیده و عبایی مشکی دارند. از میهمانان‌شان خواهش می‌کنند که بنشینند. همگی می‌نشینیم. تازه می‌فهمم که من هم جوگیر شده‌ام و همان جا پیش زهرا روی پتوهای سفید نشسته‌ام. انگار راستی‌راستی جزو خانواده شهدای شاهچراغم!
آقا شروع به صحبت می‌کنند. خوشامد می‌گویند و حادثه تروریستی حرم احمدبن‌موسی را تلخ و در عین حال باشکوه و پرمعنا و ماندنی توصیف می‌کنند و می‌گویند: «خب خود جناب احمدبن‌موسی را هم شهید کردند. برادر بزرگوار ایشان یعنی حضرت علی‌بن‌موسی‌الرّضا(سلام‌الله‌علیه) را هم شهید کردند. شهید کردند که نام آنها و یاد آنها فراموش بشود، فراموش شد؟» صحبت‌های آقا در سه محور ادامه پیدا می‌کند. دلجویی از خانواده‌ها و بشارت‌شان به عظمت لطف الهی در حق آنها، محکومیت عوامل حادثه و محدود ندیدنش در آن جوانک تیرانداز و حتی داعش و دست آخر، بیان ضرورت فراموش‌نشدن آن و توجه دادن اهالی هنر و اصحاب رسانه به کم‌کاری‌شان در همه موارد و لزوم اهمیت دادن به این ماجرا.
بعد از این سخنان کوتاه، بلافاصله کاغذی را به آقا می‌دهند و آقا از روی آن اسامی و توضیحات مربوط به هر خانواده را می‌خوانند و می‌خواهند که تک‌تک حرف بزنند. خانواده اول، خانواده شهید احسان مرادی است؛ همان که با همسرش هم‌صحبت شده بودم. همدانی‌اند. بعد از همسرش، آقا اسم دخترانش زهرا و لیلا و آرزو را می‌خوانند و می‌خواهند که تک‌تک صحبت کنند. از دخترها درباره همسران‌شان هم می‌پرسند و آنها همسران‌شان را نشان می‌دهند. همسر یکی‌شان نیامده. دلیلش را نمی‌گوید، اما من می‌دانم. قبلاً با مهیار - نوه سه‌چهارساله شهید - هم‌صحبت شده‌ام. به من گفته: «بابام راننده تریلیه. رفته ایرانشهر.»
آقا از برادر شهید هم می‌خواهند که صحبت کند: عاقله‌مردی است و می‌گوید: «خوش به سعادت برادرمان که رفت، ما هم اگر قابل بدانید پا به رکاب شما هستیم.» آقا از پدر و مادر شهید سؤال می‌کنند. برادر می‌گوید: «پدرمان دو سال

> خواهر آرتین ماسکی را می‌زند روی صورت آرتین و بندهایش را جایی لای فر موهایش، به پشت گوش‌ها وصل می‌کند. آرتین مقاومت می‌کند. خواهرش می‌گوید: «باید بزنی مامان جان.» یعنی حتی خواهر آرتین هم مادر آرتین است؟! مثل همه مردم ایران؟ از جراحت دست آرتین می‌پرسم. می‌گوید: الحمدلله بازش کرده‌اند

khamenei.ir

پیش فوت شدند و مادرمان هنوز سی‌ام شهید نشده بود که به رحمت خدا رفتند.» با خودم فکر می‌کنم که لابد زیر این بار مصیبت مادرش دق کرده. آقا قرآنی را برای‌شان امضا می‌کنند و کسی آن را می‌آورد. برادر شهید، قرآن هدیه را روی چشم‌هایش می‌گذارد و می‌بوسد.
خانواده بعدی مربوط به شهیدی است که در فیلم‌های حادثه با لباس خادمی دیده می‌شود. اهل گیلان بوده و ساکن شیراز و چند سالی هم مشهد زندگی کرده و هرجا رفته، لباس خدمت به اهل‌بیت(علیهم‌السلام) را از تنش درنیاورده. خادم آستانه اشرفیه بوده و خادم شاهچراغ و خادم امام رضا(علیه‌السلام). شهید حسنعلی پورعیسی. همسرش فوت شده. به درخواست آقا هر سه فرزندش مریم و بهروز و بهرام حرف می‌زنند. می‌گویند آرزوی پدرشان این بوده که در یک مکان زیارتی دفن شود و بهتر از آنچه آرزویش بوده، خدا نصیبش کرده. وقتی بهرام می‌گوید: «آقا، خدا سایه شما رو از سر ما کم نکنه.» آقا جواب می‌دهند: «خدا سایه شما مردم حزب‌اللهی و مؤمن رو کم نکنه.» آقا برای آنها هم قرآنی را امضا می‌کنند.
خانواده بعدی شیرازی‌اند و پرجمعیت آمده‌اند. شهید مجتبی ندیمی. مادر شهید، تند و از ته دل حرف می‌زند. می‌گوید: «همیشه تو قنوت نمازهام سلامتی شما رو می‌خوام و آرزوم اینه که پرچم شیعه، یه روز از دستان شما به دست آقا امام زمان منتقل بشه.» وسط حرف‌هایش از آقا تبرکی می‌خواهد. می‌گوید: «شما سراسر نورید. یه چیزی بدید که ازش نور بگیریم. فقط، ما ۱۷نفریم! ۱۷ تا هم تبرک می‌خواستیم ازتون!» آقا می‌گویند: «عیبی ندارد حالا به خود شما بدهیم تا بعد ان‌شاءالله به بقیه هم عیبی ندارد، می‌دهیم» و اشاره می‌کنند به کسی که بغل‌دست‌شان قرآن‌ها را می‌آورد و می‌برد. مادر شهید، دست از دعاکردن‌های پی‌درپی در حق آقا نمی‌کشد.
آقا می‌گویند: «خدا دعای شما را در حق ما مستجاب کنه. دعای ما رو هم در حق شما مستجاب کنه. ما هم برای شما خیلی دعا می‌کنیم.» به روحیه بالا و اعتقاد ناب مادر شهید و این جمله آقا در حقش، خیلی غبطه می‌خورم. شهید، مجرد بوده و یکی‌دوتا از برادرهایش درباره‌اش حرف می‌زنند. یکی‌شان می‌گوید: «بعد از خوندن چهل‌حدیث امام، مقید به نظم و سکوت شده بود و فوق‌العاده به مادرمون احترام می‌گذاشت.» آقا قرآن این خانواده را هم برای‌شان امضا می‌کنند.
خانواده بعدی دو شهید داده‌اند. یک پدر و یک پسر. اهل کهگیلویه و بویراحمدند. شهیدان هوشنگ و امید خوب. همسر شهید بغض می‌کند و نمی‌تواند صحبت کند. دخترش توضیح می‌دهد که: «چون مادر در حادثه حضور داشته، روحیه‌شون خیلی شکسته شده.» آقا می‌گویند: «همسر و مادر شهید اجر خیلی بزرگی دارند. روحیه‌شون باید بالا باشه.» دو پسر و یک دختر شهید هوشنگ صحبت می‌کنند. امین می‌گوید: «پدرم رزمنده جنگ بود و برادرم رزمنده فضای مجازی و اینکه پدرم آرزو داشت که شما رو از نزدیک زیارت کنه.»
آقا در جواب امین چیزی می‌گویند که من را به فکر فرو می‌برد: «خدا نصیب ما بکنه اونجا مقام اونا رو زیارت بکنیم!» چه معامله خوبی است شهادت! عده‌ای با زرنگی، جانی را که قرار است خدا دیر و زود از ایشان بگیرد، به خودش می‌فروشند و به جایش بهشت می‌گیرند و مقامی را که مورد رشک خوبان روزگار است. دایی شهید امید هم می‌خواهد صحبت کند. آقا اجازه می‌دهند. من همین‌طوری‌اش خسته شده‌ام و هنوز کلی خانواده هم مانده، ولی آقا با همان نشاط اولیه مشغول احوالپرسی هستند. دایی شهید در سخنرانی کم نمی‌گذارد و مفصل از خصوصیات پدر و پسر تعریف می‌کند. آقا با لبخند قرآنی را امضا و به این خانواده هم اهدا می‌کنند.
خانواده بعدی همانی است که من کنارشان نشسته‌ام. شهید محمدولی کیاسی. مادر شهید خیلی با آقا راحت است. می‌گوید: «خدا عمرت بده! یه پسر خوبی داشتم در راه خدا دادمش. خدا خودش گفته از بهترین‌هاتون در راه من بدید.» همسر شهید هم از دو سال‌ونیم اسارت همسرش می‌گوید و اینکه آرزوی شهادت داشته. نوبت می‌رسد به فرزندان. سه دختر و دو پسر. پسرها ردیف جلو نشسته‌اند. پسر بزرگ‌تر از این می‌گوید که پدرش مرد جنگ بود و از اینکه در فیلم‌های روز حادثه در دوقدمی ضارب دیده می‌شود، احتمال می‌دهد که رفته تا ضارب را بگیرد و خلع سلاحش کند.
یک بیت شعر هم برای پدرش می‌خواند که چشم خواهرهایش را خیس می‌کند. پسر کوچک‌تر محصل است هنوز. آقا از درس‌هایش می‌پرسند و او می‌گوید اوضاع خوب است. نوبت دخترها می‌شود. زهرا و زینب و مرضیه. اول زهرا بلند می‌شود. خطابه زیبایی را درباره پدرش از حفظ می‌گوید و بعد از سه علاقه پدرش حرف می‌زند: یکی به حضرت آقا و یکی به حاج‌قاسم و یکی هم حاج‌صادق آهنگران. از آقا می‌خواهد که ای کاش آهنگران در رثای پدرش نوحه‌ای بخواند. آقا به کنار دستی‌شان می‌گویند: «حتماً منتقل کنید به ایشان» و بعد از حرف‌زدن زهرا تعریف می‌کنند: «این صحبت کردن روان و خوب و پرمغز خیلی خوبه. شما از این توانایی بیان و صحبت کردن حداکثر استفاده رو در راه خدا، در راه انقلاب بکنید.» زهرا می‌نشیند و آقا از مرضیه می‌خواهد صحبت کند. دست زهرا را می‌گیرم و از ذوق فشار می‌دهم. یخ کرده و می‌لرزد. او هم دستم را فشار می‌دهد. حرف‌های مرضیه هم که در نهایت شیوایی تمام می‌شود. آقا سراغ زینب را می‌گیرند. می‌گویند زینب معلولیت ذهنی دارد. فقط اگر اجازه بدهید، سلام کند. زینب هم سلام می‌کند. آقا می‌گویند شهید چه بچه‌های خوبی تربیت کرده و برای‌شان قرآنی امضا می‌کنند.
خانواده بعدی مربوط به همان نوجوان شهید است. شهید محمدرضای کشاورز. پدرش می‌گوید: «خدا رو شاکرم که ما رو عزیز کرد و خوار نکرد.» چقدر شکر بجایی است در این زمانه که نوجوان‌ها ممکن است به هر کاری دست بزنند. مادر شهید، فقط با بله و خیر جواب می‌دهد. اینکه پسرش بچه دوم بوده و برای زیارت رفته بود. آن‌قدر دلم می‌سوزد که دوست دارم خودم بلند شوم و از طرف او همان چیزهای کمی را که درباره پسرش خوانده‌ام به آقا بگویم. تک‌پسری که مؤذن و مکبر مسجدشان بوده و از مادرش خواسته بود از کربلا برایش کفن بیاورد و هر هفته چهارشنبه‌ها می‌آمده حرم و شوخی‌اش با پدرش این بوده که ان‌شاءالله پدر شهید بشی! آقا قرآن خانواده آنها را هم امضا می‌کنند.
حالا فقط چهار خانواده مانده‌اند! آقا اسم شهید سیدفریدالدین معصومی را با عنوان نخبه و دانشمند می‌خوانند. تهرانی هستند. اول پدرش حرف می‌زند و از انتخاب راه دین از طرف پسرش می‌گوید و اینکه خودش خواسته برود طلبه بشود و بعدش تصمیم گرفته درس را هم ادامه بدهد و برای دکترا رفته خارج و می‌خواسته که حتماً برگردد و بعد هم که برگشته، خودش را در خدمت پیشرفت مملکت قرار داده.

> فرزند شهید کیاسی خطابه زیبایی را درباره پدرش از حفظ می‌گوید و بعد از سه علاقه پدرش حرف می‌زند: یکی به حضرت آقا و یکی به حاج‌قاسم و یکی هم حاج‌صادق آهنگران. از آقا می‌خواهد که ای کاش آهنگران در رثای پدرش نوحه‌ای بخواند. آقا به کنار دستی‌شان می‌گویند: حتماً منتقل کنید به ایشان

آقا می‌گویند: «خدا چشم شما و مادرش رو به الطافش روشن کنه. این جوان خوب را شما تربیت کردید و تقدیم اسلام کردید.» پدر متواضعانه می‌گوید: «مادرش تربیت کرده» و میکروفون به مادر می‌رسد. مادر صدای رسایی دارد: «پسرم حافظ قرآن بود. تلاشگر بود. اولویتش تو زندگی نماز اول وقت بود. اون روز هم برای یه مأموریت یک‌روزه رفته بود شیراز. زمان کمی تا وقت رفتن به فرودگاه داشته، ولی چون وقت اذان شده، رفته شاهچراغ که نماز اول وقت بخونه که مزدش رو هم گرفته» و از آقا می‌خواهد که برای صبر دل همه مادران شهدا دعا کنند. آقا می‌گویند: «یکی از غصه‌های ما همین دل‌های شماهاست.»
نفر بعدی که از این خانواده بلند می‌شود سیدمهدیار است. آقا از کلاس چندم بودن و درسش می‌پرسد و اینکه تصمیم دارد راه پدر شهیدش را ادامه بدهد یا نه؟ و وقتی جواب مثبت سیدمهدیار را می‌شنوند، می‌گویند: «ان‌شاءالله که سال‌های طولانی خدمت کنی.» آقا سراغ همسر شهید را می‌گیرند. می‌گویند کسالت داشت. سلام رساند و عذرخواهی کرد. آقا می‌گویند: «عذرخواهی لازم نیست. شما هم سلام برسانید.» آخرین نفری که از این خانواده حرف می‌زند، برادر شهید است. او هم خاطره آخرین سفر مشهدشان را تعریف می‌کند که وقت خداحافظی، برادرش زیارت را طول داده و او به شوخی گفته وقت آقا را زیاد نگیر که به زوار دیگرش برسد و برادرش هم می‌گوید: «من با امام رضا وداع کردم و خواستم که قولی رو که به همه زوارش داده در حق منم اجرا کنه و شب اول قبر کنارم باشه.» آقا از او شغلش را می‌پرسند. شرکت فنی‌مهندسی دارد. لبخندی روی لب‌های آقا می‌نشیند که شاید به شعار امسال که حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان است، ربط داشته باشد. آقا به همراه قرآن این خانواده، به درخواست مهدیار کتابی را هم که برای شهید چاپ شده، امضا می‌کنند.
خانواده بعدی اهل سیرجان است. شهید علی‌اصغر لری گوئینی. دانش‌آموز دوم ابتدایی. اصلاً خیلی عجیب است. این حادثه سه شهید دانش‌آموز دارد. محمدرضای کلاس دهمی. آرشام کلاس پنجمی و علی‌اصغر کلاس دومی و من دقیقاً سه پسر کلاس دهمی و کلاس پنجمی و کلاس دومی دارم. خودم را جای خانواده هر کدام که می‌گذارم، مچاله می‌شوم. شاید بی‌دلیل نبوده که از بین این همه وقایع‌نگار و حاشیه‌نویس، من برای واقعه‌نگاری این دیدار انتخاب شده‌ام. نکند از بس که دلم سوخته بود، خدا من را هم جزو خانواده این شهدا حساب کرده و به این میهمانی دعوت کرده؟ حواسم پرت نشود.
پدر علی‌اصغر می‌گوید: «یه بار ازش پرسیدم: میخوای چی‌کاره بشی؟ گفت: قهرمان جهان! الان می‌بینم که قهرمان جهان شده!» دستش آتل دارد. شنیده‌ام علی‌اصغر و برادرش اهورا را هل داده پشت اسپیلت و خودش را سپر آنها کرده، ولی در یک لحظه که تفنگ ضارب گیر کرده، علی‌اصغر سرش را بیرون آورده و تیر خورده. خودش و اهورا هم مجروح شده‌اند. آقا سراغ اهورا را می‌گیرد. همان جلو خوابیده. نوبت مادر علی‌اصغر است. می‌گوید: «اولین بار که فهمیدم خدا علی‌اصغر رو به من داده، وقتی بود که دستم به شبکه‌های ضریح شاهچراغ بود. برای همین، همیشه علی‌اصغر رو هدیه شاهچراغ می‌دونستم. خودش داده بود و به خودش هم پس دادم.» پدربزرگ شهید هم که آن روز حضور داشته، خاطره‌ای از مسیر سیرجان تا شیراز می‌گوید که علی‌اصغر اشتیاق رسیدن داشته و مدام می‌پرسیده چند کیلومتر مانده و آخرش رسیده بود به اینکه چند متر مانده‌ایم به شاهچراغ؟ آقا قرآن آنها را هم امضا می‌کنند.
می‌رسیم به خانواده سه شهید و مشهور سرایداران. مادر و پدر و برادر آرتین. آقا دیدار بار قبلش با آرتین و خواهرش را یادآوری می‌کنند و خواهر آرتین می‌گوید: «آقا اون روز که دست کشیدید روی سر آرتین، من یادم افتاد که یه بار وقتی آرتین یک سالش بود، مامانم خواب دیده بود که شما روی سر آرتین دست می‌کشید!» پدربزرگ آرتین از پسرش می‌گوید که ارتشی بوده و ۳۰سال بندرعباس زندگی می‌کرده و دایی آرتین از خواهرش می‌گوید که ۳۰سال به خاطر مأموریت‌های متعدد همسرش که به تنب بزرگ و کوچک می‌رفته، برای بچه‌هایش، هم پدری کرده و هم مادری. تازه یک‌سال‌ونیم بود که برگشته بودند شیراز و هفته بعدش عروسی دخترشان بوده و این حرف‌ها. آقا با تازه‌داماد هم حرف می‌زند: «خب شما چه می‌کنید؟» داماد خانواده با یک دعا شروع می‌کند: «اللّهُمّ أَخرِجنِی مِنْ ظُلُماتِ الوَهْمِ، وَأَکرِمْنِی بِنُورِ الفَهْمِ» و از نامه‌هایی که از نوجوانی برای آقا نوشته و درخواست دیدار داشته می‌گوید و از ارسال نامه‌ای یاد می‌کند که در آن خواسته عقد او و فاطمه را آقا بخواند. این بار هم دوتا نامه برای آقا آورده و جواب می‌خواهد. آقا می‌گویند: «نامه را حتماً بدهید. من می‌خوانم ولی جوابش را منوط کنید به حال و وقت من.» قرآن این خانواده هم امضا می‌شود و کم‌کم به وقت نماز ظهر نزدیک می‌شویم.
فقط یک خانواده مانده. خانواده شهید بهادر آزادی. اهل فسا. آقا از روی کاغذ، توضیحات مربوط به شهید را می‌خواند. «مادر و پدر شهید از دنیا رفته‌اند. همسر شهید به خاطر جراحات وارده در این حادثه امکان آمدن نداشته و فقط فرزندان شهید آمده‌اند.» آقا قبل از خواندن اسم بچه‌ها می‌گویند: «لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم!» و ادامه می‌دهند: «شهید ۹فرزند داشته. ابوذر، سلمان، ایمان، فاطمه، طیبه، هاجر، زهرا، طاهره و ام‌البنین. کدام‌ها هستید؟» فرزندان شهید دست بلند می‌کنند. آقا می‌گویند: «این پدر و مادر در نامگذاری شما حداکثر کار نیک را انجام داده‌اند» و بعد از آنها می‌خواهند که به خاطر نزدیکی وقت اذان، فقط یک پسر به نیابت از پسران و یک دختر به نیابت از دختران حرف بزنند. از مجموع حرف‌های‌شان معلوم می‌شود که پدرشان دکتر محلی ایل بوده و ۲۰سال خدمت صادقانه به مردم داشته و برای حل مشکل آب‌رسانی روستا، تلاش‌های زیادی کرده.
اینها را که می‌شنوم، به این فکر می‌کنم که انگار تک‌تک این آدم‌ها را از شهرهای مختلف گلچین کرده و در حرم شاهچراغ جمع کرده‌اند تا آن تروریست لعنتی بیاید و شهیدشان کند. آقا آخرین قرآن روی میز را هم به نام این شهید امضا می‌کنند و می‌گویند: «به مادرتان هم سلام من را برسانید.» یکی از دخترها می‌گوید: «آقا مادر ما دو سال پیش فوت شده. همسر شهید، زن بابامونه.» از صداقت و سادگی‌اش در ارتباط با بلندترین مقام کشور کیف می‌کنم.
آقا برای همه دعای خیر می‌کنند و یک دیدار شیرین ۱۰۰دقیقه‌ای تمام می‌شود. بچه‌دارها بچه‌های‌شان را می‌برند که آقا مثل آرتین روی سر آنها هم دست بکشند. کاغذهایم را جمع می‌کنم و زودتر از همه حسینیه را ترک می‌کنم. می‌خواهم از نزدیک‌ترین بقالی برای آرتین شیرکاکائو بخرم و برگردم دم‌در تا وقتی بیرون می‌آید بهش بدهم. در مسیر، به رسالتی که آقا به دوش‌مان گذاشته‌اند فکر می‌کنم. نباید بگذاریم این واقعه و این شهیدان فراموش شوند تا یادشان برای همیشه «شاهچراغ» مبارزه با ظلم و دفاع از مظلومیت باشد.

> همسر شهید مرادی: ۹ساله سکته کرده‌ام. یه دست و یه پام از کار افتاده‌اند. حاجی ۹سال مثل پروانه دورم چرخید و همه کارهامو کرد. اون روز هم، خودش منو برده بود حرم. من قسمت خانوما بودم که تیراندازی شد. همه ترسیدند. فرار کردند. من پای فرار نداشتم. گفتم باید حاجی خودش بیاد منو ببره، اما هرچی منتظر شدم نیومد. مردم به زور منو بردند بیرون

منبع: khamenei.ir

گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید احمد وکیلی ناطق
که پس از ۷۵ روز شکنجه به دست دموکرات‌ها به شهادت رسید

ضدانقلاب پس از شهادت احمد گوشت تنش را خوردند!

«سعید(احمد) ۷۵ روز زیر شکنجه بود. ابتدا به هر پایش نعل کوبیدند و به همین ترتیب او را برای آوردن چوب و سنگ به بیگاری بردند. پس از دادگاهی شدن به شکنجه و مرگ محکوم شد. دستش را از بازو بریدند و پس از یک معالجه سطحی با دستگاه‌های برقی تمام صورتش را سوزاندند...» متن فوق بخشی از لحظاتی است که شهید احمد وکیلی در اسارت گذراند. روایتی که حتی به ما جرئت همکلامی با مادر و پدر شهید را نداد. بنابراین برای آشنایی با زندگی شهید احمد وکیلی که نام دیگرش سعید است، سراغ برادرش رفتیم. در خلال گفت‌وگو متوجه شدیم که این خانواده سه شهید تقدیم انقلاب کرده است. شهدایی که در دامن پر مهر مادرشان پرورش یافتند. مرور زندگی‌شان ما را به این فرموده امام خمینی(ره) می‌رساند که از دامن زن مرد به معراج می‌رود. شهید احمد وکیلی ناطق، سال ۱۳۵۹ در کردستان به شهادت رسید. شهید محمود وکیلی ناطق در عملیات خیبر و جزیره مجنون به شدت مجروح شد و ۱۳ فروردین سال ۱۳۶۳ آسمانی شد. شهید هادی وکیلی ناطق هم در عملیات کربلای ۵ در تاریخ ۲۳ دی ۱۳۶۵ به برادران شهیدش پیوست و برادر دیگرشان مهدی وکیلی ناطق به افتخار جانبازی نائل آمد. روایت‌های احمد وکیلی ناطق که بعد از شهادت برادر متولد و هم نام او شد را پیش‌رو دارید.

شهید احمد وکیلی ناطق

شهید احمد وکیلی در تیم حفاظت امام

شهید احمد وکیلی ناطق نفر اول سمت راست

■ **روستای شهیدآباد**

پدر و مادرم متولد روستای شهیدآباد شهر آوج هستند. آوج از شهرهای کوچک شهرستان بوئین زهرای قزوین است. خانواده پدری‌مان کشاورز و رعیت بودند و خانواده مادری زمین‌دار. مادر متولد سال ۱۳۲۳ و پدر متولد سال ۱۳۱۶ است. پدر زمانی که با مادر ازدواج می‌کند تازه وارد حوزه علمیه شده بود و سال‌های اول درس طلبگی را می‌گذراند.

خانواده مادر، ابتدا به خاطر انتخابش به ایشان ایراد می‌گرفتند و می‌گفتند که چرا می‌خواهی با یک روحانی ازدواج کنی! اما مادر به خاطر علاقه‌ای که داشت، روی تصمیمی که گرفته بود می‌ایستد. آنها فروردین ۱۳۳۶ ازدواج و زندگی مشترک‌شان را در همان روستا آغاز می‌کنند و یک سال بعد به همدان مهاجرت می‌کنند تا پدر درسش را ادامه بدهد. احمد سال ۱۳۴۰ در همدان متولد شد. خانواده در سال ۱۳۴۱ به قم مهاجرت می‌کند و حالا ماحصل زندگی‌شان هفت پسر و یک دختر است.

■ **حضور حضرت آقا در منزل شهدا**

احمد در فعالیت‌های انقلابی حضور داشت و پای ثابت مبارزات انقلابی بود. چند مرتبه‌ای هم دستگیر شد که به واسطه همسایه‌مان که نظامی بود، از دست ساواک نجاتش دادیم. تربیت احمد و شهدایی نظیر او برگرفته از دامان مادرانی است که شهید پرورند. سال ۱۳۷۴ حضرت آقا به منزل ما آمدند. ایشان رو به پدر کرده و گفتند فرزندان خوبی تربیت کرده‌اید، پدر به حضرت آقا گفتند من قبل از جنگ زیاد منزل نبودم و به تبلیغ می‌رفتم و با آغاز جنگ تحمیلی هم همراه با چهار پسر و دامادم در جبهه بودیم. بار این تربیت و پرورش را همسرم مادر شهدا به دوش کشید. اگر به دنبال معلم بچه‌ها هستید باید بگویم معلم شهدای خانه من مادرشان است. مادر من در نبود پدر سختی‌های زیادی کشید. بسیار مراقب بچه‌ها بود که راه خلاف نروند یا همراه رفیق ناباب نشوند. داداش احمد با شهید علی مهرابی خیلی صمیمی بود. علی و احمد به واسطه فعالیت‌های انقلابی با هم آشنا شده بودند. آنها در مدرسه حکیم نظامی سابق و امام صادق (ع) فعلی درس می‌خواندند. دوستی شان در فضای فعالیت‌های انقلابی تداوم پیدا کرد و احمد به خانه شهید مهرابی رفت و آمد داشت. آنها با هم اعلامیه می‌نوشتند و...

شهید مهرابی بعد از شهادت احمد دستنوشته‌ای را از خود به یادگار گذاشت که حدود ۳۰-۴۰ صفحه و شبیه کتابچه است. ایشان در مورد آشنایی و همراهی و فعالیت‌ها و خصوصیات اخلاقی و رفتاری احمد در آن دستنوشته صحبت کرده است. داداش احمد زمان انقلاب ۱۷ سال داشت. باقی برادرها هم با مادر در راهپیمایی‌ها حضور پیدا می‌کردند.

■ **آزادسازی سنندج و اسارت**

سال‌های آخر دبیرستان احمد مصادف با ورود امام می‌شود. ایشان عضو کمیته استقبال از امام و بعد هم وارد تیم حفاظت از امام می‌شود که بحث درگیری‌های سنندج پیش می‌آید که امام دستور می‌دهند نیروهای انقلابی به سمت کردستان بروند و آنجا باید پاکسازی شود. سال ۵۸ که حضور در کردستان، ایمانی قوی و دلی چون شیر را می‌طلبید، سعید در دو نوبت عازم آن منطقه شد. او که تا پیش از این در جمع بچه‌های تیم حفاظت بود حالا روبه‌روی امام نشسته و قرار است به نمایندگی از گروهی که از قم برای کمک به کردستان اعزام شوند صحبت کند.

> مادر در این سال‌ها خم به ابرو نیاورد. ندیدم پیش ما ندبه و زاری کرده باشد. احمد همه نداشته‌های مادر را جبران می‌کرد. مادر، برادر نداشت، پدرش را هم در حالی که دو سال بیشتر نداشت از دست داد، برای همین می‌گفت احمد هم برای من پدر بود و هم برادر

شهید احمد وکیلی در اردیبهشت ۵۹ ابتدا باشگاه افسران ارتش را که به اشغال کومله درآمده بود تسخیر می‌کند و بعد هم به سمت زندان مرکزی کردستان می‌رود که در این مسیر ایشان بعد از نبردی دلاورانه، مجروح می‌شود و نهایتاً در مسیر پاکسازی محله به محله به اسارت کومله در می‌آید.

■ **از اسارت تا شهادت**

لحظه شهادت برادرم را از زبان آخرین نفری که او را دیده بود برایتان روایت می‌کنم. گویا احمد می‌خواسته داخل جوی آب بپرد و سنگر بگیرد که همان لحظه تیر به پایش می‌خورد و اسلحه را پرتاب می‌کند سمت همرزمانش و به دست دموکرات اسیر می‌شود.

خبری که ما از احمد شنیدیم اسارت ایشان بود. به ما گفتند یا به زندان دوله تو منتقل شده یا اینکه ایشان را به بعثی‌ها تحویل داده‌اند. همه امید خانواده هم این بود که ایشان را به بعثی‌ها تحویل داده باشند که شاید بعدها آزاد شود و به خانه باز گردد اما دو، سه سال بعد از اشغال عراق به دست امریکایی‌ها هیئتی از سپاه به منزل ما آمدند و گفتند دیگر منتظر نباشید ما همه زندان‌های عراق را بررسی کرده‌ایم. منتظر بازگشت ایشان یا پیکرش نباشید. تا به آن روز فکر می‌کردیم که احمد اسیر است اما حالا باید با عنوان شهید از او یاد می‌کردیم.

> سعید ۷۵ روز زیر شکنجه بود. ابتدا به هر پایش نعل کوبیدند و به همین ترتیب او را برای آوردن چوب و سنگ به بیگاری بردند. پس از دادگاهی شدن به شکنجه و مرگ محکوم شد. دستش را از بازو بریدند و پس از یک معالجه سطحی با دستگاه‌های برقی تمام صورتش را سوزاندند و... سعید وکیلی با استقامتی وصف‌ناپذیر تحمل کرد و مرتب قرآن زمزمه می‌کرد. پس از آنکه زخم‌هایش را با نمک مرهم گذاشتند داخل دیگ آب جوش که زیرش آتش روشن بود انداختند و همانجا مشهدش شد

■ **روایت شهادت احمد (سعید)**

سال‌های زیادی کسی از سرنوشت برادرم اطلاع نداشت، تا اینکه بعدها لحظات اسارت و شهادت برادرم را از زبان یک اسیر ارتشی که بعد از جنگ آزاد شده بود، در کتاب «شبیخون» خواندیم.

خیلی کنجکاو بودم که خودم این شخص را پیدا کنم و حرف‌های او و خاطراتش از برادرم را بی‌واسطه بشنوم.

از او فقط یک نام می‌دانستم و اینکه ایشان آزاده است. اما سال ۱۳۹۴ ایشان را توانستم به شکل اتفاقی زمانی که به کل آزاده‌ها جانبازی اعطا می‌کردند، از طریق سیستم بنیاد شهید پیدا کنم. ایشان هم در دام دموکرات‌ها افتاده و هم سلولی برادرم بود. جانبازی بالایی داشت. هم اعصاب و روان بود و هم جسمی. تفحص و بررسی‌هایم نتیجه داد و نهایتاً شماره‌اش را پیدا کردم و با او تماس گرفتم.

گفتم با شما تماس گرفتم درباره روایت‌تان در کتاب «شبیخون» در مورد شهید احمد وکیلی. ایشان گفت نه دروغ گفتم. من خیلی تعجب کردم و گفتم ما سال‌هاست با این روایت شما زندگی می‌کنیم. مادرم سال‌ها با خواندن روایت شما روضه می‌گیرد. گفت نه من نگفتم. کم‌کم ناامید شدم. اما ایشان از من سؤال کرد، شما واقعاً برادر شهید وکیلی هستید؟ گفتم بله. اسم مستعار احمد، سعید بود و کمتر کسی این را می‌دانست. او از من شماره تماس گرفت تا خودش با ما تماس بگیرد. ایشان تماس گرفت. گفت من در آذربایجان زندگی می‌کنم و هر از چند گاهی تهدید می‌شوم. برای همین می‌خواستم از جانب شما مطمئن شوم.

بعد از آن دوستی‌مان ادامه پیدا کرد و ما دو بار به منزلش رفتیم اما او دیگر حاضر به یادآوری و بازگویی آن خاطرات نشد و گفت من هرچه باید را در آن کتاب گفته‌ام. مرور آن لحظات بعد از این همه سال برایش دشوار بود. می‌گفت همان یک بار کفایت می‌کند.

■ **نوشتن شعارهای دموکراتیک با هویه برقی**

روایت شهادت برادرم در کتاب شبیخون انتشارات ستاد مرکزی سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۷ به چاپ رسیده بود. شاهد آن ماجرا آن روزها را اینگونه روایت می‌کند و می‌گوید: «ما عده‌ای از برادران ارتشی بودیم که مأموریت بازگرداندن چهل بدن مطهر و منور شهدا را داشتیم. در محور پیرانشهر یکی از تانک‌های ما را در منطقه آلواتان زدند. در همان هنگام که می‌خواستم خودم را از تانک بیرون بیندازم کتف راستم هدف قرار گرفت و به اسارت افراد کومله در آمدم. حدود یک سال و چندی در دست آنها اسیر بودم و به انواع و اقسام و به هر مناسبتی شکنجه شدم. تا اینکه روز دادگاه من رسید. رئیس دادگاه سرهنگ حقیقی بود که در همان اوایل انقلاب فرار کرده بود. او را شناختم. محاکمه بسیار سریع به انجام رسید. محکوم شدیم به کشیدن ناخن‌ها، بریدن گوشت‌های بازو و پاها، زدن کابل و نوشتن شعارهای انقلابی دموکراتیک به‌وسیله هویه برقی و آتش سیگار به سینه و پشت. تمامی اینها آثارش به‌خوبی در بدنم مشخص است.

■ **قرائت سوره والعصر و تحمل شکنجه**

یک‌بار که ناخن‌هایم را می‌کشیدند طاقتم تمام شده بود و می‌خواستم اعتراف کنم، اما یکی از برادران سپاهی که با هم بودیم به نام سعید (احمد) وکیلی گفت ما به خاطر خدا آمده و خود داوطلب شده‌ایم بیاییم پس بیا شرمنده خدا و خلق نشویم. سوره والعصر را برایم خواند و ترجمه کرد. آب سردی بود که بر آتش بی‌طاقتم ریخته شد. از مقاوم‌ترین افراد زندان سعید وکیلی، سرگرد محمدعلی قربانی، سرگروهبان جدی و دو خلبان هوانیروز بودند.

■ **گوشت بدنش را خوردند!**

سعید ۷۵ روز زیر شکنجه بود. ابتدا به هر پایش نعل کوبیدند و به همین ترتیب او را برای آوردن چوب و سنگ به بیگاری بردند. پس از دادگاهی شدن به شکنجه و مرگ محکوم شد. دستش را از بازو بریدند و پس از یک معالجه سطحی با دستگاه‌های برقی تمام صورتش را سوزاندند. سعید وکیلی با استقامتی وصف‌ناپذیر تحمل و مرتب قرآن زمزمه می‌کرد. پس از آنکه زخم‌هایش را با نمک مرهم گذاشتند داخل دیگ آب جوش که زیرش آتش روشن بود انداختند و همانجا مشهدش شد. اما آنها که از جسد بی‌جانش نیز وحشت داشتند دیگر اعضایش را مثله کردند و جگر و گوشتش را خوردند.

تمام این مراحل را سعید وکیلی با استقامتی وصف‌ناپذیر تحمل کرد و لب به سخن باز نکرد. او از ایمانی بسیار بالا برخوردار بود و مرتب قرآن زمزمه می‌کرد. استقامت این جوان آن شقی‌ها را بیشتر جری می‌کرد. سعید را با سنگدلی هر چه تمام‌تر به شهادت رساندند. او در آخرین لحظات زندگی ایثار و گذشت، مروت و مردانگی، استقامت و شجاعت را به تمام ما آموخت و نمودی از عشق و ایمان را جلوه‌گر ساخت.

مزار یادبودی در گلزار شهدای شیخان برای برادرم درنظر گرفتند. توفیقی برای احمد ماست که در جوار میرزای قمی مزار یادبود دارد.

■ **همه دار و ندار مادر بود**

اما اگر این را از مادرم برایتان نگویم احساس می‌کنم در حقش ظلم کرده‌ام. مادر در این سال‌ها خم به ابرو نیاورد. ندیدم پیش ما ندبه و زاری کرده باشد. احمد همه نداشته‌های مادر را جبران می‌کرد. مادر، برادر نداشت، پدرش را هم در حالی که دو سال بیشتر نداشت از دست داد، برای همین می‌گفت احمد هم برای من پدر بود و هم برادر.

می‌گفت این بچه برای من همه چیز بود. تنها حسرتی که می‌خورد این بود که من خیلی احمد را کنار خود نداشتم. برای همین زمانی که راوی لحظه شهادت گفت روایت من کذب بوده، به شدت به هم ریختم و گفتم حالا بعد از این همه سال بروم به مادرم بگویم شاید احمد زنده باشد! خب چه بر سر مادر من می‌آید.

■ **منافقین کرایه‌ای!**

خبائث منافقین و دموکرات متعلق به امروز نیست. آنها در طول سال‌های انقلاب و بعد از آن هم دست به جنایات و وحشیگری‌هایی زدند که با امروزشان فرقی نکردند. رفتار مهربانانه با آنها جز اینکه به این گروه جرئت بیشتر برای ادامه جنایاتشان بدهد، چیز دیگری نیست.

هر چقدر مهربانانه آنها را نصیحت کنید، ثمری ندارد. تنها راه مقابله با آنها مشت آهنین است. وقتی فیلم و آینه عملکردشان پیش‌روی‌شان است و باز هم کارشان را تکرار می‌کنند مگر می‌شود با آنها مصالحه کرد. آنهایی که دست‌بردار نیستند و با هر دولت متخاصمی همراه می‌شوند و خودشان را در معرض کرایه به دیگران و سوءاستفاده دشمنان قسم خورده ما قرار می‌دهند با آنها نمی‌شود مدارا کرد. با دشمنی که سلاح از غلاف کشیده نباید مدارا کرد.

به عنوان یک شهروند و کسی که در یک خانواده مذهبی پرورش یافته‌ام این را می‌گویم آنهایی که روسری از سر بر می‌دارند دختران این سرزمین هستند. اگر واقعاً این طور فکر کنیم چه رفتاری با آنها خواهیم داشت؟ بله با آنها مدارا می‌کنیم. اما این جمعیت منافق و دموکرات با همه این مردم تفاوت دارند. آنها یک عده آدم اجاره‌ای هستند که می‌خواهند از فضای اغتشاشات کشور و از جوانان ما سوءاستفاده کنند. افرادی هستند که هیچ اراده‌ای از خود ندارند. شاید تا پیش از این از وحشیگری، قساوت و خوی ددمنشی کومله و دموکرات صحبت می‌کردیم، کسی باور نمی‌کرد، اما حالا دیگر می‌بینند و خودشان متوجه می‌شوند که آرمان‌ها و عجمیان‌ها چطور بعد از شکنجه‌های سخت به شهادت رسیدند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۶۶۳

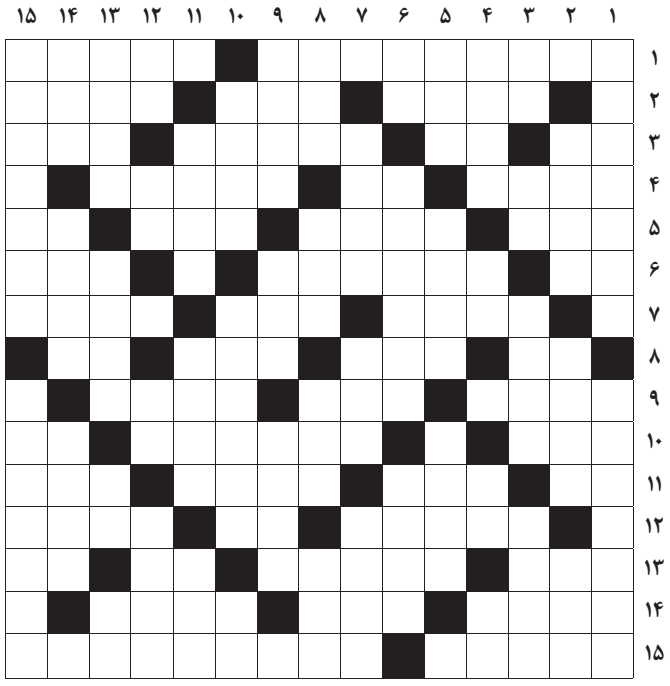

از راست به چپ

■ ۱- از شهرهای مهم آلمان- از عتبات عالیات عراق ■ ۲- پرهیزگاری- برداشت محصول- ورزش راکتی
■ ۳- رمق آخر- از حروف انگلیسی- گذرگاه سرپوشیده برای عرضه کالا به خریداران- رشته کوه اروپایی
■ ۴- دشمن اعتیاد- تصدیق روسی- تخته ضخیم ■ ۵- نوعی پرنده- مستعمره- بیماری خطرناک- حیوان باوفا
■ ۶- شهر و استانی به همین نام- اجرای دستورات کاربر در بانک اطلاعاتی- خاموش کننده شمع
■ ۷- پرسش- اقامتگاه مسافر- رنگی از خانواده سفید ■ ۸- جفت ماده- از حبوبات- سقف دهان- زیرپا مانده
■ ۹- شبیه و مانند- چین و شکن- بازگشت از گناه ■ ۱۰- شک و گمان- عنوان امپراتوران ژاپن- تکرار حرفی
■ ۱۱- انتها- از امراض جلدی- آبشخور- پایتخت کشور بانکدار ■ ۱۲- سردخانه خانگی- او- جایزه مقام سوم
■ ۱۳- شکل و قالب- کشاورز- چه وقت- خط کش مهندسی ■ ۱۴- لاستیک اتومبیل- نوعی سلاح سرد- لگن ظرفشویی ■ ۱۵- سبزی خوشبو- از بیماری‌های چشم

از بالا به پایین

■ ۱- کمربند نظامی‌ها- طاقت آوردن ■ ۲- اقیانوس کبیر- معامله غیرنقدی- چوپان
■ ۳- همراه آشغال- طلا- شهر تشنه فریب- سمت راست ■ ۴- صورتگر- ضمیر مخاطب- بخل ناتمام- علامت مفعول
■ ۵- مهاجرت دسته جمعی- سریع‌ترین روش شنا- روغنی که پیش از گرفتن عکس رادیولوژی به بیمار خورانده می‌شود
■ ۶- از نت‌ها- ورزشگاه تیم یوونتوس ایتالیا- راستگو ■ ۷- محل ذخیره اندوخته دنیوی- شکل استوانه‌ای- پایتخت پرو ■ ۸- جبه- پسوند صفت‌ساز- مرد بی زن- بخشنده ■ ۹- آزار فلک زده- ترشح آب- مملکت ■ ۱۰- سوپاپ- بخت آزمایی- فرمانده بدن ■ ۱۱- پول روسیه- با ادب- از حروف انگلیسی
■ ۱۲- اسب تبریزی- یازده- شامه‌نواز- بصیر ■ ۱۳- زینت مساجد- گوشت کبابی- بغل- ناشنوا
■ ۱۴- جاده قطار- از تقسیمات قرآن- نفت دریای شمال ■ ۱۵- غذای ایتالیایی- حاکم کوفه که مامور جنگ با امام حسین(ع) شد

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۸	۵	۷			
					۱	۲		
۶	۹			۲		۸		
	۳							
					۳		۶	۷
				۷	۹	۴		۲
	۷	۹	۱					۸
		۸	۶					
		۱						۳

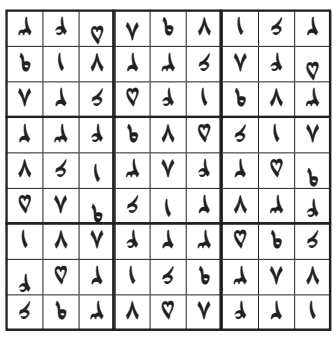

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۶۶۲

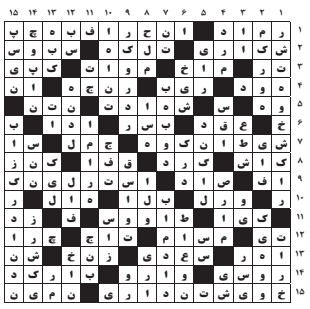

گفت‌وگوی «جوان» با یکی از اقوام شهید یوسف داورپناه که به طرز فجیعی پس از شکنجه‌های ضدانقلاب به شهادت رسید

چادرمشکی مادر برای تکه‌های پیکر یوسف کفن شد

به یوسف لقب «شهید کفن سیاه» داده‌اند، او که به جرم دوستداری حضرت امام تکه تکه شد

شهید یوسف داورپناه

در اغتشاشات اخیر خیلی طول نکشید که دست ایادی استکبار و گروه‌های جدایی‌طلب رو شود؛ همان‌ها که سال‌ها برای ایران اسلامی نقشه می‌کشند و گاهی با فریب جوانان آنها را با خود همراه می‌کنند. خشونت افسارگسیخته از ویژگی‌های این جریان‌هاست. نمونه وحشی‌گری‌شان را در ماجرای شهادت بسیجی‌هایی چون شهید آرمان الله‌وردی و شهید روح‌الله عجمیان به عینه دیده‌ایم. در تاریخ دفاع مقدس نیز از این قسم ماجرای دردناک بسیار است، مثل ماجرای شهادت احمد وکیلی که منافقین بعد از شهادت گوشت بدنش را خوردند یا شهید یوسف داورپناه که دموکرات‌ها او را تکه تکه کردند. حال و هوای این روزها ما را بر آن داشت سراغ خانواده شهید یوسف داورپناه برویم و از زبان آنها ماجرای شهادت عجیب یوسف را جویا شویم. ابتدا با مادر شهید تماس گرفتیم؛ مادری که با لهجه آذری‌اش همه مهرش را از پشت خطوط تلفن نثارمان کرد، اما شرایط جسمی و روحی ایشان اجازه نمی‌داد خیلی با او صحبت کنیم. برای همین خواهرزاده شهید را به ما معرفی کرد. یوسف عبدالله‌نژاد خواهرزاده شهید یوسف داورپناه خود نیز فرزند شهید است. او برای ساعاتی میهمان روزنامه جوان شد تا پاسخگوی سؤالات‌مان از دایی شهیدش باشد.

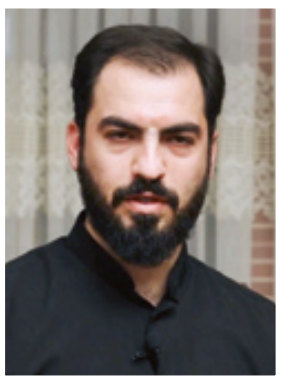
یوسف عبدالله‌نژاد خواهرزاده شهید

■ **زاده آذربایجان**

یوسف عبدالله‌نژاد، خواهرزاده شهید دعوت‌مان را برای حضور در دفتر روزنامه جوان می‌پذیرد و از آذربایجان‌غربی میهمان‌مان می‌شود. ساعتی با او به گفت‌وگو می‌نشینیم و از او می‌خواهیم خانواده‌اش را برای‌مان معرفی کند. او می‌گوید: «خانواده شهید اصالتاً اهل آذربایجان‌غربی (ارومیه) هستند. پدر شهید ارتشی بود و سه فرزند پسر و دو دختر دارد. یوسف آخرین فرزند خانواده بود. از آنجا که پدر شهید ارتشی بود و برحسب مأموریت‌های کاری به شهرهای مختلف مهاجرت می‌کرد، آنها به اکثر شهرهای ایران سفر کرده بودند. دایی یوسف و مادر من در کرمان متولد و در شیراز بزرگ شدند. تقریباً دوره نوجوانی یوسف داورپناه یعنی تا سن ۱۲ سالگی ایشان در شیراز سپری شد و از آنجا هم به شهر خودشان ارومیه بازگشتند. مادربزرگ علاقه زیادی به مادر و دایی شهیدم داشت. از لحاظ وضعیت اقتصادی خانواده شهید شرایط سختی نداشتند و امور و امرار معاش خانواده به خوبی می‌گذشت. با همه اینها پدربزرگ و مادربزرگ اهل حرام و حلال بودند و به کسب رزق حلال و عاقبت‌بخیری‌شان اهمیت زیادی می‌دادند.»

■ **پدر ارتشی و عاشق امام**

یوسف با اشاره به فعالیت‌های انقلابی دایی بیان می‌دارد: «مادر من و شهید داورپناه فعالیت‌های انقلابی داشتند. آنها از اواخر سال ۱۳۵۵ به بعد همراه مردم در تظاهرات شرکت می‌کردند. گاهی شهید داورپناه توسط عوامل ساواک مورد تعقیب قرار می‌گرفت اما هرگز نتوانستند ایشان را دستگیر کنند. با اینکه پدرشان هم ارتشی بود اما مخالفتی با فعالیت‌های بچه‌ها در بحبوحه انقلاب نداشت. پدربزرگم علاقه خاصی به امام خمینی(ره) داشت. ایشان انسان معتقدی بود، البته یک مرتبه خود پدربزرگ را دستگیر کردند و شش ماهی به این اتهام واهی که قصد ترور فرمانده ارتش آذربایجان‌غربی را داشت، در زندان بود. بعد از اثبات بی‌گناهی آزاد شد. شهید یوسف داورپناه دانش‌آموز ممتاز مدرسه‌شان بود، به طوری که گاهی بچه‌ها می‌آمدند پیش یوسف تا اشکالات درسی‌شان را رفع کند. ایشان بسیار باهوش بود. در ریاضی و فیزیک بسیار نابغه بود. یوسف وقتی می‌خواست به بچه‌ها درس بدهد یا در خانه‌شان جمع می‌شدند یا به مسجد محل می‌رفتند. آنها کم‌کم به پایگاه بسیج مسجد محل‌شان مسجد موسی‌بن جعفر(ع) راه پیدا کردند و همین دورهمی‌ها و تکلیف و درس، آنها را به روزهای اعزام به جبهه رساند.»

■ **دلتنگی‌های شهید برا تعلی حقیقی**

ایشان در ادامه به خاطره‌ای از اعزام شهید اشاره می‌کند: «دایی و شهید برا تعلی حقیقی بسیار باهم صمیمی بودند، به طوری که آنها گاهی خانه همدیگر می‌رفتند و شب را آنجا میهمان بودند. یک مرتبه قبل از اعزام به جبهه، شهید حقیقی منزل شهید داورپناه بود، قرار داشتند صبح روز بعد به جبهه بروند، اما این بار مادربزرگم رضایت نداشتند. فردای آن روز وقتی که مادر وارد اتاق یوسف می‌شود، جای خالی بچه‌ها را می‌بیند. دایی یوسف و برا تعلی راهی جبهه شده بودند. مادر شهید خودش را به مسجد می‌رساند و سراغ بچه‌ها را از روحانی مسجد می‌گیرد. ایشان هم می‌گوید حاج خانم برا تعلی و یوسف هر دو اعزام شدند. آن زمان دایی یوسف ۱۶ سال داشت. شهید حقیقی دو سال بعد از شهادت دایی به شهادت رسید. ایشان بعد از دایی روزهای سختی را سپری کرد. هر دو بسیار به هم وابسته بودند. شهید حقیقی بعد از شهادت دایی، به مادربزرگ سر می‌زد. مادربزرگ تعریف می‌کرد که برا تعلی به من می‌گفت: بعد از یوسف دیگر نمی‌توانم تحمل کنم من هم باید بروم. ایشان هم دو سال بعد از یوسف در شلمچه به شهادت رسیدند.»

■ **مدافع حرم انقلاب و ولایت**

عبدالله‌نژاد با اشاره به خاطراتی که از مادربزرگ شنیده است در ادامه می‌گوید: «مادربزرگم بعضی وقت‌ها از دایی برایم تعریف می‌کرد. می‌گفت: دایی یوسفات مهربان بود. او حتی پول‌هایی را که به او می‌دادم تا برای خودش هزینه کند به ایتام و نیازمندان می‌بخشید. بارها شده بود که وعده غذای خودش را برای دیگران می‌داد. یوسف بسیار دلسوز بود. لباس‌های نویی را که برای او می‌خریدیم را به مستمندان هدیه می‌کرد. دایی با اینکه سن کمی داشت اما بسیار اهل مطالعه بود. وقتی وارد مجلسی می‌شد، برای دوستان و همراهان از احادیث ائمه(ع) استفاده می‌کرد. دوستانش می‌گفتند: هر حرفی را که می‌خواست آغاز کند، قال الصادق و قال الباقر می‌گفت. ایشان همواره در مورد انقلاب و ولایت فقیه بسیار محکم و مستدل صحبت می‌کرد. آنطور که می‌گویند در بحث‌هایی که گاهی افراد می‌خواستند ولایت فقیه و انقلاب را زیر سؤال ببرند، ایشان به شدت از حریم انقلاب و ولایت دفاع می‌کرد و لحظه‌ای هم کوتاه نمی‌آمد. توصیه همیشگی‌اش هم دفاع از ولایت و انقلاب بود، اینکه باید محکم پای انقلاب ایستاد. او در آن شرایط ایستاد و جانش را هم در این راه گذاشت.»

■ **حکایت درخت توت وقفی**

ایشان در ادامه می‌گوید: «دایی زمان شهادت در سال ۱۳۶۲، ۱۸ سال داشت. اواخر سال ۱۳۵۹ بود که راهی جبهه شد. عضو گروه ضربت بود. زمانی که نقده از طرف کومله و دموکرات روزهای ناآرامی را می‌گذراند، دایی همراه با گروه ضربت به پیرانشهر، سردشت و نقده می‌رفتند. یکی دیگر از دایی‌هایم حدود دو سال در جبهه حضور داشت و مادر من هم از سال ۱۳۶۱ در ستاد پشتیبانی از جنگ سپاه فعالیت می‌کرد. ایشان به خانواده شهدا سرکشی و مواد و اقلام خوراکی مورد نیاز جبهه را آماده می‌کردند. مادربزرگ هم با همراهی مادر شهید امینی که فرمانده عملیات سپاه ارومیه بود، منزل‌شان پایگاه همسران و خانواده شهدا و رزمنده‌ها بودند که از آنجا البسه، پوشاک و اقلام خوراکی را تهیه می‌کردند و به جبهه می‌فرستادند. آنجا محلی برای کمک به نیازمندان و ایتام شده بود. همیشه چند مادر شهید از جمله مادربزرگ من همیشه آنجا حضور داشتند. من آن زمان کوچک بودم، بعد از شهادت دایی و پدرم، من هم همراه مادربزرگم به آنجا می‌رفتم. یک درخت توت وسط حیاط خانه بود. یک بار من یک توت از درخت کندم و خوردم، مادر شهید امینی به مادربزرگ گفت: این درخت وقف خانواده فقراست. رد مظالم بدهید تا حلال شود. ایشان نسبت به این مسائل حساس بود.»

■ **مرخصی تشویقی شهید باکری**

روایت لحظات اسارت و شکنجه شهادت یوسف داورپناه نه تنها برای مادر شهید که برای خواهرزاده شهید که میهمان ماست هم دشوار است. او می‌گوید: «شهید یوسف داورپناه در روند اجرای یکی از عملیات‌ها موفق می‌شود هلی‌کوپتر بعثی‌ها را منهدم کند. این اتفاق منجر به پیروزی عملیات می‌شود. ظاهراً شهید مهدی باکری برای تشویق به او مرخصی می‌دهد و ایشان هم برای دیدار با مادرشان به ارومیه می‌روند. خانواده مادربزرگ در روستای اسلام‌آباد سقز خانه و زمین زراعی داشتند. دایی وقتی به خانه‌شان در ارومیه می‌رسد، متوجه می‌شود مادر به روستا رفته است. برای همین راهی روستا می‌شود. آن زمان دموکرات و کومله شب‌ها بر آن منطقه احاطه داشتند. گویا وقتی دایی به روستا می‌رسد و مادرشان ایشان را می‌بینند، نگران می‌شود و می‌گوید چرا آمدی؟ می‌دانی اینجا پر از دموکرات و منافق است؟ خیلی زود متوجه می‌شوند که اینجا هستی. نباید می‌آمدی. من باید چه کار کنم!

دایی می‌گوید: ان‌شاءالله اتفاقی نمی‌افتد. من آمدم شما را ببینم و برگردم. بعد دایی نزدیک اذان صبح برای نماز شب بیدار می‌شود. مادربزرگ می‌گفت: آن شب خیلی نگران بودم. یوسف به نماز ایستاده بود و من هم از پنجره این طرف و آن طرف خانه را نگاه می‌کردم. لحظه‌ای دیدم که از دامنه کوهی مشرف به خانه‌مان، چند نفری به هم چراغ می‌دهند. نگران شدم. حدس زدم که آنها در پی یوسف من هستند. نماز شب یوسف که تمام شد، مشغول نماز صبح شد. اصلاً اهمیت نمی‌داد. صدای دویدن‌ها را از پشت بام می‌شنیدم. چند نفری را روی دیوار خانه دیدم. همان لحظه به یک باره به داخل خانه هجوم آوردند، لحظات وحشتناکی بود. داعشی‌های دهه ۶۰ آمده بودند تا پسرم را با خود ببرند. من و پدرش نشسته بودیم. یوسف اما نمازش را قطع نکرد. پردل و جرئت بود. چند نفری اسلحه را روی من گرفته بودند. همین که نماز یوسف تمام شد و سلام آخر را داد، به او گفتند: برای چه کسی نماز می‌خوانی؟ برای خمینی نماز می‌خوانی؟ یوسف با آرامشی خاص به آنها نگاه کرد و گفت: اولاً امام خمینی، دوماً من برای کسی نماز می‌خوانم که همه زندگی‌اش را به خدا اقتدا کرده، شما هم وقتی نام امام خمینی را می‌آورید یادتان نرود از کلمه امام استفاده کنید. آن زمان یوسف من یک جوان ۱۸ ساله بود. یوسف به آنها گفت اسلحه را از روی مادر من بردارید. شما با من طرف هستید. بعد با آنها درگیر شد و نامردها در مقابل چشمان من و پدرش او را زدند و با خود بردند.»

خواهرزاده شهید از قول مادربزرگش می‌گوید: «در آن لحظات خیلی شوکه شده بودم. خودم را روی پله بالکن رساندم. یوسف دید دلهره دارم و گفت مادر نگران نباش، اتفاقی نمی‌افتد. اینها کسی نیستند که بخواهند کاری کنند. آرام باش و اجازه بده من با آرامش بروم. گویا یوسف را به دو روستا بالاتر برده بودند. مادربزرگ می‌گوید: طلاهایم را داخل کیسه ریختم تا شاید آنها در عوض گرفتن طلاها او را آزاد کنند. بی‌درنگ به دنبال یوسف راه افتادم اما نمی‌دانستم او را به کجا برده‌اند تا اینکه یک آقایی که سوار تراکتور بود، من را در مسیر دید و گفت: دنبال پسرت هستی؟ آنها او را به دو روستا بالاتر بردند. مادربزرگ هر طور که بود خودش را به یوسف می‌رساند. اصرار می‌کند که یوسف را ملاقات کند اما آنها مادربزرگ را اذیت می‌کنند و در نهایت اجازه ملاقات می‌دهند.»

> درست است که ما شهید داورپناه را به اسارت گرفته بودیم ولی یوسف آنقدر قشنگ صحبت می‌کرد که ما دگرگون شده بودیم، اما می‌ترسیدیم و نمی‌توانستیم کاری کنیم. گویا ما اسیر یوسف بودیم. تعدادی از ما بعد از شهادت یوسف فرار و از کارهای‌مان توبه کردیم و برگشتیم. تنها عامل توبه و جدایی ما از منافقین و دموکرات صحبت‌های تأثیرگذار یوسف بود

شهیدان عبدالله‌نژاد و یوسف داورپناه

■ **یک کیسه طلا**

ماجرای نحوه شهادت یوسف دورپناه بسیار دردناک است. خواهرزاده شهید می‌گوید: «مادربزرگم هر وقت آن روزها را به یاد می‌آورد، عمیقاً ناراحت می‌شود. ایشان می‌گفت وقتی که رفتم دیدار یوسف، در گوشه یک اتاقی زندانی‌اش کرده بودند. گفتم یوسف این طلاها را آورده‌ام بدهم به اینها تا شاید تو را آزاد کنند. مانع شد و گفت مادر اینها طلاها را از تو می‌گیرند. من را که آزاد نمی‌کنند هیچ، بعد همین طلاها می‌شود تیر و به سینه بچه‌های خودمان می‌خورد... مادربزرگ می‌گوید، به شهید گفتم اجازه بده بروم به بچه‌های سپاه اطلاع بدهم و کمک بیاورم، اما یوسف گفت: نه مادر این کار را هم نکن. اگر بچه‌ها بیایند شاید در مسیر برای آنها هم کمین بگذارند و آنها را هم به شهادت برسانند. مادربزرگ بازمی‌گردد. در این فاصله یوسف را بسیار شکنجه می‌کنند و بعد به یوسف می‌گویند: ما تو را آزاد می‌کنیم، اما باید برای ما کاری انجام بدهی. یوسف می‌گوید باید چه کار کنم. آنها می‌گویند ما مردم را داخل مسجد جمع می‌کنیم. تو باید برای مردم علیه انقلاب و امام صحبت کن. یوسف می‌پذیرد و با خود می‌گوید این فرصت خوبی است که مردم را آگاه کنم تا گرفتار کید این منافقان و کومله‌ها نشوند. آنها مردم را جمع می‌کنند. یوسف شروع به صحبت می‌کند. او در صحبت‌هایش امام و انقلاب را عزیز و بزرگ و دموکرات و کومله را با صحبت‌هایش ذلیل و خوار می‌کند. فضای مسجد بر ضد کومله می‌شود. آنها هم تاب نمی‌آورند و یوسف را می‌زنند و باز با خود می‌برند. یوسف را یک روز کامل شکنجه می‌دهند؛ شکنجه‌هایی که بعدها مادرم از آنها برایم اینگونه روایت کرد: بدن دایی پر بود از جای سوختگی. پر بود از ته مانده سوخته سیگار، ناخن‌ها را کشیده بودند. صورتش را متلاشی کرده بودند. خنجر را داغ کرده و به بدنش فرو کرده بودند. لب و دهان و چشم‌ها از بین رفته بود.»

> چند خشاب گلوله بر پیکر یوسف خالی کرده بودند. پسرم تکه تکه شده و گوشت‌ها پخش شده بود. نمی‌دانستیم چه کنیم. تا صبح کنارش نشستیم و با او صحبت کردیم. چشمم به بدن اربا اربایش که می‌افتاد، می‌سوختم و اشک چشمم بی‌امان و بی‌روضه سرازیر می‌شد. یاد علی‌اکبر امام حسین(ع) افتادم. آن لحظه‌ای را که امام حسین(ع) بر بالای پیکر علی‌اکبرش رسید و مبهوت ماند، تجسم می‌کردم

■ **پیکر اربا اربا**

مادر شهید داورپناه نحوه شهادت فرزندش را این طور روایت کرده بود: «بعد از اینکه یوسف را از مسجد می‌برند، او را به شهادت می‌رسانند و بعد هم می‌آیند در خانه و به ما می‌گویند بیایید جنازه پسرتان را ببرید. پسرتان به حرف ما گوش نداد که اگر گوش کرده بود، حالا زنده بود. خیلی بچه سرسختی دارید. آنها به خاطر سرسختی یوسف با من هم تندی می‌کردند. من و پدرش راه افتادیم. میانه راه از دور پیکری را دیدم و نزدیک شدم، پیکر غرق به خون، یوسف من بود. آنها دقیقاً همان نقطه‌ای یوسف را به شهادت رسانده و پیکرش را رها کرده بودند که بچه‌های سپاه چند دموکرات را در همان نقطه به هلاکت رسانده بودند. گویا ابتدا از پشت چند تیر به ایشان زده و بدنش را تیرباران کرده بودند. چند خشاب گلوله بر پیکر یوسف خالی کرده بودند. پسرم تکه‌تکه شده و گوشت‌ها پخش شده بود. نمی‌دانستیم چه کنیم. تا صبح کنارش نشستیم و با او صحبت کردیم. چشمم به بدن اربا اربایش که می‌افتاد، می‌سوختم و اشک چشمم بی‌امان و بی‌روضه سرازیر می‌شد. یاد علی‌اکبر امام حسین(ع) افتادم. آن لحظه‌ای را که امام حسین(ع) بر بالای پیکر علی‌اکبرش رسید و مبهوت ماند، تجسم می‌کردم. من و همسرم تنها بودیم و کسی جرئت نمی‌کرد به کمک‌مان بیاید. در همان خفقان تنها ماندیم. لحظات سختی را با یوسف گذراندیم. آنها به من گفتند باید همین جا دفنش کنی. نه آبی دادند که غسلش کنم نه پارچه‌ای که کفنش کنم و نه فرصت که برایش نماز بخوانم. چادر سیاهم را برداشتم و تکه‌های پیکر پسرم را داخل چادر گذاشتم. چادرم شد کفن یوسف. یکی از روستایی‌ها که جرئت داشت، آمد تا به من و پدر شهید کمک آمد. آنها قبری برای یوسف حفر کردند. ابتدا خودم وارد قبر شدم. خاک‌های قبر را کنار زدم. سنگ‌ها را جدا می‌کردم و بیرون می‌انداختم. میان همان گریه و ندبه‌ها به خدا گفتم آخر من چگونه فرزندم را اینجا بگذارم و بروم. همان لحظه رویایی را به چشم دیدم که قوت قلب و آرامش بسیار به من داد. بلند شدم و علیه دموکرات و کومله شعار دادم. آنها تهدیدم کردند که ما تو را هم همین جا می‌کشیم و دفنت می‌کنیم. مهر تربت را با سنگ خرد کردم و روی پیکر و صورت یوسفم ریختم. همان جا گفتم حلالم کن. چاره‌ای ندارم مجبورم اینجا دفنت کنم. با یوسف به سختی وداع کردم و خاک‌ها را با پدرش روی یوسف ریختیم. بعد هم از راه و بیراه خودمان را به مهاباد رساندیم. دامادم که بعدها او هم به دست منافقین به شهادت رسید، موضوع را متوجه شده و به استقبال‌مان آمد. سوار خودرو شدیم و به ارومیه آمدیم. ما تابوت خالی را با خودمان بردیم و آنها که به استقبال آمده بودند تا دیگر پسرم را تشییع کنند، فقط چند تکه پیراهن خونی یوسف را دیدند و همان جا در ارومیه پیراهن پسرم را تشییع و تدفین کردیم.»

■ **نفوذ و انحلال گروهک منافقین**

یوسف عبدالله‌نژاد به کینه‌ای که منافقین و دموکرات از دایی به دل داشتند، اشاره می‌کند و می‌گوید: «برای خودمان هم سؤال بود که چرا منافقین دایی را تحت نظر گرفته و او را اینگونه به شهادت رساندند. حکایتی دارد که از زبان یکی از دوستان ایشان شنیدیم. ایشان می‌گوید: شهید یوسف با درایت خاصی به یک گروهک منافقین نفوذ کرده و منجر به فروپاشی این گروهک شده بود که قصد داشتند شخصی را به عنوان کاندیدای نماینده مجلس وارد انتخابات کنند. به خاطر شرایط آذربایجان این کار دایی پنهان ماند، شاید تا به امروز که من درباره آن با شما صحبت می‌کنم، حتی رفقایش می‌گفتند بیا برویم جبهه، گویا روند کار از حوصله دوستانش خارج شده بود، می‌گفتند که کار فرسایشی است اما دایی اصرار داشت که بماند تا کار این گروهک به نتیجه‌ای که می‌خواهند برسد، گفته بود اینجا هم جبهه است، اینجا که کارمان تمام شد به جبهه برمی‌گردیم. دایی ماند و کار را به اتمام رساند. هنوز حکم اعدام دایی که به امضا و مهر دموکرات و کومله رسیده دست مادربزرگ است.»

■ **توابین!**

او در ادامه می‌گوید: «پدربزرگم تعریف می‌کرد و می‌گفت چند وقت بعد از شهادت یوسف در مسجد بودم که یک نفر به شانه من زد و گفت: شما پدر یوسف هستی. گفتم بله من هستم. گفت: من یکی از آنهایی هستم که یوسف را گروگان گرفته و او را شکنجه کردیم. ما بعد از شهادت یوسف توبه کردیم و جزو توابین شدیم. درست است که ما شهید داورپناه را به اسارت گرفته بودیم ولی یوسف آنقدر قشنگ صحبت می‌کرد که ما دگرگون شده بودیم، اما می‌ترسیدیم و نمی‌توانستیم کاری کنیم. گویا ما اسیر یوسف بودیم. تعدادی از ما بعد از شهادت یوسف فرار و از کارهای‌مان توبه کردیم و برگشتیم. تنها عامل توبه و جدایی ما از منافقین و دموکرات صحبت‌های تأثیرگذار یوسف بود.»

حرف‌های سر به مهر

مادر شهید یوسف داورپناه

■ این روزها نمی‌شود روایت زندگی یوسف را از زبان مادرش شنید. نام یوسف و یادآوری آن روزهای اسارت و شکنجه و پیکر چاک‌چاک و تدفینش در تنهایی، مادر را بی‌تاب می‌کند؛ مادری که این سال‌ها با هر بار یادآوری یوسف دلش خون می‌شود و اشک می‌ریزد و دردهایش را ناگفته و حرف‌هایش را سر به مهر نگه می‌دارد؛ حرف‌هایی که شاید هر کسی توان شنیدنش را نداشته باشد. او شنیده بود که یکی از آن خدا بی‌خبرها بعد از شهادت یوسف تکه‌ای از جگرش را برداشته و به عروس خانه‌اش که باردار بوده و بار داشت می‌دهد! سخت‌ترین لحظه اسارت و شهادت یوسف داورپناه برای مادر همین خاطره تلخ و عجیب است که هیچ‌گاه نمی‌خواهد آن را به زبان بیاورد.

پیشخوان

روزنامه‌نگاران نامور اصفهان در آینه یک اثر پژوهشی

گشایندگان طریق آگاهی

محمدرضا کائینی

پژوهشی که در این مجال به شما معرفی می‌شود، از روزنامه‌نگاران قدیمی شهر اصفهان که در گورستان تخت فولاد این شهر قرار یافته‌اند، سراغ گرفته است. «مشاهیر مطبوعاتی اصفهان، مدفون در تخت فولاد» توسط علی اخضری تدوین یافته و از سوی انتشارات شهرداری اصفهان، روانه بازار کتاب شده است. ناشر در دیباچه خود بر این اثر، چنین آورده است:

«انتشار اولین روزنامه در ایران را به میرزا صالح شیرازی در ۱۲۵۳ق نسبت می‌دهند. وی می‌کوشید اخبار دارالسلطنه تهران را به شیوه روزنامه فرنگیان در دسترس عموم قرار دهد. هر چند این پدیده را یکی از مظاهر تمدن غرب می‌دانند، ولی تأثیرات چشمگیر و روشنگرانه‌ای در افکار و آرای مردم نهاد که مهم‌ترین نمودار و بارقه آن را می‌توان در بروز مشروطیت مشاهده کرد. تا اواخر دوره ناصری، مطبوعات در ایران پیشرفت کندی داشت و به طور کامل در خدمت و به صلاحدید حاکمیت بود. روزنامه و مندرجات آن، از زندگی مردم جدا و مباحث آن در گزارش‌های امور شخصی یا در ستایش سلطان بود. ایالات نیز از انتشار روزنامه بی‌بهره بودند تا اینکه میرزا تقی‌خان کاشانی طبیب مخصوص ظل‌السلطان و به امر این شاهزاده در سال ۱۲۸۹ق، در فارس موفق به انتشار اولین روزنامه ایالتی شد. پس از آن با استقرار ظل‌السلطان در اصفهان، میرزا تقی‌خان کاشانی ادامه کار روزنامه‌نگاری خود را و اولین روزنامه در اصفهان را در سال ۱۲۹۶ق، تحت عنوان روزنامه فرهنگ پی گرفت. از تعطیلی روزنامه مجله دینی دعوت اسلامی- که فقط دینی و اعتقادی بود- دچار یک وقفه تقریباً ۱۷ ساله در انتشار روزنامه بود تا اینکه تأسیس مجلس و تفکرات آزادی‌خواهانه،

نمایی از یکی از تکایای گورستان تخت فولاد اصفهان

عامل شروع دوباره انتشار مطبوعات آن هم در سطحی به نسبت گسترده در اصفهان شد. از این زمان تا حدود سال ۱۳۳۰ق که اکثر روزنامه‌های منتشره حول محور آگاهی و رشد عقاید آزادی‌خواهانه، مشروطه‌طلبی و مبارزه با استبداد بود، مطبوعات از اسلوبی مبارزاتی و انتقادی پیروی می‌کردند. با شروع جنگ جهانی اول، مطبوعات دچار یک رکود شدند و پس از آن، دیگر به جایگاه علمی، انتقادی و خبری واقعی خود بازنگشتند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز روزنامه‌های اندکی را می‌توان یافت که از بار علمی و جایگاه محکمی در جامعه برخوردار باشند. مدیران و اربابان مطبوعات نیز از این تحول برخوردار بودند. مدیران جراید در سال‌های برقراری مشروطیت، از میان فضلا، ادبا، شعرا، نویسندگان و دانشمندان زبردست در اصفهان بودند. در حالی که هر چه این روند ادامه می‌یافت، روزنامه‌نگاران واقعی و عالِم به این فن کمیاب‌تر می‌شدند و حتی حرفه روزنامه‌نگاری در دوره اخیر، برای بعضی به کاسبی یا ممری برای کسب قدرت اجتماعی و شهرت تبدیل شده بود. به هر حال تخت فولاد اصفهان، امروزه جایگاه و آرامگاه بسیاری از این شخصیت‌هاست. روزنامه‌نگارانی که با دیگر عرفا، علما، شعرا، نویسندگان و بزرگان این خطه، چنان عظمت و مقامی به این جایگاه عطا کرده‌اند که این سرزمین شهرت عالم‌گیر یافت و به قول عارف بزرگ سیدهاشم موسوی‌حداد، یکی از چیزهایی که فضای اصفهان را صاف نگه داشته، وجود موحدین، عارفان و حکمای اسلام از اعاظم علماست که در مدت قرون متمادی در این قبرستان آرمیده‌اند.

چون محور این مقال، روزنامه‌نگاران و صاحبان جرایدِ مدفون در این خطه است، باید یادآور شد قبوری که از ایشان به جا مانده، در اوج سادگی و گمنامی است و حتی به سختی می‌توان بعضی از آنان را یافت! تعدادی از این اشخاص هر چند که مدفون بودن آنها در این خطه مشخص است، ولی اثری از قبرشان نیست! دیگر اینکه افرادی از آنان نیز هستند که هیچ اطلاعی از زندگی و خصوصیات آنان به دست نیامده است و تنها روزنامه‌های موجود از آنان، این امر را اثبات می‌کند. مانند محمدعلی مهرداد صاحب روزنامه تفسیر سیاسی روز، لطف‌الله دانشور علوی صاحب روزنامه شاهکار نو و شاه سمندی صاحب روزنامه ندای دستباف. در این اثر، هر آنچه مؤلف از آن اطلاع یافته، مورد اشاره داده و هر آنچه بدان دست نیافته، به موقع دیگری واگذار کرده است...».

نمایی از عملیات مرصاد، جنگ نیروهای ایرانی و اجساد منافقین

منافقین، مرصاد، شکست تاریخی و افسردگی جمعی!

منافقین در مرصاد اسیر نمی‌گرفتند فقط می‌کشتند

احمدرضا صدری

منافقین و آنان که خواسته یا ناخواسته فریب آنان را در جنگ هیبریدی اخیر خورده‌اند، حالی شبیه تجربه شکست در فردای عملیات مرصاد دارند! تزریق بیش از حد امید متوهانه و رسیدن به پایانی پوچ، بسیاری از نیروها و سمپات‌های این گروه را سرخورده ساخت و در نهایت، یکی از سخت‌ترین ضربات را به این گروه وارد آورد. خوانشی از آغاز و انجام این رویداد تاریخی، تجربه‌ای مهم را درباره امیدآفرینی‌های پوچ در تاریخ معاصر در اختیار ما قرار می‌دهد. مقال پی آمده، در پی این بازخوانی بوده است. امید آنکه مفید آید.

آغاز توهم

ماجرا از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آغاز شد. سرکرده منافقین به درستی دریافته بود که پایان جنگ تحمیلی، برای او به منزله اتمام بسا فرصت‌هاست. هم از این روی با کلید زدن حمله‌ای که دال مرکزی آن توهم فتح چند روزه تهران بود، تهاجم به کشورمان را آغاز کرد. کسانی که فیلم سخنرانی مسعود رجوی برای نیروهایش در آستانه شروع حمله را به نظاره نشسته‌اند، از او نوعی بی‌قراری بیمارگونه می‌بینند! صفاءالدین تبرائیان، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در «خوابگردها» این جلسه توجیهی را اینگونه به توصیف نشسته است: «عصر آخرین روز از نخستین ماه تابستان، روز جمعه ۳۱ تیر ۱۳۶۷، به تمامی افراد مستقر در پایگاه‌های سازمان اطلاع داده شد، برای گوش دادن به سخنرانی مهم رجوی، ساعت ۸ شب در سالن اجتماعات قرارگاه مرکزی اشرف حضور یابند. همه جمع شدند تا سرانجام ساعت ۱۱:۳۰، آقا و خانم رجوی آمدند. تدقیق و تأمل در فرازهایی از سخنان رئیس فرقه، ما را بیش از پیش با توهمات و خیال‌پردازی‌های صدر هیئت رئیسه این تشکل آشنا می‌سازد: طرح عملیات بزرگی را کشیده‌ایم که در نهایت منجر به فتح تهران و سقوط رژیم می‌شود... این عملیات باید در عرض دو یا سه روز انجام شود... رژیم فرصت بسیج نیرو پیدا نخواهد کرد، چون اصلاً به فکرش هم نمی‌رسد که ما بتوانیم در عرض این مدت به تهران برسیم و احتمالاً نمی‌تواند هیچ عکس‌العمل مؤثری انجام بدهد... شما دیگر بچه نیستید که بروید یک شهر را بگیرید. اگر بخواهید وسیع‌تر از عملیات‌های قبلی عمل کنید، هیچ راهی غیر از فتح تهران ندارید... نزدیک‌ترین نقطه مرزی برای رسیدن به تهران، کرمانشاه است. از آن به بعد بر اساس تقسیمات انجام‌شده، ۴۸ ساعته به تهران خواهیم رسید... حالا ایران خیلی ضعیف شده است و ما یک راست می‌رویم و تهران را می‌گیریم... پذیرش قطعنامه کار ما را تسریع کرد... اگر الان اقدام نکنیم، فرصت از دست خواهد رفت، زیرا بعد از اینکه بین ایران و عراق صلح شود، ما در اینجا قفل می‌شویم و دیگر نمی‌توانیم کاری انجام بدهیم و از لحاظ سیاسی، تبدیل به فسیل می‌شویم... بایستی آخرین تلاش خودمان را هم بکنیم و یک‌بار دیگر کل سازمان را به صحنه بفرستیم و مطمئن هستیم که پیروزیم و از هم اکنون من این پیروزی را به شما و خلق قهرمان ایران تبریک می‌گویم!...».

چند و چون یک پیروزی که رجوی پیشاپیش آن را تبریک گفته بود!

پیروزی‌ای که رجوی در سالن اجتماعات، آن را پیشاپیش تبریک گفته بود، در صحنه عمل به نوعی طنز و کاریکاتور مبدل شد! آنان در گردنه حسن‌آباد و تنگه چهارزبر، به مفهوم واقعی کلمه زمینگیر شدند و با رسیدن نیروهای ایرانی، به شکلی عریان مرگ را به چشم خویش دیدند، مجال فراری که نبود و پایانی که لحظه به لحظه صدها نفر از آنان را به کام می‌گرفت! احمد اکرامی از اعضای پیشین سازمان منافقین، ماجرا را اینگونه روایت می‌کند:

«نیروهای جلودار پس از عبور از گردنه حسن‌آباد و ماهی‌دشت، زیر آتش‌بارهای سنگین و بمب هواپیماهای دشمن، شیرازه آرایش خود را از دست دادند. آن جنگ نابرابر، با همه محاسبات غلط نظامی، به ۷۲ ساعت تا عصر پنج‌شنبه طول کشید. در آن چند روز بر اثر گرسنگی و ناسامانی، نیروهای ما از هم‌گسیخته و رژیم بر همه مناطق نظامی مسلط [شد] و با استفاده از بنیه ضعیف پشتیبانی، نظامی، نیرویی، لجستیک، تدارکات، بهداری و به ویژه فرماندهی ما و با کمک گرفتن از نیروهای هوایی خود، توانست در همه مسیر ما را زمینگیر و قفل نماید. اولین شلیک موشک‌های آرپی‌جی که از بالای تنگه‌چهارزبر، به تانک‌های جلودار اصابت کرد، همه را از خواب رویایی بیدار کرد و بعد ادامه درگیری‌ها و آمار کشته و زخمی‌هایی که چون برگ روی زمین افتاده بودند، واقعیت انکارناپذیر ماهیت رجوی را برای‌شان برملا کرد. بسیاری از آنها که با فضای جنگ آشنایی نداشتند، به شدت می‌گریستند و خواهان بازگشت بودند، به خصوص وقتی اجساد دوستان‌شان را که تا چند روز پیش با آنها زندگی می‌کردند را می‌دیدند. انبوه اجساد سوخته و جزغاله‌شده که قابل شناسایی نبودند. یگان‌ها یکی بعد از دیگری از تنگه عقب‌نشینی می‌کردند، ولی در بازگشت توسط مهدی ابریشمچی، دوباره به رغم میل باطنی‌شان برگشت داده می‌شوند. در اوج درگیری‌ها، فرماندهان رجوی برای بالا بردن روحیه نفرات، به دروغ قلمداد می‌کردند که چند تیپ از تنگه عبور کرده و به نزدیکی کرمانشاه رسیده‌اند. هرج و مرج عجیبی به وجود آمده بود. فرماندهان خشک‌شان زده و هیچ کنترلی روی نیروها نداشتند. آنها هم در حقیقت درگیر این مسئله بودند که چقدر ساده‌لوحانه به دام نقشه‌های رجوی افتاده‌اند. خودروها یک به یک در آستانه ورود به دهانه تنگه، مورد اصابت موشک و راکت‌ها قرار می‌گرفتند و با تمامی نفرات به هوا می‌رفتند! در اطراف تنگه اجساد پراکنده بودند و بعضاً خودروها هنگام عقب‌نشینی، از روی جنازه‌ها عبور می‌کردند. در نزدیکی تنگه در زیر پل، اجساد روی هم انباشته شده بود و مابقی نفرات بهت‌زده و سرگردان، به دنبال پیدا کردن سنگر و جان‌پناهی بودند. فروغ جاویدان رجوی، به یک تراژدی بزرگ تبدیل شده بود. دستور عقب‌نشینی از سوی فرماندهی کل، به سوی خاک عراق صادر شد! البته نه به صورت منظم، بلکه هر کس جانش را به دست گرفته و با هر وسیله‌ای که در دستش بود، خود را به خاک عراق می‌رساند. از خیل فرماندهان زن و مرد رجوی خبری نبود و فرماندهی کل هم بساطش را جمع و دست از پا درازتر به بغداد عقب‌نشینی کرده بود...».

کشتار اسرا به سبک داعش

رجوی در عملیات خود به جای فنون نظامی، همچنان از تکنیک‌های روانی بهره می‌گرفت! به سربازان خود گفته بود که از راهبرد خشونت حداکثری استفاده کنند که به خودی خود موانع از سر راه آنها برداشته شود، هم از این روی آنان در راه، اسیر نمی‌گرفتند و تنها نیروهای طرف مقابل را می‌کشتند و مزارع کشاورزان را به آتش می‌کشیدند! نتیجتاً این راهبرد با تمام توقعی که از آن می‌رفت، با شکست مواجه شد! ابراهیم خدابنده از اعضای سابق منافقین، در این باره معتقد است:

«بعضی‌ها فکر می‌کنند که این یک خودکشی بود یا صدام می‌خواست از دست اینها راحت بشود، در حالی که این یک عملیات حساب‌شده و برنامه‌ریزی شده بود. حتی مهدی برائی معروف به احمد واقف، یک کلاس استراتژیک گذاشته بود، یک تاکتیک به نام بلیک کلیک به آلمانی یعنی یک جنگ چشم به هم زدن که با این تاکتیک آلمان شش روزه فرانسه را گرفت. آلمان از یکسری تانک‌های سبک استفاده کرد که با سرعت می‌روند و تا توپخانه عظیم فرانسه بخواهد به خودش بجنبد، تانک‌های آلمانی پشت توپخانه فرانسه بودند. از آنجا هم راه انداختند به پاریس رفتند. برائی هم در آن جلسات توضیح می‌داد که این تاکتیک باید استفاده شود. یکی دیگر از نکات این تاکتیک این است که نیروها سریع به میان مردم می‌روند. در این تاکتیک نیروهای طرف مقابل، دیگر نمی‌توانند دشمن را بمباران کنند، چراکه مردم خودشان هم کشته می‌شوند. در عکس‌های منافقین در فروغ جاویدان هم به وضوح مشخص است که اینها حتی از جاده‌ای حرکت می‌کردند که ماشین‌های مردم بود که مثلاً بگویند مردم هم به ما پیوسته‌اند! خب مردم هم که چاره‌ای نداشتند، از کجا باید می‌رفتند؟ بعد هم مثل داعش، ایجاد رعب و وحشت می‌کردند. سازمان به نیروها اعلام کرده بود که اسیر نمی‌گیریم، به همین دلیل تمام اسیرها را تیرباران می‌کردند و می‌کشتند! حتی مجروحان را از بیمارستان اسلام‌آباد بیرون آورده بودند و تیرباران کرده بودند! مزرعه‌ها را هم آتش می‌زدند و حیوانات را می‌کشتند تا جوی ایجاد کنند که همه بترسند. در این شرایط دیگر توپ و تانک و اینها کارایی ندارد. حالا اینها قرار بود، مرحله به مرحله بیایند و مرحله بعد کرمانشاه بود و مردم را بگیرند و زیر سلطه بیاورند و همینطور تا تهران پیش بروند؛ همین طرحی که داعش داشت و تا ۲۰ کیلومتری فرودگاه بغداد هم آمد. منافقین در دهنه چهارزبر گیر کردند، در حالی که ایران نیروی زیادی هم آنجا نداشت، ولی چون روی بلندی هلی‌برن شدند، مسلط به منطقه بودند تا جایی که مثلاً در دشت حسن‌آباد، بسیاری از فرمانده‌های سازمان را با تک‌تیرانداز زدند، یعنی توپ و تانک و بمب‌افکن فایده نداشت. جمعیتی روی جاده بود که منافقین از مردم عادی تشخیص داده نمی‌شدند، اما تک‌تیرانداز تشخیص می‌داد که یکی از آنها از فرماندهان منافقین است یا ماشین‌های آنها را می‌زدند که باعث شد سازمان دستور عقب‌نشینی بدهد. منافقین برگشتند تا در بلندی‌های سیاخور تجدید قوا کنند که دوباره در آنجا هم به کمین خوردند، چون صیادشیرازی در بلندی‌های آنجا هم، نیروهلی‌برن کرده بود...».

به ما گفته‌اند: مردم به استقبال شما می‌آیند!

در باب توهمات سران گروه موسوم به مجاهدین خلق، در عملیاتی که آن را فروغ جاویدان نام داده بودند، فراوان سخن رفته است. یکی از آنها، خاطره‌ای است که سردار شهید حاج حسین همدانی بازگفته است:

«در عملیات مرصاد اولین گروه اعزامی از همدان، تعدادی از طلبه‌های حوزه همدان بودند که با لباس رزم، کلاه آهنی، یک قمقمه آب و بدون اسلحه آمده بودند و عجله داشتند که ما آنها را مسلح کنیم و جلو بفرستیم. هر کدام از آنها را به عنوان کمک‌تیربارچی و کمکی یک رزمنده قرار دادیم و گفتیم: بروید وقتی که یک نفر از منافقین کشته شد، اسلحه‌اش را بردارید. بعد از عملیات آمدند و گفتند: شما به ما اسلحه ندادید، در عین حال ما از هر کدام یک اسلحه نو، یک قطب‌نما و یک کوله‌پشتی- که پر از مواد غذایی بود- به غنیمت گرفتیم! مورد دیگر اینکه در داخل کوله‌پشتی زنان و مردان منافقین، شناسنامه‌های‌شان بود، وقتی که از اسیران سؤال کردیم که برای جنگیدن شناسنامه به همراه آورده‌اید؟ گفتند به ما گفته شده که سر راه شما نیروی زیادی نیست، مردم به استقبال شما می‌آیند و این آخرین سفر شماست که به وطن بازمی‌گردید، لذا ما نیز شناسنامه و همه وسایل خود را به همراه آورده‌ایم...».

همه مسئله‌دار شده بودند!

رجوی نیروهای خویش را با انبانی از توهم و شعارهای پوچ به میدان گسیل داشته بود، هم از این روی شکست تاریخی آنان در برابر نیروهای ایران، تمامی آنان را به افرادی سرخورده و مسئله‌دار مبدل ساخت. ریزش و فرار گسترده نیروهای سازمان پس از مرصاد، نقطه عطفی در تاریخ فعالیت‌های این تشکل قلمداد می‌شود. محمدعلی صدرشیرازی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران این رویداد را به ترتیب پی آمده تحلیل می‌کند:

«پاسخ کوبنده رزمندگان اسلام در عملیات مرصاد به عملیات موسوم به فروغ جاویدان را می‌توان از برجسته‌ترین نقاط تأثیرگذار بر سرنوشت سازمان مجاهدین خلق (منافقین) دانست. این عملیات چند روزه، آنچنان ارکان سازمان منافقین را به لرزه درآورد که موجب تغییر اساسی در مشی منافقین در ادامه حیات‌شان گشت. این پیامدها در ابعاد گوناگون، سایه پایدار و سنگین خود را بر سر آنان گسترانید. هر چند بداهت شکست مفتضحانه فروغ جاویدان نیز نتوانست وقاحت بی‌بدیل مسعود و مریم رجوی را بشکند و آنان در نشست‌های طنزگونه، ضعف ایمان اعضا به رجوی را علت شکست اعلام نمودند، اما گفته‌های رجوی نیز توجه بسیاری را جلب ننمود و سیل پایدار ریزش اعضا- که از سال‌ها قبل آغاز شده بود- امواجی متلاطم‌تر یافت. در این میان برخی فرماندهان نیز که تا آن روز وظیفه تحمیق زیردستان خود و تزریق اندیشه‌های رجوی به آنان را داشتند، خود مسئله‌دار بودند. به گفته بتول سلطانی: من صحنه برگشت بچه‌ها را یادم هست که به شدت افراد درب و داغان و درهم شکسته بودند، کسانی که بطلان تحلیل‌ها را به چشم دیده بودند، همه مسئله‌دار شده بودند که چقدر تحلیل‌ها توخالی از آب درآمده است، به خصوص که در تحلیل‌ها، خیلی تأکید کرده بود که مردم به ما می‌پیوندند و افراد نظامی توان و روحیه ندارند که درست عکس این در صحنه ثابت شد. قرارگاه خیلی به‌هم‌ریخته بود. افراد حتی از فرمانده‌ها، مسئله‌دار شده بودند... نشست‌های رجوی نه تنها دردی را دوا نمی‌کرد، بلکه خود در تشدید بحران‌های روحی به وجود آمده نقش‌آفرینی کرد. پیش‌تر بر همگان مسلّم بود که شعارهای رجوی علیه جمهوری اسلامی ایران و ارکان آن در طول حیات سازمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نه از سر صداقت و مردم‌دوستی که تنها ناشی از جاه‌طلبی بیمارگونه شخص اوست. اما قدرت تبلیغاتی قابل توجه سازمان در ایران و جهان، همچنان این شعارهای فریبنده را زنده نگه داشته بود، اما در جریان عملیات مرصاد، از آنجا که اتهام رفتارهای ضدملی و ضدآزادی به نظام جمهوری اسلامی محوریت این شعارها در پروپاگاندای سازمان بود، آشکار شدن ماهیت ضدمیهنی و ضدانسانی سازمان در جریان تهاجم به میهن خود، جنایات شگفت‌انگیز آنان در شهر اسلام‌آباد و نیز هم‌پیالگی با سفاکی چون صدام، نفس‌های به شماره افتاده دستگاه تبلیغاتی سازمان مجاهدین خلق را متوقف ساخت...».

پیامدهای مرصاد، باید در زمان مناسب مورد ارزیابی قرار گیرد

عملیات مرصاد به رغم آنچه بدان اشارت رفت، پیامدهایی نیز داشت که اعدام برخی اعضای زندانی سازمان منافقین، در زمره آن قرار دارد. این بخش از ماجرا به عللی، تاکنون کمتر مورد روایت و تحلیل قرار گرفته است. حجت‌الاسلام‌والمسلمین مصطفی پورمحمدی در تحلیلی، علل این مسئله را اینگونه تشریح کرده است:

«ما هر توضیحی و پاسخی بدهیم، آنها که قرار نیست بپذیرند و دیگر دشمنان ما هم همین طور، البته برای آگاهی‌بخشی به نسل جوان و دیگر اقشار ملت، این موضوعی است که باید توسط نهادهایی که عهده‌دار این بخش‌ها هستند، با ملاحظات میدانی توضیح دهند. زمانی که مشغول جنگ با دشمن هستید و می‌خواهید اطلاع‌رسانی کنید و به نقدها جواب دهید، با وقتی که دعوا فیصله یافته و گردوخاک خوابیده، خیلی فرق دارد. آن زمان که داستان فیصله یافته، راحت‌تر می‌توان این کار را انجام داد و محققان بررسی می‌کنند و در فضایی آرام، اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد. اما امروز که هنوز درگیری ادامه دارد، اگر بخواهیم زیاد توضیح دهیم و جزئیات را بگوییم، آنها استفاده خود را می‌برند و آن بخشی که به درد او می‌خورد را می‌گیرد و بقیه را دور می‌ریزد و جوسازی و جنگ روانی، همچنان ادامه پیدا خواهد کرد. ما هنوز با منافقین در میدان عملیاتی هستیم و آنها با ما می‌جنگند. منافقین بیشترین کمک جاسوسی را به اسرائیلی‌ها، امریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و برخی کشورهای دیگر- که نمی‌خواهم- اسم ببرم، انجام می‌دهند. از این جهت درباره نیرویی که در حال عملیات علیه شماست و در فکر براندازی است، نمی‌توان به سادگی صحبت کرد و توضیح داد. مثلاً کشور ما در روابط بین‌المللی و ارتباط با دیگر کشورها یا برجام، تصمیمی گرفته و به نتیجه‌ای می‌رسد، اما منافقین و سلطنت‌طلب‌ها جزو گروه‌هایی هستند که بیشترین تلاش و لابی را می‌کنند تا امکان تفاهم برقرار نشود چراکه فکر می‌کنند ممکن است منفعتی به ایران برسد یا خطری از ایران کم شود. در حال حاضر موضوع منافقین چنین وضعیتی دارد، دشمنان از اینها مأیوس نشده و باید مراقب بود، لذا توضیح ما باید برای زمانی باشد که اینها از پا درآمده باشند و دشمنان هم از اینها مأیوس باشند و غبار فتنه خوابیده باشد. منافقین آدم‌های جنایتکاری هستند و کسی در این شک ندارد...».

> **منافقین و آنان که خواسته یا ناخواسته فریب آنان را در جنگ هیبریدی اخیر خورده‌اند، حالی شبیه تجربه شکست در فردای عملیات مرصاد دارند! تزریق بیش از حد امید متوهانه و رسیدن به پایانی پوچ، بسیاری از نیروها و سمپات‌های این گروه را سرخورده ساخت و در نهایت، یکی از سخت‌ترین ضربات را به این گروه وارد آورد. خوانشی از آغاز و انجام این رویداد تاریخی، تجربه‌ای مهم را درباره امیدآفرینی‌های پوچ در تاریخ معاصر در اختیار ما قرار می‌دهد**

> **ماجرا از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آغاز شد. سرکرده منافقین به درستی دریافته بود که پایان جنگ تحمیلی، برای او به منزله اتمام بسا فرصت‌هاست. هم از این روی با کلید زدن حمله‌ای که دال مرکزی آن توهم فتح چند روزه تهران بود، تهاجم به کشورمان را آغاز کرد. آنان در گردنه حسن‌آباد و تنگه چهارزبر، به مفهوم واقعی کلمه زمینگیر شدند و با رسیدن نیروهای ایرانی، به شکلی عریان مرگ را به چشم خویش دیدند**

حاشیه‌ای از عملیات تاریخی مرصاد

ورزشی
پرونده
بررسی علل افت کاراته ایران در آسیا

عقبگرد روی تاتامی

نگاهی به افت کاراته ایران در قهرمانی آسیا

گزارش
دنیا حیدری

رقابت‌های قهرمانی آسیا زنگ خطری جدی برای کاراته ایران بود؛ رقابت‌هایی که با وجود قهرمانی کومیته تیمی مردان نتوانست انتظارات را برآورده کند، وقتی با ناکامی تیم‌های ملی بزرگسالان در رسیدن به طلا در بخش کومیته انفرادی همراه بود.

۳۴مدال می‌توانست عدد دهان پرکن و قابل توجهی باشد اما نه وقتی که عمده مدال‌های کسب‌شده از کاروان ۶۲نفره ایران برنز بود! کاروان ایران در حالی با کسب هفت طلا، هفت نقره و ۲۰ برنز به کار خود در تاشکند ازبکستان پایان داد که از هفت طلای کسب‌شده در این رقابت‌ها یک طلا سهم پاراتکواندو بود و این یعنی تنها شش کاراته‌کا از جمع اعزامی‌ها به رقابت‌های قهرمانی آسیا موفق به ایستادن بر سکوی نخست شدند و ملی‌پوشان تیم‌های مردان و زنان ایران در بخش کومیته انفرادی بزرگسالان با نمایشی دور از انتظار از رسیدن به مدال طلا بازماندند؛ نتیجه‌ای دور از انتظار که نمی‌توان آن را پشت ۳۴مدال کسب‌شده یا قهرمانی کومیته تیمی مردان پنهان کرد.

■ قهرمانی آقایان و دست خالی بانوان

کومیته آقایان در رده نوجوانان دو نقره، یک برنز، در رده جوانان یک طلا، یک برنز و در رده امیدها بدون کسب هیچ مدالی به کار خود پایان می‌دهد تا دستاورد کومیته آقایان در بخش انفرادی پنج مدال باشد. در کومیته تیمی اما حضور نام‌هایی چون سجاد گنج‌زاده، مهدی خدابخشی، علی‌اصغر آسیابری، صالح اباذری، بهمن عسگری، مهدی شه‌گل و ذبیح‌الله پورشیب خوش‌رنگ‌ترین مدال رقابت‌ها و قهرمانی را برای ایران به دنبال دارد.

کومیته بانوان در بخش تیمی دستش به مدال نمی‌رسد اما در بخش انفرادی موفق به کسب ۱۲مدال می‌شود که سهم نوجوانان دو برنز، سهم جوانان دو طلا، یک برنز، زیر ۲۱ساله‌ها دو نقره، یک برنز و سهم بزرگسالان تنها چهار مدال برنز است!

■ بانوان سرتر از آقایان

ضعیف‌ترین نمایش ایران اما در بخش کاتای آقایان رقم خورد، به خصوص در رده‌های سنی که هیچ مدالی دست ایران را نگرفت. حمیدرضا محمودی نماینده ایران در رده نوجوانان اوت شد، محمدمهدی نقدی در جوانان هفتم شد و در کاتای تیمی نیز ایران در رده پنجم ایستاد، ضمن اینکه محمد صدرا شیدزی نیز در رده زیر ۲۱ساله‌ها نهم شد و تنها مدال‌های کسب‌شده کاتای آقایان در بخش بزرگسالان بود که علی زند برنز گرفت؛ مدالی که عیناً در کاتای تیمی هم تکرار شد تا سهم آقایان در کاتا تنها دو برنز باشد و دیگر هیچ!

اوضاع کاتاروهای بانوان اما اندکی بهتر بود. اگر چه در کاتای انفرادی نوجوانان یکتا داوری پنجم شد اما ساجده جهانشاهی در رده جوانان برنز گرفت و کاتای تیمی جوانان با ترکیب یکتا داوری، تینا فتاحی و ملیکا سلطانی به گردن‌آویز طلا دست یافت.

در رده زیر ۲۱ساله‌ها هم سپیده امینی به مدال نقره دست یافت و در بزرگسالان نیز فاطمه صادقی برنزی شد. در کاتای تیمی بزرگسالان نیز ایران نقره رقابت‌ها را از آن خود کرد.

■ عملکرد غیرقابل دفاع

ایران با ۶۲ کاراته‌کا بیشترین اعزامی را به تاشکند داشت اما نتایج ضعیف کسب‌شده در ازبکستان باعث سقوط کاراته بزرگسالان به رده چهارم آسیا شد! این در حالی است که نه فقط کادر فنی که فدراسیون همچنان روی قهرمانی کومیته مردان مانور می‌کند و عدم‌نتیجه‌گیری سایر نفرات تیم را به دلایل غیرفنی روی تاتامی ربط می‌دهند! اما واقعیت چیزی جز ناکامی ایران در قهرمانی آسیا و همچنین افت فاحش در کیفیت مدال‌های کسب‌شده نیست!

تیم ملی کاراته بزرگسالان ایران در بخش آقایان در قسمت انفرادی از شش فرصت خود تنها دو مدال برنز کسب کرد و تنها در کومیته تیمی موفق به کسب مدال طلا شد و این یعنی یک فاجعه و ناکامی بزرگ برای ایران در بخش کومیته انفرادی! چراکه ایران در کمیته انفرادی با تمام توان و با تمام نفرات باتجربه خود در بخش بزرگسالان راهی قهرمانی آسیا شد اما نتیجه حاصله جز تسلیم ستاره‌های نامدار ایران برابر جوانان سایر کشورها نبود و ادامه این روند، یعنی فاجعه‌ای به مراتب تلخ در بازی‌های آسیایی هانگژو!

■ ادوار گذشته

ایران سال ۲۰۱۸ در اردن به طلای کومیته تیمی دست یافت و در انفرادی نیز به دو طلا (مجید حسن‌نیا و صالح اباذری)، یک نقره (علی‌اصغر آسیابری) و یک برنز (مهدی خدابخشی) دست یافت. در بخش بانوان نیز حمید عباسعلی قهرمان آسیا شد و شیما آل‌سعدی به گردن‌آویز برنز دست یافت و در بخش کاتای تیمی نیز بانوان با کسب عنوان سوم به کار خود خاتمه دادند.

سال ۲۰۱۹ در ازبکستان نیز ایران برای سومین بار متوالی در کومیته مردان بر سکوی قهرمانی آسیا ایستاد؛ عنوانی که در کومیته تیمی بانوان نیز عیناً تکرار شد. در کومیته انفرادی مردان نیز ذبیح‌الله پورشیب به مدال طلا رسید و بهمن عسگری و سجاد گنج‌زاده مدال برنز گرفتند. در کومیته انفرادی زنان نیز طراوت خاکسار و حمیده عباسعلی بر سکوی نخست آسیا ایستادند و رزیتا علیپور به مدال نقره دست یافت. در کاتای تیمی نیز مردان قهرمان و زنان سوم شدند. در کاتای انفرادی نیز ایران به واسطه فاطمه صادقی به مدال برنز دست یافت.

رقابت‌های قهرمانی آسیا در سال ۲۰۲۰ به دلیل شیوع کرونا لغو شد اما در سال ۲۰۲۱ به میزبانی قزاقستان، کومیته تیمی مردان ایران با قبول شکست مقابل میزبان بعد از سال‌ها به عنوان نقره بسنده کرد. با وجود این اما ذبیح‌الله پورشیب، کاپیتان تیم ملی ایران به طلای رقابت‌های قهرمانی آسیا رسید، علی مسکینی و صالح اباذری به مدال نقره آسیا دست یافتند و پوریا اقدسی و علی‌اصغر آسیابری نیز صاحب مدال برنز شدند. در بخش بانوان اما ایران یک نقره و سه برنز کسب کرد و در کومیته تیمی نیز از کسب مدال باز ماند.

■ بی‌توجهی به انتقادات

یک سال قبل که ایران با کسب ۱۴طلا، ۱۰نقره و ۱۵برنز به کار خود در آلماتی پایان داد، بسیاری بر این باور بودند قهرمانی در قزاقستان نباید بزرگنمایی شود و نتیجه کسب‌شده در قهرمانی آسیا را زنگ خطری جدی برای کاراته ایران می‌دانستند؛ منتقدانی که شاید امروز کاراته در ازبکستان را می‌دیدند که تأکید داشتند کسب ۳۹مدال آش دهان‌سوزی برای کاروان ۵۹ نفره ایران در قزاقستان نیست، آن هم در شرایطی که این رقابت‌ها با استقبال چشمگیری از سوی کشورهای دیگر مواجه نشده است، اما بی‌توجهی به انتقادها باعث شد کار به جایی برسد که کاراته ایران این بار با کسب تنها هفت طلا به کار خود در قهرمانی آسیا پایان دهد.

هر چند این بار هم چشم آقایان تنها قهرمانی کومیته مردان را می‌بیند و ۳۴مدالی که ۲۰تای آن برنز است، اما واقعیت نه فقط افت فاحش کیفیت مدال‌های کسب‌شده که عدم‌نتیجه‌گیری پایه‌هایی است که بزرگسالان فردای کاراته هستند. بی‌شک بی‌توجهی به انتقادها بعد از رقابت‌های قزاقستان و همچنین فیکس بودن ثابت در تیم ملی طی ۱۰سال گذشته بدون هیچ تغییر تاکتیکی و تکنیکی و عدم‌سرمایه‌گذاری و توجه لازم به پایه‌ها از مهم‌ترین دلایل عدم‌نتیجه‌گیری لازم در ازبکستان است اما این داستان تا مادامی که آقایان قصد قبول مشکلات خود را نداشته باشند، حل نخواهد شد!

نگاه کارشناسان
شیوا نوروزی

شرایط تیم‌های پایه نگران‌کننده است نه بحرانی

کاراته ایران مثل الماسی است که بعضی اوقات گردوخاک درخشش این الماس را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در ادوار گذشته درخشش این رشته را بارها دیده‌ایم و نوسان در نتیجه‌گیری واقعیت ورزش است. قصدم دفاع از نتایج به دست آمده در آسیا نیست چراکه دفاع بدهنگام از یک رشته می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری داشته باشد. اگر سه کارت سبز، زرد و قرمز در نظر بگیریم، در این دوره قهرمانی آسیا کاروان ما هر سه کارت را گرفت. در بخش‌هایی که ناکام شدیم کارت قرمز گرفتیم، مثل کومیته انفرادی بزرگسالان بانوان و آقایان. در کاتای تیمی و انفرادی بانوان و مردان صاحب مدال شدیم و در حقیقت کارت سبز دریافت کردیم. در بعضی رده‌ها نفرات حذف‌شده داشتیم. باید بررسی شود آیا سرمربی و کادرفنی فرصت لازم را برای بازسازی تیم‌های پایه داشته‌اند یا نه. از طرفی در این دوره دو اتفاق مثبت برای کاراته ایران رخ داد؛ مدال طلای کومیته تیمی مردان در رده بزرگسالان. این مدال در روز آخر مسابقات به دست آمد و کومیته‌کاهای ایرانی قدرت خود را به نمایش گذاشتند. همچنین برای اولین‌بار در پاراکاراته نماینده داشتیم و نشان دادیم مصمم به سرمایه‌گذاری در این بخش هستیم. در کل عملکرد ۱۰سال و دو سال گذشته کاراته ایران جای بررسی، تعمق و کار کارشناسی دارد. برای اظهارات منتقدان احترام قائلم و بسیاری از نقدهای مطرح‌شده واقعیت‌های کاراته است اما دفاع فدراسیون از عملکرد به دست آمده نسبت به امکانات و تدارکات را غیرمنطقی نمی‌دانم. در قرعه‌کشی‌ها حضور داشتم، قرعه‌های روز مراسم با قرعه‌های فردای آن کاملاً متفاوت بود! کشورهایی هستند که به قدرت کاراته ایران علاقه‌ای ندارند. متأسفانه به خاطر ضعف‌های موجود هیچ کرسی‌ای در آسیا و WKF نداریم. در خصوص داوری هم باید بگویم سر صالح اباذری را بریدند. ناداوری‌ها در مبارزه او حتی من را نیز عصبانی کرده بود، حتی در مبارزه نماینده کویت با بهمن عسگری نیز کم‌لطفی شد. برخی اوزان نمایش بدی نداشتند اما اشتباهات داوری تأثیرگذار بود و این اشتباهات جزئی از کاراته محسوب می‌شود. این نوع قضاوت‌ها برای قاره آسیا جای تأسف دارد. متأسفانه قدر کرسی‌هایی را که داشتیم، ندانستیم. کرسی‌ها را خارجی‌ها از ما نگرفتند بلکه کاراته ما اسیر خودزنی است.

برای نجات کاراته باید همه دست به دست هم بدهیم تا شرایط کاراته تغییر کند. طلای روز آخر ارزش کاراته ایران را به نمایش گذاشت. واقعیت این است که اهالی کاراته باید متحد شوند و به جای آنکه سرعت همدیگر را کاهش دهیم، به کاراته کمک کنیم. باید اتاق فکری در فدراسیون تشکیل شود تا همه حمله‌ها به سوی رئیس فدراسیون یا کادرفنی نباشد. باید یک مثلثی را در نظر گرفت؛ اول اعضای آن مجموعه شامل مربی، داور و ورزشکار، دوم افرادی که هدایت فنی و تشکیلاتی را بر عهده دارند و سوم هم اعضای مدیریتی و اداری. همه ما در نتایج به دست آمده سهیم هستیم. به نظر می‌رسد برخی از مربیان، ورزشکاران و داوران دچار غرور کاذب شده و کارهای اصولی را رها کرده‌اند. در تیم‌های پایه نیاز به کار بنیادی داریم. در گذشته در بعد نگهداری و آموزش رده‌های پایه تعلل یا کوتاهی‌هایی صورت گرفته که در آینده لطمه خواهد زد. شرایط تیم‌های پایه نگران‌کننده است نه بحرانی. اگر سازماندهی لازم وجود داشته باشد و پشتوانه‌سازی در دستور کار قرار بگیرد، کاراته ایران می‌تواند فاصله‌اش را با رقبا حفظ کند. اگر قدر داشته‌های‌مان را بدانیم، می‌توان به آینده امیدوار بود. عدم‌ثبات یکی از مشکلات اصلی ماست. این مسئله اعتماد جامعه کاراته جهانی و آسیایی را به ما کم کرده است. کشورهای کوچک کرسی‌های بین‌المللی می‌گیرند اما ما به خاطر رقابت منفی یا حسادت پتانسیل‌های‌مان را می‌سوزانیم. اگر تا شش ماه آینده به کاراته سروسامان تشکیلاتی، اداری و سازماندهی ندهیم، قطعاً در بازی‌های آسیایی و جهانی به مشکل خواهیم خورد. ناامیدی به هر رشته‌ای رسوخ کند محکوم به شکست خواهد بود.

| احمد صافی | عضو کمیته فنی فدراسیون |

گرفتن مدال در آسیا دیگر به سادگی گذشته نیست

جامعه کاراته باید به این واقعیت آگاه باشد که گرفتن مدال در آسیا دیگر به سادگی گذشته نیست. حریفان ما در قاره با استفاده از مربیان خارجی، امکانات خوب و سرمایه‌گذاری رشد قابل توجهی داشتند. کاراته ایران در ۱۰سال گذشته خود مانده ولی حریفان آسیایی پیشرفت بسیار خوبی کرده‌اند، آنها به ما رسیده و حتی در برخی اوزان از ما پیشی گرفته‌اند.

تیم اردن در این دوره عملکرد درخشانی داشت، عربستان و قزاقستان نیز بسیار خوب ظاهر شدند. عربستان از مربی خارجی کمک گرفته، اردن مربی مصری دارد، ازبک‌ها رشد کرده‌اند و قزاق‌ها نیز در بخش بانوان خوش درخشیده‌اند.

هیچ کشوری دست‌روی دست نگذاشته و همه پیشرفت داشته‌اند، حتی کشورهای شرق آسیا. ژاپن که رقیب سنتی همه تیم‌هاست و از ۲۰مدال طلا ۱۴طلا در بخش کاتا به دست آورد. تیم‌هایی مثل هنگ‌کنگ و حتی کامبوج دنبال رشد و ترقی هستند. باید تلاش کنیم از قافله پیشرفت جا نمانیم. در رده امیدها، شش فرصت برای مدال‌آوری داشتیم؛ در هر شش وزن به مدال رسیدیم، در دو وزن نیز فینالیست داشتیم. عملکرد امیدها در این دوره قابل دفاع است، اما نتایج کسب شده در رده بزرگسالان اصلاً خوب نبود، البته موفقیت در بخش تیمی قدرت کاراته کشورها را نشان می‌دهد که خوشبختانه در کومیته تیمی مدال طلا گرفتیم. کاراته‌کاهای خوبی داریم اما در انفرادی فقط به دو مدال برنز رسیدیم. ملی‌پوشان آمادگی لازم را داشتند ولی در مبارزه صالح اباذری ناداوری رخ داد.

در سایر اوزان هم حریفان‌مان رشد کردند. والا ما همان تمرینات و اردوها را داریم، منتها رقبا پیشرفت کردند. کاراته ورزش ثانیه‌هاست و در لحظه آخر یک امتیاز همه چیز را تغییر می‌دهد. فاصله کاراته ایران با حریفان آسیایی بسیار کم شده و بعضاً از آنها عقب افتاده‌ایم. باید این فاصله را پر کنیم. در رده‌های نوجوانان و جوانان نیز بی‌تعارف باید بگوییم ضعیف ظاهر شدیم، البته استاد سلیمانی زمان کمی برای آمادگی این تیم در اختیار داشت. عمری است کاراته کار می‌کنیم و نمی‌توانیم به هم دروغ بگوییم. نمی‌توانیم خودمان را گول بزنیم. قطعاً می‌توانیم به مسیر پیشرفت بازگردیم. در کاراته ایران کارشناس فنی و نخبه کم نداریم. باید از کارشناسان به‌روز استفاده شود. تفکرات پوسیده گذشته به درد کاراته نمی‌خورد. باید فکر و ایده جوان به کاراته وارد شود.

پتانسیل ما به قدری بالاست که علاوه بر آسیا می‌توانیم کاراته دنیا را نیز فتح کنیم. با برنامه‌ریزی و کار کارشناسی می‌توان این مسیر سخت را طی کرد. باید دید کاراته دنیا به چه شکل تمرین می‌کنند و با الگو گرفتن از آنها و استفاده از تفکرات نو می‌توان خلأ ایجادشده را پر کرد. در رده‌های پایه نیز قرار است فدراسیون تیم نونهالان را به تورنمنت خارجی اعزام کند. این تصمیم خوبی است و همین تیم پشتوانه رده‌های دیگر خواهد بود. متأسفانه با ضعف اعزام ورزشکاران به مسابقات خارجی نیز مواجه هستیم. در رده امیدها دو نفر از ملی‌پوشان برای نخستین‌بار حضور در تورنمنت برون‌مرزی را تجربه می‌کردند. اگر چه هر دو مدال برنز گرفتند ولی اینها برای آشنا شدن به شرایط مسابقات بین‌المللی به تجربه بیشتری نیاز دارند. از طرفی برخی منتقدان کم‌لطفی می‌کنند و می‌گویند برنز آسیا ارزش زیادی ندارد! در حالی که با بالارفتن سطح کاراته آسیا گرفتن مدال برنز نیز ارزشمند و بسیار سخت است. قصد توجیه کردن نتایج ضعیف را ندارم ولی نباید کم‌لطفی کرد. باور کنید رفتن روی سکوی آسیا دیگر به سادگی گذشته نیست. امیدوارم هیچ کس به فکر منافع شخصی خود نباشد و فقط به رشد و نجات کاراته فکر و نقد سالم کنیم و راهکار ارائه دهیم.

| سعید نصراللهی | رئیس هیئت کاراته کرمانشاه |

تمرین در جهنم مسابقه در بهشت!

کاراته ایران همواره در ادوار گذشته قهرمانی آسیا حضور فعالی داشته است. میانگین نمره کاراته ما کاملاً مشخص است. نتایج کسب‌شده در رده بزرگسالان ملاک اصلی است، منتها شرایط هر دوره متفاوت است. اولین‌بار در دهه ۸۰ کومیته تیمی مردان قهرمان آسیا شد و من آن موقع مربی تیم‌ملی بودم. پس از آن نیز این افتخار تکرار شد و این بار نیز کومیته تیمی مدال طلا را از آن خود کرد، منتها این بار در بخش انفرادی چهار نفر از تیم مردان حذف شدند و به مدال نرسیدند! اینها نکات منفی تیم‌ملی است. کشوری مثل اردن در بخش مردان پنج فینالیست و ژاپن در بخش بانوان چهار فینالیست داشت. باید ببینیم انتظارات‌مان از فدراسیون چیست؟ فدراسیون باید از تیم‌های ملی پشتیبانی کند. در این دوره ایران از معدود کشورهایی بود که با تیم کامل عازم قهرمانی آسیا شد. فدراسیون به رغم مشکلات اقتصادی هزینه‌ها را پرداخت کرده، ویزا گرفته و کاروان را کامل اعزام کرده است، به همین خاطر معتقدم در بحث پشتیبانی فدراسیون نمره خوبی می‌گیرد، ولی در بخش فنی فدراسیون مسئولیت نظارتی‌اش را به درستی انجام نداده است. قبل از این تیم در بازی‌های کشورهای اسلامی و تورنمنت روسیه حضور داشت و باید روی عملکردشان نظارت می‌شد.

به جرئت می‌توانم بگویم نتایج به دست آمده در تمامی رده‌های سنی در هر دو بخش بانوان و آقایان در ۱۲سال گذشته به‌هیچ‌وجه در حد نام ایران نبود! در واقع سیر نزولی فنی کاراته کشورمان از سال ۲۰۱۶ آغاز شد. بحث تغییر در کادرفنی را عنوان نمی‌کنم ولی کاراته ایران از نظر فنی دچار مشکل است. در درجه اول آنها که در حوزه فنی مسئولیت داشتند، به ویژه کمیته فنی باید پاسخگو باشند، ضمن اینکه برای آینده نیز تدبیری بیندیشند. به جز دکترین و استراتژی «تمرین در جهنم و مسابقه در بهشت» کاراته ایران هیچ راه دیگری ندارد. هر کس اظهارنظر در مورد مسائل داوری و اعمال نفوذ را مقدم برای نکات فنی می‌داند، در واقع کار را به بیراهه می‌کشاند. در حالی که ابتدا باید به مسائل فنی فکر کنیم، پس از آن سراغ لابی و مسائل دیگر برویم. کاراته رشته غیرکوردی است. در رشته‌های رکوردی صدم ثانیه یا یک گرم می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد. خطای سهوی و عمدی در کاراته وجود دارد و همه این را می‌دانند. مقابله جدی با بازیکن‌سالاری، گذر از نام‌ها و سوابق، حضور اجباری در قهرمانی کشوری، گردش نخبگان، حضور در رقابت‌های انتخابی و تمرین در جهنم و مسابقه در بهشت از جمله مواردی است که می‌تواند به کاراته کشور کمک کند. اگر به این مسائل توجه شود، می‌توانیم دوباره به روزهای خوب بازگردیم. در خصوص کادرفنی نیز باید گفت نمره کادرفنی کاملاً مشخص است.

رئیس فدراسیون باید برای ادامه حضور آنها تصمیم‌گیری کند. در خصوص رده‌های پایه باید بگویم هر کسی به رئیس فدراسیون برای انتخاب استاد علیرضا سلیمانی به عنوان سرمربی تیم نوجوانان و جوانان مشاوره داد، اشتباه کرد. سوابق استاد سلیمانی در بزرگسالان برای همه مشخص است. او در زمان مدیریت طباطبایی سرمربی رده‌های پایه بود یک طلا گرفت اما در زمان مدیریت آهی، سرمربی تیم بزرگسالان بود و شش طلا به دست آورد و در زمان مدیریت سمندر نیز در رده بزرگسالان چهار طلای آسیا به ارمغان آمد. نمره و عملکرد او در رده بزرگسالان با عملکردش در رده‌های سنی اصلاً قابل مقایسه نیست. این انتخاب کاملاً اشتباه بود. برای موفقیت در رده‌های سنی نوجوانان و جوانان به زمان بیشتری نیاز است و تنها با برنامه مدون و اصولی می‌توان برای تیم بزرگسالان پشتوانه‌سازی کرد.

| مسعود رهنما | سرمربی اسبق تیم‌ملی |

گزارش

سیداحمد هاشمی‌اشکا

کاهش محصولات کشاورزی و کوتاهی قد درختان نتیجه آلودگی هوا

آلاینده‌هایی که هفته‌ها بود شهرها را به تسخیر خود درآورده و زندگی و کسب و کار را به تعطیلی کشانده بودند با بارش برف و باران هفته گذشته در اکثر استان‌ها فروکش کرده و اوضاع کمی آرام‌تر شد. اما این پایان ماجرا نیست و کارشناسان می‌گویند اگر برنامه‌ای برای کنترل و جلوگیری از تولید این همه آلاینده وجود نداشته باشد، با هر باران و برفی که ببارد، این سموم وارد آب و خاک و دنیای گیاهان و جانوران شده و آنوقت است که صدمات جبران‌ناپذیری به محیط‌زیست وارد می‌شود. آلاینده‌ها می‌توانند قد درختان را کوتاه‌تر کرده و علاوه بر کاهش کیفیت، میزان تولید محصولات کشاورزی را نیز به شدت پایین بیاورند.

■■■

با اینکه پاییز با دل انگیزی‌هایش در تصورات نقش بسته است اما آغاز آذرماه روزهای زیبایی را به همراه نداشت. افزایش آلاینده‌ها به حدی رسید که هر روز اخبار زیادی از استان‌ها و شهرهای مختلف به گوش می‌رسید که شهروندان از تردد بی‌مورد در شهر خودداری کرده و بیماران و کودکان و گروه‌های حساس از خانه خارج نشوند و مدارس هم تعطیل شد.

اما شب یلدا فرا رسید و زمستان با بارش‌های خوبی شروع شد و هوای مطبوعی را تقدیم شهروندان کل کشور کرد. با این حال، این اتفاق یک پیام داشت و آن هم اینکه اگر بادی نوزد و بارانی نبارد، هیچ برنامه‌ای برای کنترل یا جلوگیری از تسخیر شهرها به دست آلاینده‌ها وجود ندارد.

شاید اگر چند دهه قبل می‌گفتند روزی می‌رسد که تبریز و ارومیه و اصفهان و شیراز به خاطر آلوده شدن هوایشان به تعطیلی کشیده می‌شوند، کسی این حرف‌ها را باور نمی‌کرد.

ولی امروز، افزایش آلاینده‌ها و بالا رفتن غلظت آنها آنقدر به یک مسئله عادی تبدیل شده که مردم فصل سرما را بیشتر با وارونگی هوا و رنگ خاکستری آسمانش می‌شناسند تا باران و برف و سفیدی شهرها.

■ مسمومیت گیاهان و کاهش محصولات

هنوز زمین از باران و برف چند روز قبل خشک نشده که دوباره آلاینده‌ها آسمان شهر را به تیرگی کشانده و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست اعلام کرده: «در حال حاضر ۱۰ کلان‌شهر کشور در معرض خطر جدی آلودگی هوا قرار دارند که ضروری است برای رفع این مشکل اقدامات سریع انجام شود.»

علی سلاحقه با اشاره به اینکه قانون هوای پاک در سال ۹۶ ابلاغ شده است، به «مهر» گفت: بحث آلایندگی بحث کوتاه مدت نیست و دهه‌ها طول کشیده که کشور به چنین وضعیتی از نظر آب و هوا برسد.»

وی با تأکید بر اینکه ۱۰ کلان‌شهر به شدت با معضلات آلودگی هوا دست و پنجه نرم می‌کنند، ادامه داد: «رسیدن به حالت اولیه از نظر پاکی هوا یک شبه اتفاق نمی‌افتد و نیازمند اختصاص اعتبارات سنگین و کلانی از سوی دولت هستیم.» اینکه سال‌هاست آلودگی هوا توانسته نرم و خزنده به تمام نقاط کشور نفوذ کند، بر کسی پوشیده نیست. اما چرا مسئولان در این مدت هیچ کاری نکرده و هر سال دست روی دست گذاشتند تا باد و باران به داد هوا برسد، سؤالی بی‌جواب است.

چند سال است که فصل سرما برای تهران و تبریز و کرج و ارومیه و شیراز و اصفهان و اراک و مشهد و چند شهر دیگر به منزله آغاز روزهای سخت و نفس‌گیر است. امسال هم تعطیلی مدارس و اعمال محدودیت در تردد خودروها تنها کاری بود که در این روزها انجام شد و هیچ سازمان و مسئولی حتی یک طرح نصفه و نیمه برای کنترل وضعیت موجود یا جلوگیری از تکرار چنین روزهایی ارائه نکرد.

آلاینده‌ها شهرهای زیادی را احاطه کرده و علاوه بر تعطیلی مراکز آموزشی، زندگی شهروندان را هم مختل کردند. به گفته دکتر غلامرضا مقدم، کارشناس محیط‌زیست، وقتی بحث آلودگی هوا در استان‌ها طولانی و ادامه‌دار شد، همه فهمیدیم هیچ برنامه‌ای برای جلوگیری از وقوع این پدیده یا مهار آن وجود ندارد و به همین خاطر دوباره چشم‌ها به آسمان دوخته شد، تا شاید باز هم ابرها به داد مردم برسند.

وی با اشاره به اینکه احتمالاً وقتی بارشی صورت می‌گیرد، مسئولان نفس راحتی می‌کشند اما این زمین است که نفس‌هایش به شماره می‌افتد، به «جوان» می‌گوید: «چه در زمستان که آلاینده‌ها را لمس می‌کنیم و چه در تابستان که این همه آلودگی و گازهای مخرب در آسمان وجود دارد و فقط به سطح زمین نمی‌رسد، در مجموع آلاینده‌ها لایه ازن را از بین می‌برند و نتایج پژوهش‌ها هم تأیید کرده که سوراخ شدن ازن روی زمین و گیاهان و محصولات کشاورزی تاثیرات منفی زیادی دارد.»

مقدم تأثیرات آلاینده‌هایی که با بارش‌های مختلف به زمین رسیده و رشد و نمو گیاهان و صنعت کشاورزی را به مخاطره می‌اندازند را مورد توجه قرار داده و می‌گوید: «آسیب و ضربات مهلک آلودگی هوا بر گیاهان، درختان و محصولات کشاورزی پدیده‌ای است که زیاد مورد توجه نبوده و در ایران نیز کمتر تحقیقی روی این مسئله و عدد و ارقام ناشی از خسارات اقتصادی و زیست‌محیطی آن صورت گرفته است. آلاینده‌های موجود در هوا موجب می‌شوند روزنه‌های برگ گیاهان حالت دفاعی به خود بگیرند و بسته شوند. نوع و درجه واکنش برگ گیاه، به میزان ازن، درجه، شدت و مدت زمان تماس با گازهای ویرانگر بستگی دارد.»

به گفته این کارشناس، افزایش آلاینده‌های موجود در هوا، منجر به کاهش گلدهی، میوه دهی و در نهایت مسمومیت درختان می‌شود و این به خاطر سمی شدن خاک و از بین رفتن حشرات و موجودات داخل آن است. همچنین در چنین شرایطی ۱۰ درصد کاهش رشد سالانه برای درختان به ثبت رسیده و مجموعاً ۳۳ درصد ارتفاع یک درخت کمتر از زمانی است که در معرض آلودگی هوا نباشد.

■ عزم دولت برای مدیریت آلاینده‌ها

دولت سیزدهم اعلام کرده که برنامه‌هایی برای مدیریت آلاینده‌ها در عرصه‌های مختلف دارد و به گفته رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست سه موضوع آلودگی هوا، مدیریت پسماند و تغییر اقلیم از مباحث اصلی و مورد توجه دولت هستند.

سلاحقه با بیان اینکه در بخش محیط‌زیست و در راستای هوای پاک تهران جلسات متعددی تشکیل شده و همه دستگاه‌ها مکلف هستند بدون کم و کاست تکالیف خود را انجام دهند، ادامه داد: «با توجه به وضعیت بحرانی و خطرناک پایتخت تصمیمات خوبی گرفته شده که تا پایان سال ۱۴۰۱ اجرا می‌شود و برای ۹ کلان‌شهر دیگر با اختصاص اعتبارات مناسب در آینده نزدیک شاهد تصمیمات مناسب خواهیم بود.» معاون رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه وزرا باید اعتبارات مقابله با آلودگی هوا را در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ بگنجانند، از انجام مرتب پایش‌های برخط زیست‌محیطی خبر داده و بیان کرد: «این پایش‌ها در بخش آلاینده‌های سنگین در تراز بالا اتفاق می‌افتد و آلایندگی دودکش‌ها، آلاینده‌های جوی و منابع آب و خاک در این پایش مستمر قرار دارند.»

سلول‌های بنیادین شبه کبد و شبه پانکراس در مشهد تولید شد

خراسان‌رضوی

مراحل آزمایشگاهی ساخت سلول‌های بنیادین شبه کبد و شبه پانکراس در دانشگاه علوم پزشکی مشهد به اتمام رسیده است.

دکتر ناصر مبرا استادیار گروه بیوشیمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد گفت: با توجه به افزایش روزافزون بیماران کبدی و پانکراسی، باید سلولی تولید می‌کردیم که شبیه سلول‌های طبیعی بدن باشد، اما مورد دیگر این بود که داربستی تولید کنیم که سلول‌ها روی آن سوار شوند و با حداکثر شباهت به سمت پانکراس و کبد تمایز پیدا کنند. وی افزود: در این طرح با استفاده از تمام مراحل آزمایشگاهی ساخت سلول‌های بنیادین شبه کبد و شبه پانکراس از مهندسی بافت، از داربست‌های زیست‌سازگارپذیر برای تمایز سلول‌های IPS انسانی به سلول‌های شبه کبدی و پانکراس استفاده شد که نتایج نشان داد با استفاده از این داربست‌ها، سلول‌های تمایز یافته، مارکرهای بیوشیمیایی و مولکولی را بهتر از زمانی که داربست استفاده نشده است، نشان می‌دهند. این محقق تصریح کرد: سلول‌های بنیادی انسان توانایی خودنوزایی دارد که این موضوع مزیت برجسته سلول‌های بنیادی بود و مشخصه قابل توجه، تبدیل شدن به سلول بالغ است. مبرا با اشاره به اینکه تعداد مراکز پیوند سلول‌های بنیادی در کشور اندک است، گفت: با توجه به اینکه همکاران زیادی در سطح دانشگاه علوم پزشکی مشهد در حوزه سلول‌های بنیادی پوست، غضروف و استخوان به موفقیت‌های زیادی دست یافته‌اند، مشهد ظرفیت تبدیل شدن به عنوان قطب این خدمات را دارد. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد با بیان اینکه رشد و تکثیر سلول‌های بافت روی داربست‌های سه بعدی شبیه بدن و در محیط آزمایشگاهی به عنوان مهندسی بافت اطلاق می‌شود، افزود: دانشمندان از سال‌ها قبل قادر به تست سلول‌های بنیادی در محیط آزمایشگاه بوده‌اند، ولی توسعه و تولید سلول و بافت در شرایط سه بعدی نزدیک به بدن اخیراً بسیار مورد توجه قرار گرفته است. وی ادامه داد: برای ساخت یک بافت به شیوه مهندسی نیز به طراحی یک داربست با ساختار فیزیکی مناسب با امکان چسبندگی سلول‌ها به آن، مهاجرت سلولی، تکثیر سلولی و تمایز سلولی و در نهایت رشد و جایگزینی بافت جدید نیاز است.

ایلام میزبان هشتمین جشنواره رسانه‌ای ابوذر می‌شود

ایلام

رئیس سازمان بسیج رسانه استان ایلام از برگزاری هشتمین جشنواره رسانه‌ای ابوذر خبر داد.

محمد علی‌نظری رئیس سازمان بسیج رسانه استان ایلام، با بیان اینکه هدف از برگزاری جشنواره رسانه‌ای ابوذر، توسعه، تعمیق و نهادینه‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی است، افزود: تولید محتوای مورد انتظار توسط رسانه‌ها، تحول در محتوای رسانه‌ها با محوریت جشنواره و ایجاد فرصت نقش‌آفرینی برای بسیجیان رسانه‌ای دغدغه‌مند از جمله اهداف این جشنواره است. وی تصریح کرد: شناسایی افراد رسانه‌ای توانمند و دارای مهارت برای تولید محتوای گسترده برای رسانه‌های سراسری، تربیت کادر خبری فنی استاندارد و بسیجی، حساس کردن مسئولان برای حل معضلات و آسیب‌های اجتماعی و نیز جریان‌سازی رسانه‌ای برای ارائه راهکارها از کارکردهای ویژه برگزاری این جشنواره به شمار می‌رود. این مسئول با اشاره به اینکه مهلت ارسال آثار به این جشنواره تا ۱۵ دی‌ماه است و اصحاب رسانه می‌توانند تا آن تاریخ در آن شرکت کنند، ادامه داد: آثاری که در فاصله زمانی ۱۰ اسفندماه سال ۱۴۰۰ تا ۳۰ آذرماه ۱۴۰۱ در یکی از نشریات سراسری، نشریات استانی، خبرگزاری‌ها، پایگاه‌های خبری دارای مجوز منتشر شده باشند، امکان شرکت در جشنواره را دارد. نظری از جمله محورهای جشنواره را شعار سال «تولید، دانش‌بنیان و اشتغال آفرین» برشمرد و افزود: جهاد تبیین، پیوند رسانه و صنعت، مقابله با آسیب‌های اجتماعی، دستاوردهای انقلاب اسلامی، بسیج و حوزه‌های اقدام، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مکتب شهید سلیمانی، امید و نشاط آفرینی، خانواده و سبک زندگی ایرانی اسلامی، منابع طبیعی و حفظ جنگل‌ها، مواسات و کمک مؤمنانه و اربعین حسینی از دیگر محورهای این جشنواره است. وی ادامه داد: گزارش خبری، گزارش تحقیقی و تحلیلی، مصاحبه، یادداشت و سرمقاله، تیتر، اینفوگرافی، موشن گرافی، عکس، کلیپ و گزارش ویدئویی، مستند و پادکست قالب‌های این جشنواره است. رئیس سازمان بسیج رسانه استان ایلام تصریح کرد: اختتامیه جشنواره نیز در بهمن ماه سال جاری برگزار خواهد شد که هر فرد مجاز به ارسال حداکثر دو اثر در پنج قالب جشنواره است.

اجرای ۱۲ طرح سرمایه‌گذاری در پتروشیمی تبریز

آذربایجان‌شرقی

۱۲ طرح سرمایه‌گذاری به ارزش ۱۲ هزار میلیارد تومان در پتروشیمی تبریز در حال اجراست.

سیاوش درفشی، مدیرعامل شرکت پتروشیمی تبریز در استان آذربایجان‌شرقی با بیان اینکه ۱۲ طرح سرمایه‌گذاری به ارزش ۱۲ هزار میلیارد تومان در این واحد صنعتی و تولیدی در حال اجراست افزود: این سرمایه‌گذاری‌ها به عنوان طرح‌های ملی مهم در قالب افزایش میزان تولیدات، ایجاد واحدهای جدید و دانش افزایی در حال اجراست که می‌تواند تحولات بسیار عمیق و مهم اقتصادی و تجاری در آذربایجان‌شرقی و تبریز به وجود آورد. وی میزان اشتغالزایی این طرح‌ها را ۲ هزار نفر اعلام کرد و ادامه داد: علاوه بر این تعداد اشتغالزایی، با تکمیل و اجرای این طرح‌ها اشتغال‌های مهم و وسیع غیرمستقیم نیز در صنایع پایین دستی استان ایجاد خواهد شد که می‌تواند بخشی از معضل بیکاری استان را حل کند. این مسئول گفت: چند طرح توسعه‌ای به ارزش ۴ هزار میلیارد تومان نیز به عنوان مگاپروژه در مجتمع پتروشیمی تبریز در حال بررسی است که هم اکنون در دفتر وزارتی فرآیند اداری خود را طی می‌کند و در انتظار امضای وزیر است.

آیین بزرگداشت سالگرد شهادت امیرکبیر در اراک

مرکزی

رئیس اداره میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی شهرستان اراک، از برگزاری مراسم صدوهفتادمین سالروز شهادت امیرکبیر خبر داد.

محمدعلی آقازیارتی رئیس اداره میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی شهرستان اراک، گفت: ویژه برنامه صدوهفتادمین سالگرد شهادت امیرکبیر به اهتمام هیئت امنای خانه امیرکبیر، شورای روستای هزاوه و با همکاری اداره کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، دهیاری روستای هزاوه، فرمانداری و بخشدار بخش مرکزی اراک برگزار خواهد شد. وی با اشاره به اینکه نخستین آیین بزرگداشت شهادت امیرکبیر، ۲۰ دی ۱۳۹۷ در دانشگاه امیرکبیر برگزار شد و از آن زمان همه ساله این آیین در اراک برگزار می‌شود، افزود: امسال هم این آیین روز سه‌شنبه ۲۰ دی‌ماه از ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۷ در فرهنگسرای شهر واقع در شهر صنعتی اراک برگزار خواهد شد و شامل برنامه‌های متنوع از جمله اجرای ورزش باستانی، اجرای موسیقی سنتی و سخنرانی استاندار مرکزی خواهد بود. این مسئول ادامه داد: میرزامحمد تقی‌خان فراهانی با وجود اندک زمان صدارتش، توانست تحولی عظیم در ایران ایجاد کند.

خوزستان

توزیع ۴ هزار پرس غذای گرم میان نیازمندان شادگان

۴ هزار پرس غذای گرم به همت گروه‌های جهادی میان نیازمندان شادگان توزیع شد.

رضا قمری مسئول گروه‌های جهادی شادگان در استان خوزستان گفت: با همکاری بنیاد احسان ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) برای پخت و پز فاطمیه ۷۰۰ کیلوگرم مرغ منجمد توسط ۱۰ گروه جهادی شهرستان شادگان در استان خوزستان توزیع شد. وی افزود: همچون سال‌های گذشته مصادف با ایام فاطمیه به همت بنیاد احسان ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) در شهرستان شادگان با همکاری و مشارکت گروه‌های جهادی ۴ هزار پرس غذای گرم طبخ و با همکاری گروه‌های جهادی میان محرومان شهرستان و روستاها توزیع شد. وی با بیان اینکه هر کجا روحیه بسیجی و ایثار و شهادت حاکم باشد اقدامات با موفقیت همراه است، ادامه داد: مبارزه با فقر غذایی و رفع سوءتغذیه در خانواده‌های نیازمند یکی از اولویت‌های گروه‌های جهادی به‌شمار می‌رود، از این‌رو گروه‌های جهادی این شهرستان تلاش کرده به خانواده‌های نیازمند و بی‌بضاعت جامعه توجه بیشتری داشته باشد.

همدان

عملیات آبخیزداری در اراضی مستعد همدان

عملیات آبخیزداری در ۷۰۰ هزار هکتار از اراضی مستعد استان همدان آغاز شد.

محمد مهدی آرتیمانی معاون آبخیزداری اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری همدان گفت: عملیات آبخیزداری در ۷۰۰ هزار هکتار از عرصه‌های این استان آغاز شد. وی افزود: از محل اعتبارات امسال دو طرح آبخیزداری در شهرستان‌های ملایر و تویسرکان اجرایی شد که سازه «سنگی ملاتی» ملایر بهره‌برداری شد، اما طرح در دست اجرای تویسرکان به علت برودت هوا نیمه کاره ماند. این مسئول تأکید کرد: تکمیل سازه واقع در شهر ازندریان ملایر موجب کنترل رسوب و کمک به تغذیه چاه آب شرب روستایی «عشاق» شد همچنین تکمیل سازه تویسرکان در کمک به تغذیه قنوات بالا دست، تأمین آب مورد نیاز و کنترل سیلاب مؤثر است. آرتیمانی تصریح کرد: اکنون ۳۱ طرح آبخیزداری نیمه کاره در این استان وجود دارد. وی افزود: اجرای کامل عملیات آبخیزداری سالانه ۲۷۰ متر مکعب کنترل رواناب و ۸۱ متر مکعب استحصال آب به همراه دارد.

گیلان

آغاز ساماندهی بند چمخاله لنگرود

استاندار گیلان از پیشرفت ۸۰ درصدی ساماندهی بندر چمخاله لنگرود خبر داد.

اسدالله عباسی استاندار گیلان در حاشیه بازدید از بندر چمخاله لنگرود با اشاره به ظرفیت‌های گردشگری این منطقه افزود: توجه به توانمندی‌های گردشگری دریا مغفول مانده است در حالی که اینها ظرفیت‌هایی هستند که می‌تواند پیشران در حوزه اقتصاد و اشتغال باشد. وی از پیشرفت ۸۰ درصدی ساماندهی بندر چمخاله لنگرود خبر داد و تصریح کرد: این مکان بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری دارد و از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در این منطقه استقبال می‌کنیم.

نماینده دولت در استان از آغاز فعالیت بخش گردشگری بندر چمخاله در تابستان سال آتی خبر داد و افزود: همزمان با به کارگیری ظرفیت ترانزیت کالا در این بندر از توانمندی گردشگری این منطقه نیز بهره خواهیم گرفت. عباسی از تشکیل کارگروه ویژه بخش گردشگری دریا در این استان خبر داد و گفت: در این کارگروه موانع، چالش‌ها و فرصت‌های گردشگری دریا در استان گیلان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ناوگان حمل و نقل شهری زنجان هوشمند می‌شود

زنجان

برنامه اصلی استانداری زنجان در جهت رفع ترافیک از شهر زنجان هوشمندسازی ناوگان حمل‌ونقل شهری است.

محسن افشارچی استاندار زنجان با بیان اینکه شهرداری زنجان باید نسبت به نوسازی ناوگان شهری در شهر توجه کند، گفت: گام اصلی ما در استان هوشمندسازی ناوگان خواهد بود. وی افزود: ما در استان نسبت به کاهش ترافیک برنامه‌ریزی و مدیریت لازم را خواهیم داشت. استاندار زنجان گفت: توجه به ناوگان عمومی در زنجان باعث می‌شود مردم از این ظرفیت برای تردد استفاده کنند. افشارچی تأکید کرد: باید ترافیکی که در داخل شهر ایجاد می‌شود کاهش یابد. اما علت اصلی بروز ترافیک‌های سنگین در شهر این است که بیشتر مردم از خودرو شخصی برای تردد استفاده می‌کنند.

ثبت جهانی «فلک‌الافلاک» نیازمند رعایت شاخص‌های یونسکو

لرستان

برای ثبت جهانی قلعه «فلک‌الافلاک» ویژگی‌هایی به جهت شاخص‌های یونسکو باید رعایت و حریم آن آزاد و از ساخت و سازهای بی‌مورد در اطرافش پرهیز شود.

سید عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی که به لرستان رفته بود در حاشیه بازدید از قلعه «فلک‌الافلاک» با بیان اینکه این قلعه نشان و نمادی از ایران بزرگ است، گفت: قلعه «فلک‌الافلاک» از جهت میراث فرهنگی ناملموس و معماری بسیار ارزشمندی است که از سلسله ساسانی‌ها باقی‌مانده و در دوران پس از اسلام تقویت و بناهای جدیدی به آن اضافه شده است. وی با بیان اینکه قلعه به تنهایی مجموعه‌ای از میراث فرهنگی ناملموس و میراث تمدنی و معنوی ایران است، افزود: بخش‌های مردم شناسی طراحی شده در آن پیام‌های بسیار ارزشمندی برای بازدید کنندگان دارد. وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، عنوان کرد: «فلک‌الافلاک» سال‌هاست ثبت ملی شده ولی جایگاه این قلعه بدون تردید جزو رده‌های اول ثبت جهانی است. ضرغامی، بیان کرد: تأکید کردم طرحی شایسته از قلعه «فلک‌الافلاک» با نگاه زیبایی شناسی، محیط‌زیست و آموزش‌های تاریخی ارائه شود و شرایط برای ثبت جهانی قلعه فراهم شود.

خبر

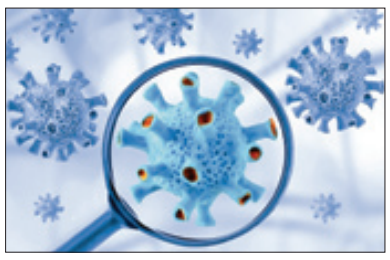

سویه‌های جدید اومیکرون پشت درهای اصفهان

اصفهان

با اینکه هنوز موردی از ابتلا به زیرسویه‌های جدید اومیکرون دیده نشده است اما سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی استان اعلام کرده که تا چهار هفته آتی این سویه‌ها غالب خواهد شد.

پژمان عقدک سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با بیان اینکه تاکنون موردی از ابتلا به زیرسویه‌های جدید اومیکرون در استان نداشتیم، در خصوص بروز این بیماری گفت: این شرایط قابل پیش‌بینی بود زیرا کرونا در امریکا و اروپا وارد پیک شده و شیوع یافته و در جنوب شرق آسیا و مشخصاً در کشور چین نیز بسیار افزایش یافته بود، از سوی دیگر اکنون زمان مسافرت‌های شب سال نومیلادی و سفرهای چینی‌ها به کشورهای مختلف است و این قابل پیش‌بینی بود که آمار ابتلاها به کرونا افزایش پیدا می‌کند و احتمال دارد که سویه‌های جدید وارد کشور شود. وی با اشاره به اینکه تاکنون سه مورد ابتلا به دو زیر سویه جدید موسوم به XBB و BQ1 در کشور شناسایی شده، افزود: هنوز موارد ابتلا به این دو زیر سویه در اصفهان شناسایی نشده است اما قاعدتاً طبق روال قبلی که اتفاق می‌افتاد این دو زیرسویه جدید نیز بین ۲ تا ۴ هفته آینده به پیک می‌رسد و در استان اصفهان و سراسر کشور احتمالاً سویه غالب خواهد شد. سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان خاطرنشان کرد: زیرسویه‌های جدید اومیکرون از اواسط دی‌ماه تا ابتدای بهمن، قابل پیش‌بینی است که تبدیل به سویه غالب شود و شروع پیک هشتم در کشور اتفاق افتد. عقدک در خصوص اقدامات پیشگیرانه در برابر زیرسویه‌های جدید گفت: دستورالعمل‌هایی که از ابتدای شیوع کرونا وجود داشت همچنان باید رعایت شود از جمله اقدام جهت انجام واکسیناسیون و به طور ویژه افرادی که آسیب‌پذیر هستند و دوم رعایت پروتکل‌های بهداشتی که از همه مهم‌تر استفاده از ماسک و رعایت فاصله اجتماعی است. وی با بیان اینکه لازم است افراد دوز یادآور واکسن کرونا را دریافت کنند، افزود: افرادی که حتی چهار نوبت واکسن کرونا دریافت کرده‌اند و اکنون بیش از شش ماه از زمان آن گذشته، بهتر است که دوز یادآور را تزریق کنند.

گذری بر استان‌ها

■ **بوشهر:** علی سلیمانی مدیرکل گمرک بوشهر از صادرات ۱۸/۶ میلیون تن محصولات پتروشیمی در ۹ ماه امسال از گمرکات استان خبر داد و گفت: این میزان صادرات نسبت به ۹ ماه سال قبل ۱۵ درصد افزایش یافته است.

■ **کرمان:** دکتر اسماعیل اسلامی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت از راه‌اندازی آزمایشگاه سم‌شناسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های صادرات محصولات کشاورزی خبر داد که در حداقل زمان ممکن خدمات مورد نیاز را ارائه می‌دهد.

■ **هرمزگان:** ایوب رحیمی معاون امور صنایع سازمان صنعت، معدن و تجارت هرمزگان گفت: ۱۶ واحد تولیدی صنعتی در استان در مدت زمان ۹ ماه فعال‌سازی شد.

■ **همدان:** ابراهیم جلیلی رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ملایر گفت: یکی از اهداف شهرستان در سفر وزیر میراث فرهنگی، زمینه‌سازی ثبت جهانی هنر ملی «مروار بافی ملایر» بود که امیدواریم در سال‌های بعد این تقاضای هنرمندان با حمایت همه مسئولان استانی و شهرستانی و همت فعالان این عرصه محقق شود.

■ **یزد:** سیدمهدی مهاجریان مقدم مدیرکل تعزیرات حکومتی یزد گفت: طی ۹ ماهه سال جاری به ۱۰ هزار فقره پرونده تخلفات در حوزه‌های کالا و خدمات، بهداشت و درمان و قاچاق کالا و ارز در شعب تعزیرات حکومتی استان رسیدگی شده است.

■ **زنجان:** در ۹ ماه امسال در مناطق شهری و روستایی ۱۰ هزار و ۶۸۶ تولد نوزاد در این استان به ثبت رسیده است. بنابر اعلام اداره کل ثبت‌احوال استان، تولد نوزاد پسر طی ۹ ماهه امسال ۵۴۹۸ و تولد نوزاد دختر ۵۱۸۸ مورد ثبت شده است.

■ **سیستان‌وبلوچستان:** تیمور کریم‌زایی بخشدار دامن با بیان اینکه بالغ بر هزار کندوی عسل در مجتمع پرورش کندوی عسل این منطقه وجود دارد، گفت: این ظرفیت زمینه اشتغال مستقیم و غیرمستقیم برای ۱۰ نفر اعم از نگهبان، کارگر، برداشت کننده، حمل و عرضه کننده را فراهم کرده است. وی افزود: بخش دامن با شرایط آب و هوایی معتدل حداقل در ۹ ماه از سال امکان برداشت عسل را دارد، بنابراین سرمایه‌گذاری در این بخش اشتغالزایی مناسبی به دنبال خواهد داشت.

آگهی تجدید مناقصه عمومی دومرحله‌ای شهرداری اراک

شهرداری اراک در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب سال جاری نسبت به انجام خدمات مشاوره مطالعات فاز دوم اجرای سامانه‌های انبوه‌بر شهر اراک از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای اقدام نماید.

عنوان مناقصه و مبلغ تضمین:	انجام خدمات مشاوره مطالعات فاز دوم اجرای سامانه‌های انبوه‌بر شهر اراک با برآوردی بالغ بر ۱۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و مبلغ تضمین ۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (شماره مناقصه در سامانه ستاد: ۲۰۰۱۰۰۵۱۱۱۰۰۰۰۸۴)
نحوه و زمان دریافت اسناد مناقصه:	دریافت اسناد مناقصه از ساعت ۱۴ روز شنبه ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ به مدت ۵ روز و صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس www.seradiran.ir امکان‌پذیر می‌باشد.
آخرین مهلت بارگذاری مدارک و پیشنهاد قیمت:	آخرین مهلت بارگذاری مدارک به صورت الکترونیکی در سامانه ستاد با رعایت موارد مندرج در اسناد مناقصه و تحویل نسخه فیزیکی ضمانت‌نامه یا فیش واریزی به دبیرخانه شهرداری تا ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۴ می‌باشد.
میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه:	برابر ۵ درصد مبلغ برآورد و صرفاً در قالب ضمانت‌نامه بانکی (فرایند ارجاع کار) با ۳ ماه اعتبار یا فیش واریزی به حساب سپرده پیمانکاران شهرداری به شماره حساب ۱۰۰۹۷۳۳۳۳۳۳۸ بانک شهر شعبه شهید بهشتی
زمان گشایش پاکت‌ها و محل تشکیل کمیسیون مناقصه:	روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۵ رأس ساعت: ۱۱ دفتر معاون مالی و اقتصادی - حضور شرکت‌کنندگان بلامانع است. (همراه داشتن معرفی‌نامه جهت شرکت در جلسه مناقصه الزامی است).
حداقل صلاحیت شرکت‌کننده:	شرکت‌های دارای گواهینامه صلاحیت خدمات مشاوره از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با رتبه ۱ یا ۲ در گروه راه و ترابری با تخصص حمل و نقل و ترافیک یا راهسازی

■ به پیشنهادات مبهم، مشروط، فاقد شرایط قانونی، فاقد ضمانت‌نامه یا فیش واریزی یا به میزان کمتر از مبلغ تضمین و خارج از مهلت ترتیب اثر داده نمی‌شود.
■ هزینه کارمزد سامانه ستاد به عهده برنده مناقصه خواهد بود.
■ سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است.
■ کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد شرکت‌کنندگان در مناقصه و بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.seradiran.ir انجام خواهد شد و لازم است شرکت‌کنندگان در مناقصه در صورت عدم عضویت، مراحل ثبت نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه انجام دهند.

لذا متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به امور قراردادهای شهرداری مرکز واقع در خیابان جهاد - فاز ۲ شهرک شهید بهشتی - شهرداری اراک مراجعه یا با شماره تلفن ۳-۳۳۱۳۶۰۹۱-۰۸۶ تماس حاصل فرمایند.

نوبت دوم

علیرضا کریمی - شهردار اراک

خبر

مشکل صادرات مرغ به افغانستان و عراق حل شد

وزیر جهاد کشاورزی با بیان اینکه هیچ مشکلی در صادرات مرغ وجود ندارد و مشکلات صادرات به افغانستان و عراق نیز برطرف شده است، گفت: ۵هزار میلیارد تومان از هفته گذشته برای این موضوع اختصاص دادیم و با جدیت آن را دنبال خواهیم کرد.

به گزارش تسنیم، سیدجواد ساداتی‌نژاد در خصوص برنامه وزارت جهاد کشاورزی برای اجرای مکانیزاسیون تولید در کشاورزی اظهار کرد: قبول داریم که کمی این موضوع به تعویق افتاد، اما با جدیت به‌دنبال اجرای آن هستیم. ۵ هزار میلیارد تومان از هفته گذشته برای این موضوع اختصاص دادیم و با جدیت آن را دنبال خواهیم کرد.

وزیر جهاد کشاورزی در خصوص لزوم سنددار شدن اراضی کشاورزی نیز گفت: معتقدم اراضی کشاورزی باید سنددار شوند، چون سند هویت کشاورز است. به رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان دستور دادم هرچه سریع‌تر نسبت به سنددار شدن اراضی کشاورزی سرعت ببخشد و نتیجه را به وزارتخانه گزارش کند.

وی درباره مشکلات تولیدکنندگان مرغ برای صادرات مرغ تصریح کرد: هیچ مشکلی در صادرات مرغ وجود ندارد و مشکلات صادرات به افغانستان و عراق نیز برطرف شده است.

ساداتی‌نژاد گفت: به‌زودی جشنواره تولید محصولات کشاورزی را در قالب یک تقویم مشخص اجرایی خواهیم کرد. هر استان در هر فصل جذابیت‌هایی را در عرصه تولید محصولات کشاورزی دارد که این جشنواره‌ها می‌تواند گردشگران را به استان‌ها بکشاند و این صنعت گردشگری به صنعت کشاورزی کمک کند تا شاهد افزایش قدرت مالی کشاورزان باشیم.

جهان‌نما

تورم آلمان طی ۲ سال آینده بالا باقی می‌ماند

انجمن صنعت آلمان اعلام کرد نمی‌توان انتظار کاهش قابل توجه قیمت‌ها را در کوتاه‌مدت داشت و باید تا اواسط دهه حاضر برای پایین آمدن تورم صبر کرد.

به گزارش تسنیم به نقل از رویترز، انجمن صنعتی BDI آلمان اعلام کرد: نرخ تورم در این کشور به‌سرعت پایین نمی‌آید و بانک مرکزی اروپا باید تا اواسط دهه حاضر برای رسیدن به هدف تورم ۲درصدی صبر کند.

زیگفرد راسورم، رئیس این انجمن گفت: تورم که از ۱۱/۶درصد در ماه اکتبر تا ۱۱/۳ درصد در نوامبر پایین آمده بود، فقط نتیجه افزایش قیمت انرژی نیست، بلکه عوامل مختلفی در آن دخالت دارند.

وی عقیده دارد رسیدن به سطح تورم ۲ درصدی زمان طولانی‌تری نیاز دارد و اگر سیاست پولی اجرایی شود تا اواسط دهه حاضر می‌توان به آن رسید. بانک مرکزی اروپا نرخ بهره را ۲/۵ درصد از ماه جولای افزایش داده که سریع‌ترین سرعت سخت کردن سیاست‌های پولی جهت مهار تورم در این قاره بوده است.

راسورم گفت: بانک مرکزی اروپا اقدامات بیشتری درپیش خواهد گرفت که انجمن انتظار دارد سرمایه‌گذاری را پایین بیاورد. انجمن تجاری ZDH آلمان و اتاق صنعت و بازرگانی این کشور هم انتظار ندارند تورم در کوتاه‌مدت پایین بیاید.

طبق گفته دبیرکل انجمن ZDH حداقل تا تابستان ۲۰۲۳ نمی‌توان انتظار کاهش قابل توجهی را در قیمت‌ها داشت، اما حتی در آن زمان هم سطح قیمت‌ها همچنان بالا خواهد بود.

پیتر آدریان، رئیس اتاق صنعت و بازرگانی آلمان عقیده دارد بانک مرکزی اروپا روند افزایش نرخ بهره را بسیار دیر آغاز کرده است و باید سرعت این کار را افزایش دهد. این اقدام تأمین مالی شرکت‌ها را سخت‌تر کرده است و یک بار اضافی بر دوش کسب‌وکارها خواهد بود.

مشاور بانک جهانی: سقف قیمت نفت روسیه نتیجه معکوس می‌دهد

اقتصاددان برجسته نفت و مشاور انرژی بانک جهانی طی اظهاراتی تأکید کرد تلاش کشورهای غربی برای جلوگیری از افزایش قیمت جهانی نفت با اعمال سقف قیمت برای نفت خام روسیه به شکست انجامیده است.

به گزارش تسنیم به نقل از راشاتودی، ممدوح سلامه، اقتصاددان برجسته نفت و مشاور انرژی بانک جهانی، در گفت‌وگو با پایگاه خبری اویل پرایس Oilprice گفت: کشورهای غربی در تلاش خود برای جلوگیری از افزایش قیمت جهانی نفت با محدودیت صادرات نفت خام روسیه شکست خورده‌اند.

به گفته سلامه، هیچ یک از کشورهای عمده تولیدکننده نفت حاضر به فروش نفت خام خود با قیمتی بسیار کمتر از میانگین بازار نیستند که این موضوع عملاً غرب را از منابع نفت محروم خواهد کرد.

وی افزود: سقف قیمت اعمال شده توسط غرب برای صادرات نفت روسیه شکست خورده است و به زودی به سطل زباله فرستاده خواهد شد... نه کشورهای اوپک پلاس و نه روسیه موافقت نمی‌کنند که نفت خود را با قیمت سقف ۶۰ دلار در هر بشکه بفروشند، زمانی که قیمت در بازار بالای ۸۵ دلار است.

مشاور انرژی بانک جهانی در ادامه گفت: فروشندگان می‌توانند به راحتی برای نفت خود خریدار پیدا کنند، اما کشورهای غربی نمی‌توانند (جایگزین پیدا کنند) و بدون نفت، اقتصاد آنها به بن بست می‌رسد. آنها بازنده نهایی خواهند بود.

به گفته این اقتصاددان، مکانیسم سقف قیمت به جای دستیابی به هدف تعیین شده خود یعنی کاهش قیمت جهانی نفت، برعکس موجب رشد آن شده است.

سلامه همچنین افزود: دلیل این موضوع آن است که وقتی اعمال سقف در ۵ دسامبر شروع شد، نفت خام برنت ۷۳ دلار در هر بشکه بود اما از آن زمان تاکنون این قیمت به ۸۵/۴۳ دلار رسیده که ۱۷ درصد افزایش یافته است. بعید است اقتصاد روسیه تحت تأثیر این محدودیت سقف قیمت نفت قرار بگیرد.

وی افزود: حتی اگر روسیه ۶ میلیون بشکه در روز نفت خام را به قیمت امروز برنت یعنی ۸۵/۴۳ دلار بفروشد، از درآمد حاصل از فروش ۷میلیون بشکه در روز به قیمت ۷۳ دلار بیشتر می‌شود. بنابراین بودجه روسیه یک پنی هم از دست نخواهد داد. برعکس مازاد بودجه روسیه فقط افزایش می‌یابد.

۷۰ درصد استان‌ها درگیر فرونشست شده‌اند

شرکت مدیریت منابع آب ایران: در برخی دشت‌ها، چاه‌ها ۱۲ تا ۱۳ سانتیمتر فرونشست کرده و به مرز هشدار رسیده‌اند

گزارش یک

مسعود محقق | ایسنا

متوسط جهانی میزان فرونشست دو سانتیمتر ثبت شده است، اما بعضاً دیده می‌شود به دلیل افزایش میزان برداشت کشاورزی و چاه‌های غیرمجاز این عدد در ایران بسیار بالاتر است. اکنون در دشت‌های استان‌های مشهد، تهران، قزوین، کرج، فارس، اصفهان، کرمان، یزد و به طور کلی ۷۰ درصد استان‌ها با موضوع فرونشست مواجه هستیم. معاون تلفیق و امور تنظیم‌گری شرکت مدیریت منابع آب ایران ضمن هشدار نسبت به این وضعیت می‌گوید: «در حال حاضر در برخی چاه‌ها ۱۲ تا ۱۳ سانتیمتر شاهد فرونشست زمین هستیم و این وضعیت به مرز هشدار رسیده است، البته با کنترل برداشت منابع آب‌های زیرزمینی می‌توان این مسئله را مدیریت کرد.»

وضعیت «فرونشست زمین» در بسیاری از مناطق و دشت‌های کشورمان به مرحله بحرانی رسیده است، به طوری که پدیده فرونشست جز استان گیلان تمام مناطق کشورمان را درگیر کرده است. عمق این پدیده از دشت‌های کشور گذشته و در استان‌های تهران، اصفهان، فارس و خوزستان به مناطق مسکونی نیز خسارات جدی وارد کرده است! در حال حاضر گستره فرونشست دست‌کم دوسوم از دشت‌های کشور را که محتوی آب شیرین هستند تحت تأثیر قرار داده است و یک‌سوم دیگر این دشت‌ها هم با کاهش تراز آب مواجه هستند که با ادامه یافتن این روال، این دشت‌ها نیز در آینده درگیر فرونشست خواهند شد.

صاحب‌نظران معتقدند عوامل طبیعی و انسان‌ساز از جمله استفاده بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی بیشترین نقش را در افزایش نرخ فرونشست داشته و در واقع مهار فرونشست در گرو بازیابی آبخوان‌های زیرزمینی است. با وجود اینکه ایجاد فرونشست در کشور به بیش از ۵۰ سال قبل بازمی‌گردد اما شاهدیم که این تهدید بالقوه نه تنها مورد توجه مسئولان قرار نگرفته است، بلکه در میان مردم نیز اطلاعات درستی در رابطه با مخاطرات این پدیده وجود ندارد. فرونشست در ایران از زمانی به‌صورت جدی مطرح شد که ما برای استخراج آب‌های زیرزمینی شروع به احداث بی‌رویه چاه‌های آب زیرزمینی کردیم؛ در گذشته جمعیت کمتر بوده و فشار به منابع آب زیرزمینی نیز کمتر بوده است اما از سال ۱۳۶۹ میزان برداشت از آب‌های زیرزمینی از میزان آبی که منابع آب زیرزمینی را تغذیه می‌کند بیشتر شد. در دولت دوم احمدی‌نژاد، مسئولان به این نتیجه رسیدند که چون نمی‌شود چاه‌های غیرمجاز را پلمب کرد بیاییم به آنها مجوز بدهیم تا از این طریق بتوان میزان برداشت از آنها را کنترل کرد. این موضوع باعث شد تا در آن زمان تعداد زیادی از افراد اقدام به حفر چاه کرده و مجوز قانونی حفر آن را دریافت کنند. همان زمان کارشناسان محیط زیست و آب با دولت و سایر سازمان‌های مربوطه در خصوص این قانون مکاتبه کرده و هشدار دادند، اما سیاستگذاران به این مورد توجهی نکردند.

■ فرونشست ۱۳ سانتیمتری در دشت‌ها

معاون تلفیق و امور تنظیم‌گری شرکت مدیریت منابع آب ایران در حاشیه هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی صنعت آب و تأسیسات آب و فاضلاب ایران در نشستی خبری و در پاسخ به سؤالی در خصوص آخرین وضعیت برداشت از منابع آب‌های زیرزمینی و میزان فرونشست می‌گوید: «اگر میزان برداشت از آب‌های زیرزمینی استمرار داشته باشد با مخاطرات متعددی در بخش اقتصادی، جانی و محیط زیستی مواجه خواهیم بود. اکنون از ۶۰۹ محدوده مطالعاتی آب‌های زیرزمینی ۴۱۴ محدوده وارد نقطه بحران شده‌اند، بنابراین زمانی که موضوع آب مطرح می‌شود دو مسئله حکمرانی آب‌های سطحی و تعادل آن با حکمرانی آب‌های زیرزمینی مورد توجه قرار می‌گیرد.»

به گزارش ایسنا، علیرضا الماس‌وندی با بیان اینکه در برخی از بخش‌ها میزان برداشت آب‌های زیرزمینی بیشتر بوده و با شرایط بحرانی‌تری مواجه هستیم، می‌افزاید: «اکنون در دشت‌های استان‌های مشهد، تهران، قزوین، کرج، فارس، اصفهان، کرمان، یزد و به طور کلی ۷۰ درصد استان‌ها با موضوع فرونشست مواجه هستیم.»

وی با تأکید بر اینکه میزان فرونشست در استان‌های مختلف متفاوت است، تصریح می‌کند: «متوسط جهانی میزان فرونشست دو سانتیمتر ثبت شده است، اما بعضاً دیده می‌شود به دلیل افزایش میزان برداشت کشاورزی و چاه‌های غیرمجاز این عدد در ایران بسیار بالاتر است که باید با تغذیه مصنوعی و انسداد چاه‌های غیرمجاز این مسئله را ساماندهی کنیم.»

به گفته الماس‌وندی، اکنون ۴۸ درصد تأمین منابع آب در ایران از طریق آب‌های زیرزمینی صورت می‌گیرد که باید در برداشت آنها احتیاط و توجه کافی را داشته باشیم. سیاست وزارت نیرو در این راستا ساماندهی همین بخش است.

■ کاهش ۲۳ درصدی بارندگی‌ها از مهرماه

معاون تلفیق و امور تنظیم‌گری شرکت مدیریت منابع آب ایران با اشاره به آمار بارش‌ها در کشور می‌گوید: «از ابتدای سال آبی یعنی مهرماه بارندگی‌ها نسبت به سال قبل که آن هم سال خشکی بود کاهش داشته است، به طوری که تاکنون حدود ۵۴ میلیمتر در کل کشور بارندگی اتفاق افتاده که این عدد نسبت به بلندمدت ۲۳درصد کاهش داشته است و تنها در سه استان بوشهر، یزد، کهگیلویه و بویراحمد شاهد افزایش بارندگی‌ها نسبت به نرمال هستیم.»

وی با بیان اینکه در ۲۸ استان دیگر وضعیت بارش‌ها زیر نرمال بوده است، می‌افزاید: «در استان‌های مازندران و گیلان که میزان بارش‌ها معمولاً متوسط و بالاست امسال استثنائاً شاهد کاهش بارندگی‌ها در این دو استان بوده‌ایم. همچنین در استان تهران نیز میزان بارش‌ها ۳۷درصد نسبت به بلندمدت کاهش داشته است.»

الماس‌وندی با بیان اینکه ۶۰ میلیارد مترمکعب از آب‌های سطحی را مصرف می‌کنیم، تصریح می‌کند: «۳۸/۲ درصد در بخش کشاورزی، ۳/۲ درصد در بخش شرب و یک میلیارد مترمکعب در بخش صنعت استفاده می‌شود و حجم برداشت از منابع آب‌های زیرزمینی نیز ۴۵ میلیارد مترمکعب است که عمده آن در بخش کشاورزی مصرف می‌شود، به گونه‌ای که ۴۳/۸ میلیارد مترمکعب به این بخش اختصاص یافته ۱/۵ میلیارد مترمکعب را بخش شرب و ۱/۴ میلیارد مترمکعب را بخش صنعت مورد استفاده قرار می‌دهد.»

■ سرانه مصرف آب در ایران بسیار بالاتر از متوسط جهانی

معاون تلفیق و امور تنظیم‌گری شرکت مدیریت منابع آب ایران با بیان اینکه سرانه مصرف آب در کشور در سال ۱۴۰۰ تا هزار و ۵۰۰ مترمکعب به ازای هر فرد است، می‌افزاید: «این در شرایطی است که در تنش آبی قرار داریم، چراکه در مقطعی از زمان ۱۳۰ میلیارد مترمکعب آب تجدیدپذیر داشتیم و اکنون این عدد کاهش یافته است که بخشی از آن به دلیل تغییرات اقلیم و بخشی دیگر به دلیل برداشت‌های مجاز و غیرمجاز است و این شرایط وضعیت منابع آب‌های تجدیدپذیر را جدی کرده است و امیدواریم در سال‌های آینده بتوانیم این شرایط را دنبال کنیم.»

الماس‌وندی با اشاره به برنامه وزارت نیرو برای نصب کنتورهای هوشمند به منظور رسیدگی به آب‌های زیرزمینی می‌افزاید: «۱۴۰ هزار کنتور تا اواخر اردیبهشت‌ماه نصب خواهد شد و اکنون در استان اصفهان و چهارمحال و بختیاری کار پایلوت را آغاز کرده‌ایم.»

می‌گوید: «سرانه مصرف آب ۱۵۰ لیتر برای هر فرد است که این عدد در استان‌های مختلف متفاوت بوده و در استان‌هایی که هوا گرم‌تر است این عدد به بالای ۳۰۰ لیتر، در استان‌های دارای آب و هوای معتدل به بیش از ۲۴۰ لیتر و در برخی کلانشهرها به ۳۰۰ تا ۳۵۰ لیتر می‌رسد. اگر این میزان مصرف کنترل نشود در آینده قطعاً دچار مشکل خواهیم شد.»

وی با اشاره به اینکه براساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته تا پایان دولت سیزدهم باید نزدیک ۱۲ میلیارد مترمکعب میزان مصرف در بخش کشاورزی کاهش یابد، می‌افزاید: «امیدواریم با تأمین مالی و ایجاد شرایط مناسب بتوانیم شاهد این کاهش مصرف باشیم.»

■ برداشت از چاه‌ها باید کنترل شود

الماس‌وندی با اشاره به وضعیت چاه‌های موجود در کشور نیز می‌گوید: «۴۱۴ هزار چاه در بخش کشاورزی، ۵۲ هزار چاه در بخش صنعت و ۲۶هزار چاه در بخش شرب وجود دارد که در مجموع ۴۹۹ هزار حلقه چاه در کشور فعال هستند که اگر کنترل نشوند و اضافه برداشت در آنها صورت گیرد با مشکلاتی مواجه خواهیم شد.»

معاون تلفیق و امور تنظیم‌گری شرکت مدیریت منابع آب ایران همچنین در خصوص چاه‌های غیرمجاز می‌گوید: «۳۳۰ حلقه چاه غیرمجاز در کشور فعال است اما به دلیل مسائل مالی نمی‌توانیم آنها را مسدود کنیم و باید سازوکاری در این حوزه صورت بگیرد. نگاه وزارت نیرو برای ساماندهی وضعیت در سه بخش اقتصاد، اجتماع و محیط زیست تعریف شده است و باید سیاست‌های خود را براساس این سه اصل تبدیل کنیم.»

الماس‌وندی با اشاره به برنامه وزارت نیرو برای نصب کنتورهای هوشمند به منظور رسیدگی به آب‌های زیرزمینی می‌افزاید: «۱۴۰ هزار کنتور تا اواخر اردیبهشت‌ماه نصب خواهد شد و اکنون در استان اصفهان و چهارمحال و بختیاری کار پایلوت را آغاز کرده‌ایم.»

گزارش ۲

رشد ۱۰ شاخص کلان اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۳

صندوق بین‌المللی پول: اقتصاد ایران برای نخستین بار ۱۷۰۰ میلیارد دلاری می‌شود

صندوق بین‌المللی پول با پیش‌بینی رشد ۱۰ شاخص کلان اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۲ انتظار دارد تولید ناخالص داخلی ایران در این سال با افزایش ۹۱ میلیارد دلاری به مرز ۱۷۰۰ میلیارد دلار برسد.

به گزارش تسنیم، صندوق بین‌المللی پول سال ۲۰۲۳ را سالی همراه با رشد و رونق برای اقتصاد پیش‌بینی کرده است. این نهاد بین‌المللی انتظار دارد بسیاری از شاخص‌های کلان اقتصاد ایران در این سال وضعیت رو به جلویی داشته باشند. بر اساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول اقتصاد ایران در این سال ۹۱ میلیارد دلار بزرگ‌تر خواهد شد و برای نخستین بار به مرز هزار و ۷۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. تولید ناخالص داخلی ایران بر اساس شاخص قدرت خرید که در سال ۲۰۲۲ بیش از هزار و ۵۹۹ میلیارد دلار برآورد شده، در سال ۲۰۲۳ به هزار و ۶۹۰ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. به همین ترتیب، تولید ناخالص داخلی سرانه ایران بر اساس شاخص قدرت خرید ۸۶۵ دلار افزایش خواهد یافت و از ۱۸هزار و ۶۶۳ دلار در سال ۲۰۲۲ به بیش از ۱۹هزار و ۵۲۸ دلار در سال ۲۰۲۳ خواهد رسید.

■ رشد ۲درصدی بخش غیرنفتی و ۲/۱ درصدی بخش نفتی ایران در ۲۰۲۳

اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۳ به‌طور متوسط ۲ درصد رشد خواهد کرد. پس از رشد منفی ۳/۱ درصدی در سال ۲۰۱۹، سال ۲۰۲۳ چهارمین سال متوالی خواهد بود که اقتصاد ایران رشد مثبت را تجربه خواهد کرد. ایران در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ به ترتیب رشد ۳/۳ درصد، ۴/۷ درصد و ۳ درصد داشته است. پیش‌بینی شده است بخش غیرنفتی ایران در سال ۲۰۲۳ با رشد ۲ درصدی مواجه شود و رشد بخش نفتی ایران در این سال نیز به ۲/۱ درصد برسد.

■ رشد تولید و صادرات نفت و گاز ایران در سال ۲۰۲۳

صندوق بین‌المللی پول انتظار دارد تولید و صادرات نفت ایران در سال ۲۰۲۳ همچنان رو به رشد باشد. این گزارش تولید نفت ایران در سال ۲۰۲۲ را ۲میلیون و ۵۸۰ هزار بشکه در روز برآورد کرده و انتظار دارد این رقم در سال ۲۰۲۳ با رشد ۴۰ هزار بشکه‌ای به ۲میلیون و ۶۲۰ هزار بشکه در روز برسد. تولید گاز ایران در سال ۲۰۲۲ معادل ۴میلیون و ۴۶۰ هزار بشکه در روز نفت بوده و پیش بینی شده است این رقم به معادل ۴میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه نفت در روز برسد که نسبت به سال قبل ۱۴۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد داشت. صادرات اعلام شده نفت ایران در سال ۲۰۲۳ با رشد ۴۰ هزار بشکه‌ای مواجه خواهد شد و از ۸۵۰ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۲ به ۸۹۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت. صادرات گاز ایران نیز از معادل ۳۲۰ هزار بشکه نفت در روز در سال ۲۰۲۲ به معادل ۳۳۰ هزار بشکه نفت در روز در سال ۲۰۲۳ افزایش خواهد یافت.

■ ثبات تورم و کاهش آهنگ رشد نقدینگی

نرخ تورم در اقتصاد ایران برای سال ۲۰۲۳ افزون بر ۴۰ درصد پیش‌بینی شده که این رقم نسبت به تورم ۴۰درصدی سال ۲۰۲۲ افزایش یا کاهش نخواهد داشت. صندوق بین‌المللی پول انتظار دارد آهنگ رشد نقدینگی در اقتصاد ایران طی سال ۲۰۲۳ کندتر شود. رشد نقدینگی که در سال ۲۰۲۲ به ۴۷/۵ درصد رسیده بود در سال ۲۰۲۳ به ۴۵/۶ درصد کاهش خواهد یافت.

■ کسری بودجه دولت بیشتر می‌شود

کسری بودجه ایران در سال ۲۰۲۳ به معادل ۶درصد تولید ناخالص داخلی خواهد رسید که البته این رقم از کسری بودجه ۴/۲ درصدی دولت در سال ۲۰۲۲ بیشتر است. درآمدهای دولت نسبت به سال قبل از آن تغییری نخواهد داشت. درآمد دولت ایران در سال ۲۰۲۳ معادل ۸/۳ درصد تولید ناخالص داخلی پیش‌بینی شده که این رقم نسبت به سال قبل از آن تغییری نخواهد داشت. در عین حال درآمد غیرنفتی دولت صعودی خواهد بود و از معادل ۷/۴ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۲ به معادل ۷/۵ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۳ می‌رسد.

■ روند کاهشی بدهی دولت در سال ۲۰۲۳

بدهی ناخالص دولت در سال ۲۰۲۳ کاهش قابل توجهی خواهد یافت. بدهی ناخالص دولت ایران در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ افزایش یافته است اما در سال ۲۰۲۲ کاهش یافته و به معادل ۳۴/۲درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده است این روند نزولی در سال ۲۰۲۳ نیز ادامه یابد و بدهی ناخالص دولت ایران در این سال به معادل ۳۱/۹ درصد تولید ناخالص داخلی کاهش یابد. این گزارش تراز حساب‌های جاری ایران در سال ۲۰۲۳ را ۳۰/۲ میلیارد دلار پیش‌بینی کرده است. تراز حساب‌های جاری ایران در سال ۲۰۲۲ افزون بر ۳۲ میلیارد دلار برآورد شده است.

گزیده

مواد خوراکی و لوازم خانگی در صدر پرونده‌های قاچاق

در هشت ماهه امسال بیش از ۴هزار و ۱۴۴ پرونده قاچاق به ارزش ۶ میلیارد و ۷۱۹ میلیون و ۵۱۵ هزار ریال برای واحدهای اقتصادی تشکیل شد.

علیرضا رستمی، مدیرکل بازرسی و مبارزه با قاچاق سازمان حمایت در گفت‌وگو با مهر در باره آخرین وضعیت مقابله با قاچاق در سطح عرضه گفت: در هشت ماهه امسال ۴۷ هزار و ۴۱۰ مورد بازرسی برای مقابله با عرضه، نگهداری و فروش کالای قاچاق در کشور انجام شد که به لحاظ تعداد، میزان بازرسی از واحدهای اقتصادی اعم از صنفی، توزیعی، خدماتی، تولیدی و انبارهای مخصوص نگهداری کالا نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲ درصد کاهش داشته است.

مدیرکل بازرسی و مبارزه با قاچاق کالاهای سرمایه‌ای سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان افزود: در همین راستا نیز با تلاش بازرسان سازمان‌های صمت استان‌ها برای بیش از ۴ هزار و ۱۴۴ واحد تولیدی، توزیعی و خدماتی پرونده تعزیراتی قاچاق تشکیل شد.

وی ادامه داد: ارزش ریالی کشفیات کالاهای قاچاق ۶میلیارد و ۷۱۹ میلیون و ۵۱۵ هزار ریال (۶۷۱ میلیون و ۹۵۱ هزار تومان) بوده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از لحاظ ارزش ۶۱ درصد کاهش یافته است.

رستمی در مورد کالاهای قاچاق نیز تصریح کرد: بیشترین کالاهای قاچاق مکشوفه به ترتیب مرتبط با مواد خوراکی و محصولات صنایع غذایی، لوازم خانگی، کاغذ یا مقوا و لوازم یدکی بوده که در این رابطه پرونده‌های لازم تشکیل و به مراجع قضایی ارسال شده است.

مدیرکل بازرسی و مبارزه با قاچاق کالاهای سرمایه‌ای سازمان حمایت یادآور شد: دولت در تلاش است با آماده‌سازی زیر ساخت‌های لازم، اصالت کالاهای تولیدی و وارداتی را از مبدأ آنها مشخص کند و مانع از ورود کالاهای تقلبی و قاچاق داخلی و خارجی به بازار شود.

بازار مسکن در کما

طی ماه‌های گذشته افزایش بی‌رویه قیمت دلار موجب شد تا بازار مسکن در رکود قرارگیرد و خریداران و فروشندگان را در بلاتکلیفی کامل قرار داد.

به گزارش مهر، افزایش قیمت مسکن موجب کاهش خرید و فروش در این بازار سرمایه شده است و با توجه به اینکه بازار مسکن مدت‌ها پیش دچار رکود تورمی شده بود با رشد قیمت ارز بازار مسکن به کما رفته است البته بازارهای موازی بازار مسکن هم از حالت رقابت خارج شده‌اند. افزایش قیمت‌ها باعث شده است فروشندگان از معاملات غیر قطعی خودداری کنند و در انتظار رشد قیمت‌ها بمانند، در واقع با افزایش نرخ ارز انتظارات در بازار مسکن تغییر کرده و در این مدت کوتاه از تعداد معاملات واحدهای مسکونی کاسته شده است و مالکان ترجیح می‌دهند با خریداران واقعی معامله کنند.

بنا بر گفته کارشناسان تعداد معاملات املاک به شدت کاهش پیدا کرده است هرچند شرایط تورمی و کاهش قدرت خرید مردم باعث شده است این بازار یکباره به رکود برود.

بررسی‌های موجود در سایت‌های خرید و فروش مسکن نشان از توقف دارد و با وجود این بی‌تحرکی در بازار مسکن تهران و اصفهان که شهرهای گرانی هستند ملک فروش نمی‌رود، با توجه به اینکه خریداران امید داشتند وضع بازار مسکن نسبت به سال گذشته بهتر شود اما روز به روز این امیدواری کم و کمتر می‌شود.

■ به دنبال نور امیدی در بازار مسکن

با توجه به اینکه وزیر جدید صحبت‌هایی از افزایش تولید و متناسب‌سازی عرضه و تقاضا بیان کرده است باید منتظر ماند تا نابسامانی‌ها تمام شود، البته از سوی دیگر نرخ ارز هم باید در نظر گرفته شود، چراکه نرخ ارز تأثیر مستقیم بر بازار مسکن داشته است. با این حال منتظر این هستیم تا ببینیم ساخت یک میلیون مسکن انجام می‌شود تا روزنه امیدی در این بازار حکمفرما شود.

حوزه مسکن یک حوزه عرضه و تقاضاست، یعنی باید تولید باشد که ارزانی به همراه باشد تا وقتی که یک طرف زنجیره یعنی تولید کار نکند این زنجیره با مشکل روبه‌رو خواهد بود و زمانی که در بازار مسکن تقاضا باشد، تولید نباشد، قطعاً بازیگر اصلی افزایش قیمت و تورم می‌شود. از این رو در ماه‌های آینده معاملات انجام نگرفته و با آمارهایی که مورد ارزیابی دقیق قرار نگرفته‌اند باز هم شاهد افزایش قیمت خواهیم بود.

عضو هیئت مدیره کانون انبوه‌سازان گفت: تبعات رکود و تورم در حوزه مسکن، تولید و تقاضا در این بخش را نامتناسب کرده و قیمت مسکن به نحو عجیبی افزایش یافته است و با این روند تا زمانی که تولید افزایش نداشته باشد وضعیت قیمت‌ها بحرانی‌تر خواهد شد.

در نهایت باید سرمایه‌گذاری در این بخش انجام شود تا مشکل مسکن برطرف شود، چراکه بدون سرمایه‌گذاری تولیدی ایجاد نخواهد شد.

از بورس خودرو بخرید

سخنگوی وزارت صمت با بیان اینکه قیمت خودرو در بازار آزاد قیمت‌سازی است، گفت: کسانی که می‌خواهند خودرو بخرند از طریق بورس کالا اقدام کنند.

به گزارش مهر، امید قالیباف تأکید کرد: قیمت خودرو در بازار آزاد قیمت‌سازی است. قیمت خودرو آن چیزی است که در بورس عرضه می‌شود.

سخنگوی وزارت صمت افزود: کسانی که می‌خواهند خودرو بخرند از طریق بورس کالا اقدام کنند. از این به بعد هم عرضه‌ها در بورس کالا تقویت می‌شود.

قالیباف با بیان اینکه وزارت صمت قیمت بازار آزاد را به هیچ‌وجه قبول ندارد، گفت: یک استثنایی در تفاوت قیمتی عرضه و فروش خودرو در بورس کالا اتفاق افتاد که آن معامله را باطل کردیم.

فروش شانه‌ای تخم مرغ ممنوع شد

فروش شانه‌ای تخم مرغ ممنوع است و باید بر اساس وزن محاسبه و عرضه شود، در غیر این صورت تخلف محسوب می‌شود و هموطنان گزارش کنند.

به گزارش نبض صنعت، در یک برنامه اقتصادی امراللهی مدیرکل دفتر بازرسی وزارت جهاد در خصوص بازار تخم مرغ گفت: سال گذشته همین موقع ما واردات تخم مرغ داشتیم، اما امسال به‌دلیل مازاد تولید صادرات هم داریم. بنا بر آمار روزانه ۳هزار و ۳۰۰ تن تولید داریم که فصل پاییز و زمستان مصرف تخم مرغ افزایش پیدا می‌کند.

وی افزود: از ابتدای سال تاکنون ۳۰ هزار تن تخم مرغ صادرات شده، ولی از روز گذشته با آغاز سال نو میلادی مصرف افزایش یافته است. حدود هزار و ۵۰۰ واحد مرغداری در کل کشور وظیفه تأمین تخم مرغ مورد نیاز کشور را به عهده دارند که ماهانه حدود ۱۰۰ تا ۱۰۵ هزار تن تخم مرغ تولید و روانه بازار می‌شود که حدود ۴ تا ۵ هزار تن بیشتر از میزان مورد نیاز بازار است.

امراللهی تأکید کرد: در حال حاضر خرده‌فروشی‌های سطح شهر باید تخم‌مرغ را بر اساس نرخ اعلامی هر کیلو ۴۷ هزار و ۲۰۰ تومان عرضه کنند و فروش بالاتر از این قیمت تخلف محسوب می‌شود. امسال تنها سالی بود که ما واردات تخم مرغ نداشتیم.

وی افزود: قیمت جدید هر کیلو تخم مرغ درِ مرغداری ۳۹ هزار و ۵۰۰ تومان و هرشانه ۱/۸۰۰ گرمی تخم‌مرغ ۷۱ هزار و ۱۰۰ تومان است، بر این اساس نرخ هر شانه تخم مرغ ۱/۸۰۰ گرمی برای مصرف‌کننده ۸۵ هزار تومان است. بر این اساس عرضه هر عدد تخم‌مرغ بالاتر از ۳ هزار تومان غیرمنطقی است. فروش شانه‌ای تخم مرغ ممنوع است و باید بر اساس وزن محاسبه و عرضه شود، در غیر این صورت تخلف محسوب شده و هموطنان گزارش کنند.

پرسپولیس صدرنشین بی‌مهاجم لیگ برتر!

پیکان سپاهان را زیر گرفت، گل‌گهر برنامه بردن نداشت

گزارش یک
فریدون حسن

پرسپولیس با برتری ۲ بر صفر مقابل گل‌گهر سیرجان در آخرین بازی هفته چهاردهم رقابت‌های لیگ برتر به صدرنشینی خود در این مسابقات ادامه داد. صدرنشینی سرخ‌ها در حالی در لیگ ادامه پیدا کرد که این تیم در سه هفته گذشته بدون مهاجم مقابل حریفان صف‌آرایی کرده است. صدرنشینی استقلال در لیگ برتر همانطور که تصور می‌شد ۲۴ ساعت بیشتر دوام نیاورد. آبی‌های تهران که می‌توانستند با برتری در دیدار خانگی مقابل مس رفسنجان حداقل با سایر رقبای بالای جدول اختلاف امتیاز ایجاد کنند، تن به تساوی دادند و تازه خوش‌شانس هم بودند که یک امتیاز گرفتند، اما با همان تک‌امتیاز هم برای ۲۴ ساعت به صدر جدول رسیدند. دیروز اما پرسپولیس با برتری مقابل گل‌گهر صدر جدول را باز هم از رقیب دیرین خود پس گرفت.

پرسپولیس برنده بزرگ سیرجان

صدرنشین بدون مهاجم لیگ برتر عصر دیروز میهمان گل‌گهر سیرجان جدی‌ترین رقیب خود برای تصاحب صدر جدول بود. گل‌گهر با توجه به یک بازی کمتر آمده بود تا از پرسپولیسی که طی دو هفته اخیر بابت نداشتن مهاجم، چهار امتیاز حساس را از دست داده بود سه امتیاز بگیرد. شاگردان قلعه‌نویی بازی را تهاجمی آغاز کردند و می‌توانستند در دقیقه هشتم بازی از روی نقطه پنالتی به گل برسند، اما بیرانوند ضربه امین پورعلی را گرفت. پرسپولیس در این بازی هم بدون مهاجم پا به میدان گذاشت و عملاً دل به ضدحملات بسته بود، به‌گونه‌ای که در یک نگاه هم می‌شد متوجه شد که این تیم عملاً در زمان حمله با کمترین نفرات به دروازه گل‌گهر حمله می‌کند. پرسپولیس بی‌مهاجم هیچ برنامه خاصی برای گلزنی نداشت و در مقابل گل‌گهر هم با بازی احساسی عملاً کار خاصی انجام نمی‌داد تا اوضاع کاملاً بر وفق مراد گل‌محمدی و شاگردانش پیش برود و نیمه اول با تساوی بدون گل به پایان برسد.

در نیمه دوم، اما اوضاع عوض شد پرسپولیس خیلی زود به گل رسید. دقیقه ۴۹ محمد عمری با حرکت در عرض خط دفاع و یک شوت غافلگیر کننده دروازه فروزان را فرو ریخت تا تیم قلعه‌نویی کاملاً مات و مبهوت بماند. ادامه این بهت برای گل‌گهر دردسرساز شد و این تیم در دقیقه ۸۰ دومین گل را هم دریافت کرد. یک دفع ناقص از دفاع گل‌گهر توپ را در پشت هجده قدم روی پای سینا اسدبیگی جفت و جور کرد تا این بازیکن با شوتی سرکش و دیدنی توپ را دور از دستان فروزان به گل دوم سرخ‌ها تبدیل و عملاً تیر خلاص را به تیم قلعه‌نویی شلیک کند. در ادامه هم تیم قلعه‌نویی کاری از پیش نبرد تا سرخ‌ها برنده بازی بزرگ هفته باشند و با اقتدار به صدر جدول رده‌بندی برگردند.

سپاهان زمین‌گیر شد

سپاهان این فرصت را داشت تا پیش از بازی گل‌گهر و پرسپولیس به صدر جدول رده‌بندی راه پیدا کند، اما زردهای اصفهان در یک بازی پرانتقاد و سردرگم مقابل پیکان تن به شکست دادند تا بهترین فرصت برای نزدیک شدن به صدر جدول را از دست بدهند.

زردها در نیمه اول تقریباً حرفی برای گفتن نداشتند و در سرمای ورزشگاه دستگردی زمین‌گیر تاکتیک پیکان شده بودند. شاگردان موراویس تنها در دقایق پایانی نیمه اول چند فرصت نصفه و نیمه روی دروازه پیکان میزبان خلق کردند که هیچ‌کدام به‌گونه‌ای نبود که بتواند برای آنها ثمربخش باشد. مسابقه در نیمه دوم رنگ و بویی دیگر گرفت و برخلاف انتظار این پیکان بود که سوار بر بازی شد. حملات جسته و گریخته شاگردان حسینی در دقیقه ۷۷ نتیجه داد و محمدعلی کاظمی، بازیکن تعویضی پیکان با یک ضربه سر دروازه پیام نیازمند را باز کرد. پیکان بعد از گل یک موقعیت عالی برای دو برابر کردن اختلاف را هم از دست داد، فرصتی که می‌توانست خیال آنها را راحت کند، اما به ثمر نرسید. خودروسازان تهرانی در وقت‌های اضافه بازی هم چند فرصت خوب را از دست دادند تا در نهایت با همان یک گل سپاهان را شکست دهند و این تیم را از کورس صدرنشینی خارج کنند. سپاهان با قبول این شکست ۲۴ امتیازی باقی ماند و با توجه به شکست گل‌گهر مقابل پرسپولیس در همان رده سوم جدول باقی بماند.

در بازی همزمان مس کرمان در این شهر مقابل ملوان بندرانزلی به نتیجه‌ای بهتر از تساوی بدون گل دست نیافت تا ملوان در رده سیزدهم باقی بماند و مس هم چهاردهم. نساجی مازندران و تراکتور تبریز هم دیگر بازی عصر روز گذشته را برگزار کردند که مازندرانی‌ها در نهایت موفق شدند با دو گلی که در نیمه اول به ثمر رساندند، میهمان تبریزی خود را شکست داده و راهی خانه کنند.

بدشانسی باعث از دست رفتن طلای دوضرب شد

چهره
شمیم رضوان

یکی از امیدهای ایران برای کسب طلا در مسابقات جهانی وزنه‌برداری کیانوش رستمی بود، وزنه‌بردار طلایی ایران در المپیک ریو، اما عملکرد کیانوش در کلمبیا هم در حد انتظار نبود، با این حال خودش از عملکردش ناراضی نیست: «برای مسابقات جهانی تمرین زیادی نکرده بودم و تنها با هدف ثبت یک رکورد خوب برای کسب سهمیه المپیک بود که راهی این رقابت‌ها شدم. در یک‌ضرب عملکردم خوب بود، اما در دوضرب به راحتی طلا را از دست دادم. متأسفانه کمبود زمان برای حرکت پایانی در حرکت دوضرب منجر شد مقداری بدنم افت کند و دچار ضعف شوم. در واقع در حرکت آخر از نظر زمانی کم آوردم و دلیلش این بود که وزنه‌بردار کلمبیایی پیش از من باید وزنه می‌زد، اما جدول با اقدامی عجیب از سوی مسئولان برگزاری مسابقات به‌هم ریخت و دوباره بدبیاری و بدشانسی نصیب من شد. از لحاظ نفس کم آوردم، وگرنه در صورتی که زمان بیشتری داشتم خیلی راحت می‌توانستم وزنه پایانی را مهار کنم، اما با توجه به اتفاقاتی که در این چند سال اخیر رخ داده بود کسب همین مدال‌ها هم در کلمبیا جای شکر دارد و نشان می‌دهد توجه به این رشته باعث رقم خوردن اتفاقات بهتری خواهد شد.»

برمکی برترین کوراش‌کار زن جهان شد

خبر

انجمن بین‌المللی کوراش فاطمه برمکی، نماینده وزن ۸۷+ کیلوگرم ایران را به عنوان بهترین کوراش‌کار زن جهان در سال ۲۰۲۲ معرفی کرد. بانوی کوراش‌کار ایران که علاوه بر کسب عنوان قهرمانی در رقابت‌های قهرمانی آسیا در شهر دوشنبه با نمایشی خیره‌کننده در مسابقات قهرمانی جهان در هند نیز بر سکوی قهرمانی ایستاد و به گردن آویز طلا دست یافت، توانست نظر انجمن بین‌المللی کوراش را چنان به خود جلب کند که به عنوان بهترین کوراش‌کار سال انتخاب شود، به‌طوری که این انجمن در تمجید از برمکی، بانوی کوراش‌کار ایران نوشت: «تکنیک‌هایی که او در مسابقات به‌کار می‌برد، طوفانی از هیجان هواداران کوراش را برانگیخت.» قرار است جایزه برمکی به عنوان بهترین کوراش‌کار زن جهان در سال ۲۰۲۲ را انجمن بین‌المللی در مسابقات قهرمانی جهان (۲۰۲۳ ترکمنستان) به این بانوی ایرانی پرداخت کند. حالا باید دید مسئولان ورزش و کوراش ایران برای برمکی بابت کسب این عنوان در خور توجه چه پاداشی در نظر می‌گیرند!

بازتاب

قربانی: منتظر حل مشکلات نبودیم

دستورالعمل وزارت دفاع منتظر امضای وزارت ورزش

رئیس فدراسیون تیراندازی بدهی و کمبود بودجه را مشکلات اصلی این رشته عنوان کرد.

مجمع عمومی و سالانه فدراسیون تیراندازی در مشهد مقدس برگزار شد. در این نشست که با حضور پولاگر معاون وزیر ورزش و ورزشکارانی از جمله جواد فروغی و نجمه خدمتی برگزار شد، مرتضی قربانی شرایط این روزهای فدراسیون تیراندازی را تشریح کرد: «وقتی به فدراسیون آمدم با بدهی زیادی که مربوط به شرکت توسعه، مالیات و متفرقه بود، روبه‌رو شدم. همچنین فشنگ از وزارت دفاع گرفته شده و پول آن پرداخت نشده بود. ما بخشی از مشکل را حل کردیم. منتظر حل مشکلات نبودیم و به اهداف پروازی، تفنگ و تپانچه سر زدیم و با مربیان تماس گرفتیم و کار را شروع کردیم. با وجود بدهی فراوان، تیم‌های ملی را به برزیل، باکو، قونیه، قزاقستان، ترکیه و مصر اعزام کردیم. در مجموع از ابتدای سال هفت اعزام انجام شد و ۱۰ مدال نیز کسب کردیم. هانیه رستمیان اولین سهمیه کاروان ایران برای المپیک پاریس را به دست آورد. با اینکه ۱۰ماه تیم‌های ملی راکد بودند، اما جریان اردوها آغاز شد و در حال حاضر هم وضعیت خوب است.» رئیس فدراسیون تیراندازی با اشاره به تعلل سه ماهه وزارت ورزش اظهار داشت: «دستورالعملی با وزارت دفاع آماده کردیم و سه ماه است منتظر امضای آن از سوی وزارت ورزش هستیم. شرح وظایف کمیته‌های فنی معین شد و اعضای کمیته تصمیم‌گیر امور مربوطه هستند.»

برگزاری مسابقات مختلف و اردوی تیم‌های ملی بخش دیگری از عملکرد این فدراسیون است: «دو تیم نوجوانان و جوانان کار خود را آغاز کردند و اردوهای آنها با حضور خانم طالبی و آقای احمدی برگزار شد. همچنین کمیته گلوله‌زنی راه‌اندازی و دو مرحله مسابقه برگزار شد. چند روز آینده یک مرحله مسابقه دیگر در قم برگزار و تا پایان سال نیز چهارمین مرحله مسابقات برگزار می‌شود. ۴ هزار و ۵۰۰ تیرانداز در لیگ برتر و دسته یک تفنگ و تپانچه، جایزه بزرگ و مسابقات آزاد از سراسر کشور حضور دارند و در کنار آن باید همه به بحث همگانی در تیراندازی توجه کنیم.»

حاشیه

شیوا نوروزی

رونالدو در تور سعودی‌ها افتاد

جاه‌طلبی ۲۰۰ میلیون یورویی النصر

ستاره پرتغالی بازی در عربستان را به لیگ جزیره ترجیح داد. کریستیانو رونالدو سرانجام تیم جدیدش را انتخاب کرد و با یک دستمزد نجومی با النصر عربستان قرارداد بست. رونالدو بعد از جدایی از یوونتوس با هزار و یک امید به جزیره برگشت تا شاید روزهای خوش گذشته را با شیاطین سرخ تکرار کند، اما نه تنها به آرزویش نرسید، بلکه در اوج نارضایتی مجبور به ترک اولدترافورد شد. تا چند ماه پیش هیچ‌کس تصورش را هم نمی‌کرد مهاجم پرتغالی با آن کارنامه پرافتخار تیمی و فردی به یک‌باره سر از یک تیم سعودی دربیاورد.

کریس ۹ سال در رئال بود، سه سال در یوونتوس و یک سال و نیم هم در بازگشت دوباره برای من‌یونایتد بازی کرد. پوشیدن دوباره پیراهن قرمزها بدترین تصمیم عمر رونالدو بود. این ستاره خیال می‌کرد باز هم مهاجم اول و یار کلیدی یونایتد می‌شود، منتها زودتر از حد تصور فهمید چه اشتباه بزرگی مرتکب شده است. او این اواخر از سوی تن‌هاگ به نیمکت چسبیده بود و نمی‌توانست ناراحتی‌اش را پنهان کند. رونالدو در ۵۴ بازی ۲۷ گل به ثمر رساند و سرانجام با جدایی توافقی قید ادامه همکاری با منچستر را زد. درحالی که بازیکنان شناخته شده فوتبال جهان این اواخر همه فکر و ذکرشان معطوف به جام‌جهانی بود، رونالدو اما همزمان با مسابقات قطر دربه‌در به دنبال تیم جدید می‌گشت. او تنها ستاره بدون تیم جام ۲۰۲۲ لقب گرفت و با اینکه گفته می‌شد اولویت اولش بازی در اروپا و حضور در لیگ قهرمانان قاره سبز است، ولی در تصمیمی عجیب و البته اقتصادی سر از عربستان درآورد!

مهاجم ۳۷ ساله با پذیرفتن پیشنهاد سعودی‌ها، عملاً رسیدن به خط پایان فوتبال حرفه‌ای را پذیرفت. کریس رونالدو بعد از ۲۰ سال بازی در اروپا از این پس باید در آسیا بازی کند. قرارداد او سالانه ۲۰۰ میلیون یورو خواهد بود و این رقم او را به پردرآمدترین فوتبالیست جهان تبدیل کرده است. برنده پنج توپ طلا تا پایان ژوئن ۲۰۲۵ قرارداد دارد و باید دید رونالدویی که در منچستر دوام نیاورد تا کی می‌تواند حضور در لیگ عربستان را تحمل کند. او علاوه بر بازی در النصر، وظیفه دیگری را نیز برعهده گرفته است؛ گویا رونالدو سفیر فوتبال عربستان هم شده و قرار است این کشور را برای گرفتن میزبانی جام‌جهانی ۲۰۳۰ یاری کند.

النصر فعلاً تیم دوم لیگ عربستان است. این تیم در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ دو قهرمانی متوالی در سوپرجام این کشور به دست آورد و فصل گذشته نیز به مقام سوم رسید. فیصل بن‌ترکی، مالک متمول این باشگاه است. در بیانیه باشگاه النصر آمده است: «این بیش از تاریخ‌سازی است. این قراردادی است که نه‌تنها الهام‌بخش باشگاه ما برای دستیابی به موفقیت‌های بزرگ‌تر است، بلکه الهام‌بخش لیگ ما، ملت ما و نسل‌های آینده ماست. رونالدو به خانه جدید خود خوش آمدی.» رودی گارسیای فرانسوی هدایت النصر را برعهده دارد. گفته می‌شود این تازه اول راه است و به زودی شاهد انتقال‌های بزرگ دیگر به عربستان خواهیم بود. سعودی‌ها قصد دارند با خرید ستاره‌هایی چون راموس و مسی نگاه‌ها را به فوتبال این کشور جلب کنند. آنها می‌خواهند مسیری را که قطر طی کرد، بروند تا شاید میزبانی جام‌جهانی دوباره به آسیا برسد. فصیل بن‌ترکی که وزیر ورزش عربستان نیز هست با یک توئیت خوشحالی‌اش از خرید رونالدو را ابراز کرد: «از حضور یکی از بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال در عربستان خوشحال هستیم. کریستیانو رونالدو خوش آمدی. ما از دیگر باشگاه‌ها برای جذب بازیکنان بزرگ فوتبال جهان حمایت می‌کنیم.»

برخلاف واکنش‌های منفی کارشناسان در رسانه‌ها و هواداران در فضای مجازی، رونالدو انتقال به النصر را یک تصمیم هیجان‌انگیز خواند. مهاجم شماره ۷ تیم عربستانی در نخستین اظهارنظرش گفت: «از اینکه قرار است حضور در لیگ جدید در کشوری متفاوت را تجربه کنم بسیار هیجان‌زده هستم. دیدگاه النصر و همچنان پیشرفت این تیم در فوتبال مردان و زنان در عربستان سعودی بسیار الهام‌بخش است. همه عملکرد تیم ملی عربستان در جام‌جهانی اخیر را دیدند و از همان نمایش مشخص بود که این کشور بلندپروازی فوتبالی بسیاری دارد و از پتانسیل بالایی هم در بین بازیکنانش برخوردار است.» کریس همچنین پیوستن به النصر را خوش‌شانسی نامید: «من خوش‌شانس بودم که به تمامی افتخارات ممکن در فوتبال اروپا رسیدم و احساس کردم که این لحظه مناسبی است تا تجربیاتم را با آسیا به اشتراک بگذارم. بی‌صبرانه منتظر پیوستن به هم‌تیمی‌های جدیدم هستم و در کنار آنها به موفقیت این باشگاه کمک خواهم کرد.»

فوتبال اروپا

اشرف رامین

کریم با دبل پیروزی‌بخش برگشت

سال متفاوت بنزما

رئال‌مادرید آخرین پیروزی سال را مدیون کریم بنزماست. کهکشانی‌ها در اولین بازی بعد از جام‌جهانی موفق شدند وایادولید را در زمین خود ۲بر صفر شکست دهند. در یکی از بازی‌های هفته پانزدهم لالیگا، شاگردان آنچلوتی با دو گل دیرهنگام کاپیتان خود از سد حریف گذشتند و با ۳۸ امتیاز برای یک شب هم که شده صدر جدول را از چنگ بارسلونا درآوردند. رئالی‌ها تا دقیقه ۸۳ نتوانستند کاری از پیش ببرند تا اینکه بنزما پنالتی به دست آمده را گل کرد و در آخر هم گل دومش را زد تا هم رئال برنده شود و هم او با دبل به مستطیل سبز برگردد.

مهاجم فرانسوی روزهای سختی را در جام‌جهانی پشت سر گذاشت، او به دلیل مصدومیت بازی‌های مرحله گروهی را از دست داد، اما به‌رغم پشت سر گذاشتن دوران نقاهتش از سوی دشان طرد شد و فرصت بازی در قطر را پیدا نکرد. با این حال بنزما بار دیگر در رقابت‌های باشگاهی درخشید. او که در سال ۲۰۲۲ توپ طلا را به دست آورده با به ثمر رساندن ۳۲ گل و ارسال هشت پاس گل بهترین بازیکنان لالیگا از نظر تأثیرگذاری لقب گرفته است. کارلتو با اینکه از عملکرد مدافعانش راضی نبود، اما از بنزما تعریف کرد. سرمربی رئال در این خصوص گفت: «ما خوب دفاع نکردیم، این یک واقعیت است، اما چاره‌ای جز کسب پیروزی در این بازی نداشتیم. بازی دشوار و پیچیده بود. وایادولید آرام‌آرام در جریان بازی قرار گرفت، اما ما در نیمه دوم عملکرد خوبی ارائه کردیم. بنزما و تیبو کورتوا بازی بسیار خوبی را به نمایش گذاشتند. باید این سال فراموش نشدنی را با پیروزی به پایان می‌بردیم. من پیش از این بازی به خوبی شرایط و عملکرد بنزما را زیر نظر داشتم و دیدم که او تا چه حد اعتماد به نفس دارد و با انگیزه است. فکر می‌کنم قرار است در نیم‌فصل دوم شاهد بنزمای متفاوتی باشیم.»

قاب

۲۴ ساعت با پله

سال ۵۱، پله با تیم پرستاره سانتوس برای انجام دیداری دوستانه وارد ایران شد و در آزادی مقابل منتخب تهران به میدان رفت. دیداری که معینی، یکی از ستاره‌های آن روزهای فوتبال ایران اینگونه توصیفش می‌کند: «آزادی مملو از جمعیت بود، اما می‌دانستیم تماشاگران نه برای ما که برای تماشای بازی پله آمده‌اند. خودم گاهی در زمین محو بازی او بودم و نخستین گل را که وارد دروازه ما کرد برای نخستین بار شاهد بودم که همه تماشاگران ایستاده تشویقش می‌کنند. بازی را با پنج گل خورده واگذار کردیم. بعد از بازی هم با حریف در کافه دور هم جمع شدیم و اسطوره فوتبال دنیا بی‌توجه به جایگاهی که داشت با همه شوخی می‌کرد.

یادداشت

دنیا حیدری

عادتی که در فوتبال به وقاحت تبدیل شده

شنیدن خبر پیشنهاد ۴۰ میلیارد تومانی به یک بازیکن و ۷ میلیاردی به مدیر برنامه‌های او برای انتقال به یک تیم دیگر لیگ برتری بار دیگر ثابت کرد که قیمت‌گذاری روی بازیکنان در ایران هیچ حساب و کتاب و منطقی ندارد و گویا برخی با مطرح کردن چنین پیشنهادهایی قصد به سخره گرفتن مردم و بازی با احساسات و روان آنها را دارند. کار تا جایی بالا گرفته که باید گفت عادت بیت‌المال‌خوری حالا به وقاحت رسیده است.

بی‌توجهی، عدم نظارت، تبعیض‌های غیرقابل انکار و مهم‌تر از همه بی‌کفایتی مدیران ناکارآمدی که خوب می‌دانند هرگز پای میز محاکمه کشیده نمی‌شوند برای بازخواست، کار فوتبال را به جایی کشانده که به نظر می‌رسد قانون جنگل بر آن حکمفرمایی می‌کند.

گردش مالی فوتبال در ایران قابل محاسبه نیست، چراکه عدم نظارت بر روند تصمیم‌گیری مدیران باشگاه‌ها باعث شده حساب کار از دست همه در برود و عرصه برای جولان دلال‌ها بیش از هر زمان دیگری مهیا شود که این نتیجه‌ای جز تاراج بیت‌المال و خالی شدن جیب مردم ندارد. با این وجود همچنان هیچ عکس‌العملی از سوی نهادهای نظارتی برای مقابله با این بلبشو دیده نمی‌شود. مسئله‌ای که باعث شده شاهد رشد وقیحانه اعداد و ارقام پیشنهادی به بازیکنان فوتبال باشیم. رقم‌های درشت و حیرت‌آوری که حتی تکرار آن هم باورپذیر نیست و در مخیله کمتر کسی می‌گنجد، چه برسد به باور اینکه قرار است از جیب مردمی که این روزها دغدغه نان دارند به جیب فوتبالیست‌هایی سرازیر شود که یک‌هزارم آنچه دریافت می‌کنند هم توانایی فنی ندارند.

بازیکنان در دنیا براساس معیارهای خاصی قیمت‌گذاری می‌شوند. با این وجود فیفا و یوفا از پرداخت ارقام غیرقابل قبول به بازیکنان حتی اگر بهترین باشند هم ممانعت می‌کنند و باشگاه‌های متخلف در این راستا مجازات می‌شوند، اما در ایران پیشنهادها به شکلی توهین‌آمیز بالا می‌رود و هیچ ترمزی برای متوقف کردن این افراد در فوتبال وجود ندارد، به‌طوری که در عین ناباوری شنیده می‌شود به برخی بازیکنان پرسپولیس پیشنهاد ۴۰ میلیاردی و به مدیربرنامه‌های آنها پیشنهاد ۷ میلیارد تومانی داده شده است. ارقامی دور از انتظار که تصور می‌شود مطرح کردن آن شوخی است، اما در کمال تأسف واقعیت محض است. واقعیت حضور مدیران بی‌کفایتی که بی‌هیچ حساب و کتابی به جیب ملت دست‌درازی می‌کنند و خوب می‌دانند که قرار نیست بابت این همه حیف و میل‌های بی‌منطق کلامی پاسخگو باشند، اما آیا فوتبال این همه می‌ارزد؟ آیا این روزها که ورزشگاه‌ها خالی از جمعیت است و بعد از تماشای ماراتن جام جهانی بازی‌های بی‌کیفیت لیگ، ریزش قابل توجه تماشاگران و هواداران را به دنبال داشته با هیچ منطقی می‌توان رد و بدل شدن یا مطرح کردن و پیشنهاد دادن این ارقام را توجیه کرد؟!

فوتبال بی‌شک یکی از محبوب‌ترین رشته‌های ورزشی دنیاست که علاوه بر سلامت می‌تواند تزریق نشاط به جامعه را نیز تضمین کند و یکی از بهترین سرگرمی‌ها برای پر کردن اوقات فراغت مردم و به‌خصوص جوانان است و این جدای از تعداد کثیری است که این رشته اشتغال آنها را به دنبال دارد. با این وجود فوتبال در ایران سال‌هاست که تنها به دستاویزی برای پر کردن جیب دلال‌ها و مدیران بی‌کفایت و خالی کردن جیب ملت تبدیل شده است. بهانه‌ای برای ریخت و پاش‌هایی که نه هیچ توجیه منطقی دارد و نه هیچ ارزش مالی و معنوی! دست‌درازی‌هایی که چنان به عادت معمول مدیران ناکارآمد تبدیل شده که حالا ارقامی را پیش می‌کشند که از بودجه تخصیص داده شده به مجموع چند فدراسیون فراتر می‌رود و این به هیچ عنوانی قابل قبول نیست، درست مثل مهر سکوتی که نهادهای نظارتی مقابل این بلبشو به لب زده‌اند و با هیچ منطقی نمی‌توان این سکوت را توجیه کرد.

استارت برای صعود به پلی‌آف والیبال

هراز به دنبال جبران

دور برگشت رقابت‌های لیگ والیبال مردان در حالی عصر امروز به‌طور همزمان از ساعت ۱۵ در شهرهای مشهد، مریوان، رامسر، سیرجان، اردکان، تهران و ارومیه آغاز می‌شود که پنج تیم در جدول، شش بردی هستند و این شانس را دارند که به جمع هشت تیم پلی‌آف راه پیدا کنند. از طرف دیگر سایپا، مس و شهرداری ارومیه هم هر کدام سه برد دارند و برای جلوگیری از سقوط باید سعی کنند تعداد بردهای خود را افزایش دهند. با این وجود عمده دغدغه تیم‌ها بابت مصدومیت بازیکنان در نتیجه فشردگی مسابقات است. مسئله‌ای که سرمربی تیم ملی نیز نگرانی‌های خود را بابت آن ابراز کرده بود، اما به‌رغم تمام اعتراض‌ها، لیگ والیبال از این هفته یک‌شنبه‌ها و چهارشنبه‌های هر هفته برگزار می‌شود. هراز آمل صدرنشین لیگ که نخستین باخت این فصل را هفته گذشته مقابل هورسان رامسر متحمل شد، در حالی امروز مقابل ایفاسرام اردکان به میدان می‌رود که اندیشه‌ای جز جبران نتیجه رقم خورده مقابل هورسان را ندارد. اگرچه این باخت جایگاه یاران بهروز عطایی در صدر جدول را به مخاطره نینداخت، اما اعاده حیثیت تنها هدف هراز در اردکان است که می‌تواند کار میزبان را سخت کند. در ادامه رقابت‌های امروز شهداب یزد، تیم دوم جدول میهمان هورسان رامسر است. تیمی که هفته قبل به روند شکست‌ناپذیری صدرنشین پایان داد و حالا برای یکی دیگر از مدعیان لیگ خط و نشان می‌کشد. پیکان پرافتخارترین تیم لیگ که رده سوم جدول را در اختیار دارد نیز با گیتی پسند، تیمی از میانه‌های جدول دیدار می‌کند. پارس گرگان به مصاف نیان‌الکترونیک می‌رود، فولاد سیرجان از مس رفسنجان پذیرایی می‌کند و راه‌یاب ملل میزبان سایپاست.

اعتراف به قتل درهوا خواهی برادر

■ فاطمه صبور

قضات دادگاه کیفری یک استان تهران به زودی پرونده قتلی را بررسی می‌کنند که در جریان آن مردی به هواخواهی برادرش وارد درگیری و مرتکب قتل شده است.

۲۵ خرداد ۱۴۰۰، مأموران پلیس تهران از درگیری خونین در پارک الغدیر باخبر و راهی محل شدند. شواهد نشان می‌داد درگیری بین چند پسر جوان اتفاق افتاده و یکی از آنها به نام رضا بر اثر ضربه با قمه راهی بیمارستان شده است. تحقیقات ادامه داشت که خبر رسید رضا بر اثر شدت خونریزی فوت کرده است. به این ترتیب پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار قرار گرفت و در روند تحقیقات با توجه به گواهی شاهدان حادثه، عامل قتل به نام شهرام ۲۵ ساله تحت تعقیب قرار گرفت. چند روز از حادثه گذشت بود که مأموران موفق شدند شهرام را شناسایی و بازداشت کنند. او به اداره پلیس منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت. شهرام در همان بازجویی‌های اولیه به قتل اعتراف کرد و در شرح ماجر گفت: «روز حادثه به خانه‌مان که نزدیک پارک الغدیر بود، می‌رفتم که در مسیر دیدم چند نفر در پارک با هم درگیر شده‌اند. یک‌دفعه شنیدم یکی از آنها به قوم ما فحاشی می‌کند. از شنیدن حرف‌هایش عصبانی شدم و به او اعتراض کردم، اما آن مرد اهمیتی نداد و همچنان فحاشی می‌کرد و ساکت نمی‌شد. همان موقع دیدم یک قمه روی زمین افتاده است. آن را برداشتم و به طرف آنها پرتاب کردم که ناگهان به دست رضا برخورد کرد. آن پسر روی زمین افتاد، به همین خاطر از ترس فرار کردم.» متهم ادامه داد: «چند روز از حادثه گذشته بود که یکی از دوستانم تماس گرفت و گفت پسری که با قمه زخمی شده بود، سراغ برادرم رفته و او را به شدت کتک زده است. از شنیدن این حرف ناراحت شدم و بلافاصله همراه پسرخاله و برادر دیگرم به پارک رفتیم. در آنجا دیدم رضا و یکی از دوستانش سوار موتور هستند و در دستشان قمه است. برادرم هم مجروح گوشه‌ای از پارک افتاده بود. بلافاصله قمه را از دست آنها گرفتم و چند ضربه به کتف و پهلوی رضا زدم. او روی زمین افتاده بود و نمی‌توانست حرکت کند. همان موقع فرار کردم و چند روزی مخفی بودم که فهمیدم رضا فوت کرده است. چند روز از فوت مقتول گذشته بود که تصمیم گرفتم خودم را معرفی کنم، اما پلیس مرا شناسایی و دستگیر کرد. در این حادثه خودم به تنهایی مرتکب قتل شدم و پسرخاله و برادرم نقشی نداشتند. آنها فقط شاهد ماجرا بودند و حتی سعی کردند مرا آرام کنند، اما موفق نشدند.»

با ثبت اظهارات متهم، پسرخاله و برادر متهم نیز طبق شواهد و قرائن موجود دستگیر شدند و هر دو به اتهام معاونت در قتل و شهرام نیز به اتهام مباشرت در قتل راهی زندان شدند. پرونده بعد از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا بعد از تعیین شعبه در وقت رسیدگی از سوی هیئت قضایی شعبه دوم دادگاه رسیدگی شود. این در حالی است که اولیای دم برای متهم درخواست قصاص کرده‌اند.

مدرسه‌ساز قلابی به دام پلیس افتاد

مرد فریبکار که با معرفی خود به عنوان خیر مدرسه‌ساز از مردم کلاهبرداری می‌کرد، بازداشت شد.

سرهنگ داود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتا تهران گفت: چندی قبل مأموران پلیس در جریان بررسی‌های خود متوجه شدند مردی فریبکار با جعل صفحه یکی از خیران مدرسه‌ساز در حال کلاهبرداری از کاربران است. بررسی صفحه مورد نظر با بیش از ۵۵ هزار دنبال کننده مشخص کرد متهم با استفاده از تصاویر آرشیوی و ترفند کمک به ساخت مدرسه در مناطق محروم در حال خالی کردن جیب کاربران است. با کامل شدن تحقیقات در این باره، مأموران موفق شدند مخفیگاه متهم را در یکی از محله‌های شمال تهران شناسایی و او را بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌ها به کلاهبرداری‌های سریالی به این شیوه اعتراف کرد. تحقیقات بیشتر از وی جریان دارد.

برق جان مرد ۳۵ ساله را گرفت

فرمانده انتظامی شهرستان کرج گفت که یک مرد ۳۵ ساله به دلیل برق گرفتگی در منطقه خرمدشت جانش را از دست داد.

سرهنگ علی قاسم پور گفت: شامگاه جمعه مأموران کلانتری ۴۱ از حادثه برق گرفتگی در منطقه خرمدشت با خبر و در محل حاضر شدند. وی افزود: بررسی‌های بعدی نشان داد مرد ۳۵ ساله به دلیل نامشخص دچار برق گرفتگی شده و جانش را از دست داده‌است که جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این باره جریان دارد.

برخورد پلیس با اخلالگران بازار ارز شدت گرفت

فرمانده انتظامی پایتخت با بیان اینکه قیمت فروش ارز به صورت روزانه از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود و هیچ صرافی اجازه فروش با قیمتی متفاوت را نخواهد داشت از شدت برخورد با مخلان این بازار خبر داد.

سردار حسین رحیمی، صبح روز گذشته در نشست خبری اقدام‌های پلیس در برخورد با اخلالگران نظام ارزی را شرح داد. او گفت: همزمان با ایجاد اخلال در بازار ارز، پلیس با هماهنگی بانک مرکزی اقدام‌های خود را در حوزه کنترل قیمت بازار و برخورد با سودجویان در فضای مجازی و فضای حقیقی آغاز کرد.

وی ادامه داد: در دو، سه روز گذشته به درخواست مسئولان بانک مرکزی، اقدام‌های عملیاتی در خصوص مقابله با اخلالگران نظام ارزی در فضای مجازی و حقیقی انجام شد که این اقدام‌ها باعث کاهش ۳ هزار تومانی قیمت ارز در بازار شد.

سردار رحیمی گفت: طرح پلیس در مناطق تجمع صرافی‌ها انجام شد که در جریان آن ۱۱۹ نفر بازداشت شدند و در بازرسی از آنها ۴۴۵ هزار واحد ارزی به ارزش ۶ میلیارد تومان کشف شد. وی افزود: بررسی سوابق افراد بازداشت شده نشان داد بیشتر آنها دارای سابقه بازداشت هستند که ۲۰ نفر از آنها به دستور قضایی راهی زندان شدند.

رئیس پلیس تهران درباره برخورد پلیس با مخلان بازار ارز در فضای مجازی هم گفت: در جریان تحقیقات پلیس، ۶۷ کانال و صفحه در فضای مجازی شناسایی شد که ۲۰ نفر از مدیران کانال‌ها احضار و پس از گرفتن تعهد آزاد شدند.

رئیس پلیس تهران با هشدار به مخلان بازار ارز که در خیابان یا صرافی‌ها به افزایش قیمت ارز دامن می‌زنند، هشدار داد که پلیس رفتارشان را تحت نظر دارد و با آنها برخورد خواهد کرد.

وی ادامه داد: در کمال تأسف اقدام‌های صورت گرفته از سوی این افراد در اعلام قیمت‌های کاذب تأثیر زیادی داشته است. وی درباره برخورد با تخلف صرافی‌ها هم گفت: در جریان عملیات‌های پلیس سه صرافی متخلف پلمب و به تعدادی هم تذکر داده شد.

سردار رحیمی درباره قیمت فروش ارز عنوان کرد: قیمت فروش ارز همان قیمتی است که به‌طور روزانه از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود و هیچ یک از صرافی‌ها اجازه فروش ارز با قیمتی متفاوت از نرخ مصوب را ندارند و پلیس نیز در صورت مشاهده با این تخلف برخورد خواهد کرد. در این خصوص تیم‌های مختلف پلیس در سطح شهر حضور دارند و به‌طور محسوس و نامحسوس بر این موارد نظارت می‌کنند.

بازداشت قاتل مادر در بیمارستان

■ آرمین بینا

طلاق پدر و مادر پسر نوجوان انگیزه‌ای شد تا او در انتقامی کور، مادرش را به قتل برساند. متهم بعد از ارتکاب جنایت از تهران به مشهد گریخت تا اینکه بازداشت شد.

بامداد دوشنبه بیست و یکم آذر ماه امسال، قاضی محمد حسین زارعی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۴۴ تهرانپارس از قتل زن میانسالی در خانه‌اش با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی داخل پذیرایی آپارتمان مسکونی در شرق تهران با جسد خون آلود زن میانسالی به نام سهیلا روبه‌رو شدند که با ضربات متعدد چاقو به گردن و شکم به قتل رسیده‌بود.

نخستین بررسی‌ها نشان داد مقتول چند سال قبل از شوهرش طلاق گرفته و در این خانه همراه دو پسر ۱۹ و ۲۲ ساله‌اش به نام‌های کیوان و پیمان زندگی می‌کرده‌است.

پیمان که موضوع قتل مادرش را به پلیس خبر داده‌بود، گفت: «پدر و مادرم سال‌ها قبل از هم جدا شدند و بعد از آن من همراه مادرم زندگی می‌کردم و برادر کوچک‌ترم کیوان همراه پدرم زندگی می‌کرد. مدتی قبل پدرم به زندان افتاد و برادرم برای زندگی پیش ما آمد. صبح مثل همیشه به محل کارم رفتم تا اینکه ساعتی قبل به خانه برگشتم، اما هر چقدر در زدم کسی در را باز نکرد. وقتی با کلیدم در را باز کردم با جسد خونین مادرم روبه‌رو شدم و موضوع را به پلیس خبر دادم.»

■ ردپای قاتل

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران پلیس در بررسی محل حادثه دریافتند به احتمال زیاد قاتل فرد آشنایی است که بدون تخریب قفل در وارد خانه شده و در فرصت مناسب زن میانسال را غافلگیر کرده و به قتل رسانده‌است. از سوی دیگر تحقیقات حکایت از آن داشت کیوان که سابقه اعتیاد به موادمخدر داشته و همراه مادرش زندگی می‌کرده‌است، پس از حادثه به طرز مشکوکی ناپدید شده و خانه‌شان را به مکان نامعلومی ترک کرده‌است. بدین ترتیب مأموران پلیس به دستور بازپرس کیوان را به عنوان مظنون به قتل مادر تحت تعقیب قرار دادند.

■ بازداشت در بیمارستان

در حالی که تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری ادامه داشت، چند روز قبل به مأموران پلیس خبر رسید رهگذرانی در یکی از خیابان‌های شهرستان مشهد پیکر نیمه جان پسر جوانی را به نام کیوان که شباهت زیادی به قاتل فراری دارد و می‌خواسته به زندگی‌اش پایان دهد، پیدا و برای درمان به بیمارستانی منتقل کرده‌اند.

با اعلام این خبر، مأموران پلیس با گرفتن نیابت قضایی راهی مشهد شدند و در بیمارستان قاتل فراری را شناسایی کردند. قاتل پس از بهبودی نسبی به تهران منتقل شد و صبح دیروز مقابل قاضی محمد حسین زارعی بازپرس پرونده با اظهار پشیمانی به قتل مادرش اعتراف کرد. متهم برای ادامه تحقیقات و بررسی سلامت روحی و روانی‌اش به پزشکی قانونی معرفی شد.

گفت‌وگو با قاتل

کیوان چه شد که مادرت را به قتل رساندی؟

از مادرم کینه به دل داشتم و شاید شب‌ها و روزها دنبال فرصتی بودم از او انتقام بگیرم، اما الان متوجه شدم اشتباه کردم.

چرا از مادرت کینه داشتی؟

کینه من از مادرم به سال‌ها قبل بر می‌گردد. ۹ ساله بودم پدر و مادرم از هم جدا شدند و من از آن زمان به بعد با پدرم زندگی می‌کردم و برادر بزرگ‌ترم همراه مادرم شد.

هر چقدر بزرگ‌تر می‌شدم به این فکر می‌کردم که چرا مادرم مرا تنها گذاشت و از طرفی هم پدرم و بستگانم پشت سر مادرم بدگویی می‌کردند، اما خبر نداشتم که مادرم به خاطر اخلاق بد پدرم و کتک‌هایی که می‌خورد، از پدرم جدا شده‌است. به هر حال این حس بد در من بود و از سوی دیگر هم وضعیت پدرم نیز مناسب نبود و گاهی هم به خاطر خلاف‌هایی که می‌کرد، به زندان می‌افتاد و من همیشه بی‌سر و سامان بودم.

چقدر درس خواندی؟

درس هم خوانده‌ام، البته دیپلم نگرفته‌ام، چون کار می‌کردم. آشپز یک رستوران بودم و پول در می‌آوردم.

معتادی؟

بله چند سال قبل معتاد به حشیش و گل شدم، اما سه سال است ترک کرده‌ام.

چه شد که تصمیم گرفتی همراه مادرت زندگی کنی؟

چند ماه قبل پدرم به زندان افتاد و من حیران و سرگردان کوچه و خیابان بودم. در واقع کارتن‌خواب شده‌بودم، چون کار هم نمی‌کردم تا اینکه دو ماه قبل از حادثه مادرم مرا پیدا کرد و پیش خودش برد و از آن روز به بعد همراه او و برادرم زندگی می‌کردم.

درباره شب حادثه توضیح بده؟

همانطور که گفتم از مادرم کینه داشتم و شب حادثه وقتی متوجه شدم برادرم دیر به خانه می‌آید، نقشه‌ام را اجرا کردم. البته می‌خواستم به زندگی خودم هم پایان بدهم و به همین دلیل پس از قتل با چاقو رگ گردنم را زدم، اما فوت نکردم. حتی روز بعد دارو خریدم، اما دارو هم اثر نکرد و بعد به مشهد فرار کردم.

مشهد هم خودزنی کردی؟

وقتی به مشهد رسیدم رگ گردنم، عفونت کرده‌بود که به دارو خانه رفتم و مقدار زیادی قرص خریدم و پودر آن را روی زخمم ریختم و باقیمانده آن را هم خوردم تا به زندگی‌ام پایان دهم و بی‌هوش شدم و وقتی به هوش آمدم دیدم روی تخت بیمارستان هستم.

حرف آخر؟

پشیمان هستم.

روانشناس قلابی گرفتار پلیس شد

مرد فریبکار که با معرفی خودش به عنوان روانشناس از دختران کلاهبرداری می‌کرد، بازداشت شد.

سرهنگ سید احمد موسوی، رئیس پلیس فتا استان زنجان گفت: چندی قبل دختری جوان به مأموران پلیس فتا زنجان خبر داد که در دام مردی فریبکار گرفتار شده‌است. شاکی گفت: هنگام بررسی صفحات اینستاگرام با مردی آشنا شدم که خودش را روانشناس معرفی کرد. تصاویر او نشان می‌داد او ظاهراً مردی تحصیلکرده است که به او اعتماد کردم و عکس‌های خصوصی‌ام را برایش ارسال کردم. بعد از آن او تماس گرفت و درخواست پول کرد. او گفت اگر به حسابش پول واریز نکنم، عکس‌های خصوصی‌ام را منتشر می‌کند که تصمیم به شکایت گرفتم. با اطلاعاتی که شاکی در اختیار پلیس گذاشت، مأموران در این‌باره تحقیق کردند و موفق شدند مخفیگاه متهم را شناسایی و او را بازداشت کنند. متهم در جریان بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد که تحقیقات بیشتر از وی جریان دارد.

کودکربایی ناکام ۳ مرد افغان

سه مرد افغان وقتی دختر خردسالی را داخل کوچه‌ای در حال بازی دیدند، به بهانه خرید خوراکی او را به مکان خلوتی بردند و پس از سرقت طلاهایش قصد ربودنش را داشتند که ناکام ماندند. مأموران پلیس یکی از متهمان را دستگیر و دو نفر دیگر را تحت تعقیب قرار دادند.

به گزارش جوان، قبل از ظهر روز دوشنبه پنجم دی‌ماه رهگذرانی در یکی از کوچه‌های اطراف خیابان قائم‌مقام در مرکز تهران متوجه گریه‌های دختر خردسالی شدند که سه مرد جوان قصد داشتند او را با خود ببرند. درحالی که دختر خردسال گریه امانش نمی‌داد و مدام مادرش را صدا می‌زد، رهگذران به کمک او شتافتند و سه مرد ناشناس هم با دیدن مردم به سرعت فرار کردند و ناپدید شدند. با اعلام این خبر به سرعت تیمی از مأموران کلانتری سنایی راهی محل شدند و دریافتند لحظاتی قبل سه مرد ناشناس پس از سرقت طلاهای دختر شش ساله قصد داشتند او را بربایند، اما موفق نشدند و با دیدن رهگذران فرار کردند. مادر دختر شش ساله گفت: «مدتی است همراه شوهر و دخترم مهتاب به عنوان سرایدار در یکی از ساختمان‌های این کوچه زندگی می‌کنیم. امروز من مشغول نظافت خانه یکی از ساکنان ساختمان بودم و دخترم در خانه بود تا اینکه دقایقی قبل متوجه شدم سه مرد قصد داشتند او را بربایند. دخترم برای بازی به کوچه رفته بود که سه مرد جوان به او نزدیک می‌شوند و به بهانه خرید خوراکی، او را همراه خود می‌برند. آدم‌ربایان به زور طلاهای دخترم را از گردن و دستش بیرون آوردند و قصد داشتند او را با خود ببرند که با گریه‌های دخترم، رهگذران متوجه می‌شوند و آدم‌ربایان سارق هم فرار می‌کنند.»

■ بازداشت یک متهم

با طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی محمدتقی شعبانی، بازپرس دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از مأموران پلیس قرار گرفت. مأموران در تحقیقات میدانی و بررسی دوربین‌های مداربسته محل حادثه متوجه شدند سه مرد آدم‌ربا کارگران افغانی هستند که در آن نزدیکی کارگری می‌کردند.

بدین ترتیب سه متهم تحت تعقیب قرار گرفتند و در نهایت یک روز قبل مأموران یکی از متهمان را شناسایی و بازداشت کردند.

متهم پس از دستگیری جرم خود را انکار کرد و در ادعایی گفت: «روز حادثه من در محل کارم بودم و اصلاً دختر خردسال را ندیده‌ام که بخواهم او را همراه همدستانم بربایم. من خودم دو دختر دارم و همراه همسر و فرزندانم زندگی می‌کنم و جرمی هم مرتکب نشده‌ام.»

درحالی که متهم جرم خود را انکار می‌کرد دختر خردسال وی را در میان تعدادی متهم دیگر شناسایی کرد و با دیدن او دست و پایش به لرزه افتاد و شروع به گریه کرد. همزمان با ادامه تحقیقات از متهم، مأموران در تلاشند تا همدستان وی را شناسایی و بازداشت کنند.

مفقودی

برگه کمپانی و برگه سبز و بنچاق محضری خودرو سواری پژو PARSXU۷P به رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره موتور NAANA۱۵E۹NH۴۰۶۶۳۳ و شماره شاسی ۱۲۵K۰۰۴۶۸۶۷ و شماره پلاک ۴۳۷ج۹۴ ایران ۶۸ به نام منوچهر محمدی شیر تری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. الف ل

مفقودی

فاکتور فروش سیلندر خودرو پژو ۴۰۵GLX۱۸۰۰i مدل ۱۳۸۲ به رنگ مشکی متالیک و شماره پلاک ایران ۳۰-۱۵۸م۶۱ و شماره موتور ۲۲۵۶۸۲۲۴۴۴۷ و شماره شاسی ۰۰۸۲۰۲۳۷۹۸ متعلق به یوسف حاتمی چنار با کد ملی ۱۶۳۸۵۰۷۵۵۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

مفقودی

برگ سبز سواری هاچبک پژو ۲۰۶ tu۵ مدل ۱۳۹۹ به رنگ سفید روغنی و شماره موتور ۱۶۷B۰۰۹۱۶۴۰ و شماره شاسی NAAp۱۳FEXLJ۰۴۶۹۸۹ و شماره پلاک ۹۶۷د۵۹ ایران ۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. گلستان

مفقودی

سند مالکیت و فاکتور فروش سواری هاچبک چری مدل ۱۳۹۵ به رنگ مشکی متالیک به شماره موتور MVM۴۸۴FTAG۰۱۳۲۵۴ و شماره شاسی NATGBATL۹G۱۰۱۰۱۲۳ و شماره پلاک ۷۲۹ب۸۹ ایران ۷۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. گلستان

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی خودرو سواری پراید تیپ جی‌تی‌ایکس‌آی مدل ۱۳۸۳ به رنگ سورمه‌ای متالیک به شماره پلاک ایران ۶۸-۱۱۶ل۵۷ و شماره موتور ۰۰۹۹۹۹۵۲۴ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۳۳۷۸۷۳۹ متعلق به زهره افضلی تیری با کد ملی ۰۳۲۱۳۳۲۸۰۶ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. الف ل

مفقودی

برگ سبز و برگ کمپانی خودرو پژو هاچبک ۲۰۷i-AT مدل ۱۳۹۹ به رنگ سفید روغنی و شماره پلاک ایران ۶۸-۷۲۹هـ۶۸ و شماره موتور ۱۷۷B۰۰۴۳۶۹۱ و شماره شاسی NAAR۱۳FE۵LJ۰۹۱۶۶۸ متعلق به محمدرضا قنبری با کد ملی ۰۳۲۳۳۳۰۰۵۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پژو TU۵ پارس مدل ۱۴۰۱ به شماره موتور ۱۳۹B۰۳۰۳۷۳۲ و شماره شاسی NAAN۱۱FE۴NH۴۸۵۹۴۹ به نام پری‌ناز ظهرابی با شماره ملی ۲۳۰۱۰۴۶۸۳۴ و شماره پلاک ایران ۶۳-۴۹۲ب۱۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. شیراز

مفقودی

برگ سبز خودرو سواری سورن +EF۷ مدل ۱۴۰۰ به شماره شاسی NAACS۱HE۸MF۰۸۰۲۶۷ و شماره موتور ۱۴۷H۰۶۱۳۰۳۱ و شماره پلاک ایران ۴۰-۷۲۴ی۸۷ به نام افسر محمدی سردارآباد با شماره ملی ۱۴۲۱۱۱۰۵۴۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. شیراز

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۶۳۶ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خلیل عاقبتی فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۸۲ صادره از فریمان در یک قطعه زمین مزروعی به‌مساحت ۸۴۲۶۵ مترمربع پلاک ۳۷۸ فرعی از ۲۳۱ اصلی واقع در بخش ۱۳ از مالکیت رسمی متقاضی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵
محمدرضا رجایی‌مقدم- رئیس ثبت اسناد و املاک فریمان

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۶۳۷ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مسعود عاقبتی فرزند غلامحسین به‌شماره شناسنامه ۴۸۶ صادره از مشهد، در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰۰۰۰ مترمربع پلاک ۳۷۸ فرعی از ۲۳۱ اصلی واقع در بخش ۱۳ خریداری از مالکیت رسمی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵
محمدرضا رجایی‌مقدم- رئیس ثبت اسناد و املاک فریمان

چشم‌انداز

پس از نشست در مسکو انجام می‌شود

عقب‌نشینی ترکیه از شمال سوریه

دیدار وزرای دفاع ترکیه و سوریه پس از ۱۱ سال که در مسکو انجام شد بلافاصله تأثیر خود را در عرصه میدانی نشان داد و به گفته رسانه‌های سوری، آنکارا با خروج نیروهایش از شمال سوریه موافقت کرده است؛ اقدامی که مقدمه‌ای برای عادی‌سازی روابط و دیدار رؤسای جمهور دو کشور است تا پس از یک دهه تنش، مناسبات دیپلماتیک را از سر بگیرند.

ترکیه که از زمان شروع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، با حمایت از گروه‌های تروریستی روابط خود را با دمشق قطع کرد در ماه‌های اخیر در چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای نسبت به عادی‌سازی روابط با دولت سوریه ابراز تمایل کرده است. پس از دیدار رؤسای سازمان‌های اطلاعاتی سوریه و ترکیه، این بار وزرای دفاع دو کشور هم در مسکو با یکدیگر گفت‌وگو کردند. روزنامه الوطن سوریه مدعی شد که ترکیه در نشست سه‌جانبه مقامات سوریه، ترکیه و روسیه در مسکو نسبت به خروج تمامی نیروهای خود از خاک سوریه متعهد شده است. منابع آگاه در دمشق به الوطن گفتند: جو نشست سه‌جانبه‌ای که در مسکو و با نظارت روسیه برگزار شد، نتیجه دیدارهایی بود که از قبل بین دستگاه اطلاعات ترکیه و سوریه برگزار شده بود. این منابع افزودند: «این نشست در صورت عدم وجود نقاطی که بین دو طرف پیرامون آنها توافق شده بود و پاسخگوی منافع دمشق و شروط آن از جمله عقب‌نشینی نیروهای ترکیه از کل خاک سوریه بود، برگزار نمی‌شد.» یک منبع که خواست نامش فاش نشود، گفت که رسانه‌های ترکیه و به‌ویژه نزدیک به رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور این کشور به صورت گسترده‌ای درباره نزدیک‌سازی سوریه و ترکیه زمینه‌سازی کرده بودند.

حلوصی آکار، وزیر دفاع ترکیه پس از بازگشت از مسکو درباره توافقات سه‌جانبه در مسکو گفت که آنکارا به حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه احترام می‌گذارد. به نوشته خبرگزاری آناتولی، آکار گفت: «ترکیه در سوریه هیچ هدفی جز مبارزه با گروه‌های تروریستی و تأمین امنیت مرزهای‌مان ندارد و ما تأکید کردیم باید اعضای سازمان‌های تروریستی را از بین ببریم». این مقام ارشد ترکیه سپس گفت: «به نظر ما اقداماتی که بعد از این انجام می‌گیرد، به‌طور جدی نقش مهمی در صلح و ثبات منطقه به خصوص سوریه خواهد داشت. توافق کردیم که چنین نشست‌هایی در آینده نیز برگزار شود و ما به وظایف خود عمل خواهیم کرد و تلاش می‌کنیم که صلح و ثبات را در نزدیک‌ترین ممکن بازگردانیم». وزارت دفاع روسیه هم در بیانیه‌ای نشست سه‌جانبه را مفید ارزیابی کرده بود که می‌تواند در نزدیکی سیاست‌های ترکیه و سوریه گره‌گشا باشد.

■ مقدمه‌ای برای دیدار اردوغان و اسد

ادعای عقب‌نشینی ترکیه از مناطق شمالی سوریه درحالی است که ارتش ترکیه در هفته‌های اخیر خود را برای اجرای عملیات زمینی با هدف مقابله با گروه‌های تروریستی کرد آماده می‌کرد و تسلیحات و تجهیزات نظامی خود را نیز در مرزهای دو کشور مستقر کرده بود اما بنابه دلایلی که به نظر می‌رسد سیاسی بود، این عملیات تاکنون انجام نشده است. ترکیه با عقب‌نشینی از مرزهای سوریه سعی دارد به دمشق امتیاز داده و زمینه را برای عادی‌سازی روابط آماده کند. اخیراً اردوغان گفته بود که دیدار با بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه بعید نیست و برخی منابع گفته‌اند که این دیدار احتمالاً طی ماه‌های آینده در مسکو انجام شود. مقامات سوریه خروج نیروهای ترکیه از اراضی اشغالی را شرط اصلی برای توافقات عادی‌سازی اعلام کرده‌اند و اقدام جدید آنکارا هم احتمالاً با هدف نشان دادن حسن‌نیت و برای جلب اعتماد دمشق انجام شده است.

علاوه بر روابط سیاسی، موضوعات دیگری هم وجود دارند که نیاز به همکاری دو کشور دارد. مسئله آوارگان سوری که از ۱۰ سال پیش در خاک ترکیه مستقر هستند در ماه‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته است و آنکارا قصد دارد با توافقات با طرف سوری این پناهندگان را به کشورشان بازگرداند. حلوصی آکار در این باره گفت که ترکیه در راستای ممانعت از ورود مهاجران غیرقانونی سوری به این کشور اقدام خواهد کرد و توضیح داد که اقدامی علیه پناهندگان سوری که در این کشور هستند انجام نخواهد شد. مولود چاووش اوغلو، وزیر خارجه ترکیه هم گفت که دولت سوریه به بازگشت آوارگان به کشورش تمایل دارد و ضروری است که ترکیه با دمشق در جهت تحقق صلح و ثبات همیشگی و تضمین بازگشت امن آوارگان در ارتباط باشد.

واکنش

صنعا: عربستان با آتش بازی نکند

عضو شورای عالی سیاسی یمن در سخنانی بر ستاندن حق و حقوق ملت کشورش چه از طریق صلح و چه از طریق جنگ تأکید کرد.

به گزارش خبرگزاری المعلومه، محمد صالح النعیمی، عضو شورای عالی سیاسی یمن روزشنبه در سخنانی اظهار کرد: تمایل و تلاش عربستان سعودی به پایان دادن به جنگ در یمن طبق شروط و خواسته‌های خود، آرزوهایی غیر منطقی و به دور از واقعیت موجود است. وی تأکید کرد: به حکومت عربستان می‌گوییم که با آتش بازی نکند، حق و حقوق ملت یمن از بین نخواهد رفت و چه از طریق صلح و چه از طریق جنگ از متجاوزان گرفته خواهد شد. النعیمی ادامه داد: «حکومت سعودی باید این واقعیت را بپذیرد که ملت یمن واقعیتی را تحمیل کرده‌اند که با دوره پیش از انقلاب ۲۱ سپتامبر متفاوت است.» از سوی دیگر، به دنبال هشدارهای مداوم مقامات صنعا و تأکید آنها بر پاسخ نظامی به اقدامات اقتصادی علیه یمن و همچنین سرقت منابع نفتی این کشور توسط ائتلاف متجاوز عربی به سرکردگی عربستان سعودی، یک رسانه عرب زبان در این باره اعلام کرد، صنعا موفق شد ریاض را ناگزیر به عقب‌نشینی از اجرای یک طرح اقتصادی جدید کند که قصد داشت با پیاده‌سازی آن محاصره اقتصادی دولت نجات ملی یمن وابسته به جنبش انصارالله را تشدید کرده و آن را به چالش بکشد. روزنامه الاخبار در این باره به نقل از منابع نزدیک به دولت مستعفی یمن در عدن نوشت، عربستان به دولت معین عبدالملک، نخست‌وزیر دولت مستعفی یمن دستور داده است تا اقدامات اقتصادی برنامه ریزی شده علیه صنعا که قرار بود در ابتدای سال جدید میلادی اجرایی شود را به حالت تعلیق دربیاورد. هدف عربستان از تشدید محاصره اقتصادی صنعا این بود که دولت نجات ملی یمن را از تصمیم جلوگیری از صادرات نفت خام از استان‌های جنوبی این کشور منصرف کند. این منابع گفتند: این تصمیم عربستان پس از آن اتخاذ شد که هیئت میانجیگر عمان میان طرف‌های یمنی پس از مذاکرات و گفت‌وگو پایتخت این کشور را ترک کرد. این کاهش تشدید جنگ اقتصادی که شامل توقف روند توقیف کشتی‌های حامل سوخت یمن در جیبوتی خواهد بود، در راستای فراهم کردن زمینه مناسب برای تلاش‌های عمان به منظور برقراری صلح در یمن صورت می‌گیرد.

طومار اعتراض خیابانی علیه نتانیاهو

اساتید دانشگاه، روشنفکران، نویسندگان و بازیگران در سرزمین‌های اشغالی از کابینه جدید نگرانند

تندروترین کابینه رژیم صهیونیستی سومین روز خود را با موجی گسترده از مخالفت‌ها در داخل پشت سر گذاشت. روشنفکران، نویسندگان، اساتید دانشگاه، نمایشنامه‌نویسان، کارگردانان و بازیگران عریضه‌ای امضا کرده‌اند که خواستار حضور در خیابان‌ها علیه کابینه بنیامین نتانیاهو هستند. وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی، با ابراز نگرانی نسبت به افزایش تنش‌ها در سرزمین‌های اشغالی با روی کار آمدن کابینه جدید گفت که «بنیامین نتانیاهو» برای امنیت داخلی این رژیم خطرناک است.

■■■

۶۲۳ افسر سابق اسرائیل با امضای نامه‌ای و ارسال آن برای رئیس دادگاه عالی، مشاور حقوقی دولت و دادستان کل رژیم صهیونیستی، خواستار جلوگیری از تصویب قوانینی از سوی کابینه نتانیاهو شده‌اند که بر سیستم قضایی اسرائیل تأثیر می‌گذارد. این، نشانه‌ای فزاینده از نگرانی در جامعه اسرائیلی از تبعات کابینه جدیدی است که نتانیاهو آن را سکاندار می‌کند. همزمان، روزنامه عبری هاآرتص طوماری را با امضای روشنفکران، نویسندگان، اساتید دانشگاه، نمایشنامه‌نویسان، کارگردانان و بازیگران منتشر کرده که امضاکنندگان در آن خواستار حضور در خیابان‌ها علیه کابینه جدید بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر جدید رژیم صهیونیستی شده‌اند. در این طومار نسبت به قوانین مذهبی ابراز نگرانی شده که کابینه تندرو نتانیاهو درصدد تصویب آن است. امضاکنندگان این عریضه تأکید کردند که تصویب چنین قوانینی به «آزادی» و «دموکراسی» ضربه خواهد زد. پیش از این، بیش از ۳۰۰ خاخام امریکایی با امضای نامه‌ای درباره تبعات فاجعه‌بار سیاست‌های دولت افراطی بنیامین نتانیاهو هشدار داده‌اند. همچنین، وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی بنی گانتس برای چندمین بار طی روزهای اخیر گفت که بسیار نگران است و نسبت به مسیری که نتانیاهو در آن قدم گذاشته، هشدار می‌دهد. گانتس با بیان اینکه نتانیاهو فردی تندرو و برای امنیت داخلی اسرائیل خطرناک است، افزود که در صورت رفتار غیرمسئولانه کابینه جدید اسرائیل، تنش‌های امنیتی ایجاد خواهد شد.

انتقادات در مطبوعات عبری هم با شدت ادامه دارد. روزنامه یدیعوت آحارونوت، پرفروش‌ترین روزنامه در اراضی اشغالی نوشت، بیشترین نگرانی در مورد تغییر اساسی در نظام اسرائیل و اصلاح دستگاه قضایی این است که یک دگرگونی کامل در ماهیت دموکراتیک صورت بگیرد و یاریو لیوین به عنوان وزیر دادگستری انتخاب شود. در میان وزارتخانه‌ها، وزارت دادگستری که به لیوین، از چهره‌های نزدیک به نتانیاهو محول شده، بیشترین توجه را به خود جلب کرده است. هاآرتص، روزنامه متمایل به چپ، نوشته هدف از انتصاب یاریو لیوین روشن است، هدف این است که با اجازه دادن به پارلمان برای دور زدن قوه قضائیه، حاکمیت قانون، نهادها و کل سیستم را از بین ببرد. در اراضی اشغالی که قانون اساسی ندارد، دادگاه عالی می‌تواند قوانینی را که نمایندگان پارلمان تصویب کرده‌اند، در صورتی که به عنوان مثال آنها را تبعیض‌آمیز بدانند، لغو کند، اما کابینه جدید رژیم صهیونیستی می‌خواهد «بند استثنایی» را تصویب کند که به آن اجازه می‌دهد قانونی را که توسط قضات رد شده است، مجدداً وارد فاز اجرایی کند.

■ درگیری در کرانه باختری

در خارج از سرزمین‌های اشغالی، چشم‌انداز چندان روشنی درباره کابینه نتانیاهو وجود ندارد. در حالی که جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید قرار است برای بررسی سیاست‌های کابینه جدید به‌زودی راهی تل‌آویو شود و با نتانیاهو ملاقات کند، این سفر بیش از آنکه نشان‌دهنده چشم‌انداز گرم مناسبات آتی تل‌آویو - واشنگتن باشد، بازتاب نگرانی دولت بایدن از کابینه جدید و کوششی پیشگامانه برای مهار آن است. روزنامه اردنی «الغد» نوشت که بنابر پیش‌بینی مسئولان صهیونیست «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه امریکا نیز پس از سالیوان به فلسطین اشغالی سفر خواهد کرد و احتمالاً نتانیاهو نیز فوریه آینده به واشنگتن برود. گسترش شهرک‌سازی و همچنین الحاق کرانه باختری جزو اولویت‌های نتانیاهو است، رویکردی که تنش‌ها را در داخل و همچنین در سطح بین‌المللی تشدید خواهد کرد. در تازه‌ترین تحول، نظامیان صهیونیست، دیروز بیش از دو ساعت با جوانان در نابلس درگیر شدند. ساکنان شهر نابلس می‌گویند که کابینه جدید رژیم صهیونیستی در اولین عملیات نظامی خود نابلس را هدف گرفته و تلاش می‌کند شماری از جوانان این شهر را بازداشت کند یا به شهادت برساند. به گفته شاهدان، نابلس روز جمعه چیزی شبیه به میدان جنگ شده بود؛ از یک سو فریاد و جیغ مردم شنیده می‌شد و از سویی دیگر ارتش رژیم صهیونیستی در حال شلیک و هشدار و تهدید ساکنان بود. برخی از جوانان نابلسی هم در حال پرتاب سنگ به نظامیان صهیونیست بودند.

■ سازمان ملل قطعنامه ضد صهیونیستی تصویب کرد

مجمع عمومی سازمان ملل بامداد روز شنبه با اکثریت آرا پیش‌نویس فلسطینی درخواست برای صدور حکمی قانونی از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره ماهیت حقوقی اشغالگری اسرائیل در سرزمین فلسطین از جمله قدس اشغالی را تصویب کرد. این قطعنامه از دیوان لاهه می‌خواهد درباره اشغالگری رژیم صهیونیستی رأی صادر کند. خبرگزاری معا گزارش داد، ۸۷ کشور عضو به این پیش‌نویس رأی موافق داده و در مقابل ۲۶ عضو با آن مخالفت کرده و ۵۳ کشور نیز در رأی‌گیری شرکت نکردند. ریاض منصور، نماینده دائم فلسطین در سازمان ملل نیز از هیئت‌هایی که از این پیش‌نویس حمایت کرده و به آن رأی موافق دادند، تشکر کرد. با این حال، جنبش مقاومت اسلامی فلسطین اضافه کرد: «مادامی که امریکا به عنوان شریک اشغالگران عمل می‌کند و برای آنها سرپوش فراهم می‌نماید، قطعنامه‌ها جوهر روی کاغذ خواهند بود.» حماس همچنین تأکید کرد: «تصمیمات [سطح] دیپلماتیک تشکیلات [خودگردان فلسطین] ناشی از ناتوانی آنها در تقابل واقعی با اشغالگران و ضعف سیستم کاری خود آنهاست.»

گزارش ۲

نشست تخصصی مبارزه با تروریسم در غرب آسیا

شهادت سردار سلیمانی ترجمان موج پنجم تروریسم است

رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در جریان نشستی با حضور سخنگوی وزارت خارجه و رئیس کمیته ویژه پیگیری حقوقی و بین‌المللی پرونده ترور شهید سلیمانی، ترور فرمانده فقید نیروی قدس را عامل تبیین‌کننده موج پنجم تروریسم دانست که بسیار با تروریسمی که ماه‌های اخیر در کشور رخ داده است، شباهت دارد.

■■■

محمدحسن شیخ‌الاسلامی دیروز در میزگرد تخصصی مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری در منطقه غرب آسیا که در محل مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار شد، با بیان اینکه ترور شهید قاسم سلیمانی از جنبه‌های مختلف پدیده‌ای منحصر به فرد است، گفت: «مطالعه در موضوع تروریسم تاریخ طولانی دارد. ترور ددمنشانه عالی‌ترین مقام نظامی یک کشور در حالی که مهمان رسمی در قلمرو کشور ثانویه است و دولت ثالث با وقاحت مسئولیت این اقدام را می‌پذیرد، قابل پیگیری است.» این دیپلمات تصریح کرد: «در روابط بین‌الملل تروریسم از جنبه سه موج مورد توجه است. نخست موج اول که مربوط به آنارشیسم اوایل قرن نوزدهم است و موج دوم مربوط به تروریسم ضد استعماری و مربوط به جنگ جهانی دوم است و موج سوم مذهبی است. در سال‌های اخیر با ظهور داعش موج چهارم شکل گرفت که به دلیل ترکیب آن با فناوری و نوع فعالیت آنها، ادبیات جدیدی در تروریسم ایجاد کرد.» شیخ‌الاسلامی ادامه داد: «شهادت سردار سلیمانی، موج پنجم تروریسم را تبیین کرد که جزئیات آن قابل بازشناسی و بررسی است. من شهادت سردار سلیمانی را با گونه‌ای از تروریسم که در ماه‌های اخیر در کشور رخ داد شبیه می‌دانم. به این نحوه که با سوءاستفاده از اعتراضات به حق مردم، دشمنان شکل جدیدی از تروریسم را ایجاد کردند. به عبارتی غرب با شبکه‌های تلویزیونی مورد حمایت خود انواع شیوه‌های تروریستی را ترویج کرده و آموزش دادند.»

■ پیگیری ترور بر مبنای کنوانسیون ۱۹۷۳

ناصر کنعانی، دیگر سخنران این نشست، با اشاره به فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه مکتب حاج قاسم شایسته مطالعه است، با بیان اینکه یکی از وجوه مهم شخصیتی حاج قاسم توان منحصر به فرد ایشان در تولید قدرت بود، اظهار داشت: تولید قدرت ملی و تولید قدرت بین‌المللی برای جهان اسلام و جریان و جبهه مقاومت. تعبیری که مقام معظم رهبری دارند این است که شهید سلیمانی نشان داد که در آن واحد می‌شود شخصیتی ملی بود و همزمان یک شخصیت امتی بود، یعنی ملی بودن تنافری با امتی بودن ندارد، کشوری بودن تنافری با جهانی بودن ندارد. حاج قاسم این دو را با هم به خوبی جمع کرد. کنعانی با بیان اینکه هزینه ترور سازمان یافته و علنی و رسمی حاج قاسم احتمالاً کمتر از تحمل شخصیت وجودی ایشان بود، گفت که به همین دلیل، همه هزینه‌ها را کرده و این شخصیت برجسته را ترور کردند.

همچنین، عباسعلی کدخدایی با بیان اینکه وزارت خارجه پیگیری‌های خوبی در زمینه پیگرد این جنایت انجام داده است، گفت: «این موضوع از سوی وزارت امور خارجه در مجامع بین‌المللی در حال انجام است و مبنای ما کنوانسیون ۱۹۷۳ است. حرمت شهید سلیمانی به عنوان عالی‌ترین مقام نظامی ما و مهمان عراق لازم‌الرعایه بوده است. ایشان دارای مصونیت بوده و مقامات امریکا مکلف به رعایت جایگاه ایشان بودند و متأسفانه این جنایت را انجام دادند.» کدخدایی گفت: «این جنایت نابخشودنی است و مقامات امریکایی که مرتکب این جنایت شدند باید محاکمه شده و به سزای اعمال خود برسند. اقداماتی با کمک مقامات عراق در حال انجام است و هم از سوی قوه قضائیه و هم مقامات رسمی در عراق که امیدواریم کمک خوبی برای پیگیری پرونده شهید سلیمانی باشد که ان‌شاءالله گزارش آن خدمت عزیزان ارائه خواهد شد.»

■ توانمندسازی نیروهای مقاومت

ایرج مسجدی، سفیر پیشین ایران در عراق در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسش خبرنگار جوان مبنی بر اینکه در شرایطی که نیروهای اشغالگر امریکا با ادعای مبارزه با تروریسم داعش به منطقه آمده بودند، سپهبد شهید قاسم سلیمانی چطور به تقویت جبهه مقاومت و به ویژه مدافعان حرم کمک کرد، گفت: «امروز جبهه مقاومت اسلامی در سرتاسر منطقه هم شخصیت شهید سلیمانی را خوب می‌شناسد و هم به مرام و مسلک ایشان اعتقاد دارند. از دید من اقدام بزرگی که شهید سلیمانی صورت داد، توانمندسازی نیروهای مقاومت اسلامی در برابر دشمنان صهیونیستی و استکباری بود.» وی درباره وضعیت کنونی جبهه مقاومت در اقصی نقاط جهان هم گفت: «شما امروز در لبنان می‌بینید که ما در لبنان یک حزب‌الله قدرتمند، در یمن یک انصارالله قدرتمند، در عراق یک حشدالشعبی بسیار قدرتمند، فلسطینی‌ها به چه توانمندی‌های بزرگی دست پیدا کرده‌اند. در واقع می‌توان گفت که فعالیت‌های شهید سلیمانی اینطور نتیجه داد و نیروهای مقاومت اسلامی از شخصیت ایشان، بهره‌مند شدند.» مسجدی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه چطور از شهادت سردار سلیمانی مطلع شد، گفت: «هر زمان که ایشان به عراق می‌آمد من مطلع می‌شدم. سردار سلیمانی برای کمک به جبهه مقابله با داعش به عراق تردد داشت. هم از لحاظ مدیریت و هم برنامه‌ریزی و لجستیکی، نقش برجسته‌ای در مواجهه با نیروهای داعش داشت که بخشی از عراق را گرفته بودند. شهید سلیمانی با دعوت رسمی وارد عراق شدند. قرار بود ۸ صبح ۱۳ دی ماه با آقای عادل عبدالمهدی ملاقات کنند که متأسفانه آن صبح تبدیل شد به جلسه من با نخست‌وزیر برای برنامه ریزی برای پس از شهادت ایشان.»

■ جنایت امریکا در تاریخ ثبت شد

مسجدی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «ما از صهیونیست‌ها انتظاری نداشتیم. رژیم اسرائیل بارها فرماندهان مقاومت را به شهادت رسانده بود و آن را اعلام می‌کردند. به طوری که چهره تروریستی این رژیم بر همه روشن بود اما اینکه دولت امریکا و شخص رئیس‌جمهور مرتکب چنین جنایتی شود به اعتقاد من، در تاریخ ثبت شد و این پرونده باید هم از لحاظ سیاسی و هم قضایی مورد پیگرد قرار گیرد. آقای سلیمانی نماد مبارزه با تروریسم در منطقه هستند و همه او را کسی می‌دانند که با تروریسم مقابله می‌کند. آقای ترامپ چه جوابی دارد؟ ما باید این پرونده را از همه جهت پیگیری کنیم. وی گفت: شهادت شهید سلیمانی باعث شد چهره امریکایی‌ها عیان شود و مردم بدانند که آنها ممکن است مرتکب هر جرم و جنایتی بشوند.» وی یادآور شد: «نکته دیگر اینکه بسیاری از جوانان و نوجوانان و افرادی که علاقه‌مند به وطن و سرزمین‌شان هستند، در پی شهادت شهید سلیمانی آنها در دفاع از سرزمین‌شان مقاوم‌تر شوند و راه شهید سلمیانی را انتخاب کنند.»

سفیر سابق ایران در عراق درباره گمانه‌زنی‌ها در مورد نقش احتمالی مصطفی الکاظمی، رئیس وقت سازمان اطلاعات و امنیت عراق و نخست‌وزیر پیشین این کشور در ترور شهید سلیمانی گفت: «آنچه من می‌توانم بگویم این است که حتما امریکایی‌ها منابعی را در سوریه، عراق و لبنان داشته‌اند که با تکیه بر آن توانسته‌اند دست به این جنایت بزنند اما در این مورد حتما باید یک دادگاه صالحه با اسناد و مدارک به آن رسیدگی کند. ما نمی‌توانیم کسی را متهم یا تبرئه کنیم. این موضوع نیازمند رسیدگی قضایی است.»

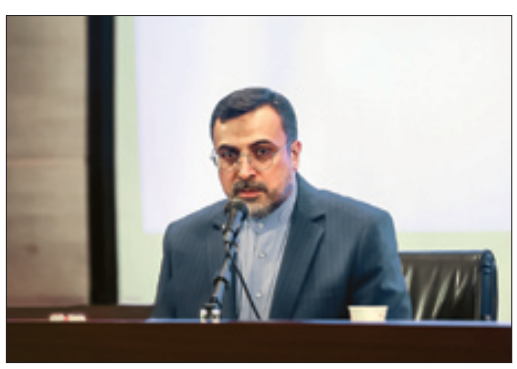

پرونده

جنگ اوکراین سود شرکت‌های تسلیحاتی امریکا را دوبرابر کرد

مجله امریکایی «فارین پالیسی» گزارش داد فروش تسلیحات امریکایی به کشورهای عضو ناتو در سال ۲۰۲۲ به لحاظ تعداد و ارزش تقریبا دو برابر شده است.

بر اساس گزارش فارین پالیسی، در حالی که درگیری در اوکراین ذخایر نظامی اروپا را خالی کرده، تاجران اصلی سلاح امریکا همگی شاهد افزایش سرسام‌آور قیمت سهام خود هستند. افزایش فروش اسلحه از واشنگتن به اروپا درحالی رخ داده که در گرماگرم عملیات نظامی روسیه در اوکراین، اعضای ناتو در تلاشند زرادخانه تسلیحاتی خود را با سلاح‌های پیشرفته پر کنند دولت امریکا سال ۲۰۲۱، ۱۴ قرارداد بزرگ فروش اسلحه به ارزش حدود ۱۵/۵ میلیارد دلار را به متحدانش در ائتلاف نظامی ناتو تصویب کرد. این رقم در سال ۲۰۲۲ به ۲۴ قرارداد بزرگ اسلحه به ارزش حدود ۲۸ میلیارد دلار افزایش یافته که از جمله این قراردادها می‌توان به قرارداد ۱/۲۴ میلیارد دلاری فروش اسلحه به عضو جدید احتمالی ناتو یعنی فنلاند اشاره کرد. به نوشته راشاتودی، گرچه برخی از این قراردادها سال‌ها قبل مذاکره شده بود، عملیات نظامی روسیه در اوکراین اعضای ناتو را به تلاش برای افزایش هزینه‌های نظامی خود و جایگزینی خودروها، تسلیحات و مهمات اهدایی به ارتش اوکراین واداشته است. علاوه بر تسلیحاتی که امریکا به متحدانش فروخته، ایالات متحده از فوریه، بیش از ۱۰ میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی به اوکراین اختصاص داده و از ۲۱ دسامبر تسلیحاتی به ارزش تقریبی ۲۱ میلیارد دلار به اوکراین منتقل شده است، به طور مثال واشنگتن تا سپتامبر موشک‌های جاولین را به ارزش یک دهه به کی‌یف داده بود، منجر به سودهای بی‌سابقه برای صنعت تسلیحات این کشور شده است. چهار پیمانکار بزرگ دفاعی امریکا همگی سال را در حالی پایان می‌برند که سهام‌شان در بالاترین سطح یا نزدیک به آن قرار دارد. قیمت سهام لاکهید مارتین در حال حاضر نسبت به همین زمان در سال گذشته، ۳۷ درصد افزایش یافته است. بوئینگ که سهامش از آغاز همه‌گیری کرونا و توقف پروازها در سراسر جهان به شدت آسیب دیده بود، در پی درگیری در اوکراین تقویت شده و اکنون تقریباً در جایی که یک سال پیش بود، قرار گرفته است. ریتون در سال جاری شاهد افزایش ۱۷ درصدی قیمت سهام خود بوده و ارزش جنرال دینامیکس ۱۸ درصد افزایش داشته است.

اخبار کوتاه

■ پاپ بندیکت شانزدهم درگذشت

پاپ بندیکت شانزدهم، نخستین پاپ بازنشسته طی ۶۰۰ سال اخیر درگذشت. به گزارش فارس، واتیکان دیروز، ۳۱ دسامبر اعلام کرد که پاپ بندیکت شانزدهم در سن ۹۵ سالگی درگذشت. چند روز پیش واتیکان اعلام کرده بود وضعیت سلامتی «یوزف راتسینگر» رهبر مستعفی کاتولیک‌ها رو به وخامت رفته است. پاپ فرانسیس رهبر کنونی کاتولیک‌های جهان نیز از همه خواست برای سلامتی او دعا کنند. پاپ بندیکت شانزدهم در سال ۲۰۱۳ استعفا کرد تا به این ترتیب نخستین پاپ طی شش قرن اخیر باشد که از سمتش بازنشسته شد. وی اعلام کرد که تصمیم گرفته بازنشستگی‌اش را در انزوا و در صومعه‌ای تغییر کاربری داده شده در باغ واتیکان سپری کند. گفته می‌شود که وی پیش از کناره‌گیری از مقام خود، ۳۸۴ کشیش را در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ در ارتباط با پرونده رسوایی جنسی پدران روحانی، خلع‌لباس کرده بود.

■ جریمه ۴ میلیون دلاری شرکت دانمارکی به بهانه نقض تحریم‌های ایران

شرکت چندملیتی «دانفوس ای/اس» با وزارت خزانه‌داری امریکا برای پرداخت جریمه در ارتباط با نقض تحریم‌های ضدایرانی به توافق رسیده است. منابع خبری گزارش داده‌اند این شرکت با توجه به متهم شدن به ۲۲۵ مورد نقض تحریم‌ها علیه ایران، سوریه و سودان با پرداخت مبلغ ۴۳۷۹۸۱۰ دلار موافقت کرده است. دولت امریکا ادعا می‌کند یکی از شرکت‌های تابعه دانفوس بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ مبادلات مالی برخی مشتری‌ها در ایران، سوریه و سودان را تسهیل کرده است.

■ کره‌شمالی باز هم موشک بالستیک آزمایش کرد

ارتش کره‌جنوبی بامداد شنبه اعلام کرد پیونگ‌یانگ اقدام به شلیک دست‌کم یک موشک بالستیک که نوع آن مشخص نیست، کرده است. مقام‌های ژاپنی هم شلیک این موشک را تأیید کردند. دفتر نخست‌وزیری ژاپن در بیانیه‌ای اعلام کرد: «کره‌شمالی چیزی که احتمالاً موشک بالستیک است شلیک کرده است.» وبگاه شبکه خبری سی‌ان‌ان گفته با شلیک این موشک کره‌شمالی در سال جاری میلادی در ۳۷ روز اقدام به آزمایش موشک کرده که این تعداد از آزمایش سلاح در یک سال را بی‌سابقه توصیف کرده است. کره‌جنوبی و ژاپن و متحدان غربی آنها نگران هستند که کره‌شمالی قصد انجام آزمایش هسته‌ای نیز داشته باشد.

■ مسکو به تلاش برای حل مسئله لاچین ادامه می‌دهد

ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه روز جمعه ضمن ابراز نگرانی از وضعیت گذرگاه «لاچین» تصریح کرد که مسکو همچنان به تلاش‌های خود برای رفع مسئله لاچین ادامه می‌دهد. بنا بر گزارش خبرگزاری روسی «تاس»، زاخاروا در جمع خبرنگاران ضمن ابراز نگرانی در خصوص عدم پیشرفت در رفع مسدودی گذرگاه لاچین گفت: «ما نگرانی خود را در خصوص فقدان پیشرفت در بازگرداندن عملکرد کامل کریدور لاچین برای تردد افراد و وسایل نقلیه و محموله‌ها در هر دو جهت مطابق با بیانیه ۹ نوامبر ۲۰۲۰ رهبران روسیه، (جمهوری) آذربایجان و ارمنستان ابراز می‌کنیم». زاخاروا در این خصوص توضیح داد: «ما هرگونه حمله آشکار یا اقدام تحریک‌آمیز علیه حافظان صلح خود را غیرقابل قبول می‌دانیم و اقدامات عامدانه، آسیب‌های ملموسی به فرایند عادی‌سازی روابط ارمنستان و آذربایجان وارد می‌کند». گروهی از اهالی جمهوری آذربایجان که مدعی هستند که از فعالان محیط زیست می‌باشند، اخیراً مسیر لاچین را که تنها مسیر زمینی مردم، کالاها، مواد غذایی و تجهیزات پزشکی برای رسیدن به قره‌باغ کوهستانی از ارمنستان و از طریق خاک جمهوری آذربایجان است، مسدود کرده‌اند.

■ سفیر چین در واشنگتن وزیر خارجه شد

«کین گانگ»، سفیر چین در واشنگتن روز جمعه به عنوان وزیر خارجه جدید چین معرفی شد. این انتصاب که روز جمعه اعلام شد در شرایطی صورت گرفته که روابط میان چین و امریکا بر سر مسائل مختلف از تجارت گرفته تا تایوان درگیر تنش شده است. او جانشین وانگ‌یی ۶۹ ساله خواهد شد که به سمت دایره سیاسی حزب حاکم کمونیست ارتقا یافت و در آنجا فعالیتش را در زمینه سیاست خارجی ادامه خواهد داد. کین گانگ که از کاربران فعال توئیتر است و حدود ۲۵ میلیون دنبال‌کننده دارد جزو مشاوران مورد اعتماد شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین است. این دیپلمات ۵۶ ساله یکی از جوان‌ترین وزیران خارجه در تاریخ جمهوری چین خواهد شد. او در نخستین اظهارنظر خود بعد از انتصاب به این سمت گفت دیپلماسی چین برای حل و فصل چالش‌های مشترک از «خرد چینی، ابتکارات چینی و قدرت چینی» بهره خواهد گرفت.

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ: همشهری
www.javanonline.ir
| روزنامه جوان | شماره ۶۶۶۳ | یک‌شنبه ۱۱ دی ۱۴۰۱ | ۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ | اذان ظهر: ۱۲:۰۸ | غروب آفتاب: ۱۷:۰۱ | اذان مغرب: ۱۷:۲۲ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۲۳ | اذان صبح فردا: ۰۵:۴۵ | طلوع آفتاب فردا: ۰۷:۱۴ |

دیده‌بان | مصطفی محمدی

میزبانی موزه فلسطین از «مرد میدان»

انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس بنیاد فرهنگی روایت فتح، نمایشگاه نقاشی و پوستر «مرد میدان» را به مناسبت سومین سالگرد سردار شهید حاج قاسم سلیمانی برگزار می‌کند.

به همت انجمن هنرهای تجسمی انقلاب و دفاع مقدس بنیاد فرهنگی روایت فتح و همکاری موزه هنرهای معاصر فلسطین نمایشگاه نقاشی و پوستر «مرد میدان» به مناسبت سومین سالروز شهادت سردار سلیمانی و هفته مقاومت برپا می‌شود. در این نمایشگاه آثار نقاشی و پوستر منتخب هنرمندان بنام حوزه تجسمی که با موضوع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی خلق شده به نمایش درخواهد آمد. نمایشگاه «مرد میدان» فردا (دوشنبه ۱۲ دی) ساعت ۱۵ در محل موزه هنرهای معاصر فلسطین افتتاح می‌شود. همچنین نمایشگاه از ۱۳ لغایت ۲۹دی(به جز ایام تعطیل) از ساعت ۱۰ الی ۱۸ و پنج‌شنبه‌ها ۱۰الی۱۵ دایر است. علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از این نمایشگاه، به نشانی میدان فلسطین، خیابان طالقانی، خیابان شهید برادران مظفر، نرسیده به تقاطع بزرگمهر، شماره ۷۴، موزه هنرهای معاصر فلسطین مراجعه کنند.

«قرار روز شانزدهم» در «هنر و تجربه»

فیلم مستند داستانی «قرار روز شانزدهم» همزمان با فرارسیدن سالروز شهادت سردار قاسم سلیمانی در سینماهای منتخب گروه سینمایی «هنر و تجربه» به نمایش در می‌آید.

به گزارش روابط عمومی «هنر و تجربه»، فیلم مستند داستانی «قرار روز شانزدهم» به کارگردانی سید محمداحسان اصغرزاده موسوی و تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی روز دوشنبه ۱۲دی ساعت ۱۸ در سینماهای «هنروتجربه» در سراسر کشور روی پرده می‌رود. تماشای این فیلم رایگان است و نیاز به خرید بلیت ندارد. فیلم «قرار روز شانزدهم» روایتی از حضور شهادت‌طلبانه یکی از مدافعان حرم و شاگردان مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی به نام محمدحسین محمدخانی معروف به عمار است.

انتشار چاپ سیزدهم «پیغام ماهی‌ها»

کتاب «پیغام ماهی‌ها» نوشته گلعلی بابایی از سوی نشر ۲۷ بعثت به چاپ سیزدهم رسید.

به گزارش «جوان»، کتاب «پیغام ماهی‌ها» شامل سرگذشت‌نامه سردار شهید حسین همدانی نوشته گلعلی بابایی، به‌تازگی توسط نشر ۲۷ بعثت و نشر صاعقه به چاپ سیزدهم رسیده‌است. چاپ اول این کتاب سال ۹۴ عرضه شد. «پیغام ماهی‌ها» اولین کتابی است که پس از شهادت شهید همدانی فرمانده جنگ‌های نامتقارن محور مقاومت و سپاه محمد رسول‌الله، درباره وی منتشر شد. این کتاب به‌عنوان اثر برگزیده سیزدهمین دوره جایزه جلال آل احمد و کتاب تحسین‌شده سال ۹۵ معرفی شد. متن کتاب شامل روایت‌هایی است که از زبان شهید همدانی ارائه می‌شوند؛ از کودکی تا بزرگسالی. به‌علاوه روایت دوستان و همسر شهید نیز از خاطراتشان با این شهید در کتاب وجود دارد و تا آخرین روزهای زندگی و شهادتش در سوریه درج شده‌اند. چاپ سیزدهم این کتاب با ۵۱۲ صفحه، شمارگان دو هزار نسخه و قیمت ۵۰ هزار تومان عرضه شده‌است.

پرونده جنایت‌های منافقین در «بدون خط‌خوردگی»

رادیو گفت‌وگو در پرونده این هفته برنامه «بدون خط‌خوردگی» به ابعاد مختلف جنایت‌های منافقین در تاریخ انقلاب اسلامی می‌پردازد.

بنا به مطالبه جدی رهبر انقلاب در راستای تاریخ‌نگاری صحیح در عرصه سیاسی کشور و بیان واقعیت‌ها برای نسل جوان کشور، برنامه «بدون خط‌خوردگی» رادیو گفت‌وگو با همراهی بنیاد هابیلیان و با حضور متخصصان و چهره‌های سیاسی و دیپلماتیک به زوایای مختلف جنایات منافقین می‌پردازد.

«بدون خط‌خوردگی» یک‌شنبه ـ ۱۱ دی ماه ـ با موضوع منافقین و جنایات در دهه ۶۰ و جنگ تحمیلی با محمدرضا سربندی، نویسنده و پژوهشگر مطالعات سیاسی؛ روز دوشنبه با موضوع منافقین و منابع مالی با مجید تفرشی، مورخ و پژوهشگر؛ روز سه‌شنبه نیز این برنامه با موضوع نقش مخرب منافقین در فتنه‌ها و اغتشاشات با محمدصادق کوشکی، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل سیاسی گفت‌وگو خواهد کرد. روز چهارشنبه، ۱۴ دی ماه نیز در جمع‌بندی این پرونده استاندارد‌های دوگانه غرب در مواجهه با تروریسم گروهک منافقین موضوع گفت‌وگو با رامین مهمان‌پرست، سخنگوی اسبق وزارت خارجه خواهد بود.

حکمت

امام سجاد علیه‌السلام:

در شگفتم از کسی که از خوردن غذایی که برایش ضرر دارد پرهیز می‌کند، اما از گناه که مایه ننگ و رسوایی است، پرهیز نمی‌کند!

میزان‌الحکمه، جلد۴، صفحه ۲۶۴

گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان لوپتو

سریال لوپتو را هم می‌سازیم

■ محمدصادق عابدینی

پویانمایی سینمایی «لوپتو» در کنار در اختیار داشتن جایگاهی خوب در جدول فروش هفتگی سینما، هفته گذشته یک جایزه بین‌المللی را نیز به دست آورد. موفقیت این کار پویانمایی لزوم تقویت جریان تولید انیمیشن حرفه‌ای در ایران را بار دیگر یادآوری کرد. عباس عسگری، نویسنده و کارگردان کرمانی «لوپتو» در گفت‌وگو با «جوان» به ساخت این انیمیشن و تولید صنعتی آثار پویانمایی در ایران پرداخته است.

■■■

می‌توان با سرمایه‌گذاری برای ایجاد استودیوهای تولید انیمیشن در مراکز استان‌ها که جمعیت بیشتری نسبت به شهرهای دیگر استان دارند از مهاجرت بچه‌های نخبه انیماتور جلوگیری کرد

به عنوان یک انیماتور، چه زمانی احساس کردید که باید یک فیلم سینمایی انیمیشن بسازید و توانایی آن را پیدا کردید؟

از سال ۸۴ که به‌طور جدی وارد کار تولید انیمیشن شدم، هدف خودم را ساخت آثار سینمایی سه‌بعدی قرار دادم. همه بچه‌هایی که با هم این کار را شروع کردیم نیز چنین هدفی را دنبال کردند. سال ۹۷ بود که پس از تولید چند سریال و کار کوتاه به این نتیجه رسیدیم که اکنون وقت ساخت فیلم سینمایی بلند است. تابستان ۹۵ کار تولید «لوپتو» را آغاز کردیم و اواخر ۹۷ کار به اتمام رسید. در همان سال می‌توانستیم برای اکران نوروز ۹۸ حضور داشته باشیم که این اتفاق نیفتاد.

بین زمان ساخت تا اکران «لوپتو» زمان زیادی طول کشید، چرا زودتر فیلم را وارد چرخه اکران نکردید؟

سال ۹۸ قرار این بود برای پس از محرم و صفر که فصل پاییز بود کار را اکران کنیم که به شلوغی‌های آن سال برخورد کردیم و متعاقب آن شهادت حاج قاسم پیش آمد و کرونا هم شروع شد. برای همین تا امسال فرصت اکران پیش نیامد.

به شهادت حاج قاسم اشاره کردید، به عنوان یک هنرمند کرمانی، ارتباطی با شهید سلیمانی داشتید؟

سال ۹۲-۹۱ بود که سریالی را تولید می‌کردیم به نام «سربازان بین‌المللی» که یک کمدی سیاسی درباره امریکا و ناتو بود. این کار از شبکه نهال پخش می‌شد. دو قسمت از سربازان بین‌المللی به موضوع جنگ سوریه می‌پرداخت. در آن سال هنوز در سوریه جنگ بود. آقای صادقی، تهیه‌کننده کار این دو قسمت را روی دی‌وی‌دی ضبط کردند و خدمت حاج قاسم بردند و از ایشان خواستند که این کار را تقدیم بچه‌های مدافع حرم در سوریه کنند. متأسفانه بیشتر از این نشد که با حاج قاسم در ارتباط باشیم.

لوپتو را در کرمان ساخته‌اید، به نظرم این باور که همه تولیدات خوب در تهران ساخته می‌شود، زیر سؤال رفت. پتانسیل تولید انیمیشن در شهرستان‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

کار سینمایی «بنیامین» هم در کاشان ساخته شده است. اکثر بچه‌هایی هم که در پایتخت کار می‌کنند همان انیماتورهای شهرستانی هستند که به تهران مهاجرت کرده‌اند. بالاخره تهران پتانسیل بیشتر و تمرکز امکانات دارد برای همین بچه‌ها را به سمت خود جذب می‌کند، اما می‌توان با سرمایه‌گذاری برای ایجاد استودیوهای تولید انیمیشن در مراکز استان‌ها که جمعیت بیشتری نسبت به شهرهای دیگر استان دارند از مهاجرت بچه‌های نخبه انیماتور جلوگیری کرد. خود من از سال ۸۰ که دبیرستانی بودم کار آموزش انیمیشن را در کرمان آغاز کردم. اگر در همان سال‌ها در دیگر شهرستان‌ها هم سرمایه‌گذاری می‌شد الان تولید انیمیشن در استان‌ها بسیار بالاتر بود.

این سرمایه‌گذاری به معنای ایجاد استودیوهای تولید انیمیشن است؟

تعداد استودیو تولید در ایران کم است، وگرنه کار ساخت لوپتو حدود دو سال و نیم طول کشید که مشابه زمانی است که در هالیوود شرکت‌هایی مانند پیکسار برای ساخت یک فیلم سینمایی انیمیشنی وقت می‌گذارند. فقط تفاوت ما این است که در آنجا حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ انیماتور برای هر فیلم سینمایی کار و زمان بیشتری برای پیش تولید صرف می‌کنند. ما نیاز داریم تعداد استودیوها را بیشتر کنیم. در ایران فکر کنم حدود ۱۰ فیلم سینمایی انیمیشن ساخته شده که بعضی از استودیوها بیش از یک فیلم ساخته‌اند. اگر تعداد استودیوها بیشتر شود، میزان ساخت آثار سینمایی هم افزایش پیدا می‌کند.

یعنی ما الان فقط از نظر تعداد پایین استودیو مشکل داریم و استودیوهای غیرفعال نداریم؟

الان اغلب استودیوهای موجود فعال هستند و کار جدید تولید می‌کنند. استودیوی خود ما هم در حال کار روی چند سیناپس و فیلمنامه است. به نظرم هر استودیو باید بین دو یا سه سال یک کار سینمایی تولید کند.

لوپتو در جشنواره‌ای در هند جایزه گرفت که اتفاق نادری در ایران است. کیفیت لوپتو در مقایسه با دیگر آثار این جشنواره چطور بود؟

احمدآباد هندوستان یکی از مراکز اصلی تولید انیمیشن در آن کشور است، اما من هنوز آثار حاضر در جشنواره را ندیده‌ام.

فیلم سینمایی «لوپتو» فروش خوبی داشته است، برنامه‌ای برای حفظ این موفقیت دارید؟

هم‌اکنون در حال تولید یک سریال برای شبکه نهال هستیم. معمولاً کارهای موفق سینمایی در قالب تولید انیمیشن ادامه می‌کنند، ما هم احتمال سریال لوپتو را خواهیم ساخت. همچنین پیشنهادهایی برای ساخت «لوپتو۲» داریم.

آیا قرار است «لوپتو» هم مانند «پسر دلفینی» اکران بین‌المللی داشته باشد؟

من بیشتر درگیر کار تولید هستم، ولی می‌دانم که مذاکراتی برای پخش «لوپتو» در روسیه و ترکیه انجام شده است.

نما | حسین کشتکار

سینما

با اجرای مراسم اصلی در حرم احمدبن‌موسی(ع)

۳۱ استان و شهرستان میزبان افتتاحیه سیزدهمین جشنواره عمار

همزمان با مراسم افتتاحیه سیزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار در حرم احمدبن‌موسی(ع) در ۱۴دی‌ماه، ۱۳استان و شهرستان کشور نیز میزبان مراسم افتتاحیه خواهد بود.

آیین افتتاحیه سیزدهمین جشنواره مردمی فیلم «عمار» در آستان مقدس حضرت احمدبن موسی‌الکاظم(ع) شاهچراغ، چهارشنبه ۱۴دی، ساعت ۱۸ برگزار می‌شود.

سیزدهمین دوره این رویداد با یاد شهدای حادثه تروریستی شاهچراغ و شهدای امنیت در این مکان مقدس آغاز می‌شود.

در آیین افتتاحیه جشنواره «عمار»، تقدیر از برگزیدگان بخش‌های نماهنگ، فیلمنامه، پویانمایی، فیلم ما و برنامه تلویزیونی نیز با حضور خانواده شهدای جنایت تروریستی شاهچراغ و مدافعان امنیت برگزار می‌شود. دبیرخانه جشنواره از عموم مردم سراسر کشور، به‌ویژه مردم شهیدپرور شیراز برای حضور در این مراسم دعوت می‌کند.

■ **آغاز به کار جشنواره فیلم «عمار» با بیش از ۳۴۰۰اثر**

در این دوره بیش از ۳ هزار و ۴۰۰ اثر برای رقابت به دبیرخانه سیزدهمین جشنواره مردمی فیلم «عمار» ارسال شده است.

بر همین اساس ۲ هزار و ۷۸۱ اثر در قالب «فیلم» و ۶۴۱ اثر در بخش «فیلمنامه» با یکدیگر رقابت خواهند کرد که در بخش «فیلم» ۹۲۲ مستند، ۱۶۱ «پویانمایی»، ۱۲۸ اثر در قالب «تولیدات تلویزیونی»، ۶۶۰ اثر «داستانی»، ۶۴۳ اثر در بخش «فیلم ما» و ۲۷۳ اثر در قالب نهامنگ به دبیرخانه ارسال شده است. در عین حال از ۶۴۱ اثر ارسالی در بخش فیلمنامه ۳۴۷ فیلمنامه کامل، ۱۹ سیناپس و ۲۷۵ طرح فیلمنامه در قالب‌های بلند، نیمه‌بلند، کوتاه و سریال است که به دبیرخانه ارسال شده که بعد از بررسی اولیه تعداد آثار نهایی پذیرفته شده، اعلام خواهد شد. اما از بین ۹۲۲ اثر مستند، ۷۹ اثر در بخش نهضت جهانی، ۴۶ اثر در قالب مستند جنگ اقتصادی و رویای ایرانی، ۲۰۸ اثر در قالب جنگ نرم، ۱۲۳ اثر در بخش تاریخ سیاسی، ۲۶۱ اثر در بخش تاریخ فرهنگی، ۱۶۴ اثر در بخش ملت قهرمان و ۴۱ اثر در بخش نقد درون گفتمانی به دبیرخانه ارسال شده‌اند.

همزمان با مراسم افتتاحیه سیزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار در حرم احمدبن‌موسی(ع) در ۱۴ دی‌ماه، ۱۳استان و شهرستان کشور نیز میزبان مراسم افتتاحیه خواهد بود. در سیزدهمین جشنواره مردمی فیلم «عمار» پس از تهران بیشترین اثر به ترتیب از استان‌های قم، گلستان، خراسان رضوی، یزد، فارس، البرز، کردستان، قزوین، گیلان، زنجان، خوزستان، چهارمحال و بختیاری و اردبیل بوده است.

نشر

انتشارات «راه یار» منتشر کرد

«سیل و سردار» خاطراتی از حضور حاج قاسم در سیل خوزستان

کتاب «سیل و سردار»، خاطرات شفاهی حضور حاج قاسم سلیمانی در سیل خوزستان به قلم محمدعلی بخشی‌پور منتشر شد.

به گزارش جوان، کتاب «سیل و سردار»، خاطرات شفاهی حضور حاج قاسم سلیمانی در سیل خوزستان به قلم محمدعلی بخشی‌پور و از سوی انتشارات «راه یار» منتشر شد.

آن منطقی که او را در دهه ۶۰ شمسی به جبهه‌های نبرد حق علیه رژیم باطل بعث و در دهه ۹۰ به مبارزه علیه داعش کشاند، همان انگیزه او را در دهه ۸۰ در میان زلزله‌زدگان بم و نهایتاً در سال ۱۳۹۸ به میان سیل‌زدگان خوزستانی آورد تا ضمن همدردی با مردم برای کاهش آلام متأثران از آن سیل کم‌نظیر قرن به چاره‌اندیشی بپردازد. کسی که به مقوله نظامی از منظر بشردوستی می‌نگرد پس حتماً برای حوادثی همچون سیل و زلزله نیز نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد و ناآرامی انسان‌ها و جان‌های خسته برای او نیز ناگوار است و این ویژگی در زلزله هولناک بم و در سیل مهیب خوزستان، بیش از پیش در حاج‌قاسم سلیمانی نمایان شد.

وارد نشدن خدشه به عنصر کرامت انسانی در سیل خوزستان برای او دغدغه مهمی بود، به‌طوری که در دیدار با گروه‌های جهادی می‌گفت: چه چیزی بالاتر از این است که کرامت یک انسان را حفظ کنید تا از خانه‌اش آواره نشود یا اینکه در اردوگاه‌ها کرامتش حفظ شود. اگر با حفظ کرامت مردم و بدون خسارت انسانی این کارها را انجام دادیم بدون شک نتیجه مهمی می‌توانیم بگیریم.

«سیل و سردار»، مجموعه‌ای از خاطرات حضور به یادماندنی سردار دل‌ها سپهبد شهید حاج‌قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در جمع مردم سیل‌زده استان خوزستان است که یادآور خاطرات آخرین روزهای حیات پربرکت او نیز هست.

کتاب «سیل و سردار»، خاطرات مردم خوزستان از حضور و کمک‌رسانی حاج قاسم سلیمانی در سیل سال ۱۳۹۸ که تحقیق آن برعهده مصطفی شالباف، جعفر الهایی بوده و تدوین آن توسط محمدعلی بخشی‌پور صورت گرفته است در ۱۴۴ صفحه، شمارگان هزار نسخه و ۴۰ هزار تومان توسط انتشارات «راه یار» منتشر شده و علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را علاوه بر کتابفروشی‌ها از سایت یا صفحات مجازی ناشر به نشانی raheyarpub.ir تهیه کنند.

بنا بر این گزارش «رستم ایرانشهر»، «چمری برای پهلوان»، «یک بغض و هزاران مشت»، «هیرمان»، «سردار گیله‌مردان»، «شروه‌ای برای حبیب»، «بر شانه‌های کارون»، «سردار سربدارها»، «حافظ دل‌ها»، «یزله بر دجله»، «سلیمانی‌ها» و «برقدرت خداست»، عناوین پیشین انتشارات «راه یار» هستند که درباره روایت‌ها و خاطرات مردمی شهرهای مختلف از ایام شهادت حاج قاسم و ابومهدی المهندس منتشر شده است.

رویداد

در قالب رویداد نمایشی «جان فدا» برگزار می‌شود

اجرای ۱۰۰نمایش در ۱۰۰ مسجد

رویداد نمایش بچه‌های مسجد «جان فدا» به مناسبت سومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی، در سطح مساجد استان تهران در دو بخش خواهران و برادران برگزار می‌شود.

به گزارش «جوان»، به نقل از روابط عمومی حوزه هنری، نیما بیگلریان دبیر رویداد نمایش بچه‌های مسجد «جان فدا» گفت: در این رویداد که به منظور گرامیداشت سومین سالگرد شهادت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی برگزار می‌شود؛ دهها نمایش بازبینی شدند و در نهایت قرار شد ۱۴ نمایش برگزیده در نوبت ظهر و عصر در ۱۰۰ مسجد در سطح استان تهران اجرا شوند.

بیگلریان ادامه داد: هم وجهه اجتماعی و هم فردی حاج قاسم قابلیت تصویرسازی دارد و قدم گذاشتن در این عرصه باید با عشق و ایمان باشد که خوشبختانه مردم ما فارغ از هرگونه گرایشی، سردار دل‌ها را دوست دارند و ایشان حتی در سطح بین‌الملل هم محبوبیت خاص خود را دارد.

دبیر رویداد مردمی تئاتر بچه‌های مسجد «جان فدا» همچنین با اشاره به موضوعات این رویداد گفت: رشادت‌ها و زندگینامه سردار سلیمانی، نقش مسجد در طول انقلاب اسلامی، مدافعان حرم، ایثارگری و شهادت در طول انقلاب اسلامی، نقش عاشورا در فرهنگ‌سازی شهادت و ایثارگری دفاع مقدس، شهدا، جانبازان، آزادگان و ایثارگران هشت سال جنگ تحمیلی از موضوعات این رویداد است.

وی افزود: تلاش ما این است به واسطه این رویداد بتوانیم اتفاقات کاربردی و مؤثری را رقم بزنیم، چراکه هنر بهترین ابزار برای معرفی است و شاید عرصه‌های دیگر نتوانند ابعادی را که هنر رو می‌کند، نمایان کنند. دبیر رویداد مردمی تئاتر بچه‌های مسجد «جان فدا» گفت: آثار هنرمندان از ۱ تا ۳ دی ماه بازبینی شدند و در نهایت ۱۴ نمایش برای اجرا در مساجد استان تهران انتخاب شدند.